

# خلیما

## ویژه‌نامه امام موسی صدر

انواع سه‌گانه ستم، رهبرانی دارد. این رهبران، بوده‌اند و اکنون نیز هستند؛ اما سرانجام ستم، در برابر اکثریت می‌شکند و ستم‌پیشه نیز خرد می‌شود؛ سپس ستمکار جامه نو بر تن می‌کند؛ جامه اثبیا<sup>۱</sup> و لباس دین. به دعوت جدیدی فرامی‌خواند و شعار دفاع از مصلحت مردم را سر می‌دهد. اعلام می‌کند که در کنار مستضعفین است. مستضعفین می‌بینند ستم از درون خودشان پا گرفته است. غضب و استبداد و استعمار و استثمار و استعمار از درون خودشان است. در این هنگام، نبردی دیگر آغاز می‌شود؛ بدین‌گونه این نبرد از ازل تا ابد، پاینده است.

این نبرد برای چیست؟ این سنت خداوند است. این نبرد همیشگی برای این است که آدمی بتواند با اراده کامل خود از میان خیر و شر، یکی را انتخاب کند و این‌گونه است که سلسله پاینده ستیز میان ستمکار و ستم‌دیده، کامل می‌شود؛ از آدم<sup>۲</sup>، برگزیده خدا و نوح<sup>۳</sup>، پیامبر خدا و عیسی<sup>۴</sup>، روح خدا و موسی<sup>۵</sup>، هم‌سخن خدا و تا محمد<sup>۶</sup>، محبوب خدا و علی<sup>۷</sup>، ولی خدا؛ از این رو واقعه کربلا یک نبرد جداافتاده و پدیده‌ای یگانه در تاریخ انسان نیست. حلقه‌ای ویژه است و به طور طبیعی با دیگر حلقه‌های تاریخ نبرد، تفاوت دارد. چنان‌که این حلقه با گذشته پیوند دارد، با آینده نیز در پیوند است. ■

گزیده‌ای از سخنرانی امام موسی صدر در ظهر عاشورا

# موضوع و موفقیت اسید موسی صدر صدر یعنی قلب بیروت و قلب ملت لبنان

## معمای امام موسی صدر در مذاکرات امام و جلود



وضع و موفقیت اسید موسی صدر  
در لبنان  
اسید موسی صدر که روحانی است، موقفت فحش در لبنان برای خود گنبد  
نموده است که میزان کثرت صدر یعنی قلب بیروت و قلب ملت لبنان  
مردم لبنان با آنکه از اردن حضور در صحن گنبد هنگامیکه از اردن  
خارج با او در لبنان میبود. نام و مجال بیروت با استقبال و با عزت گرد آمد  
مشارکت در بیروت از طرفت اعمار و امور خود است که با تقوی  
قدرت رهبری جمعی در لبنان میباشد. در نماز و عزت لبنان همه بزرگ گنبد  
موسی صدر بزرگ و مقدس و نام و مشارکت ها در بیروت و با ازها زیست که همه  
درود اعلی بود در ظاهر و ظاهر و ظاهر و ظاهر و ظاهر و ظاهر و ظاهر و ظاهر  
در بیروت معانی است که بنام و تقوی و عزت و عزت و عزت و عزت و عزت و عزت  
سواران و سواران و سواران و سواران و سواران و سواران و سواران و سواران  
از اردن و با احترام و با احترام و با احترام و با احترام و با احترام و با احترام  
موسی صدر را خب بزرگترین که در لبنان می باشد. بنام و عزت و عزت و عزت  
مذاکره ها ازها ای همه تمسک است و عشق صدر و عزت و عزت و عزت و عزت و عزت  
از آن قلبی در اردن می باشد و شود. صدر موسی با بزرگ در بیروت  
قله بی حلقه

ایام صدر ریش اول هجری  
علی الحکم الایرانی

فأمة قذافي به امام شهيدني

ایران ۱۳۵۳

و اعلموا تأییدهم  
الاجتماع فتمت له

بنی احمد تلگرافی از اروپا خبر داد  
امام موسی صدر  
در لیبی، سالم است



۱۶



گفت‌وگوی اختصاصی با آیت‌الله مکارم شیرازی

۱۲



معرفی پایگاه روایت صدر

۶۶



شهید بابایی شمر خوان نبود

۳۴



تحلیل محتوای متون مداحی‌ها

۸۰



بررسی سریال‌های تلویزیونی رمضان

۵۱



مقاله‌ای از استاد بهاء‌الدین خرمشاهی

داشتند و تصمیم گرفتند کمیته‌ای  
مشترک بسطور تحقیق در باره  
چگونگی ناپدید شدن امام موسی  
صدر که نسبت‌هایی در دو کشور و  
مسلمانان جهان را ناراحت ساخته  
است تشکیل دهند. تصمیم بر  
آنست که این کمیته تا کشف  
حقیقت بصورت کامل بکار خود  
اعلام دهد.





امام موسی صدر را در مجلس بزرگداشت «جورج جرداق»

# ذکر اهل بیت بالهجه مسیحی

■ محمدرضا زائری ■

جرداق به امانت گرفته‌ام - امام موسی صدر را در مجلس بزرگداشت «جورج جرداق» نویسنده و شاعر نامدار عرب و صاحب شاهکار مشهور «امام علی، صدای عدالت انسانی» نشان می‌دهد. این بزرگداشت در محل مجلس اسلامی شیعه و با حضور چهره‌های برجسته فرهنگی و اجتماعی لبنان برگزار شد و در تصویر، عمر ابوریسه، شاعر سوری (نفر اول از راست) و بولس سلامه (نفر دوم از راست) دیده می‌شوند. آثار این توجه و دغدغه امام صدر امروز در لبنان و جهان دیده می‌شود. انقلاب اسلامی که روح آن حماسه حسینی و حزب‌الله که درون‌مایه‌اش نهضت کربلاست، با این‌گونه آثار در میان بسیاری مردم غیرمسلمان قابل درک هستند و حقیقت قیام بزرگ امام خمینی (ره) که از مفاهیم عمیق معارف شیعی چون فداکاری و عدالت و شهادت و ایثار سرچشمه می‌گیرد، با این زبان بهتر فهمیده می‌شود. سال‌ها از پنهان شدن امام صدر به دست رژیم جنایتکار لیبی می‌گذرد؛ اما هر روز آثار تلاش‌های بی‌وقفه و شبانه‌روزی آن بزرگوار بیشتر به چشم می‌آید. گسترش یاد و نام اهل بیت <sup>a</sup> به زبان‌ها و لهجه‌های تازه و متفاوت در فضاهای تازه و نو، یکی از برکات و آثار آن تلاش‌هاست. ■

امام صدر که در کتاب جدید «ساترون فی موبک الحسین» منتشر شده، خاطرات و نوشته‌های پراکنده از این دیدگاه گسترده و وسیع حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که او در پی عرضه آن مفاهیم ناب برای مخاطبان عام از هر مذهب و دین و زبان و لهجه‌ای بود. از این بالاتر او در ادامه حرکت بزرگ علامه سیدعبدالحسین شرف‌الدین کوشید تا این حقایق را از زبان و قلم نویسندگان و شاعران و متفکران غیر مسلمان منتشر سازد و با تشویق و ترغیب آنان خیمه یاد و ذکر اهل بیت <sup>a</sup> را در مناطق و محیط‌هایی تازه و متفاوت برپا کرد. گاه با شور و حرارت بر کتاب‌های «سلیمان کتانی» مقدمه می‌نوشت یا به هر بهانه‌ای احوالی از او می‌پرسید و گاه با وجود مشغله فراوان ساعت‌ها «بولس سلامه» شاعر بزرگ مسیحی لبنان و صاحب دیوان مشهور «عبد العذیر» را همراهی می‌کرد. به همین منظور به برپایی مراسم تکریم و بزرگداشت این نویسندگان و شاعران نیز همت می‌گماشت (مانند مجلسی که در بزرگداشت بولس سلامه برپا شد) و بدین ترتیب ضمن تشویق آنان، دیگران را به چنین اهتماماتی ترغیب می‌کرد. عکس منتشرنشده بالا - که آن را از استاد جورج

درباره تجربه منحصر به فرد و خاص امام موسی صدر در عرصه بین‌المللی بسیار گفته و نوشته‌اند. گرچه هنوز حق این مطلب ادا نشده و ناگفته بسیار است، شاید بتوان این تجربه را در این نکته خلاصه کرد که هیچ‌یک از عالمان دینی و روحانیان شیعی و مسلمان در دوران معاصر (پس از تجربه سیدجمال‌الدین اسدآبادی در قرن پیش) چنین توفیقی در عرصه بین‌الملل و بین مذاهب و ادیان به دست نیاورد. اهمیت موضوع از آنجاست که این فرزند برومند حوزه و زاده بیت مرجعیتی چندصد ساله، نه از جایگاه یک روشنفکر یا مصلح سیاسی و اجتماعی، بلکه از موضع یک عالم دینی و فقیه و مجتهد حوزوی، قم را به مقصد لبنان ترک کرد و پس از آن در کشورهای مختلف و جوامع گوناگون به عرضه و معرفی تفکر و معارف شیعی در قالب روزگار نو و به صورتی روشن و کارآمد مشغول شد. یکی از مهم‌ترین ابعاد کار بزرگ آن عالم بزرگ معرفی مکتب اهل بیت <sup>a</sup> و روح حرکت سیدالشهدا <sup>a</sup> و حقیقت واقعه کربلا برای کسانی بود که از نزدیک با آن آشنا نبودند و به زبان و بیان متفاوتی برای درک و فهم این حقایق نیاز داشتند. گذشته از برخی گفتارهای پرشور عاشورایی

## وصیت می‌کنم ...

وصیت می‌کنم به کسی که او را بیش از حد دوست می‌دارم! به معبود من! به معشوق من! به امام موسی صدر! کسی که او را مظهر علی می‌دانم! او را وارث حسین می‌خوانم! کسی که رمز طایفه شیعه و افتخار آن و نمایندگی ۱۴۰۰ سال درد، غم، حرمان، مبارزه، سرسختی، حق‌طلبی و بالاخره شهادت است! آری به امام موسی وصیت می‌کنم ...

تو ای محبوب من، دنیایی جدید به من گشودی که خدای بزرگ مرا بهتر و بیشتر آزمایش کند. تو به من مجال دادی تا پروانه شوم، تا بسوزم، تا نور برسانم، تا عشق بورزم، تا قدرت‌های بی‌نظیر انسانی خود را به ظهور برسانم ...

... تو ای محبوب من، رمز طایفه‌ای و درد و رنج ۱۴۰۰ ساله را به دوش می‌کشی، اتهام و تهمت و هجوم و نفرین و ناسزای ۱۴۰۰ سال را همچنان تحمل می‌کنی، تو فداکاری می‌کنی، تو از همه چیز خود می‌گذری، تو حیات و هستی خود را فدای هدف و اجتماع انسان‌ها می‌کنی و دشمنانت در عوض دشنام می‌دهند و خیانت می‌کنند و تو ای امام، لحظه‌ای از حق منحرف نمی‌شوی و عمل به مثل انجام نمی‌دهی و همچون کوه در مقابل طوفان حوادث آرام و مطمئن به سوی حقیقت و کمال و قدم برمی‌داری، از این نظر تو نماینده علی علیه السلام و وارث حسینی ... و من افتخار می‌کنم که در رکابت مبارزه می‌کنم و در راه پرافتخارت شربت شهادت می‌نوشم ... ■

منبع: نرم‌افزار «شرح صدر»، سیرری در سیره و اندیشه  
امام موسی صدر



# تاوان فهم بیشتر

نگاهی به زندگی و فعالیت‌های امام موسی صدر

## پوریا شیرآشینی

سیدموسی صدر در ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ ش. در محله چهارمردان شهر قم به دنیا آمد. موسی فرزند چهارم آیت‌الله صدرالدین صدر، جانشین آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم است. موسی صدر پس از پایان دوره ابتدایی و فراگرفتن مقدمات علوم حوزوی در سال ۱۳۲۲ وارد حوزه علمیه قم شد و ضمن بهره‌گیری از استادانش، آیات عظام سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، سیدمحمد محقق داماد، شیخ عبدالجواد جبل عاملی و امام خمینی (ره) دروس دوره سطح را به پایان رساند. موسی صدر از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۸ نزدیک به ۱۳ سال از مدرسان بزرگ حوزه‌های علمیه قم و نجف کسب فیض کرد.

وی از ابتدای سال ۱۳۲۶ به مرحله درس خارج وارد شده بود و از محضر سیدحسین طباطبایی بروجردی، محقق داماد، سیدرضا صدر، حجت کوه کمره‌ای، سیدمحسن حکیم، سیدابوالقاسم خوبی، شیخ حسین حلی و شیخ مرتضی آل یاسین بهره برد.

### اولین روحانی دانشگاهی

سیدموسی صدر اولین روحانی‌ای است که به دانشگاه وارد شد. وی در سال ۱۳۲۹ به دانشکده حقوق دانشگاه تهران ورود یافت و در سال ۱۳۲۲ از رشته اقتصاد فارغ‌التحصیل شد و در همین سال‌ها پدر ایشان از دنیا رفت. موسی صدر به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه کاملاً آشنایی داشت و علامه طباطبایی مسئولیت نظارت بر تشریح «انجمن تعلیمات دینی» را به عهده ایشان گذاشته بود.

### تحصیل در نجف

پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه تهران، سیدموسی صدر برای ادامه تحصیلات حوزوی به نجف می‌رود و هم‌زمان عضو هیئت امنای جمعیت «منتدی‌النشر» می‌شود. وی تا سال ۱۳۳۷ در نجف می‌ماند و در این سال‌ها نزد آیات عظام سیدمحسن حکیم، شیخ مرتضی آل یاسین، سیدعبداله‌ادی شیرازی و شیخ حسین حلی فقه می‌آموزد. از دروس آیت‌الله

به شیعیان لبنان در طول تاریخ اقداماتی را برای بهبود اوضاع شیعیان آغاز می‌کند. موسی صدر برای رسیدن به اهداف خود، فعالیت‌هایش را در سه حوزه: الف) بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی شیعیان لبنان ب) پرچم‌داری حرکت گفت‌وگویی ادیان و تقریب مذاهب در لبنان ج) تأسیس جامعه مقاوم لبنانی در برابر تجاوزات اسرائیل

طراحی، برنامه‌ریزی و عملیاتی کرد. موسی صدر با تلاش و کوشش مخلصانه موفق شد، منظومه فکری و آرمان‌های متعالی‌اش را در لبنان که کشوری با بیش از ۱۷ طایفه و مذهب بود، اجرا کند. ابتدای ورود سیدموسی صدر به لبنان جمله «جاء شرف‌الدین شأباً»؛ «علامه شرف‌الدین جوان نزد ما آمده است.» بر سر زبان‌ها افتاد و چندی نگذشت که مردم لبنان سیدموسی صدر را «امام موسی صدر» خطاب کردند.

### کار تشکیلاتی

امام موسی صدر، داشتن تشکیلات منسجم و کار هماهنگ را لازم می‌دانست و فعالیت‌هایش را با ایجاد چنین سازوکارهایی آغاز می‌کرد. امام با یاری گرفتن از تحقیقات و بررسی‌های عمیق میدانی‌ای که خود و یارانش در مناطق مختلف لبنان انجام می‌دادند، همچنین با بررسی نتایج تحقیقات و بررسی‌های هیئت‌های مختلف سازمان ملل به درک کامل و روشنی از واقعیت‌های ساختار اجتماعی و اقتصادی لبنان دست یافت و اقدامات گوناگونی را انجام داد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. تأسیس مؤسسه صنعتی جبل عامل در شهر صور
۲. بازسازی سازمانی و احیای جمعیت خیریه احسان و نیکوکاری با نام «البر والاحسان»
۳. رسیدگی به وضعیت زنان
۴. تأسیس خانه دختران
۵. تأسیس آموزشگاه پرستاری
۶. تأسیس درمانگاه و مراکز پزشکی‌ای که به نام «مدینه‌الطب» شهرت یافتند.

سیدابوالقاسم خوبی بهره می‌گیرد و فلسفه را نیز از آیت‌الله شیخ صدر بادکوبه‌ای می‌آموزد. سیدموسی صدر در نجف با آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر هم‌بحث و دوست بود و با آیت‌الله سیدمحمدعلی موحد ابطحی رابطه صمیمانه‌ای داشت. سیدموسی صدر در حوزه نجف، رسائل (اصول)، مکاسب (فقه) و شرح منظومه (فلسفه) را تدریس می‌کرد.

### اصلاح نظام آموزشی حوزه‌های علمیه

موسی صدر در ایام اقامت در نجف، برای دیدار از بستگان به لبنان رفت و با رهبر شیعیان آن کشور «علامه شرف‌الدین» دیدار کرد. این دیدار زمینه‌ساز هجرت سیدموسی صدر به لبنان شد. در همین ایام آیت‌الله بروجردی از موسی صدر خواست که برای فعالیت‌های تبلیغاتی و ارشاد به ایتالیا برود؛ اما ایشان ضمن عذرخواهی درخواست آیت‌الله بروجردی را نمی‌پذیرد.

صدر در اوایل زمستان ۱۳۳۷ از نجف به ایران بازمی‌گردد و سردبیر نشریه «درس‌هایی از مکتب اسلام» می‌شود. این نشریه اولین نشریه حوزه علمیه قم بود که برای انتشار آن جمعی از روحانیان همت می‌کردند و اعضای هیئت مؤسس و تحریریه آن، موسی صدر، علی دوانی، مخبر سبحانی، مجدالدین محلاتی، ناصر مکارم‌شیرازی، سیدعبدالکریم موسوی‌اردبیلی، حسین نوری‌همدانی، محمود واعظ‌زاده خراسانی و سیدمرتضی جزایری بودند.

سیدموسی صدر امتیاز یک دبیرستان ملی در قم را گرفت و آن را اداره می‌کرد؛ همچنین در همین ایام با هم‌فکری حضرات آیات دکتر بهشتی و مکارم‌شیرازی برای اصلاح نظام آموزشی حوزه‌های علمیه طرح گسترده‌ای را طراحی و تدوین کردند.

### امام موسی صدر

اواخر سال ۱۳۸۸ سیدموسی صدر به لبنان هجرت می‌کند و شهر صور را برای فعالیت برمی‌گزیند. او با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی لبنان و منطقه و با علم به ظلم و ستم حکام

### معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

معرفی: این کتاب در ۱۳ فصل سعی می‌کند، حقایق و خاطراتی را از زندگی امام موسی صدر ذکر کند. به گفته مؤلف کتاب، در فصل دهم آن سعی شده، با ارائه اسناد و مدارک به شبهاتی پاسخ داده شود که عده‌ای برای القاء این فکر که حرکت امام موسی صدر خلاف مسیر انقلاب و مشی امام (ره) بوده، طرح کرده‌اند. ■

### «امام موسی صدر

نویسنده: عبدالرحیم ابادری

ناشر: جوانه رشد

تاریخ انتشار: ۱۳۸۱

تعداد صفحات: ۳۴۴





۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ در دیر «المخلص» در جنوب کلیسای «مارمارون» در شمال لبنان، تأثیرات معنوی عمیقی بر مسیحیان آن کشور گذارد.

امام موسی صدر طی سفری دو ماهه به کشورهای شمال آفریقا، طرحی نو برای هم‌فکری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب با حوزه‌های علمیه شیعه لبنان درانداخت و در بهار سال ۱۳۴۴، اولین دوره سلسله گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین الهی در مؤسسه فرهنگی «الندوة اللبنانیة» به راه انداخت. ایشان در سال ۱۳۴۷ عضو مرکز اسلام‌شناسی استراسبورک شد که در نتیجه هم‌فکری و برگزاری سمینارهای متعدد در آن، زمینه انتشار آثار ارزشمندی نظیر «مفکر متفکر جهان اسلام» فراهم شد.

در اوایل سال ۱۳۴۸ پس از افتتاح مجلس اعلای اسلامی شیعیان، امام موسی صدر از شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان برای هم‌فکری درباره توحید شعائر، اعیاد و فعالیت‌های اجتماعی طوایف اسلامی دعوت و طرح مدونی را به اجلاس سال ۱۳۴۹ «مجمع بحوث اسلامی» در قاهره عرضه کرد و سپس به عضویت دائم آن مجمع درآمد.

امام موسی صدر در جمع سردبیران جراید بیروت حذف فاصله‌ها و روند جهانی شدن در اواخر قرن بیستم را پیش‌بینی کرد و قرن بیست و یکم

### تلاش برای تأسیس جبهه فراگیر ملی

یک بستنی فروش مسیحی به نام «آنتیبا» در شهر صور در کنار یک بستنی فروش مسلمان دکان داشت. بستنی فروش مسلمان با اشاره به مسیحی بودن آنتیبا به مسلمانان می‌گفت: «او نجس است. از او بستنی نخرید.» آنتیبا نزد امام موسی صدر می‌رود و آنچه اتفاق افتاده بود، برای او بیان می‌کند. امام به همراه چند تن از یاران به مغازه آنتیبا رفت، در آنجا نشست و کمی بستنی خورد.

صدای این کار امام در لبنان پیچید. پاک‌دانستن اهل کتاب که تا آن زمان بی‌سابقه بود، باعث شد رهبران مسیحی متوجه امام صدر شوند و پس از آن بود که «مطران گریگوار حداد» اواخر تابستان ۱۳۴۱ به شهر صور آمد و امام موسی صدر را برای عضویت در هیئت امنای «جنبش حرکت اجتماعی» دعوت کرد.

از اواخر همین سال حضور گسترده امام موسی صدر در کلیساها، دیرها و مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان آغاز می‌شود. امام موسی در حل کردن اختلافات قومی و قبیله‌ای میان مسیحیان و ایجاد صلح و آشتی میان آنها نقش حائز اهمیتی را ایفا و روابط دوستانه و همکاری صمیمانه‌ای با مطران یوسف‌الخوری، مطران جورج حداد، کاردینال خریش و... برقرار می‌کند. سخنرانی‌های ایشان در سال‌های

۷. تأسیس کارگاه قالیبافی  
 ۸. راه‌اندازی مرکز بررسی‌های اسلامی به نام «معهد الدراسات الاسلامیه» با هدف تربیت طلاب علوم دینی  
 ۹. تأسیس مجلس اعلای شیعیان با نام «المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی» برای ساماندهی امور کلی شیعیان  
 ۱۰. تأسیس سازمانی به نام «حرکت المحرومین» برای سازماندهی، پرورش و آشنا ساختن جوانان به جهان‌بینی اسلامی و بهره‌مندی از نیروی آنها برای مبارزه با ستم‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی  
 ۱۱. تأسیس «سازمان نظامی امل» و ساماندهی جنبش امل با آموزش نظامی جوانان  
 ۱۲. دیدار و گفت‌وگو با رهبران مسیحیت لبنان اعم از کاتولیک، ارتدوکس، پروتستان و ارامنه تا کسب اعتمادی که به خواندن خطبه عید روزه آنان در کلیسای کبوشیین بیروت منجر شد.

دارالایتم، سازمان زنان، کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی، کودکانستان، خانه معلولین و درماندگان، مدرسه نمونه دختران، باشگاه ورزشی جوانان و مرکز علمی-تحقیقی لبنان و بسیاری موارد دیگر از اقدامات امام موسی صدر است.

### معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

تعداد صفحه: ۶۱۶

معرفی: این کتاب گزیده‌متنوعی از مقاله‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، میزگردها و حاصل برخی نشست‌های انجام‌شده درباره امام موسی صدر است که در آن سعی شده، به جنبه‌های مختلف شخصیت ایشان پرداخته شود. ■

« اندیشه ریشه‌شده: گفتارهایی درباره امام موسی صدر

نویسنده: مهدی فرخیان

ناشر: مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر  
 تاریخ نشر: ۱۳۸۵



را قرن هم‌زیستی پیروان ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون نامید و بر رسالت تاریخی لبنان برای عرضه الگویی موفق در این زمینه تأکید کرد. ایشان در اواسط سال ۱۳۵۷ رهبران مسلمان و مسیحی لبنان را برای برپایی یک جبهه فراگیر ملی متقاعد کرد و تا آنجا پیش رفت که موعد تأسیس و اولین گردهمایی آنان را برای پس از بازگشت خود از سفر لیبی مشخص کرد.

### حمایت از فلسطین

یک سال پیش از تأسیس جنبش فلسطینی فتح، از سال ۱۳۳۳ اندیشه تبدیل جامعه مصرفی لبنان به جامعه‌ای مقاوم با انگیزه توان ایستادن در برابر تجاوزات احتمالی رژیم صهیونیستی در ذهن امام موسی صدر نقش بسته بود. ایشان در سال ۱۳۴۴ گروهی از جوانان شیعه لبنانی را برای آموزش فنون نظامی به مصر فرستاد و به این ترتیب اولین کادرهای مقاومت لبنان شکل گرفت. از این پس عملیات ایذایی مشترک رزمندگان فلسطینی و لبنانی در شمال فلسطین اشغالی آغاز شد. این عملیات که بخش اعظم نیروهای رزمنده آن از جوانان شیعه لبنانی بودند و فرماندهی آنها بر عهده رزمندگان فلسطینی بود تا اوایل سال ۱۹۷۲ ادامه یافت.

در سال ۱۳۴۹ رژیم صهیونیستی جنوب لبنان را بمباران کرد. به دنبال این بمباران شدید و فقدان واکنش مناسب دولت وقت، به دعوت امام موسی صدر اعتصاب بی‌سابقه‌ای لبنان را فراگرفت تا اینکه دولت وقت مجبور شد، برای بازسازی مناطق جنگی و برپایی پناهگاه‌های مناسب در آن، مجالس جنوب را تأسیس کند. امام موسی صدر در سال ۱۳۴۹ برای چاره‌اندیشی در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی رهبران مذهبی مسلمانان و مسیحیان جنوب لبنان را در چارچوب «کمیته دفاع از جنوب» گردهم جمع کرد.

کمتر از ۲۴ ساعت پس از اشغال ۴۸ ساعته دو روستای «قنای جلی» و «جویا» به دست سربازان رژیم صهیونیستی در شهریور سال ۱۳۵۱ امام موسی صدر اولین بذره‌ای «مقاومت لبنانی» را کاشت. یک ماه بعد در پی تجاوز نیروهای رژیم صهیونیستی به روستایی در جنوب لبنان، اولین عملیات غیررسمی مقاومت لبنان به اجرا درآمد و حاصل آن چند کشته و مجروح اسرائیلی بود.

پس از پایان جنگ داخلی لبنان وقتی دامنه ناآرامی‌ها به جنوب کشیده شد، واحدهای مقاومت لبنان به طور رسمی در نقاط استراتژیک مناطق

رسمی مستقر شدند و اولین عملیات بزرگ مقاومت لبنان علیه تجاوزات اسرائیل در اواخر سال ۱۳۵۵ انجام و پس از چند روز درگیری به آزادسازی شهرک‌های «طیبه» و «بنت جبیل» منجر شد.

زمستان ۱۳۵۶ امام موسی صدر طرح سازش کارانه توطین پناهندگان فلسطینی در جنوب لبنان را افشاء کرد و با مواضع شجاعانه خود مانع از تحقق آن شد. اسرائیلی‌ها و حامیانشان قصد داشتند، فلسطینی‌های آواره از وطن را در جنوب لبنان ساکن و به‌اصطلاح وطنی جدید برای آنها ایجاد کنند. با این کار هم فلسطینی‌ها از سرزمین‌های خودشان بیرون رانده می‌شوند و هم ساختار لبنان بر هم می‌ریخت که البته درایت و تدبیر امام صدر مانع از اقدام آنها شد. پس از حمله گسترده اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۳۵۷ با وجود عقب‌نشینی احزاب چپ و گروه‌های فلسطینی، جوانان مقاومت لبنان و دانش‌آموزان مؤسسه صنعتی جبل عامل در منطقه اشغالی باقی ماندند و با وجود امکانات اندک علیه اشغالگران صهیونیست ایستادگی کردند.

### امام صدر، رجل صلح و آرامش

در تابستان سال ۱۹۷۵ میلادی، احزاب و گروه‌های لبنان به دنبال منافع حزبی، طایفی و گروهی، لبنان را صحنه جنگ‌های داخلی کردند که نتیجه آن تعداد بسیاری کشته و زخمی بود. با تلاش‌های امام موسی صدر و برخی دیگر چند بار آتش‌بس برقرار شد؛ اما هر بار با کوچک‌ترین بهانه جنگ از نو آغاز می‌شد. امام برای اینکه جنگ را متوقف کند، به مسجد الصفا در بیروت می‌رود و اعتصاب غذا یا به قول لبنانی‌ها «اعتصام» می‌کند. اعلام اعتصاب غذای امام موسی صدر برای ختم خونریزی در بحبوحه کشت و کشتار، لبنان را به لرزه درآورد. امام موسی صدر، در بیانیه‌ای که برای اعلام اعتصاب غذا صادر کرد، می‌گوید: «... متأسفانه در لبنان سیاست دیگر وسیله نیست؛ بلکه به هدف تبدیل شده است. انسان‌ها، جماعت، احزاب و شخصیت‌ها بدان وسیله زندگی خود را می‌گذرانند...»

ایشان سپس طی بیانیه‌ای خواسته‌های خود را چنین اعلام می‌کند:  
(الف) توقف خونریزی‌ها و همه فعالیت‌های مسلحانه (ب) پایان یافتن بحران خلأ دولت و تشکیل دولتی غیرحزبی که بتواند کشور را به حالت طبیعی بازگرداند.

(ج) تشکیل سه هیئت در کنار هیئت دولت به این قرار:

۱. برای انجام‌دادن تحقیق جامعی برای کشف ریشه‌ها، فرآیندها و مسببان جنگ

۲. برای اجرای طرح‌های توسعه و عمرانی مناطق محروم

۳. برای اجرای مصالحه ملی همه‌جانبه  
با استقبال کم‌نظیر از اقدام موسی صدر، با وجود کارشکنی‌های عده‌ای که پایان جنگ را به نفع خود نمی‌دیدند و با خرابکاری مانع از تحقق آن می‌شدند، آتش‌بس پذیرفته شد و با انتخاب «رشید کرامی» به نخست‌وزیری، بیروت روی آرامش را به خود دید. رشید کرامی، یاسر عرفات و خدام (وزیر خارجه وقت سوریه) خواهان پایان اعتصاب غذای امام صدر شدند. امام هم به اعتصاب غذای خود پایان داد و به شعر بعلبک رفت؛ چراکه در این شهر عده‌ای به چند روستای مسیحی نشین در آن منطقه حمله کرده بودند و برای اینکه جنگ‌های فرقه‌ای را توسعه دهند و مانع آتش‌بس شوند، تعدادی از مسیحیان را کشته بودند تا این مسئله بهانه‌ای برای قتل عام مسلمانان شود.

پس از چهار روز با پی‌گیری‌های امام موسی صدر بعلبک آرام شد و در همان‌جا امام جمله معروفی را بیان کرد و گفت: «اگر در بیروت پسر مرا بکشند، اجازه نخواهم داد که در بعلبک یک مسیحی بی‌گناه کشته شود. این دو مسئله هیچ ارتباطی با هم ندارند.»

به این ترتیب امام موسی صدر در نزد همه «رجل صلح و آرامش» نامیده شد.

### سفر به لیبی

شدت گرفتن تجاوزات صهیونیست‌ها و اشغال جنوب، مانع اعمال حاکمیت دولت لبنان بر این منطقه بود. اسرائیل نیز از اجرای قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت که در آن از اسرائیل خواسته شده بود، از خاک لبنان عقب‌نشینی کند، سر باز می‌زد. به دنبال افزایش رنج و محنت مردم لبنان، امام موسی صدر تلاش می‌کرد اوضاع بحرانی لبنان و عمق خطرهای تهدیدکننده جنوب را به رهبران کشورهای عربی که می‌توانستند در رسیدگی به این وضع اسفبار تأثیرگذار باشند، اطلاع دهد؛ بنابراین امام به سوریه، اردن، عربستان سعودی و الجزایر سفر کرد و با امید پایان بخشیدن به مصیبت‌های مردم لبنان و آزادی جنوب این کشور، این کشورها را به برگزاری نشست محدود سران فراخواند.

امام صدر در الجزایر با رئیس‌جمهور، هواری بومدین، محمد صلاح یحیوی و دیگر مسئولان

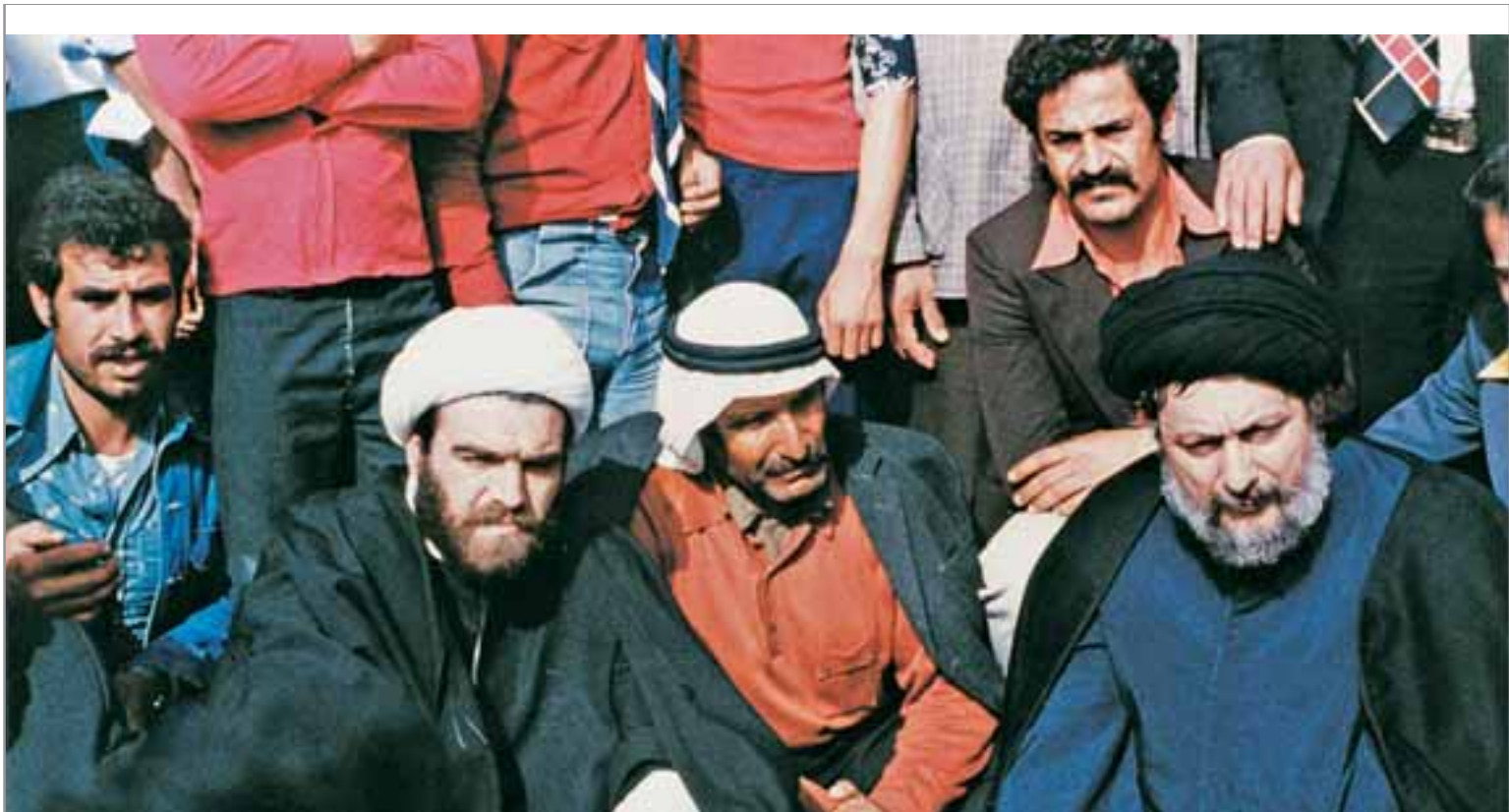
### معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

«**رهیافت‌های اقتصادی اسلام**  
نویسنده و مترجم: مهدی فرخیان  
ناشر: مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر  
تاریخ انتشار: ۱۳۸۶  
تعداد صفحات: ۲۲۲

معرفی: این کتاب، دفتر سوم از مجموعه «در قلمرو اندیشه امام موسی صدر» در ادامه دو دفتر پیشین، «نای‌ونی» و «ادیان در خدمت انسان» است.  
این دفتر دربردارنده مجموعه مقالات و گفتارهای اقتصادی امام موسی صدر است. ■







جبهه ملی آزادی بخش الجزایر گفت و گو کرد. ضمن مباحث، دولت الجزایر به امام موسی پیشنهاد کرد با توجه به نفوذ و تأثیر قذافی، رهبر لیبی در عرصه های سیاسی-نظامی لبنان بهتر است از لیبی نیز دیدار کند.

با وساطت دولت الجزایر در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸ کاردار سفارت لیبی در لبنان، دعوت کنگره جماعی خلق لیبی را برای دیدار امام از آن کشور و گفت و گو با دبیرکل کنگره، سرهنگ محمد قذافی به امام موسی صدر ابلاغ و تقاضا کرد، این سفر در ۱۹ یا ۲۱ اوت ۱۹۷۸ انجام شود.

امام دعوت را پذیرفت؛ اما به کاردار لیبی اطلاع داد، مایل است سفر در تاریخ ۲۵ اوت انجام شود و او باید لیبی را پیش از اول سپتامبر ۱۹۷۸ ترک کند تا همسر بیمارش را که در فرانسه در حال درمان است، ببیند و برای پاره ای کارهای ضروری به لبنان بازگردد.

سفارت لیبی در لبنان بلیت سفر امام و همراهانش، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین را به او تقدیم و به موجب نامه ای به خطوط هوایی لبنان، الشرق الاوسط، به شماره ۴/۳۰/۴ و به تاریخ ۲۴ اوت ۱۹۷۸ چند صندلی در جایگاه ویژه هواپیما برای ایشان رزرو کرد.

در فرودگاه طرابلس رئیس دفتر ارتباطات خارجی کنگره عمومی خلق یا همان وزیر خارجه لیبی، احمد

شحاتی از ایشان استقبال کرد. امام و همراهانش که مهمان رسمی دولت لیبی بودند، در هتل الشاطی در طرابلس اقامت گزیدند. رسانه های خبری لیبی هیچ اشاره ای به حضور مهمان رسمی دولت خود نکردند و سفر امام به این کشور و دیدارهای ایشان را مسکوت گذاشتند.

هیچ خبری درباره دیدار امام با قذافی و دیگر مسئولان لیبیایی منتشر نشد و پس از آنکه از بازگشت امام و همراهانش از لیبی خبری نشد و ارتباط با آنان نیز میسر نگردید.

مجلس اعلای شیعیان لبنان از کاردار لیبی در لبنان در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۸ خواست در این زمینه اطلاعاتی عرضه کند که وی از پاسخگویی طفره رفت. چهار روز بعد مجلس، موضوع را با نخست وزیر دولت لبنان، دکتر سلیم الحص در میان گذاشت. وی فوراً در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ کاردار لیبی را فراخواند و خواستار جواب رسمی و فوری شد.

ظهر روز بعد کاردار لیبی پاسخ داد که امام موسی صدر و همراهانش عصر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با هواپیمای خطوط هوایی ایتالیا به شماره ۸۸۱ لیبی را به مقصد رم ترک گفته اند؛ البته شرکت آیتالیا در بیانیه ای که تلویزیون ایتالیا در روز ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ پخش کرد، اعلام کرده، حضور نداشتن امام و همراهانش در هواپیمای این شرکت قطعی

است. سید موسی صدر، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین در هواپیمای این شرکت که در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ از فرودگاه طرابلس به سوی رم پرواز کرده، نوده اند.

به این ترتیب امام موسی صدر، سوم شهریور ۱۳۵۷ در آخرین مرحله از سفرهای دوره ای خود به کشورهای عربی، تلاش برای پایان دادن به جنگ داخلی لبنان و جلوگیری از تجاوزات اسرائیل با دعوت رسمی معمر قذافی به لیبی رفت و روز نهم شهریور در آن کشور ربوده شد. ■

#### منابع:

۱. کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷)، گزارش کمیته پی گیری سرنوشت امام موسی صدر (از ربودن تا به امروز)، تهران، مجلس شورای اسلامی دوره هفتم، ۱۳۸۶
۲. خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۷۵)، امام موسی صدر، تاریخ و فرهنگ معاصر، قم، مرکز بررسی های اسلامی
۳. فرخیان، مهدی (۱۳۸۵)، اندیشه ربوده شده، گفتارهای صاحب نظران ایرانی و غیرایرانی درباره امام موسی صدر، تهران، مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر
۴. حجتی کرمانی، علی (۱۳۸۳)، نای و نی، در قلمرو اندیشه امام موسی صدر، تهران، مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر
۵. پایگاه فرهنگی روایت صدر

<http://www.revayatesadr.ir>

#### معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

« فریاد در خاموشی: جستارهایی درباره پی گیری مسئله امام موسی صدر

نویسنده: محسن کمالیان / ناشر: مؤلف

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸ / تعداد صفحات: ۶۹۶

معرفی: این کتاب دومین عنوان از مجموعه «روایت صدر» و حاوی یادداشت های نگارنده طی سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۷

درباره «پی گیری مسئله امام صدر» است که به منظور سامان یابی روند پی گیری مسئله امام صدر برای مسئولان جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است. در بخش هشتم یا «تصاویر» این کتاب چهره ربایندگان امام موسی صدر، هم دستان احتمالی آنها، فعالان پی گیری، برخی گفت و گو شونده گان دفتر حاضر و چکیده های از گزارش تصویری تاریخچه رابطه ایران با رژیم قذافی آورده شده است. ■



# قول سدید

گزین گفته‌هایی از امام موسی صدر



**خانم حنان معلوف از روزنامه «النهار» گفت‌وگوی زیر را با امام موسی صدر در منزل وی واقع در صور انجام داد و آن را در تاریخ ۲۷ نisan ۱۹۶۹ منتشر کرد.**

■ آیا من که این روسری را سر کرده‌ام، منافق محسوب می‌شوم؟

امام موسی صدر: خیر؛ شما منافق نیستید، این پوشش شما تنها لباس خاص و رسمی است که برای دیدار با یک روحانی از آن استفاده می‌کنید. شما یکی از تکالیف دینی خود را رعایت کرده‌اید و همین مراعات شما روی احساس انسان متدین و در نتیجه بر اندیشه او که از موقعیت‌های معین و خاصی منتج شده، بسیار تأثیر می‌گذارد. تنها زن مسلمان نیست که در برابر عالمان دین حجاب را رعایت می‌کند، بلکه همه کسانی هم که به کلیسای پطرس قدیس در رم می‌روند نیز حجاب را رعایت می‌کنند؛ علاوه بر این ما می‌دانیم اسلام به زن مسلمان توصیه می‌کند که در اجتماع وزین و باوقار و احتشام ظاهر شود که در کتب فقهی حدود این مسئله بیان شده است.

■ حال اگر من می‌خواستم با سر برهنه با شما مصاحبه

کنم چه می‌شد؟

امام موسی صدر: من آنچه را به مصلحت تحقق اهداف دینی است در نظر می‌گیرم و دیدار شما را ارزیابی می‌کنم؛ بنابراین اگر در مصاحبه با شما و این فعالیت روزنامه‌تان فایده‌هایی به نظر آید که بر مصالح دیگر برتری داشته باشد، من بدون هیچ شرط و اکراهی با شما روبه‌رو می‌شوم؛ وگرنه از مصاحبه با شما امتناع می‌ورزم و پوشش می‌خواهم.

■ شما مرا قانع کردید. من از این پس از روسری استفاده خواهم کرد.

امام موسی صدر: توفیق بزرگی است؛ خصوصاً اینکه شما در زندگی به چیزی که می‌خواستید، رسیدید. به علاوه من عقیده ندارم که رعایت حجاب، زن را از انجام هرگونه فعالیت در جامعه بازمی‌دارد. هیئت لباس زنان در این عصر جنبهٔ زنانگی زن را بیش از دیگر لیاقت‌ها و استعدادها و امکانات او آشکار می‌کند تا آنجا که زنانگی وی در نزد خود او سر به طغیان می‌نهد و او را از بسیاری امتیازات دیگر محروم می‌کند؛ اما هیئت آن سادگی لباس اطفال را پیدا کرده است؛ چنان‌که زن وقتی این گونه لباس‌ها را به تن می‌کند، مثل بچه‌ها می‌شود.

■ چرا مثل بچه‌ها؟

امام موسی صدر: به عقیدهٔ آنها یا شباهتشان به اطفال بیشترین اثر را از خود به جای می‌گذارند...

■ آیا مردم فلسطین را به صلح نصیحت می‌کنید یا به جنگ؟

امام موسی صدر: من سراغ ندارم که امتی با خطری بزرگ‌تر از آنچه ما امروزه با آن مواجهیم، روبه‌رو شده باشد و این خطر، خطر صهیونیسم در منطقه و آیندهٔ منطقه تهدیدی برای همهٔ ارزش‌ها و میراث‌ها و تاریخ آن است؛ بنابراین در لزوم، از کاربرد هرگونه امکان و وسیلهٔ دور کردن خطر آن هیچ‌گونه تردیدی ندارم و شخصاً بعید می‌دانم که راه‌حل صلح‌آمیزی در این باره وجود داشته باشد.

■ از برخی شنیده‌ام که می‌گویند شما در دنیای سیاست وارد شده‌اید.

امام موسی صدر: من مطلقاً به سیاست وارد نشده‌ام و فقط گفته می‌شود من برای مجلس اعلا شیعیان خود را نامزد کرده‌ام.

منبع: <http://www.imamsadr.ir/Andishe/mosahebe/anso3.htm>

**سخنرانی امام موسی صدر در سال ۱۳۴۶ شمسی در یکی از پایگاه‌های علمی و آموزشی آن روز حوزهٔ علمیه قم\***

...اما اطلاعات کیهانی او به قدری زیاد است که نظریاتش مورد اقتباس همهٔ دانشجویان است. کشیشی را می‌شناسم که در سلسله سخنرانی ما که در بیروت انجام می‌شد، شرکت می‌کرد. این مرد استاد فیزیک و بزرگ‌ترین فیزیکیان خاورمیانه و لباسش هم لباس کشیشی است، مرد عالمی است و کشیش هم هست. اینها آمدند مجاری امور را گرفتند، همان مجاری امور که در احادیث ما هست که باید به دست العلماء باله باشد، افتاد به دست اینها؛ یعنی ریاضیدان و فیزیکیان شدند؛ آن وقت خدا می‌داند در مؤسساتشان چه می‌کنند. تصور نکنید که صریحاً تبلیغات مسیحیت می‌کنند؛ نه! با علم اخلاق و با روش مردم‌داری مردم را می‌قاپند. اینها صدها دانشگاه دارند، آقا بشنوید. چند هزار بیمارستان دارند. چند ده هزار مدرسه و درمانگاه و دارالایتام و مدرسهٔ حرفه‌ای و مؤسسات مشورت و روضه‌الاحفال و باغ کودک و سالن‌های ورزشی و سالن‌های سخنرانی و هزار برابر این مؤسسات اجتماعی دارند... اینها همهٔ مؤسسات یک دیر از دیرهای مسیحی به نام «یسوعی» است و هکذا سایر دیرها ...

اما ما ... ما شیعیان مرتضی علی<sup>ع</sup>، ما مردمی که اسلام را با ظاهرترین مسلکش معتقدیم، وضع ما چطور است؟ و تشکیلاتمان چیست؟

من چون اینجا نشستام، آزاد که این حرف را بزنم و اگر در غیر این مؤسسه ... بود که عرض کردم فجر امیدی است، این حرف‌ها امیدتان را قطع می‌کرد. آقا شما یک نفر را به من معرفی کنید که بداند تعداد روحانیون در ایران چقدر است؟ ما که افراد خودمان را نمی‌شناسیم، چطور می‌خواهیم کار کنیم؟ آیا شما می‌دانید چقدر شیعه در آسیاست؟ چند مسجد در ایران است؟ صلاحیت روحانیونی که در این مناطق کار می‌کنند و مقدار تحصیلاتشان چقدر است؟ ارتباطشان با هم چطور است؟ اگر یکی از آنها مریض شد، گرفتار شد به چه وسیله می‌شود به او کمک کرد؟ من خیلی معذرت می‌خواهم که این مطلب را در حضور آقا هم عرض کنم. آقا ما با کی می‌خواهیم زندگی کنیم؟ در کدام دنیا؟ نتیجه‌اش را هم می‌دانید چیست؟ این است که نه تنها مسیحی‌ها از ما می‌برند، نه تنها یهودی‌ها هم از ما می‌برند، نه تنها سنی‌ها از ما می‌برند و حتی بهایی‌ها هم آزادانه دارند از ما می‌برند و ما هم به خواب خوشی رفته‌ایم.

می‌گویند، آقا مگر ممکن است شیعیان مرتضی علی<sup>ع</sup> برگردند؟ بله آقا؛ بنده دیده‌ام که شیعه مسیحی

شده، دیده‌ام شیعه سنی شده، شیعه وهابی شده؛ البته ممکن است شما ندیده باشید؛ ولی من دیده‌ام. اقبالاً ما همان یک قسمت مسجدمان را درست و منظم کنیم. تبلیغاتمان را منظم کنیم. یک هماهنگی در دعوتمان به وجود بیاوریم. ما اصلاً خواهیم. این کارهایی که حالا می‌خواهیم بکنیم، باید ۵۰ سال بلکه یکصد و پنجاه سال پیش شروع کرده باشیم و اکنون امیدوارم به سرعت پیش بروند. ما آقا وضعمان خیلی عجیب است. مسیحی‌ها را عرض کردم، حقیرترین فرقه‌ها و احزاب دارند فرزندان ما را می‌برند. بنده در اصفهان و شیراز دیدم تبلیغات فرقهٔ ضاله طوری وسعت دارد و منظم است و هیئت‌های ۹ نفری و سفرهای تشویقی و از این جور بازی‌ها به قدری به وجود آورده‌اند که چه عرض کنم. آقا اگر فرزند این دنیا هستیم باید در مقابل اینها منظم باشیم. دنیایی که همه چیزش منظم است. اگر منظم نباشیم محکوم به مرگیم.

**پی‌نوشت:**

\* خواندن این سخنرانی را به طور کامل به همهٔ دانشجویان و طلبه‌های عزیز توصیه می‌کنیم.

**منبع:**

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anso2.htm>

### روزنامه لبنانی الجریده - ۱۹۶۹/۶/۲۱

■ حضرت آیت‌الله! ما با خطرهای گوناگونی روبه‌رو هستیم که لبنان و سلامت آن را در حال حاضر تهدید می‌کنند. مرزهای لبنان اینک در معرض خطر و تجاوز دشمن است؛ بنابراین وظیفه ما لبنانی‌ها برای دفع این خطرات چیست؟

امام موسی صدر؛ طبعاً این سؤال پاسخ طولانی می‌طلبد؛ اما من سعی می‌کنم تا حد امکان آن را خلاصه کنم. شاید پاسخ من به این سؤال برای شتون‌گان و بینندگان شگفت‌آور باشد؛ من برای لبنان و حتی کشورها و امت‌ها خطر خارجی قابل ذکری سراغ ندارم، بلکه خطر اساسی‌ای که هر کشور و هر امتی را تهدید می‌کند همان خطر داخلی است؛ حتی دشمن همواره تلاش می‌کند تا با ایجاد تفرقه‌ها به گسترده‌گی خطر داخلی دامن بزند و به وسیله آن به کشور ضربه بزند. خطر خارجی صهیونیسم را که اینک گریبان‌گیر کشور شده، نمی‌توان نادیده انگاشت و چه‌بسا که این خطر خود بزرگ‌ترین خطر در جهان باشد؛

اما مقصود من آن است که خطری که کیان یک امت یا کیان یک کشور یا مردم را تهدید می‌کند، همان خطر داخلی است که مهلک است.

من بدین واقعیت اعتقاد دارم که یک ملت امکان ندارد بر اثر خطر خارجی و دشمنان بسیار از میان برود و هرگز تاریخ، هیچ ملت و امتی را نشان نداده که به علت زور و اجبار یا در نتیجه غلبه دشمن خارجی از بین رفته باشد، تا هنگامی که آن مردم در کنار یکدیگر بوده و وحدت کلمه داشته و به مسئولیت‌های خود آگاه بوده‌اند. مهم، خطر داخلی است؛ خطر تفرقه و این چیزی بود که در پاسخ سؤال اول ذکر کردم. این خطر نتیجه تحقیر و عدم احترام به یکدیگر و گروه‌گروه کردن مردم است. این مشکلاتی است که ما اینک با آن مواجهیم.

خطر اساسی و داخلی خطر بی‌مسئولیتی، بی‌بندوباری و فساد است. وقتی که لبنان باید همچون جامعه جنگی‌ای باشد که هر چیزی در آن به مقاومت و پایداری و دفاع اشاره داشته باشد، متأسفانه می‌بینیم، هنوز برخی از مردم

این کشور گمان می‌کنند که در یک جامعه بی‌خطر، آن‌هم در کمال راحتی و رفاه زندگی می‌کنند. هنوز همان مجالس و محافل شب زنده‌داری و شادخواری‌ها برقرار است. ما می‌خواهیم در این جهان زندگی کنیم و امکان ندارد انسان بدون تلاش و تحمل سختی بتواند در این جهان زندگی کند. با مسخرگی و بی‌بندوباری و غفلت از خطر نمی‌توان در این جهان زندگی کرد. باید حد و حدودی برای این غفلت فساد تعیین کرد. بدون شک گوشه‌ای از این کار بر دوش علمای دین و مصلحان جامعه است، گوشه‌هایی هم بر دوش سازمان‌های فرهنگی و تبلیغاتی و مجلات و روزنامه‌ها و بخشی به‌خصوص بر دوش دولت است که شرایط اجتماع را درک کند و مراکز فساد و بی‌ببری را ببندد و امکانات فساد را ممنوع کند و فضایی آکنده از جدیت و پاکیزگی را به وجود آورد.

منبع:

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/mosahebe/anno1.htm>



### بحث زیر در مجله لبنانی العرفان شماره تابستان ۱۳۸۷ هجری - ۱۹۶۷ میلادی - انتشار یافت.

به هلاکت نیندازید.

(قره: ۱۹۵)

«... وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْفَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»  
«و آنچه از خیر انفاق کنید، به خود شما عاید می‌شود و بر شما ستم نخواهد شد.»

(قره: ۱۹۵)

«وَلِيَخِشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَتَّقُوا قَوْلًا سَدِيدًا»؛ «و باید بترسند آنان که از پس خود فرزندان ناتوانی نهاده‌اند که بر ایشان بیمناکانند، پس باید آنها از عذاب خدا بپرهیزند و باید سخن استوار گویند.»

(نسا: ۹)

در ارتباط با آیات مذکور امام صادق می‌فرماید: «اگر بر مسلمانی عربیان و مستمند از خانواده جامعه اسلامی، جامه پوشانیده شود و گرسنه آنها سیر شود، در نزد خداوند متعال از یک حج و دو حج تا هفتاد حج خانه خدا محبوب‌تر است...»

در بسیاری از آموزه‌های اسلامی آمده است که گفتار

انسانی به اعتبار آنکه جزئی از وجود انسان است، باید از قداست برخوردار باشد و کلمات از هرگونه زشتی و پلیدی مبرا باشند. از دیدگاه اسلام، کلام سنجیده و پسندیده و قول سدید کلید بهره‌مندی از خیر و خوبی و دفع زشتی و شر به‌شمار می‌آید. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه سازید و گفته استوار بگویند تا بدین‌وسیله اعمال و کردارتان را سبسته کند و گناهتان را بپیمزد.»

(احزاب: ۷۰-۷۱)

قول سدید، در موارد بسیاری بر گفته‌های پیراسته از دروغ، غیبت، تهمت، نامی، فحش، لپو و لغو تفسیر شده است؛ اما به مقوله شهادت و گواهی‌دادن در دعاوی و اختلافات، اسلام عنایت ویژه‌ای دارد. کسی که شهادتی می‌دهد باید مسئولیت آن را بپذیرد و عواقب آن را تحمل کند؛ زیرا به وسیله شهادت به حق است که حق آشکار و حقوق مستترشده کیفرها محقق می‌شود؛ البته در دعاوی

### معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

تعداد صفحات: ۳۴۰

معرفی: این کتاب اولین دفتر مجموعه «روایت صدر» و حاوی ۱۰ گفت‌وگو با نزدیک‌ترین یاران جهادی امام موسی صدر در لبنان است. چکیده‌ای از گاه‌شمار زندگی امام موسی صدر و وصیت‌نامه دکتر مصطفی چمران از دیگر مطالب این کتاب است. ■

« عزت شیعه: تاریخ شفاهی زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آیت‌الله امام موسی صدر / دفتر اول

نویسنده: محسن کمالیان و علی‌اکبر رنجبر کرمانی  
ناشر: مؤلف  
تاریخ انتشار: ۱۳۸۸





اسلامی شهادت تنها از انسان عادل پذیرفته می‌شود. شهادت دروغ از گناهان کبیره شمرده شده و شاهد دروغگو در پاره‌ای از امور جزایی به کیفرهای بزرگی محکوم می‌شود.

\*\*\*

در یکی از احادیث نبوی هم آمده است: «هرگونه که باشی، به همان گونه بر شما حکومت می‌شود.» بنابراین از دیدگاه اسلام این تنها عمل انسان است که تاریخ را می‌سازد. آن را تغییر داده به حرکت درمی‌آورد و به پیش می‌برد، عوامل خارجی در مسیر ساختن جوامع بشری تأثیر تعیین‌کننده‌ای ندارند؛ بلکه این فقط انسان است که با «عمل» نشئت‌گرفته از معرفت و شناخت یا برآمده از جهل و نادانی یا ناشی از اهمال و بی‌تفاوتی فرصت می‌یابد تا طریقی را برگزیند و گامی را بر گام دیگر ترجیح دهد ... و بالاخره واقعیت‌های اجتماعی همان خواهد بود که وی اختیار کرده است. نیز تغییر و تحولات تاریخی یا به اصطلاح جبر تاریخی چیزی جز فعل و انفعال میان انسان و جهان نیست.

\*\*\*

رای و عقیده، ثمره تفکر انسان و نتیجه بعد وجودی شریف و برتر وی است. اسلام رای و اظهارنظر و عقیده را بزرگ و گرامی داشته و کوشش دارد تا حریت و آزادی رای و عقیده همواره حفظ شود. نیز برای شناخت و وصول به «عقیده راستین» انسان را به اندیشه و اجتهاد امر کرده و به طور صریح اعلام کرده است: عقیده‌ای که مبتنی بر مبادی تفکر نباشد، اعتبار ندارد و عذر انسان پذیرفته نیست؛ مگر آنکه به‌رغم سعی و تفکر نتوانسته باشد به عقیده درست دست یابد.

#### پی‌نوشت:

\* پیشنهاد می‌کنیم این بحث طولانی، غنی و ارزشمند را در آدرس الکترونیکی ذیل به طور کامل بخوانید.

#### منبع:

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/maqalet/anma2.htm>

<http://www.revayatesadr.ir>

# روایت صدر

## معرفی پایگاه فرهنگی روایت صدر

می‌نویسیم؟ درباره انگیزه نگارش درباره امام موسی صدر گفته شده: «می‌نویسیم، چون مانند آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی اعتقاد داریم که شاید با نشان دادن قلب‌های بزرگ، مردم نیز صاحب قلب‌های بزرگ شوند! با این تفاوت که در زمان حاضر نه تنها عامه مردم، بلکه مسئولان و بزرگان را نیز نیازمند دیدن قلب‌های بزرگ می‌دانیم!»

می‌نویسیم، چون افکار و اندیشه‌های بلند امام صدر را راهگشای بسیاری از مسائل امروز و فردای جامعه می‌دانیم! او به تعبیر بسیاری از بزرگان، ۵۰ سال آینده را چنان می‌دید که بقیه امروز را می‌بینند! هم او بود که پیش و بیش از سایرین، نسل جوان را دریافت و آن را از «تنگ‌نظری قدیمیان» و «تندروی امروزیان» بر حذر داشت. هم او بود که بعد از اولین سفر اروپایی خود در سال ۱۳۴۲، با رد غرب‌گرایی و غرب‌زدگی بر ضرورت شناخت غرب به عنوان اولین گام مقابله با تهاجم فرهنگی تأکید کرد.»

روایت صدر مجموعه ارزشمندی از «زندگی‌نامه»، «تاریخ شفاهی»، «اندیشه و سیره»، «گاه‌شمار زندگی»، «بحران پی‌گیری» مطالبی درباره «خاندان صدر»، «اسناد»، «خاطره‌ها» و «پرسش و پاسخ» درباره امام موسی صدر است.

در بخش ویژه‌نامه‌ها، سه ویژه‌نامه «پدر امام صدر»، «سوروز ۱۳۸۹» و ویژه‌نامه «نهم شهریور ۱۳۸۹» وجود دارد.

ویژه‌نامه روایت صدر به مناسبت نهم شهریور ۱۳۸۹ حاوی آثار و گفتار بیش از ۳۰ تن از چهره‌های برجسته حوزه، دانشگاه و چهره‌های فرهنگی کشور است. بخش اول این ویژه‌نامه هشت بخشی، گفت‌وگو با «آیت‌الله سیدمرتضی مستجابی» است که در آن

پایگاه فرهنگی روایت صدر تعطیل شد. دکتر محسن کمالیان طی یادداشتی در ۲۲ شهریور ۱۳۸۹ در این پایگاه نوشته است: «طبیعتاً وجود پایگاه، وقتی فعالیت آن در خانواده مجازی وبلاگ‌ها و وبسایت‌های مربوط به امام صدر بازتاب و خواهان ندارد، با عدم وجود آن علی‌السویه است. در چنین شرایطی چه باید کرد؟ صادقانه بگوییم، حضور بی‌ثمر در یک عرصه، مثل تحمیل خود بر دیگران، هیچ‌گاه دأب نگارنده نبوده است.»

کمالیان در این یادداشت درباره پایگاه فرهنگی روایت صدر می‌گوید: «در طول قریب به چهار سالی که پایگاه فرهنگی «روایت صدر» فعالیت کرد، برخی سروران راهنما، مشوق و بلکه سنگ‌صبور بودند و به هر حال حقی بزرگ بر عهده پایگاه و شخص نگارنده دارند. پیشاپیش این دوستان، سروران ارجمند آقایان دکتر سیدصادق طباطبایی، دکتر سیدمجتبی موسوی، دکتر مهشدا و ایمان محمودی قرار دارند که ضمن سپاس، داستان آنها را می‌بوسم و در برابر اخلاق، بزرگواری و محبتشان سر تعظیم فرو می‌آورم. توصیه این سروران آن بود که اگر در هر صورت بر توقف فعالیت پایگاه اصرار است - که هست - اطلاعات موجود تحت همان وضعیت و لوگوی کنونی باقی بماند تا علاقه‌مندان در آینده نیز بتوانند مراجعه کنند. امر این دوستان به دیده منت نگریده می‌شود و چنان که فرمودند، عمل خواهد شد. سایت «روایت صدر» با همان شکل کنونی آن در فضای مجازی باقی خواهد ماند؛ اگرچه فعالیت آن از اول مهر ۱۳۸۹ متوقف خواهد شد و دیگر مطلبی بدان افزوده نخواهد شد ...»

در پایگاه روایت صدر در یادداشتی با نام «چرا

### معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

«عزت شیعه: تاریخ زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آیت‌الله امام موسی صدر / دفتر دوم

نویسنده: محسن کمالیان و علی‌اکبر رنجبر کرمانی  
ناشر: مؤلف  
تاریخ انتشار: ۱۳۸۸

### تعداد صفحات: ۶۷۲

معرفی: این کتاب شامل ۲۵ گفت‌وگوی نگارندگان کتاب با دوستان، نزدیکان و همکاران امام موسی صدر است. گفت‌وگوها از زمستان ۱۳۷۴ تا پاییز ۱۳۸۳ در محل سکونت یا کار راویان در قم، تهران، اصفهان، شیراز، بیروت و صور انجام شده است.

بخش اول این کتاب به زندگی‌نامه امام صدر در قالب یک مقطع شمار و یک مقاله پرداخته است. بخش دوم حاوی گفت‌وگوست. بخش سوم با نام «پیوست‌ها» نامه‌ها و اسناد تاریخی‌ای است که راویان این مجموعه را با امام موسی صدر پیوند می‌دهند یا راویان به آنها استناد کرده‌اند یا در تشریح روایات آنها مفید هستند.



تمام اخبار سالروز نهم شهریور را ساعت به ساعت پوشش دهد، تازه بعد از یک هفته تأخیر، آن هم در پی دریافت پیام اعتراض آمیز مدیر پایگاه، حضور ویژه نامه را اطلاع رسانی و همکاری رسانه‌ای خود را مطلع کرد! روز بعد، برخی خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری که پیش‌تر اطلاع‌رسانی‌های پایگاه را نادیده گرفته بودند، خبر انتشار ویژه نامه را به نقل از این سایت عزیز منعکس کردند. اغلب وبلاگ‌های تخصصی مربوط به امام صدر، حتی تا لحظه نگارش این سطور، هنوز واکنشی ابراز نکردند! ...»

کمالیان در بخش سوم، چهارم و پنجم ویژه نامه درباره تازه‌های سایت روایت صدر از جمله صفحه «پرسش و پاسخ» که قرار بوده، حاوی پرسش‌های علاقه‌مندان و پاسخ‌های «صدرشناسان» باشد، نوشته است. بخش‌های ششم و هفتم ویژه نامه، به معرفی ویژه نامه‌های متمرکز و یادداشت‌های پراکنده‌ای اختصاص دارد که به زعم دکتر محسن کمالیان ارزشمندند و به این مناسبت در مطبوعات و فضای مجازی منتشر شده‌اند.

بخشی از ویژه نامه هم مختص به انعکاس اخباری است که به قول کمالیان روند «بیمار» بی‌گیری! مسئله امام صدر را که دچار «تب فصلی» است و به نهادهای مسئول (ایرانی و لبنانی) مربوط می‌شود، تشریح می‌کند.

آخرین بخش ویژه نامه، «دفتر یادبودی» برای درج یادگاری‌هایی از بازدیدکنندگان است.

«خیمه» مطالعه پایگاه فرهنگی روایت صدر را به همه علاقه‌مندان امام موسی صدر توصیه می‌کند و به نوبه خود از تلاش‌های دکتر محسن کمالیان سپاس گزار است. ■

یا نباید برپا می‌شد! تنها اندکی از دوستداران محترم امام صدر «دفتر یادبود» ویژه نامه را امضا کردند و آنان نیز عمدتاً پس از دریافت دعوت تلفنی یا ایمیل نگارنده! گروه دوستداران امام صدر در مجموعه گوگل که معمولاً اخبار مرتبط با امام صدر از جمله انتشار ویژه نامه‌ها را برای علاقه‌مندان ایمیل می‌زنند، مهر سکوت بر لب نهادند و از کنار این ویژه نامه گذشتند! عزیزترین وبسایت مرتبط با امام صدر که مقید بود



ناگفته‌های مهم و زیبایی درباره رجال خاندان وجود دارد.

«با میهمانان»، بزرگ‌ترین و دومین بخش ویژه نامه و حاوی یادداشت‌های استادان: «عبدالرحیم ایاذری»، «محمد تقی احمدی»، «سید محمد رضا احمدی»، «مسعود ادیب»، «محمد اسفندیاری»، «سید کاظم اکرمی»، «مهدی انصاری قمی»، «سید محمد رضا بهشتی»، «مجید تقی زاده منطری»، «محمد کاظم جعفری»، «رسول جعفریان»، «سید باقر خسروشاهی»، «غلامرضا ذکیانی»، «محمد رحیمیان»، «علی اکبر رنجبر کرمانی»، «محمد رضا زائری»، «مهدی شاکری»، «میرزا محمد علی شاه‌آبادی»، «دکتر محمد رضا شریعتمداری»، «حسن درخشان»، «سید کاظم شمس»، «مجتبی صدریا»، «سید صادق طباطبایی»، «محسن غفوری آشتیانی»، «محمد تقی فاضل میبدی»، «مهدی فیروزان»، «محمد جعفر محلاتی»، «رضا مختاری»، «سید مصطفی مطبوعه‌چی»، «دکتر محمد هادی مفتاح» و «سید مسعود نوری» است.

نویسندگان این یادداشت‌ها از قم، اصفهان، تهران، فرانسه، نروژ و آمریکا از منظرهای گوناگون درباره امام موسی صدر قلم زده‌اند.

محسن کمالیان درباره این ویژه نامه در یادداشت خداحافظی نوشته است: «طبیعتاً انتظار می‌رفت که این اقدام مورد توجه فضای مجازی، عالم مطبوعات و لاقفل مخاطبان اصلی پایگاه قرار گیرد؛ اما به رغم اطلاع‌رسانی‌های مکرر، باز متأسفانه چنین نشد! یک هفته تمام به سکوت گذشت و تنها خبرگزاری محترم اهل بیت (ابنابنویز) سایه محبت خود را بر سر پایگاه گستراند! گویی چنین ویژه نامه‌ای اصلاً برپا نشده بود



ناشناخته و یاد شده در این کتاب است. «گفت‌وگوانامه» که فهرست تفصیلی گفت‌وگوهای انجام شده است. «کتاب‌نامه» که شناسنامه همه منابع و مأخذ دفتر حاضر است. به این کتاب شجره‌نامه خاندان صدر الحاق شده است. ■

بخش چهارم یا «تصاویر»، حاوی تصاویر شخصی، خانوادگی و اجداد امام صدر و تصاویر مشترک امام موسی صدر با برخی روایان و چهره‌های معروف است. بخش پنجم یا «نامه» افزون بر اعلام، شامل سه پاره مهم است؛ یعنی: «رجال‌نامه» که شرح حال مختصر شخصیت‌های

# شرح صدر

## گزارشی از ویژه‌نامه امام موسی صدر در هفته‌نامه پنجره

■ مصطفی دامغانی ■

هفته‌نامه خبری-تحلیلی «پنجره» در شماره ۵۹ که شنبه ۲۰ شهریورماه منتشر شد، ویژه‌نامه‌ای درباره امام موسی صدر کار کرده است. این ویژه‌نامه با یادداشت کوتاهی به نام «مسیح لبنان» از کوروش علیانی، دبیر این ویژه‌نامه آغاز می‌شود.

در این ویژه‌نامه، گزیده‌ای از بیانات امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری، آیت‌الله سیدموسی شبیری‌زنجانی و حکایاتی درباره امام موسی صدر وجود دارد. در این ویژه‌نامه ۱۶ صفحه‌ای گفت‌وگویی با سیدصدرالدین صدر، بزرگ‌ترین فرزند امام موسی صدر وجود دارد که در بخشی از آن آمده است: «هدف ما محکوم‌کردن یا گله از قصور و تقصیرات و کوتاهی‌ها که متأسفانه همه بدون استثناء مقصردند، نیست. فریاد ما همیشه این بود که الان همه به وظیفه قانونی، انسانی، الهی عمل کنند و این ظلم را از این عالم و سید روزگار بردارند.»

«محمدرضا ابوالحسنی» در یادداشتی با نام «از امل تا حزب‌الله» بر عملکرد امام موسی صدر در تشکیل شاخه نظامی «حرکت‌المحرومین» مروری دارد و ضمن اشاره‌ای به انحرافات که در طول سال‌ها فعالیت، در دو تشکیلات امل و حزب‌الله روی داده -که البته از حد اشاره نمی‌گذرد- با مقایسه وضعیت دیروز و امروز لبنان از انطباق راهبردهای حزب‌الله با راهبردهایی که امام موسی صدر برای تشکیل امل داشت و از تغییر و تحولات و لبنان امروز می‌گوید و یادداشت را با این عبارت پایان می‌دهد:

«لبنانی که در آن حقوق شیعیان مثل گذشته پایمال نمی‌شود، لبنانی که در آن مقاومتان شیعه بر سر سه چیز با هم اتفاق نظر دارند؛ دفاع از جنوب در برابر تجاوز اسرائیل، دفاع از انقلاب فلسطین و جلوگیری از تجزیه لبنان، همان که او سال‌ها به دنبال تحقق آن بود.»



معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

« گزارش کمیته پی‌گیری سرنوشت امام موسی صدر

نویسنده: کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

ناشر: مجلس شورای اسلامی دوره هفتم

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۷

تعداد صفحات: ۲۸۸

معرفی: این کتاب مجموعه‌ای از اسناد و گزارش‌ها درباره بودن امام موسی صدر در کشور لیبی و ذکر برخی دلایل و شواهد از حضور امام در آن کشور است. در حقیقت این مجموعه حاوی همه گزارش‌ها و اسناد مربوط به بودن امام موسی صدر است که «کمیته پی‌گیری سرنوشت امام موسی صدر» در

مجلس شورای اسلامی جمع‌آوری و به صورت گزارش کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس عرضه کرده است.

فصل اول تا نهم این کتاب، گزارش مستندی از علل سفر امام به لیبی و شرح وقایعی که در آن کشور رخ داده، می‌باشد؛ گزارش‌های مفصل امنیتی مقامات لبنان و ایتالیا، گزارش مفصل جنبش امل و



کوروش علیانی در این ویژه‌نامه با «سعید ابوطالب» نماینده سابق شهر تهران در مجلس شورای اسلامی و دبیر کمیته پی‌گیری سرنوشت امام موسی صدر در مجلس هفتم گفت‌وگویی دارد. ابوطالب که خود تجربه اسارت در چنگ نیروهای آمریکایی اشغالگر در عراق را دارد، می‌گوید: «امام موسی صدر علاوه بر اینکه یک شهروند ایرانی است و باید با این عنوان مسئله‌اش را پی‌گیری کرد، موضوع ربودن او به عنوان یک شخصیت برجسته سیاسی ایرانی در مجامع بین‌المللی قابل طرح و پی‌گیری است؛ اما برای این کار مقدماتی لازم است. برای طرح دعوا نزد مراجع قضایی بین‌المللی ابتدا لازم است محاکم قضایی داخلی در این مورد حکم صادر کنند. این کار متأسفانه هنوز انجام نشده است.»

در ویژه‌نامه امام موسی صدر در هفته‌نامه پنجره در مطلبی با نام «مردی فراتر از مرزها» به زندگی امام از ولادت تا هنگام ربوده شدن نیم‌نگاهی شده است.

«تمام مخالفان امام صدر»، نام یادداشتی از «ایمان محمودی» است که در آن مخالفان امام موسی صدر را در پنج دسته ذیل تقسیم‌بندی می‌کند:

۱. رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانانش
  ۲. رژیم شاه و سفارت ایران به سرمدمداری منصور قدر
  ۳. احزاب لبنانی و برخی گروه‌های فلسطینی
  ۴. برخی مبارزان ایرانی نزدیک به یاسر عرفات
  ۵. برخی روحانیان سنتی لبنان
- «شریف لکزایی» در مطلبی با نام «از ملاصدرا تا امام صدر» که حاشیه‌ای بر پیوند اندیشه و عمل امام سیدموسی صدر و مطلب پایانی این ویژه‌نامه

است، می‌نویسد: «مباحث امام موسی صدر در زمینه اقتصاد که به صورت سلسله‌مقاله در مجله مکتب نشر یافت، نشان می‌دهد، ایشان توانسته است از اندوخته‌های علمی خویش به‌درستی در زمینه مهم‌ترین مسائل روز جامعه بهره‌بردار و ابوابی را در این زمینه بگشاید که در آن زمان تازگی داشت. این در شرایطی است که هنوز زمینه‌های بروز و ظهور فکر وی به طور کامل فراهم نیامده بود.»

در این ویژه‌نامه گزارشی وجود دارد که در آن به دیپلماسی ایران و لیبی نگاهی دارد. در این گزارش با اشاره به گزیده‌ای از اخبار تارنمای وزارت خارجه ایران و فقط بر اساس عنوان خبر به شرح ذیل:

– وزیر امور خارجه: ایران و لیبی در مسائل مهم منطقه‌ای دیدگاه مشترکی دارند.

– دیدار سفیر جدید لیبی با وزیر امور خارجه ایران

– دیدار وزیر امور خارجه ایران با قذافی

– رحیمی فرا رسیدن روز ملی لیبی را تبریک گفت

ضمن نقل خبری از خبرگزاری فارس با این

مضمون که «تل‌آویو، طرابلس را شریکی مورد

اعتماد برای خود دانست»، آمده است: «به نظر

می‌رسد ما با دولتی روابط دوستانه برقرار کرده‌ایم

و سلام‌های گرممان را نثارش می‌کنیم که یکی از

برجسته‌ترین شهروندان و عالمان و سیاستمداران

ایرانی را بیش از ۳۰ سال ربوده و حاضر به ارائه

هیچ توضیحی در این زمینه نیست.»

در بخشی از گفت‌وگوی کوروش علیانی، دبیر

این ویژه‌نامه با سعید ابوطالب که پیش‌تر به آن

اشاره شد، ابوطالب می‌گوید: «در سفر آخری که در

مجلس هشتم خدمت سیدحسن نصرالله رسیدیم،

نصرالله گفت که قذافی یکی از شخصیت‌های

شناخته‌شده سیاسی آفریقا را واسطه کرده و برای

ایشان پیغام داده که لیبی می‌خواهد مسائلی را با حزب‌الله لبنان حل کند. مسئله امام موسی صدر را یک‌بار برای همیشه حل کنند. آقای نصرالله استقبال کرده و گفته ما هم تمایل داریم. شما امام را به ما برگردانید، مسئله تمام شود.»

در شماره ۵۹ هفته‌نامه پنجره، مطلب دیگری هم درباره امام موسی صدر وجود دارد. این مطلب

یادداشتی از «سیدعباس فاطمی» با تیتراژ «قیاس مع‌الفارق» است که در آن نویسنده به مقایسه

محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران با امام موسی صدر اعتراض دارد. در حقیقت این یادداشت

اعترافی به دیدگاه «دکتر سلمان صفوی» است که در رسانه‌های مکتوب و سایت‌های خبری

منتشر شده و در آن صفوی می‌گوید: «امروز رئیس‌جمهوری سابق ایران و معمار گفت‌وگوی

تمدن‌ها حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی نزدیک‌ترین شخصیت به سیره سلیم و

متین امام موسی صدر است ...»

فاطمی این قیاس را قیاسی مع‌الفارق می‌داند و در بخشی از یادداشت نوشته است:

«امام موسی صدر فعال و قاطع بود؛ در حالی که سیدمحمد خاتمی در اکثر مواقع موضعی منفعلانه

داشت. امام موسی صدر خود عنصری مستقل و جریان‌ساز بود؛ در حالی که سیدمحمد خاتمی

دنباله‌رو جریان‌ات و متأثر از آنان بود؛ به همین دلیل در تصمیمات متخذه به جای مصلحت نظام

و مردم، منویات گروه‌های حامی خود را اجرایی می‌کرد.»

یادداشت فاطمی در صفحه ۱۷ هفته‌نامه پنجره و خارج از ویژه‌نامه امام موسی صدر که در صفحات

۷۶-۶۱ کار شده، آمده است. ■



در فصل دوازدهم گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ آمده و فصل سیزدهم شامل چند سخنرانی از معمر قذافی درباره امام موسی صدر است.

فصل چهاردهم نیز راهکارهای عرضه‌شده مجلس شورای اسلامی را برای پی‌گیری قضیه آزادی امام موسی صدر در بر می‌گیرد. ■

مجلس اعلای شیعیان در پاسخ به ادعاهای کذب مقامات لیبی، پی‌گیری‌های انجام‌گرفته در لبنان و سپس بررسی‌ها و صدور رأی دادگاه ایتالیا از مطالب این فصول است.

فصل دهم به اقدامات صورت‌گرفته در ایران می‌پردازد و فصل یازدهم حاوی اسناد سلواک در این زمینه است.

# سفر در خاطرات مه‌آلود

گزارش گفت‌وگویی با اصغر جمالی فرد



گرفت. جمالی فرد را عمدتاً با کتیبه «ابوحنیف»، نشریه «والفجر» و «جمعیت بدهکاران انقلاب اسلامی» می‌شناسند. ایشان کاندیدای ششمین و هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در شهرستان سنقر و کلیائی نیز بوده‌اند. ابوحنیف در یادداشتی در شماره ۱۵۶ نشریه «الفجر» با نام «شهید موسی صدر» نوشته است: «آقای موسی صدر در تاریخ سوم شهریورماه ۱۳۵۷ عازم لیبی می‌شود. پس از چند روز دید و بازدید با مسئولان لیبیایی در تاریخ هشت شهریور به علت بیماری همسرش که در یکی از بیمارستان‌های پاریس بستری بود، طرابلس را به سوی رم (ایتالیا) ترک می‌کند. جاسوسان موساد او را از هتل ربوده و به یکی از زندان‌های اسرائیل منتقل می‌کنند. سیدموسی صدر پس از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا در زندان به شهادت می‌رسد.»

عقیده متفاوت ابوحنیف درباره سرنوشت امام موسی صدر در مقایسه با خانواده امام و کسانی که امیدوارند و عقیده دارند که امام موسی

«سفر در خاطرات مه‌آلود» نام کتابی است که در آن مؤلف، اصغر جمالی فرد با نیم‌نگاهی به بخشی از تاریخ معاصر، کتاب «آن سوی اتهام» عباس امیرانتظام را نقد می‌کند. جمالی فرد در فصل دوم این کتاب در دست انتشار درباره «بازدید عبدالسلام جلود از ایران اسلامی»، «دعوت رسمی دولت ایران از نخست‌وزیر لیبی» و «گزیده‌ای از پیام سرهنگ معمر قذافی» می‌گوید و این همه مسیری است که در آن سعی می‌شود، پرده از «معمای امام موسی صدر» برداشته شود.

از جمله مطالب این کتاب متن نامه امام خمینی (ره) به سرهنگ معمر قذافی و مطالبی درباره «محمد منتظری» است.

جمالی فرد متولد سال ۱۳۲۵ ش. در تهران است. او پس از خدمت سربازی به آلمان رفت و در رشته برق در دانشکده فنی کلن مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۴۵ ش. تحصیل را رها کرد و برای کمک به مبارزان فلسطینی در کنار دکتر مصطفی چمران و محمد منتظری قرار

## معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

تعداد صفحات: ۷۲

معرفی: این کتاب ضمن نیم‌نگاهی به خاندان صدر، شرح مختصری از زندگی و مبارزات امام موسی صدر است که با این جمله از جرج جرداق آغاز شده است:

«اگر روحانیان مسلمان، اسلام را همانند امام صدر عرضه می‌کردند، اثری از مسیحیت و سایر ادیان باقی نمی‌ماند.»

« سیدموسی صدر:

نگاهی به زندگی و مبارزات امام موسی صدر

نویسنده: فرشته مرادی

ناشر: بامداد کتاب

تاریخ انتشار: چاپ اول - ۱۳۸۲، چاپ ششم - زمستان ۱۳۸۶



مهرماه ۱۳۸۹ / شماره ۶۹

خلیلیا

۱۶



بومدین پیشنهاد رفع اختلاف با معمر قذافی را می‌دهد و موسی صدر استقبال می‌کند. با وساطت بومدین و دعوت معمر قذافی، موسی صدر در سوم شهریور ۱۳۵۷ عازم لیبی می‌شود که این سفر به آن اتفاق تاریخی و کم‌نظیر عصر معاصر منجر می‌شود. بخش‌هایی از کتاب در دست انتشار «سفر در خاطرات مه‌آلود» طی یادداشت‌هایی با نام «سفر در مه‌آلود خاطرات» در شماره ۱۲۵ به بعد نشریه والفجر آمده است و اصغر جمالی‌فرد امیدوار است این کتاب امسال چاپ شود.

با ابوحنیف درباره سخترانی امام موسی صدر و سوگنامه شهید مصطفی چمران در مراسم چهلم «دکتر علی شریعتی» و موضع انتقادی برخی از علمای وقت صحبت کردیم. از فحوی کلام ابوحنیف، این‌طور استنباط کردیم که ایشان منتقد جدی موضع‌گیری شهید چمران و امام موسی صدر درباره فلسطین است و به علت حضور در گرماگرم حوادث و ارتباط نزدیک با این دو، ناشنیده‌های بسیاری درباره این موضوع برای گفتن دارد. ■

صدر هنوز در حیات است، بهانه گفت‌وگویی با ایشان شد. ابوحنیف از جنگ داخلی لبنان که با حمله «مارونی‌ها» به یک اتوبوس فلسطینی در تاریخ ۱۹۷۵/۴/۱۳ آغاز شد و از کشتار ۶۰ هزار فلسطینی در «تل زعتر» گفت که باعث اختلاف بین گروه‌های چپ لبنانی با سوریه شد.

به عقیده ابوحنیف موضع موسی صدر و تمایل او به سیاست حافظ اسد، حرکت‌المحرومین و سازمان اصل از جانب نیروهای انقلابی لبنان و ایرانیان پذیرفته نشد و به انزوای اصل منجر شد.

اصل روزبه‌روز از نظر مالی در تنگنای بیشتری قرار می‌گرفت و سرانجام در مردادماه ۱۳۵۷ موسی صدر برای رفع مشکلات مادی و تسهیلاتی به آلمان، فرانسه و الجزایر سفر می‌کند. در پاریس به کمک «قطب‌زاده» با روزنامه لوموند گفت‌وگو می‌کند و مقاله او با نام «ندای پیامبران» در تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۸۷ چاپ می‌شود. در الجزایر آقای موسی صدر با «بومدین» ملاقات می‌کند.

#### معرفی آثاری درباره امام موسی صدر

«من مبارزه می‌کنم، پس هستم

مترجم: سیدمحمدرضا نواب

ناشر: قلم مکتون

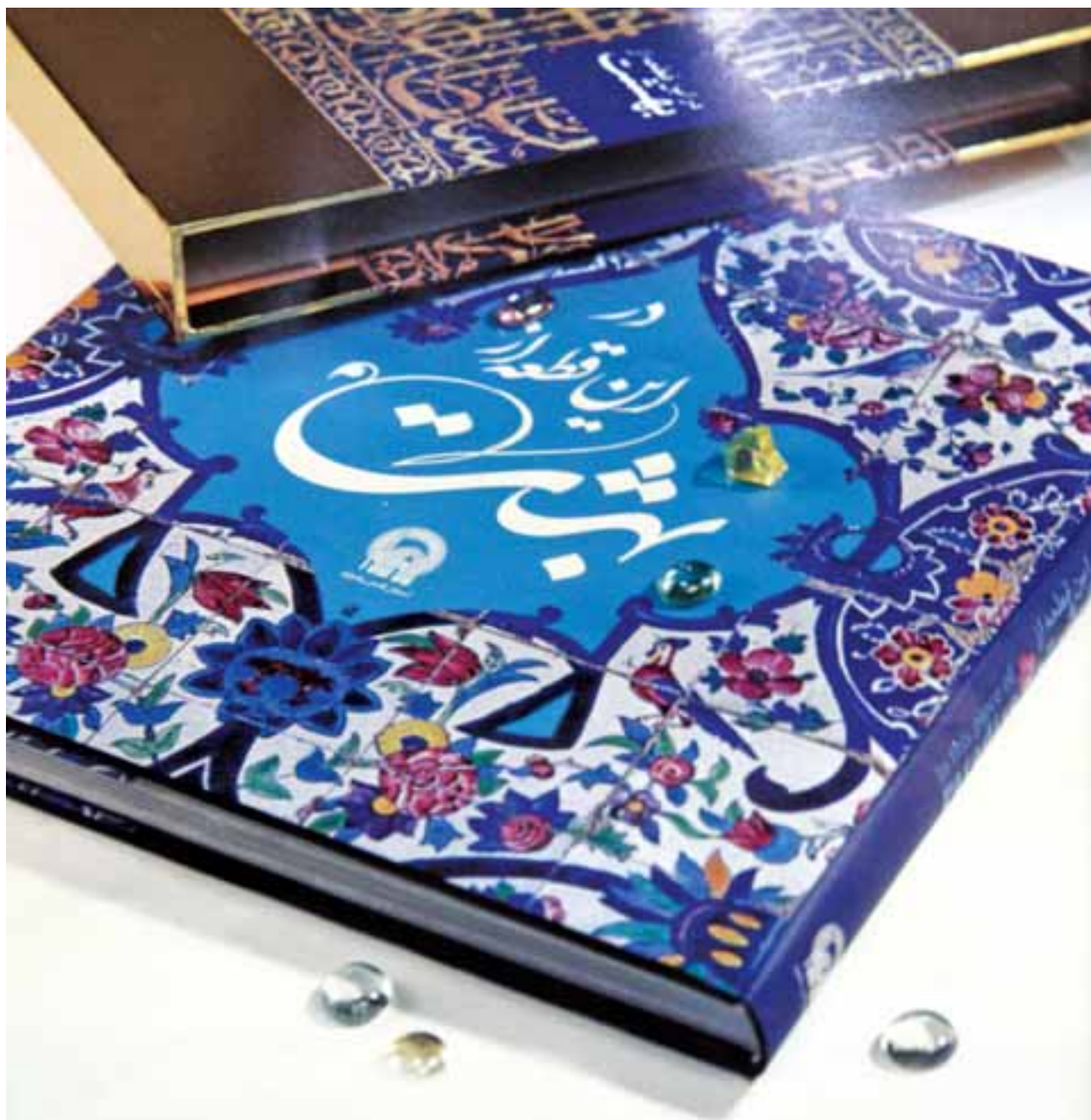
تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۶

تعداد صفحات: ۳۲

معرفی: این کتاب ترجمه متن سخترانی امام موسی صدر در بن / آلمان است. در این کتاب از زبان وزیر دفاع

اسرائیل در ۶۸۷/۱۵ ق. چنین آمده است: «پدرانمان به مرزهای قانونی تقسیم فلسطین رسیدند و نسل ما به مرزهای ۱۹۴۸ رسید؛ ولی نسل شش روزه سوریه و اردن و بلندی‌های جولان را درنوردید و این پایان جنگ نیست. پس از خط‌کشی‌های این آتش‌بس، خط‌کشی‌های دیگری نیز هست که از اردن و شاید هم از سوریه بگذرد.» وزیر دفاع اسرائیل همچنین می‌گوید: «هر جا ملت تورات باشد، پس آنجا سرزمین تورات است.» ■





## کتاب نفیس در این قطعه از بهشت (تصاویر حرم مطهر رضوی)

برنده دیپلم افتخار جشنواره ملی صنعت چاپ ایران  
برای بهترین کیفیت در بخش کتابهای نفیس



مراکز پخش: ۳۰-۳۱ ۸۸۹۹۵۳۳۸-۰۲۱ • ۰۵۱۱ ۲۲۵-۲۰۴

فروش اینترنتی: [WWW.RAZAVIART.COM](http://WWW.RAZAVIART.COM)

- عکاس: سعید محمودی ازبویه
- گرافیک: سعید نجفانی
- مقدمه: سیامه های شجاعی
- تعداد صفحات: ۲۲۸ صفحه
- شغل: ۲۲۸ تصویر حرم مطهر رضوی
- کاغذ: ۱۵۰ گرمی گلاسه براق
- چاپ: چهار رنگ اصلی
- به اضافه های طلا و ورقه براق
- آستر داخلی طلاکوب، مسافری طلاکوب
- کاور باسلفون طلایی و آستر نفیس طلاکوب
- خشک و سوز رنگ (۳۳۰۳۳ سانتی متر)
- خشک و کوب چک (۲۲۰۲۲۱ سانتی متر)



\*  
**شماره‌ی  
جدید  
منتشر  
شد**

دو ماهه‌ی فرهنگی سیاسی پیرامون تاریخ و فرهنگ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

دوره‌ی جدید • شماره‌ی چهار (شماره‌ی ۵ همگونی) • مرداد و شهریور ۱۳۸۸ • ۷۲+۵۲ صفحه



شهر انسان، شهر خدا

نگاه نگران به فرهنگ (پراکنده و شناسنامه‌زده در باره‌ی سازمان فرهنگ در جمهوری اسلامی)

جامعه دوباره بسیج می‌سازد | روایات سوزمین من | دامنه‌ی البرز با آب در گل‌خانه

**پرونده‌ای برای سعید صادقی و عکاسی جنگ**

شهرها را آلوده‌ی بصری کرده‌اند (خاطرات و حرف‌های سعید صادقی)

آقای گنجشک | عکس‌هایی که بوی خاک می‌دهند (نگاهی به سعید صادقی و عکس‌های او از جنگ) | عکس‌گرفتن ممنوع!

این عکس‌ها دروغ نمی‌گویند

...و

\* **پانزدهمین فصل باطنی هشتاد ما و جنسیت و امر جنسی**

سکس: انسانی یا اقتصادی؟ اگر رضایان توانست ما هم می‌توانیم!

متلک و هویت: فرهنگ علمایی و سیاست حجاب اجباری در ایران

حجاب و زیست‌جهان جنسی: خانه جای ارادتگی نیست | در جست‌وجوی جهات جنس زیست‌جهان ما

فرهنگ جنسی جامعه و پاسخ به یک نیاز طبیعی | در جست‌وجوی قطعه‌ی گم‌شده

بدرجناسی به‌مثابه‌ی تجلی اجتماعی: فرهنگ نوپدید زنده‌گی مدرن | آب و نان و گام | فاصله‌ها و مسأله‌ها



اصفهان | صندوق پستی ۱۹۷۳-۸۱۶۶۵

تلفن انبوه‌مشترکین ۰۲۹۱) ۲۳۵۱۷۰۹ | ۰۹۱۳۱۲۷۰۲۹

بای‌گانه اینترنتی: [www.kashan-mag.com](http://www.kashan-mag.com)

گروه مجلات همشهری  
همشهری

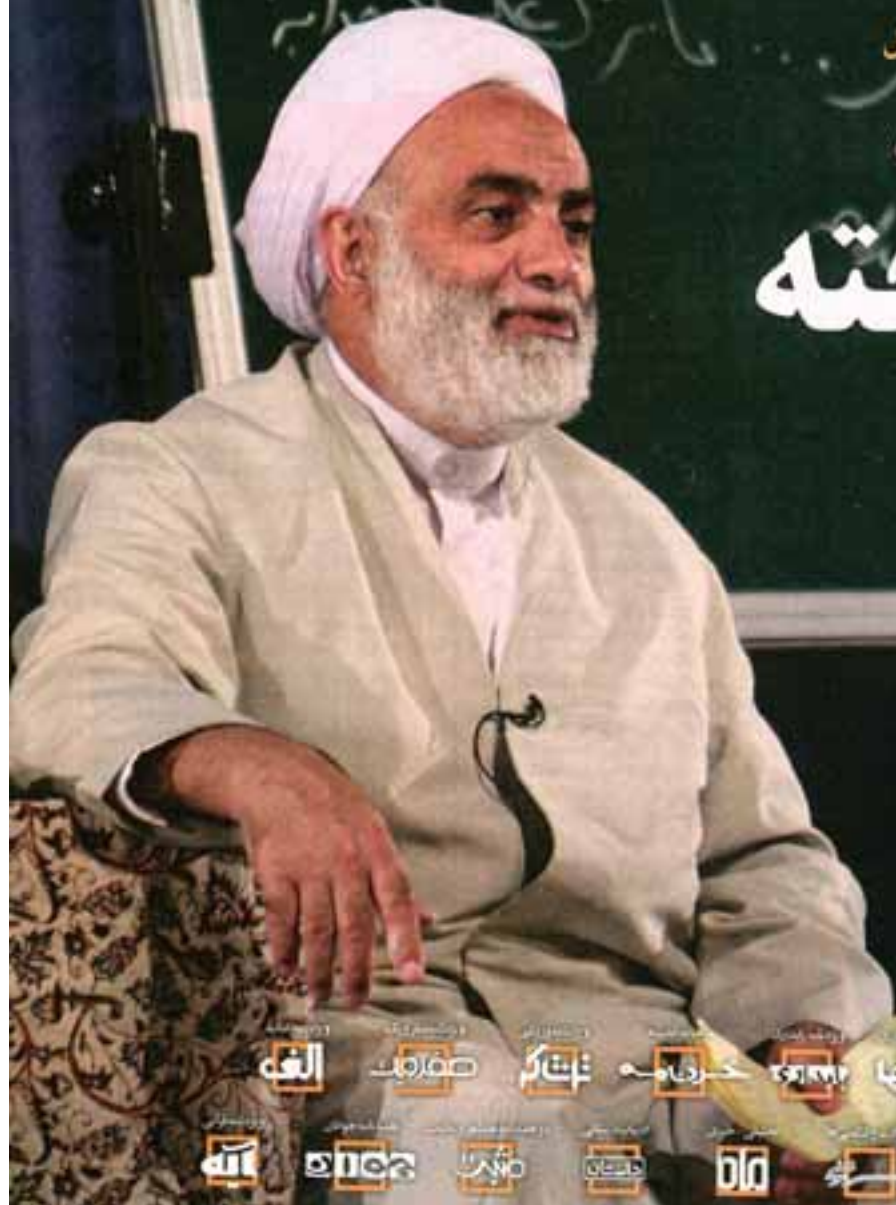
آیه: ویژه نامه دین و فرهنگ  
گروه مجلات همشهری  
در روزنامه فروشی های سراسر کشور

تلن لسراک ۸۲۳۲۱۸۲۳  
پاسک ۳۹۹۹۰۰۰۰  
www.hamshahrimags.com



درس هایی از قرآن از گذشته تا حال

# سه دهه گیج و تخته



همراه با آثار و گفتارهایی از:  
حجت الاسلام سید محمد کاظم ارفع  
حجت الاسلام سید محمود ابیطیحی  
دکتر محمد نجفی  
علی مودتی  
رضا اسماعیلی  
و...

روزنامه همشهری | گروه مجلات همشهری | همشهری | همشهری | همشهری | همشهری | همشهری | همشهری | همشهری | همشهری



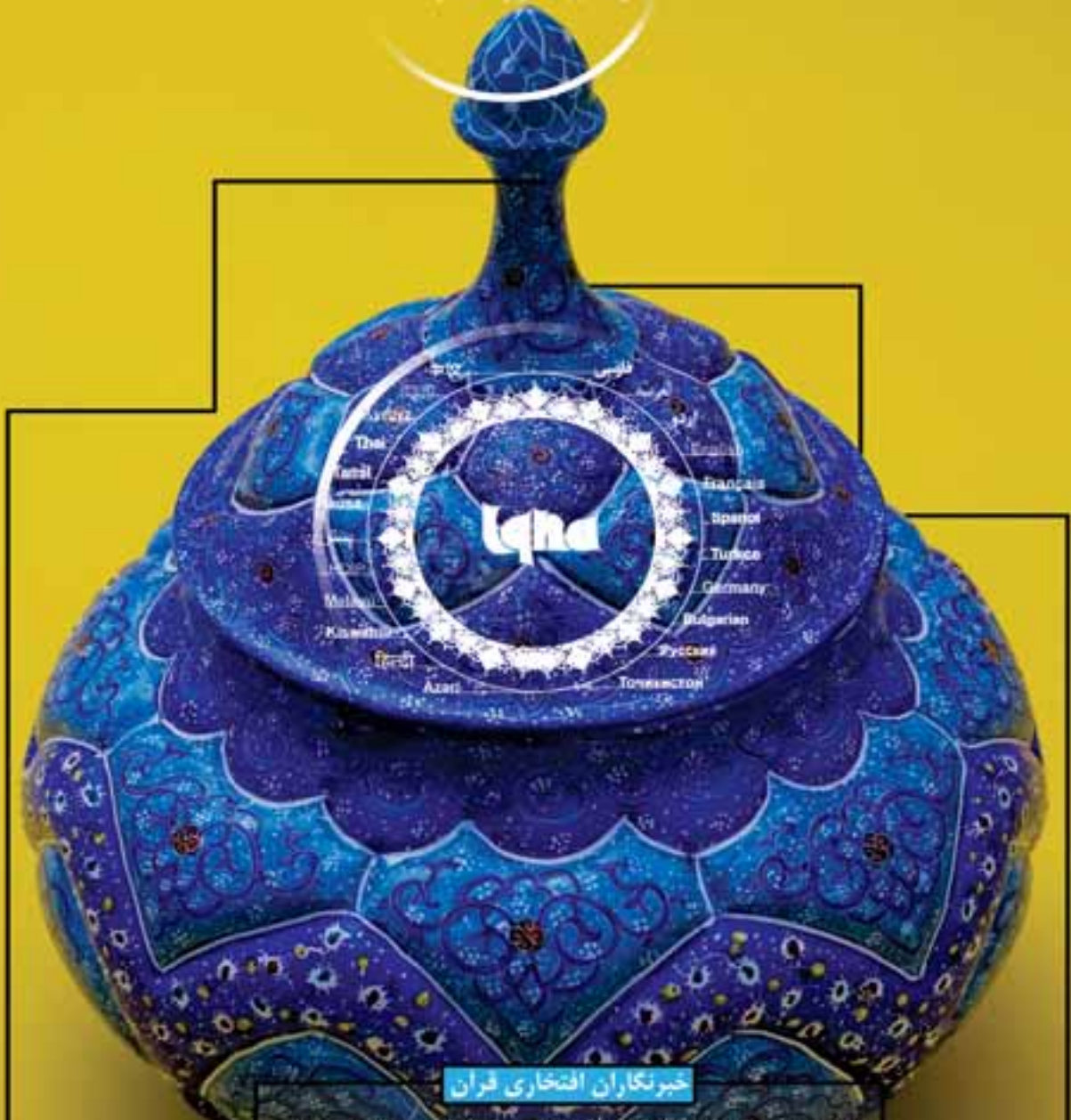
WWW.PANJEREHWEEKLY.COM

## هیچ پنجره‌ای بسته نیست...

پانزدهمین سالگرد انتشار «پنجره‌ها» ۱۳۷۷-۲۰۰۱ میلادی منتشر شد. هفته‌نامه پنجره - تهران

تلفون: ۰۲۱-۶۶۵۰۰۱۹

تهران، مسئول پستی: ۱۳۳۴۵۳۳۳



### خبرنگاران افتخاری قرآن

جامعت و هنر جانم بگویی قرآن کریم بشکلهای است که وقت کمی وقت کنیم به سهولت  
من نواسم دستور العمل و خط منشی سلکونی قرآن بر صفحه فعالیت و برامون خود را در مایه  
نوع همکاری شما با خبرگزاری من نوازم بنامش با سهولت به نظر به نظر اخبار و رویدادهای حوزه کاری و محل  
فردی، اطلاعات و تجارت خودتان با ناسد به طور به نظر اخبار و رویدادهای حوزه کاری و محل  
سکونت خود که مرتبط با حوزه قرآن کریم من باشد را تنظیم و برای ما ارسال خواهید کرد.  
اخبار دریافتن بررسی و در صورت تأیید محتوایی و فنی با نام و کد خبرنگاری خود نسبتاً بر  
روی خروجی سایت خبرگزاری قرار خواهد گرفت.  
سازنده اخبار روزانه خبرگزاری بر روی شبکه جهانی اینترنت نسبتاً را با رویکرد و محتوای  
خبری ایستا، بیشتر است خواهد کرد. برای ثبت نام در صفحه اول سایت خبرگزاری قرآن  
(<http://www.iqna.ir/fa>) روی لوگوی خبرنگاران افتخاری کلیک کنید.

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- صاحب امتیاز: محمدرضا زائری ● مدیرمسئول: مرتضی وافی ● سردبیر: میثم غضنفری ● دبیر تحریریه: امیر عیسی ملکی ● دبیر اندیشه: حسین سخنور ● دبیر تاریخ: سید غلامرضا هزاوه‌ای ● دبیر هنرهای نمایشی: هانیه خاکپور ● دبیر هنرهای تجسمی: محمد محمدی ● دبیر جامعه: علی حقیقت ● دبیر مردم‌شناسی: پیمان اسحاقی ● دبیر ادبیات آیینی: امیر عیسی ملکی ● دبیر هیئت: پوریا شیرآشینی ● دبیر رسانه: فرزانه نزاکتی ● ویژه‌نامه امام موسی صدر: امیر عیسی ملکی

همکاران تحریریه: پدram الوندی، مانا دشت‌گلی، مرضیه کوهستانی، ملیحه پژمان، متین رضوانی‌پور، مجید مبینی، انسیه نوش‌آبادی  
منصور رضایی‌آدریانی، مصطفی دامغانی



۴/ ذکر اهل بیت <sup>ع</sup> با لهجه مسیحی ■ فرهنگ عاشورایی / ۴۶

## پرونده امام موسی صدر ■ تاریخ و اندیشه

- ۵/ وصیت می‌کنم ■ حسین <sup>ع</sup> در قرآن / ۵۱
- ۶/ تاوان فهم بیشتر ■ قرآن در کربلا / ۵۳
- ۱۰/ قول سدید ■ پرده سوم و چهارم: شقاق افکنی / ۵۵
- ۱۲/ روایت صدر
- ۱۴/ شرح صدر
- ۱۶/ سفر در خاطرات مه‌آلود ■ احساسات ضداسلامی

## هنر و ادبیات آیینی

زمینه‌ساز نبود شناخت تعزیه در غرب / ۵۹

■ هیئت ■ نگاهی به کتاب «درام اسلامی» / ۶۰

■ ۲۴/ نسبت ناروا دادن در مداحی‌ها از نظر شرع مذموم است ■ مجلس تعزیه روح‌الارواح / ۶۳

■ ۲۵/ هیئت‌های مذهبی و میتینگ‌های سیاسی ■ برخی نشانه‌ها و نمادها در

■ ۲۶/ از تحلیل و تفکر سیاسی تا تجلیل و تکفیر سیاسی ■ شبیه‌خوانی / ۶۴

■ ۲۸/ مآب ■ تعزیه‌خوانی که مخالف نمی‌خواند / ۶۶

■ ۳۰/ نقش تشکل‌های مردمی دینی در توسعه و ■ چاووش خوانی / ۷۰

■ ارتقای کیفی فرهنگ دینی جامعه ■ پل / ۷۴

■ ۳۱/ دکتترین‌های هیئت‌های مذهبی ■ صحبت چلچله‌ها / ۷۶

■ ۳۲/ کیمیای سعادت

■ ۳۴/ تحلیل محتوای متون مداحی‌های رایج در رسانه ■ رسانه

■ ۳۸/ مصلح اجتماعی و خودفراموشی مضاعف ■ جسارت سریال‌سازی برای

ماه رمضان / ۷۸

■ جامعه ■ پردازشی نو از دین عامه‌پسند / ۸۰

■ ۳۹/ پیشگیری بهتر از درمان است ■ افطار: یک لقمه نان و سریال / ۸۲

■ ۴۱/ اولویت استانداردسازی با بازسازی اسکلت ساختمان‌هاست ■ مشاوران شادمان ارمنان‌آور امید و

■ ۴۲/ راه‌اندازی تکاپای موقت باید با مجوز سازمان‌های مسئول باشد ■ آرامش به سریال‌ها باشند / ۸۳

■ ۴۳/ ۲۵ توصیه برای حفظ ایمنی در مساجد، تکاپا و حسینیه‌ها ■ همچون خاری در گلو / ۸۴

■ ۴۴/ حیات شیعه مدیون فعالیت مجالس و آیین‌های ■ شما چرا ... / ۸۶

■ عاشورایی است ■ برای مرد گمنام فارسی / ۸۷

حروف چینی و ویراستاری: فاطمه غریبی‌ابر

ویراستاری و تصحیح: مریم گل‌باز

طراح نامواره: حمید عجمی

صفحه‌آرایی و طرح جلد: علی اکبر محمدخانی

عکس: حسین اینانلو

سایر همکاران: الهام حسینی، داوود بهلولی،

جلال بیطرفان، جواد محمدی، محمدعلی بیطرفان

جواد جواهری، محمدجواد اسماعیلی‌نژاد

یدالله جباری، فاطمه ایدوست

مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید. خیمه

در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

برگشت دادن مطالب ارسالی امکان‌پذیر نیست.

بهتر است برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.

چاپ: هنر سرزمین سبز / ۶۰ هزار نسخه

برای دریافت روزنامه الکترونیکی خیمه (خیمه ۲۴) آدرس

پست الکترونیک خود را به شماره ۰۲۰۱۳۵۷۰۲ پیامک

یا به آدرس info@kheimehnews.com ایمیل کنید.

دفتر ماهنامه خیمه: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع

استاد نجات‌اللهی، پ ۲۴۱ (ساختمان ۲۱۳ سابق)

طبقه چهارم، واحد ۹/ تلفن دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۹۳۴۹۷۰

صندوق پستی تهران: ۱۹۴۱ - ۱۵۸۱۵ تلفن دفتر قم:

۳۷۱۸۵/۴۴۹ - ۰۲۵۱ - ۷۷۵۱۴۲۳

آدرس الکترونیک: www.kheimeh.com

پست الکترونیک: info@kheimeh.com

خیمه شما را به مخاطبانی متفاوت معرفی می‌کند.  
تلفن جذب آگهی در ماهنامه خیمه: ۸۸۹۳۴۹۶۹



«تحلیل عنوان متون مداحی‌های رایج در رسانه» «دکترین‌های هیئت‌های مذهبی» و نگاهی به رویکردهای متفاوت سیاسی در هیئات از مطالب این شماره گروه هیئت است. در این شماره با «علیرضا نداف»، «دبیر کمیته اذان و دعا در اداره کل نغمات آیینی درباره ضبط اذان‌های جدید گفت‌وگو کرده‌ایم. در گفت‌وگویی که با «آیت‌الله مکارم شیرازی» داشتیم، ایشان از زشتی نسبت ناروا در مداحی‌ها و ناهنجاری نعره‌ها و چیخ‌زدن‌های بی‌معرفت در هیئت‌های مذهبی گفتند. ■

## نسبت ناروا دادن در مداحی‌ها از نظر شرع مذموم است

گفت‌وگویی اختصاصی با آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

■ ملیحه پژمان ■

مداحان و شاعران دینی را به سمت اهداف مغرضانه خود جلب کنند تا به این وسیله ارزش قیام امام حسین<sup>ع</sup> را تنزل دهند.

**حاجی‌ها** اما استفاده از الفاظ رکیک، توهین و افترا توسط عده معدودی از مداحان چه توجیهی دارد؟ به طور قطع و یقین این کار از نظر شرعی اشکال دارد؛ ضمن اینکه متأسفانه گاهی دیده می‌شود، مجالس دینی به تریبون‌های سیاسی تبدیل شده‌اند و هدف در مسئله برگزاری این مجالس گم شده است. توهین و نسبت ناروادادن به دیگران بسیار مذموم و ناشایست است و جا دارد، مداحان محترم در این زمینه دقت و ویژه‌ای مبذول کنند.

**حاجی‌ها** توصیه شما برای شکل‌گیری اصلاحات در این حوزه چیست؟

باید با تدبیر، اندیشه و بدون هرگونه شتاب‌زدگی این مشکل را برطرف کنیم، اگرچه وسواس کار خوبی نیست، در این زمینه باید وسواس بسیاری به خرج دهیم و در ادبیات دینی دقت بیشتری داشته باشیم.

البته سهم رسانه ملی را هم نباید ندیده گرفت. رسانه ملی باید از مسائلی که بوی خرافه می‌دهد، پرهیز کند و مداحی‌هایی که ادبیات نازل و سطحی دارند، از این رسانه پخش نشوند. مداحان و شاعران هم باید هوشیار باشند. نباید مداحان ما برای گریه‌گرفتن از مردم و جمع کردن جمعیت بیشتر، شعری بخوانند که کفرآمیز باشد یا مقام امام حسین<sup>ع</sup> را با یادآوری خال و چشم و ابرو تنزل دهند. باید مداحان و شاعران ما رسالت کار خود را باور کنند و دنبال رسالت اصیل خود باشند. نیاز امروز جامعه اسلامی فهم و گسترش دین در برنامه‌های دینی است و این مهم محقق نمی‌شود؛ مگر با اصلاح مداحی‌ها و اشعار آیینی. ■

انته<sup>ع</sup> می‌سرایند که حتی قرائت آنها در مجالس خصوصی خجالت‌آور است و این محصول کار و تلاش عوامل نفوذی است؛ ضمن اینکه برخی مداحان به جای یادآوری سیره زندگی اهل بیت<sup>ع</sup> به نمایش جلوه‌های ندیده‌ظاهری بزرگان دین می‌پردازند و این برای جامعه اسلامی جای تأسف بسیار دارد.

**حاجی‌ها** این ضعف به کجا برمی‌گردد؟

اینکه متأسفانه برخی شاعران و مداحان به دلیل اینکه تحصیلات و اطلاعات دینی کافی ندارند و به مسئله کربلا، عاشورا و فرهنگ اهل بیت<sup>ع</sup> ضربه وارد می‌سازند. گاهی مجالس عزاداری خوب است؛ ولی شیوه عزاداری در شأن<sup>ع</sup> انته<sup>ع</sup> نیست، گاهی گریه‌ها، نعره‌ها، دادکشیدن و فریادهای ناهنجار در مراسم پخش می‌شود که این احترام به مجالس امام حسین<sup>ع</sup> و عاشورا نیست، بلکه خطرناک و خسارت‌بار است.

**حاجی‌ها** چه آسیب‌های دیگری مداحی‌ها و اشعار آیینی را تهدید می‌کند؟

مهم‌ترین خطر و آسیبی که عاشورا را تهدید می‌کند، نفوذ فرهنگ بیگانه غربی از طریق برخی رسانه‌هاست و نباید فرهنگ غربی بر نوع مداحی و اشعار دینی ما حاکم شود.

متأسفانه گاهی می‌بینیم برخی مداحی‌ها به شیوه‌های غربی اجرا می‌شوند و مجالس هیچ شباهتی به عزاداری و نشر دین ندارند که این مسئله خسارات بسیاری در بر خواهد داشت. به عقیده من با اینکه یادآوری عاشورا و فضایل اهل بیت<sup>ع</sup> اهمیت بسیار دارد؛ ولی دشمنان برای نفوذ و خدشه‌دار کردن فرهنگ عاشورایی مردم در تلاش هستند و امروز خطرهای بسیاری این میراث گرانبها را تهدید می‌کند. دشمنان با چند واسطه و ترفندهای گوناگون تلاش دارند،



**حاجی‌ها** خطر رواج و نفوذ خرافات در اشعار مذهبی و مداحی‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نکته حائز اهمیتی اشاره کردید؛ این روزها در گوشه و کنار گاهی به مسائل عجیبی برخورد می‌کنیم که در محافل دینی، برخی مداحان طرح می‌کنند و مبنای دینی ندارد. این مسئله خطری است که پایه‌های دین را به لطمه دچار می‌کند. به عقیده من شاعران و مداحان باید از استفاده از اشعار خرافی و غلط در ادبیات دینی و مذهبی خودداری کنند؛ چراکه متأسفانه خسارات فراوانی از این رهگذر دامن دین را گرفته و استفاده از ادبیات سخیف و سطحی، وضعیت برخی مداحی‌ها را بسیار تنزل داده است؛ البته این مشکلات گریبان عده‌ای از شاعران و مداحان را گرفته و راه سایر عزیزان فعال در این عرصه که با ایمان و اعتقاد، به نشر دین می‌پردازند، نباید نادیده گرفته شود.

**حاجی‌ها** به نظر شما مشکل اصلی در سرودن اشعار مذهبی است یا مداحی‌ها؟

هر دو گروه! متأسفانه برخی شعرا، اشعاری در مورد



# هیئت‌های مذهبی و میتینگ‌های سیاسی

رضا بابایی

جمله «سیاست ما عین دین است» از مشهورترین و مؤثرترین جملات تاریخی است که می‌تواند عنوان بخش مهمی از تاریخ ما نیز باشد. شاید دقیقاً ندانیم که شهید مدرس از این جمله، چه معنا و نظریه‌ای را اراده کرده است؛ اما امروز این جمله کوتاه، معانی متفاوتی یافته است. معنای ساده و همه‌فهم آن، این است که دین ما (اسلام) از سیاست جدا نیست و دینداران نباید سرنوشت اجتماعی خود را به دیگران بسپارند.

تا اینجا هیچ مشکلی وجود ندارد و شاید حتی مخالفی هم نداشته باشد. به جز دینداران، گروه‌های دیگر انسانی هم نمی‌توانند از سیاست کناره بگیرند و هیچ حساسیتی به کشتی‌ای که بر آن سوارند، نداشته باشند. این جمله افلاطون، خالی از حقیقت نیست که «انسان یعنی حیوان سیاسی.» بنابراین کسی با سیاسی بودن و گرایش سیاسی داشتن مخالف نیست یا اگر مخالفتی هم باشد، درخور اعتنا نیست؛ اما متأسفانه از دین سیاسی و جمله «سیاست ما عین دین است...» چندین معنای غلط و بیراه هم اراده شده است که من در اینجا به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنم.

۱. به گمان برخی، «سیاست ما عین دین است...» یعنی معیار دینان و آدمیت، سیاست است. اگر کسی با آنچه ما حق می‌دانیم، هم‌سویی سیاسی داشت، دینان او نیز معتبر و پذیرفته است و اگر این هم‌سویی مفقود بود، او فاقد دینان و اعتمادناپذیر و تحمل‌ناپذیر است؛ البته هیچ‌کس این باور را به زبان نمی‌آورد؛ ولی در عمل عده‌ای این گونه‌اند؛ به عبارت دیگر برخی گمان کرده‌اند که سیاست ما عین دینان است؛ یعنی نماز هم باید سیاسی باشد، روزه و روضه هم باید جو سیاسی داشته باشد، دوست و دشمن را هم باید سیاست تعیین کند، هر بحثی را از هر جا که شروع می‌کنیم، باید به سیاست برسانیم و ...

این تصور غلط است؛ زیرا دین سیاسی یا سیاست دینی به معنای اضمحلال دین در نهاد سیاست نیست. دین، نهادی الهی است که سیاست را هم در درون خود دارد؛ اما هرگز در سیاست خلاصه نمی‌شود. بهترین دلیل بر این مدعا سیره انبیاء و اولیاء<sup>ع</sup> و شیوه بزرگان دینی ما در طول تاریخ است. آیا این همه اختلاف و بگومگوی سیاسی که در میان مردم و جوانان شایع است، میان مجتهدان بزرگ و مراجع تقلید هم هست؟ هرگز! آیا آنان هم

همدیگر را با ترازوی سیاست وزن می‌کنند؟ هرگز! آمیختگی دینان و سیاست به معنای دادن کلید درهای دین و مسجد و هیئت‌های مذهبی به دست سیاست نیست، به معنای ترجیح نگاه سیاسی به افراد، بر نگاه برادرانه نیست. قضاوت درباره انسان‌ها بر پایه مواضع سیاسی آنان، نه سیاست است و نه دینان؛ چه رسد به اینکه آمیخته آن دو باشد.

در آستانه عاشورای سال ۵۸ یعنی در اولین عاشورای پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی (ره) سخنرانی مفصلي درباره عاشورا و عزاداری برای سیدالشهداء<sup>ع</sup> کردند. در بخشی از این سخنرانی می‌فرمایند:

«باید ماه محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت<sup>ع</sup> که با ذکر مصائب اهل

بیت<sup>ع</sup> زنده مانده است این مذهب تا حالا با همان وضع سنتی با همان وضع مرثیه‌خوانی... ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در روز عاشورا، در محرم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می‌افتد، تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند.

محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است، فداکاری سیدالشهدا سلام الله علیه است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است. زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطباء، با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتاد، باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید؛ البته اگر چنانچه چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی‌اطلاع از مسائل اسلام بوده، آنها باید یک مقداری تصفیه بشود؛ لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند، روضه را همان‌طور که سابق می‌خواندند و مرثیه را همان‌طور که سابق می‌خواندند، بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری.

این خون سیدالشهداست که خون‌های همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دستجات عزیز عاشوراست که مردم را به هیجان می‌آورد و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. در این امر نباید سستی کرد.»<sup>۱</sup>

تأکید امام (ره) در این سخنرانی بر حفظ وضع سنتی عاشورا در آن زمان، به این معنا بود که عاشورا مادر انقلاب است؛ نه فرزند انقلاب. باید حرمت این

مادر را حفظ کرد و آن را همان‌گونه که میان مردم و توده‌ها رسم بوده، حفظ کرد. آغشتن عاشورا به آنچه امروز و فردا در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی رخ می‌دهد، کاستن از وزن و قداست عاشوراست. عاشوراییان، سیاست را رشح‌های از رشح‌های مکتب حسینی می‌دانند؛ نه همه آن یا بخش مهم آن. بدین رو هیئت‌های عاشورایی نیز نباید جولانگاه مباحث جزئی سیاسی باشد. گفت‌وگو درباره سرنوشت ملت‌ها و سیاست‌های کلان دینی، همه‌جا و همیشه مطلوب است؛ اما بحث و جدل بر سر مواضع سیاسی در مسائل جزئی، دافع‌های ویرانگر دارد و هیئت‌های مذهبی را به میتینگ‌های سیاسی یا خرده‌حزب تبدیل می‌کند.

۲. سیاستی که عین دینان است، جهت‌گیری کلی برای اصلاح امور مسلمانان است؛ اما هرگز نباید و نمی‌توان مواضع برخی شخصیت‌های سیاسی را هر قدر که محترم و مردمی و مؤمن و حق باشند - عین دینان شمرد و چنان بر سر آن ایستاد که گویی همه حقیقت در آن کس و موضع او خلاصه شده است. دینان، بسیار عظیم‌تر و مقدس‌تر از آن است که با مسائل روزمره سیاسی مساوی باشد.

آنان که فضای هیئت‌های مذهبی را به روزمرگی سیاسی مبتلا می‌کنند، بزرگ‌ترین صدمات را به روح و کالبد این مجموعه تأثیرگذار می‌زنند. به گمان برخی سیاست‌زده هر فضایی فرصتی است برای پیشبرد اهداف سیاسی؛ اما آن اهداف هر قدر هم مقدس باشند، باید در جای خود و با موازین در خور خود طرح شوند؛ وگرنه دل‌ها را برمی‌آشوبند و نگاه‌ها را بدبین می‌کنند.

هیئت‌هایی که شهرت سیاسی آنها بیش از جنبه معنوی و عاشورایی‌شان است، به قطع برای برخی از محبان سیدالشهداء<sup>ع</sup> دافعه دارند و آنان را به محیط‌های دیگر می‌رانند. سیاست عاشورایی، غیر از عاشورای سیاسی است. عاشورا باید عاشورا بماند تا بتواند خاستگاه پاک‌ترین نظریه‌های سیاسی و غیر سیاسی باشد. بهره‌برداری سیاسی از امکانات عاشورا در برخی هیئت‌های مذهبی با اهداف درازمدت دین سازگاری ندارد و ظرفیت‌های این نهضت عظیم را در کوتاه‌ترین زمان هزینه می‌کند و حماسه‌های را که ذخیره ابدی است، به چاله‌های روزمرگی می‌اندازد. ■

پی‌نوشت:

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴-۲۰۳

هرگز نباید و نمی‌توان مواضع برخی شخصیت‌های سیاسی را هر قدر هم محترم و مردمی و مؤمن و حق باشند، عین دینان شمرد و چنان بر سر آن ایستاد که گویی همه حقیقت در آن کس و موضع او خلاصه شده است.

# از تحلیل و تفکر سیاسی ت

مجید مبینی

افراط کاری می‌انجامد که نتیجه تلخ آن، گریزاندن جوانان از مجالس دینی خواهد بود. مهم‌ترین رسالت هیئت‌های سیاسی، ترویج دین و ایمان‌افزایی است؛ اما افراط‌ورزی در سیاست، کار را بدان‌جا می‌رساند که برخی از شرکت‌کنندگان در هیئت‌های دینی از هرچه هیئت و دین و دیندار است، گریزان می‌شوند و اینجاست که آن هیئت بیمار، رسالت خویش را کاملاً برعکس انجام داده و به جای دین‌گستری، دین‌گریزی کرده است.

یکی از وجوه افراط‌گرایی سیاسی، «نداشتن سعه صدر سیاسی» است. هیئت‌های دینی باید بتوانند انسان‌ها با سلاطین سیاسی گوناگون را در خود جای دهند. نمی‌توان کسی را که به اصول انقلاب عقیده‌مند است، به جرم تفاوت نظر سیاسی به‌زور از سپاه انقلاب خارج کرد و در دامان ضدانقلاب نشانده. نمی‌توان هر کسی را که آینه اندیشه سیاسی ما را در ذهن ندارد، در لشکر عبیدالله بن زیاد جای داد و جایی به دیدگاه وی نداد.

رهبر انقلاب در تبیین اصول انقلاب که باید محور وحدت قشرهای مردم قرار گیرد، می‌فرماید: «این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد؛ هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را مورد توجه قرار داد، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق است... خدمت به مردم از اصول انقلاب است. حفظ استقلال کشور در همه زمینه‌ها و جلوگیری از نفوذ و رخنه دشمنان، جزو اصول تعیین‌ناپذیر انقلاب است؛ بنابراین اصول، اصول ثابتی است. عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم؛ اینها جزو اصول ماست. مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست. مظهر همه اینها قانون اساسی مرفعی ماست... بعضی دنبال محور وحدت نگردند! این اصول، محور وحدت است... اصول و خطوط اصلی انقلاب قابل تغییر نیست؛ البته دولت‌ها و مسئولان در دوره‌های مختلف برای اجرای این اصول می‌توانند تاکتیک‌ها و روش‌های گوناگونی را انتخاب کنند. ما نمی‌گوییم اختلاف سلیقه‌های مردم و جریان‌های سیاسی از صحنه سیاست کشور برداشته شود. این نه ممکن است، نه مفید؛ اما این اختلاف نظرها نباید به جدال و شقاق منتهی شود.»<sup>۲</sup>

بنا بر این فرمایش رهبر انقلاب، اصول انقلاب را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: «استقلال،

«مبادا در منابع عمومی در آنجایی که بایستی دین و اخلاق تبلیغ شود، مسائل اختلافی را مطرح و اختلاف‌ها را بزرگ کنید... هیچ بهانه‌ای مجوز این نمی‌شود که ما در جلسه‌ای، چیزی را که ممکن است بین دو دسته از مردم اختلافی به وجود آورد مطرح کنیم. در جلساتی که تشکیل می‌شود از طرف گویندگان، سخن و اشاره و حرکتی که به اختلافی اشاره کند، مطلقاً نباید وجود داشته باشد.»<sup>۱</sup>

این سطور، توصیه و بلکه دستور صریح رهبر حکیم انقلاب به همه سخنرانان دینی و مداحان مذهبی است؛ توصیه‌ای که هر از چندگاه مورد کم‌توجهی برخی سخنرانان و مداحان قرار می‌گیرد و فضای اطراف خویش را تا روزها متلاطم می‌سازند و وحدت و همدلی میان حاضران را در هیئت‌های دینی به قیمت مدح این و لعن آن تباه می‌کنند.

## سیاست ما عین دیانت ماست

«سیاست ما عین دیانت ماست.» این سخن مدرس دیانت و سیاست، حقیقتی انکارناپذیر است؛ اما سخن در چگونگی سیاست‌ورزی است تا به سیاست‌بازی مبدل نشود. سخن در این است که در عین سیاست‌مداری باید از سیاست‌کاری پرهیز کرد و به نام انجام‌دادن معروف بصیرت‌بخشی، زمینه‌ساز بروز منکر تفرقه‌بخشی نشد.

برخی برای گریز از بروز اختلاف و تفرقه در محافل دینی، هرگونه سخن و فعالیت سیاسی را تحریم می‌کنند. این عده درد را یافته‌اند و نیمی از راه را پیموده‌اند؛ اما در یافتن درمان درمانده‌اند و در راه مانده‌اند. این عده عملاً در پرتگاه اندیشه جدایی دین از سیاست گام برمی‌دارند و هر آن، بیم آن می‌رود که در دره سکولاریسم سقوط کنند. سیاست، جزء جدا ناشدنی دین است و دهها آیه سیاسی در قرآن مجید درباره مسائل حکومتی، قضاوت، سیاست خارجی و روابط اجتماعی، شاهدهی راستین بر نظریه پیوند دین و سیاست است. سیره پیامبر اعظم<sup>س</sup> و امیرمؤمنان<sup>ع</sup> در تشکیل حکومت نیز نشان دیگری از پیوند گسست‌ناپذیر دین از سیاست است.

شماری دیگر از دست‌اندرکاران مجموعه‌های دینی، راه افراط در پیش گرفته‌اند و به نام «بصیرت‌زایی»، «وحدت‌زایی» می‌کنند. با توجه به پیوند دین و سیاست، آموزش سیاست، بخشی از کارکرد آموزش دینی هیئت‌های مذهبی به شمار می‌رود و این امر کاملاً بایسته و شایسته است؛ اما این مهم اگر به‌درستی سامان نپذیرد، به

## توهین و افترا در مداحی‌ها مبنای شرعی ندارد

حجت‌الاسلام ماندگاری

بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی به ما برای اهانت‌کردن به دیگران اجازه نداده‌اند. قرآن صریح بیان می‌کند: «خدایان و بت‌های کفار را ناسزا نگویند که کفار هم به خدای شما جسارت نکنند.» چنان‌که در کلام مولای متقیان هم می‌بینیم که ایشان حتی به سخت‌ترین دشمنانشان هرگز توهین و جسارت نمی‌کردند. ایشان عقیده داشتند نباید به دشمنان اسلام توهین کرد تا آنها هم اجازه توهین به اهل بیت<sup>ع</sup> را پیدا نکنند؛ اما چه شده که ما این روزها به جای تاسی به مولای متقیان از توهین و افترا در هر مکانی فروگذار نمی‌کنیم؛ به‌ویژه محافل و مجالس مذهبی و بسیار جای تعجب دارد که چرا این آسیب‌گریبان برخی مداحان محترم را گرفته و آنها از فضای محافل مذهبی به نفع مقاصد سیاسی بهره می‌گیرند و مستقیم به انسان‌های حقیقی و حقوقی توهین می‌کنند و افترا می‌نهند؛ البته این با ذات روشنگری منافات دارد.

می‌توانیم در مجالس مذهبی روشنگری کنیم؛ یعنی آرمان‌های حسینی را برای شناساندن اهداف سیدالشهدا<sup>ع</sup> و زندگی رستگاران بدون غرض‌ورزی و سوگیری سیاسی طرح کنیم؛ اما اینکه بیاییم به انسان‌ها توهین کنیم و الفاظ رکیک به کار ببریم، به‌یقین جز تحریک و خراب‌کردن ذهن عمومی مردم و نسل جوان راه به جایی نخواهیم برد و این مسئله نه مبنای شرعی و دینی دارد و نه قانونی و مدنی.

حتی در عبارات ادعیه‌ها مثل زیارت عاشورا داریم که خدا لعنت کند آنها را که به پایه‌های اسلام ظلم کرده‌اند و خون سیدالشهدا<sup>ع</sup> را ریخته‌اند؛ اما جسارت به دیگران، آن‌هم در مداحی‌ها راهی است برای توهین‌های بعدی و آلوده‌کردن محافل دینی به مسائل غیر دینی. من از مداحان محترم می‌خواهم که شأن دینی و اجتماعی خودشان را بشناسند و بر اساس آن مجالس را اداره کنند. ■

# تا تجلیل و تکفیر سیاسی

آزادی، جمهوریست و مردم‌سالاری دینی، معنویت و اخلاق، خدمتگزاری به مردم، فسادستیزی (اقتصادی، اداری، فرهنگی و...)، عدالت‌خواهی داخلی و توجه به مستضعفان، عدالت‌خواهی جهانی و مبارزه با استکبار، دفاع از مظلومان جهان» که تجلی همه این اصول ثابت و تغییرناپذیر «قانون اساسی» است. این اصول باید محور وحدت در هر مجموعه‌ای از جمله هیئت‌های دینی قرار گیرد و با سعه صدر، پذیرای سلیقه‌های گوناگون سیاسی در چارچوب این اصول بود.

## تجلیل و تکفیر چهره‌های سیاسی

سیره عالمان و اندیشه‌وران بزرگ دینی در سعه صدر و پذیرش اختلاف نظر بسیار آموزنده است. عالم جلیل‌القدر سید بن طاووس (ره) می‌گوید: «قطب راوندی رساله‌ای تألیف کرده است، درباره اختلافات شیخ مفید و سید مرتضی و در آن ۹۵ اختلاف میان این دو را و آن هم فقط در اصول اعتقادات برشمرده است. فراتر از این، قطب راوندی در پایان این رساله می‌گوید: «اگر همه مسائلی را که در آن اختلاف کرده‌اند، استصفا کنم، کتابی مفصل می‌شود.»<sup>۱</sup>

اگر برخی سخنرانان و مداحان دینی امروز در قرن چهارم و پنجم هجری می‌زیستند، به یقین به تکفیر یکی از آن دو عالم بزرگ شیعی حکم می‌دادند. وقتی در برخی هیئت‌های مذهبی، یک مسلمان شیعه به جرم تفاوت اندیشه سیاسی در چگونگی رسیدن به اهداف انقلاب، به کفر محکوم شود، چگونه می‌توان شاهد ده‌ها تفاوت در اندیشه مذهبی فردی بود و او را همچنان جزو یکی از بزرگان فقاقت تشیع دانست؟! یکی دیگر از گردبادهای افراط‌گری که گاه هیئت‌های دینی پای در آن می‌نهند، «نام بردن از چهره‌های سیاسی» و سپس تجلیل یا تکفیر آنهاست. گرچه تبیین و بصیرت‌بخشی به مخاطبان جلسات دینی، گاه اقتضای آن را دارد که نام فردی برده شود، این ضرورت به‌ندرت اتفاق می‌افتد و در بیشتر موارد به بردن نام شخص یا اشاره‌ای دقیق به شخص خاصی نیاز نیست.

رسالت هیئت‌های دینی، دادن تحلیل و تفکر سیاسی به دیگران است و این امر بیشتر مواقع نیاز ندارد که با آوردن نام کسی، بحث، سطحی و نازل شود. یافتن هویت‌های حسینی و یزیدی در هر عصر به منظور عبرت‌گیری از حادثه عاشورا امری لازم است؛ اما تنزل دادن بحث به چهره‌های زودگذر سیاسی، نه تنها سودی نمی‌بخشد، بلکه باعث بروز اختلاف و وحدت‌سوزی در جامعه خواهد شد. رهبر انقلاب در دیداری با استادان دانشگاه،

آنان را به دادن تحلیل سیاسی به دانشجویان توصیه کردند؛ در عین حال آنان را از بردن نام افراد برحذر داشتند: «توقع از اساتید محترم این است جوان‌هایتان را توجه کنید. منظوم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید؛ نه؛ اصلاً من موافق هم خیلی نیستم، اسم آوردن از زید و عمرو و بکر... این چیزها کمکی به حل مشکل نمی‌کند. به اینها قدرت تحلیل بدهید.»<sup>۲</sup>

خطای نام‌بردن از چهره‌های سیاسی آن‌گاه سنگین‌تر می‌شود که سخنران یا مداح به دشنام زبان می‌آید! آنانی که قرار است، ترویج‌دهنده اخلاق و معنویت در جامعه باشند، گاه به چنان خبط و خطایی مبتلا می‌شوند که تأسف هر بی‌دینی را نیز برمی‌انگیزانند. گاه مداحی در میانه دعا، آن هنگام که بر مظلومیت سیدالشهدا ع اشک می‌ریزد و می‌ریزند، به ناگاه یکی از چهره‌های سیاسی را در قاصت یزید زمان می‌یابد و هر چه دشنام دارد، نثار یزید کشف کرده می‌کند و بدین‌سان بر مظلومیت حسین ع می‌افزاید.

برخی الفاظ به کار رفته از سوی مداحان دینی، آن‌چنان تأسف‌بار است که بعضی رسانه‌ها، حتی از کتابت آن الفاظ نیز شرم می‌کنند و قطار نقطه‌ها را جایگزین آن واژه‌ها می‌کنند. آیا رواست در مجلسی که به نام اهل بیت ع این والاترین انسان‌های اخلاق مدار تاریخ تشکیل می‌شود، چنین بی‌اخلاقی‌هایی را مرتکب شد؟

آری؛ اگر چهره‌های سیاسی با اصول انقلاب مخالف است و در ابراز این مخالفت نیز به اصول اخلاقی پای‌بند نیست، در دایره فرزندان خمینی (ره) قرار نمی‌گیرد و نمی‌توان به نام سعه صدر سیاسی وی را دست و پا بسته و به‌اجبار به جرگه انقلابیان کشاند؛ اما آیا این امر مجوز آن خواهد بود که زبان خویش را بی‌الاییم و گوش دیگران را بخراسیم و در مجالس استغفار از گناه، مرتکب گناهی دیگر شویم؟ به‌راستی آیا کسی که برای سخنان منطق و استدلال دارد، نیازی دارد که زبان به دشنام بسپارد؟

## پی‌نوشت:

۱. در دیدار با علما و روحانیان، ۶۸/۵/۱۱ و ۷۷/۲/۲
۲. در دیدار با زائران حرم حضرت امام (ره)، ۸۱/۳/۱۴
۳. سید بن طاووس، کشف‌المحججه لقمه‌المهجه، ص ۲۰
۴. در دیدار با استادان دانشگاه‌ها ۸۸/۶/۸

## فضای مداحی‌ها نباید به اغراض سیاسی آلوده شود

■ حجت‌الاسلام محسن غروی‌ان ■

به نظر من در حقیقت مداحی صنفی است که زبانش زبان دین است و مداحان به گونه‌ای سخن‌گویان مذهبی تلقی می‌شوند؛ بنابراین ادبیات مداحی هم باید ادبیات دینی و مذهبی باشد.

الفاظ رکیک و زشت به‌یقین در ادبیات مداحی جایی ندارد؛ چراکه چنین مسئله‌ای با متانت و وقاری که باید در دین و دین‌داری باشد هم‌خوانی ندارد.

در مورد اسم‌بردن از دیگران در مداحی‌ها باید ببینیم کجا، کی و چه کسی این عمل را انجام داده و نمی‌شود یک قاعده کلی را برای آن در نظر گرفت. باید ببینیم اسم چه کسی است و چه وضعیتی دارد؟

در ادبیات ما اسامی تاریخی بسیار به کار می‌بریم؛ مثل یزید، شمر و معاویه؛ اما نسبت‌دادن به معاصران باید حساب شده باشد.

باید دید اوضاع چگونه اقتضا می‌کند، اسم ببریم یا خیر؛ اما توهین و افترا از گناهان کبیره است. در اسلام و همه ادیان این اعمال به شدت نهی شده است و در ادبیات دینی و مداحی جایی ندارد.

ناگفته نماند، بسیاری مداحان هستند که بسیار متین و موقر محافل را اداره می‌کنند و متأسفانه برخی هم رعایت نمی‌کنند؛ ولی نباید این مسئله را به همه تعمیم داد. فضای مداحی‌ها نباید به اغراض سیاسی آلوده شود، بلکه باید در نهایت متانت و به دور از هرگونه نظریه‌پردازی شخصی و سیاسی برگزار شود تا مردم هم بهره ببرند.

مداح باید برای اعتلای دین حرکت کند و هتاک‌ی و نسبت‌های ناروا در دین و سخنان اهل بیت ع بسیار نکوهش شده است. ■

# مآب

گفت و گو با مدیر عامل مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران

**گروه هیئت:** انتشار کتابی با نام «مدیریت عاشورایی» زمینه‌ای شد تا با دکتر حسین علیان عطابادی آشنا شویم. عطابادی، دکتری مدیریت سیستم و بهره‌وری، مؤلف ۳۲ جلد کتاب در زمینه‌های مدیریت (مدیریت اسلامی، مدیریت ارتباطات، مدیریت استعدادها و...) و مدیرعامل مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران است. ایشان دبیر اولین کنفرانس «مدیریت اسلامی» در دانشگاه علم و صنعت در آذرماه ۱۳۸۷ و عرضه‌کننده دوره‌های آموزشی با نام‌های مدیریت قرآن، مدیریت نبوی، مدیریت عاشورایی، مدیریت علوی، مدیریت فاطمی و... است. عطابادی علت برخی سوءاستفاده‌ها زیر چتر هیئت را بیان‌نشدن باید و نبایدهای هیئت‌های مذهبی و وجود یک کمیته انضباطی برای بررسی و اصلاح تخلفات را لازم می‌داند. در آینده با آثار مکتوب ایشان بیشتر آشنا می‌شویم.

فرهنگی و اجتماعی، تولید محصولات مذهبی و... درجه‌بندی شوند و زمانی که رتبه آنها از تراز مشخصی بالاتر شد، بتوانند طرح‌های آموزشی و پرورشی را اجرا کنند.

به نظر من بهترین عنوان این طرح به صورت کلان «مآب» است که مخفف «مروجان اسلامی برتر» می‌باشد؛ ضمناً این کلمه، کلمه‌ای است قرآنی به معنی «محل بازگشت» و «جوع به فطرت» و هدف هم در اینجا این است که مروجان اسلامی که از همه هیئت‌ها برمی‌خیزند، جامعه را به اهداف گمشده خود و فطرت اصیل انسانی بازگشت دهند و در این مسیر پرخطر، یار و یاور آنان باشند.

**حلیا:** ارزیابی شما از نقش هیئت‌های مذهبی در افزایش توانمندی‌های حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی چیست؟ اساساً چنین نقشی را برای هیئت‌های مذهبی لازم می‌دانید؟

بله؛ صددرصد؛ منتها این کار باید بسیار دقیق و ظریف باشد و تصمیمات آن عالمانه و حکیمانه اتخاذ شود تا اشتباهات به کمترین میزان برسد. سعی شود هر کسی در حوزه این مسائل نظر ندهد و کارگروه‌های تخصصی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اقتصادی، علمی و... به این منظور تشکیل شود؛ البته سایر اعضای هیئت هم نظر بدهند؛ اما نظر اصلی را یک کارگروه و به صورت تخصصی طرح کند.

اساساً با تخصصی نگاه کردن به موضوعات نباید بگذاریم گاهی ظاهربینان فکر کنند این تصمیمات یک‌شبه و احساسی گرفته شده، بلکه برعکس متوجه شوند که این تصمیمات حاصل خرد جمعی کانون‌های تفکر هیئت بوده و در بستر زمان شکل گرفته است؛ همچنین همه جوانب امر لحاظ شده و زیرساخت‌های لازم برای تحقق این اهداف نیز به‌درستی تبیین و تشریح شده است.

**حلیا:** آیا برداشت عامیانه‌ای که هیئت را یگانه مکان برای عزاداری و توسل به ائمه <sup>a</sup> می‌داند، برداشت درستی است؟ تعریف شما از هیئت چیست؟

وقتی به حوادث صدر اسلام نیم‌نگاهی بیندازیم، می‌بینیم مسجدها نه فقط محل عبادت، بلکه محل فراگیری علم، تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی و فرهنگی و روشننگری‌ها به اقتضای مسائل روز بوده‌اند. فلسفه وجودی هیئت‌ها هم چیزی نیست، جز عبرت‌آموزی از دبروز دنیای اسلام، مسائل جاری جهان اسلام و آینده‌پژوهی اسلامی.

در واقع شهادت امام حسین <sup>a</sup> و یارانش را جرقه‌ای می‌دانیم که افروخته شده تا این مشعل آگاهی، دست‌به‌دست به نسل‌های بعد انتقال یابد و از این رو هیئت صرفاً گیرنده اشک نیست، بلکه در اصل دهنده فکر، پویایی و حرکت به جوانان اسلامی است. اینکه فقط فعالیت‌های هیئت را در فعالیت‌های ظاهری آن خلاصه کنیم، نگاه پوسته‌ای به سید تعالی، رشد، معرفت و عشق و ایمان هیئت است.

همیشه محتویات یک ظرف از خود ظرف مهم‌تر است و نباید بگذاریم حاشیه بر متن بچربد. این وظیفه مدیران هیئت‌های ماست که مأموریت کلان خود را بدانند؛ معرفی اسلام ناب در همه جهات به همه آنهایی که گوش شنوایی برای شنیدن حقایق دارند.

**حلیا:** در حال حاضر هیئت‌های مذهبی برای پرداختن به مسائل آموزشی و پرورشی ویژه مخاطبان خود صلاحیت‌های لازم را دارند؟ برای رسیدن به بهترین الگوی هیئت چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

باید هیئت‌های ما بر اساس معیارهایی همچون تعداد جوانان فعال و میزان تحصیلات آنها، سوابق

**آیت‌الله حسن ممدوحی در گفت‌وگو با خیمه**

## برخی مداحان افکار موهوم را در میان مردم رواج می‌دهند

ادبیات مداحی و هیئتی باید بر مبنای اخلاص و سواد باشد.

دین مبین اسلام با استفاده از الفاظ رکیک حین مداحی به شدت مخالف است و تأکید بزرگان دین ما این است که در نهایت ادب و احترام مجالس مذهبی برگزار شود.

جای تأسف بسیار دارد که برخی مداحان بدون شناختن رسالت اصلی خویش به این قبیل کارها دست می‌زنند. مجلس مذهبی مجلسی است برای شناساندن سیره زندگی بزرگان دین و حال آنکه این بزرگان بسیار تأکید کرده‌اند که حرمت انسان به‌ویژه مسلمانان را حفظ کنیم.

این مجالس قداست دارد و عرصه تاخت و تازهای سیاسی و عرصه تفکرات فردی نیست. استفاده از هر واژه و کلمه‌ای در هیئت‌ها و در حین مداحی مسئولیت بسیار دارد؛ چراکه مداح می‌تواند ذهن مخاطبان را به هر سویی که می‌خواهد سوق دهد و در اسلام این رفتار بسیار مذموم و محکوم شده است.

**حلیا:** و در این شرایط چه باید کرد؟

به عقیده من بروز این مداحی‌های موهوم مسئله نوظهوری است و مثل یک ویروس که لحظه‌به‌لحظه در حال گسترده شدن است، این شیوه‌های مداحی هم در حال گسترش است. من تأکید می‌کنم وظیفه نهادهای رسمی در حال حاضر رسیدگی محکم و قانونی بر شیوه مداحی و اداره مجالس مذهبی است؛ چراکه اگر نظارت‌ها دقیق نباشد، به قول معروف قافیه را خواهیم باخت!

مداح اگر اخلاق نداشته باشد، به خودش اجازه می‌دهد هر طور که دوست دارد مداحی کند. من چند وقت پیش عباراتی را از یک مداح در حین مداحی شنیدم که بسیار متأسف شدم. ضمن اینکه مداحان برجسته و بااخلاص را شایسته تقدیر می‌دانم؛ اما تأکید می‌کنم نباید از کنار برخی مداحان سودجو به‌راحتی گذشت. برخی مداحان ساحت معنوی مداحی را با محل کسب درآمد اشتباه گرفته‌اند. تأکید می‌کنم محافل مذهبی این‌چنینی می‌تواند ذهن مردم را به شبهه دچار کند. ■

## حلبا با توجه به تفکر شیعی مبتنی بر «سیاست ما عین دیانت ما»، چه باید و نبایدهایی را در اتخاذ این رویکرد باید در نظر گرفت؟

تاریخ اسلام و به ویژه فعالیت‌های شیعیان همیشه با این رویکرد جلو رفته و همواره موفق بوده؛ هر چند گاه این پیروزی‌ها به ظاهر شکست جلوه کرده است. در مورد عاشورا گفته شده: «غالبیه فی صورت المغلوبیه»؛ «یک پیروزی بزرگ در ظاهر شکست»

گذر زمان حقایق را بر ملا ساخت و امام حسین<sup>ع</sup> پیروز ابدی و یزیدیان شکست‌خوردگان همیشه تاریخ شدند. مهم این است که سمت و سوی حرکت ما بر مبنای این اصول خط‌دهی شود؛ اما آنچه در اینجا بسیار مهم است، پرهیز از افراطی‌گری‌هاست.

سیاست اصلی که در هیئت عین دیانت است، جناح بازی نیست، حبّ و بغض‌های شخصی نیست، ترور شخصیت نیست... بلکه سیاست اصلی سیاستی است که راهبردهای جامعه اسلام و چشم‌انداز زیبای اسلامی را فرآوری ایران و سایر ملل اسلامی می‌گشاید، سیاستی که جاذبه‌اش از دافعه‌اش بیشتر است و عقلا نیتش بر جنبه احساسی‌اش چیره است، سیاستی که اساس آن را فرمایش حضرت علی<sup>ع</sup> تشکیل می‌دهد که «مردم جامعه یا برادران دینی تو اند یا برادران هم‌نوع تو» و ما را به اتحاد و انسجام فرا می‌خواند و از بدبینی و ظاهربینی باز می‌دارد.

## حلبا فضای هیئت‌های مذهبی در کلان‌شهرها در حال حاضر سیاسی است یا سیاست‌زده؟ برای رسیدن به مطلوب‌ترین وضع ممکن چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

در حال حاضر ما با سه نوع هیئت در فضای مذهبی‌مان روبه‌رویم:

۱. هیئت‌هایی که تفکر سیاسی ندارند، صرفاً به عزاداری و برپایی مراسم آیینی می‌پردازند، تحولات موجود جامعه اسلام را مستقل از برنامه‌ها و اهداف خود می‌دانند و غافل‌اند از اینکه «هر روز، عاشورایی است و هر زمینی، کربلایی».

۲. هیئت‌هایی که تفکر سیاسی با بینشی صحیح دارند، بر اساس آن گام برمی‌دارند، به تعبیر زیبای «آئی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حربکم» جامعه عمل می‌پوشانند، تولی خود به اولیاء الله<sup>ع</sup> و تبرّای خود را از اعداء الله ابراز می‌دارند.

۳. هیئت‌هایی که سیاست‌زده‌اند، با واکنش‌های احساسی و شتاب‌زده از هدف اصلی خود غافل می‌شوند و به جای ندای وحدت، فریاد تکرر سر داده‌اند. اینان به تعبیر امام صادق<sup>ع</sup> چون

بصیرت ندارند، سرعشان جز دوری از مقصد حاصلی برایشان نخواهد داشت.

هیئت‌های نوع اول و سوم مصداق «افراط و تفریط» هستند؛ همان چیزی که ائمه ما، بارها خطر آن را به ما گوشزد کرده‌اند.

وضع موجود این چندگانگی در هیئت‌های ماست و وضع مطلوب یگانگی در کارکرد هیئت‌ها. به نظر من تشکیل سامانه نظارت بر هیئت‌ها همراه با بازرسی قوی و منظم و تعیین صلاحیت مسئولان هیئت‌ها و مداحان امری ضروری است.

چگونه است که برای هر فعالیتی اخذ گواهینامه آن ضروری است؛ اما در هیئت‌ها هر کسی بنا به صلاحدید رئیس هیئت و خوش صدابودن می‌تواند به جرگه مداحان بپیوندد و بر گفتار ناصواب و رفتار غیر شرعی‌اش ایرادی وارد نباشد؟

## حلبا برای مدیریت محتوایی در هیئت‌های مذهبی کدام نهادهای آموزشی و پرورشی و کدام سازمان‌های فرهنگی می‌توانند نقش ایفای کنند؟ پیشنهاد شما به این نهادها چیست؟



ما در حال حاضر در کشور «مرکز رسیدگی به امور مساجد» را داریم که اتفاقاً در ساماندهی فعالیت‌های مساجد به خوبی ایفای نقش می‌کند. اگر مرکزی به عنوان «مرکز رسیدگی به هیئت‌های مذهبی» نیز در کشور تأسیس شود، می‌تواند با مدیریتی مستقل و البته همکاری دستگاه‌های مرتبط همچون سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حوزه و دانشگاه و... بر اساس چشم‌اندازی هم‌سو با چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام، اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت مجموعه را تبیین کند.

حلبا مرز بین سیاست‌بازی‌های منفعت‌اندیشانه و تفکر سیاسی مبتنی بر دین کجاست؟ من معتقدم در هر صورت استفاده ابزاری و منفعت‌جویانه از این عقیده صحیح شیعی که «سیاست ما عین دیانت ماست» همواره

وجود داشته و وجود خواهد داشت. پیشنهاد شما برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های این چنینی و ممانعت از به بازیچه گرفتن عقاید دینی چیست؟

چطور می‌توان سوءاستفاده‌کنندگان را ناکام گذاشت؟

دقیقاً همین‌طور است که می‌گویید؛ اما مرزبندی در اینجا بسیار سخت است و بین حقّ و باطل گاه مرز بسیار ظریفی است که درک آن شرط دارد و آن شرط هم فرمایش زیبای قرآن کریم است که: «این تقوی الله يجعل لکم فرقاناً»؛ «اگر تقوی الهی پیشه کنید، خداوند معیارهای حقّ و باطل را به شما نشان خواهد داد.» هیئت‌های ما امروز بیش از هر چیز به لحاظ تئوری به تقوی سیاسی نیاز دارند و به لحاظ عملی به نظم؛ «اوصیکم عباد الله و نفسی بتقوی الله و نظم امرکم».

امروز هیئت‌های ما وظیفه‌شان بسیار حساس است؛ همان‌گونه که می‌توانند تکرر زیبای شیعه را به جهانیان منعکس سازند، به همان نسبت می‌توانند با اشتباه‌های استراتژیک به دست عده‌ای فرصت‌طلب و مغرض بهانه بدهند که از گاهی، کوهی بسازند و فعالیت‌های مثبت و سازنده سایر هیئت‌ها را نیز متأثر سازند و به تخریب بپردازند.

یکی از دلایلی که برای سوءاستفاده به عده‌ای در زیر چتر هیئت اجازه داده، این است که بایدها و نبایدهای هیئت‌ها به درستی بیان نشده و دستورالعمل و چارچوب خاصی برای فعالیت‌ها معمولاً وجود ندارد؛ به این منظور لازم است در هر هیئتی، نخبگان هیئت قوانینی را وضع کنند و راه را بر عناصر فرصت‌طلب درونی و بیرونی ببندند.

در کنار آن هر عضوی که به هیئت می‌پیوندد دارای پرونده هیئتی، کد هیئتی و کارت شناسایی هیئت باشد و قبل از هر چیز تعهدنامه هیئت را امضاء و متن سوگندنامه را قرائت کند که جز در مسیر حقیقت و اهداف والای امام حسین<sup>ع</sup> در هیئت گام بر نخواهد برداشت.

این سوگندنامه می‌تواند در اولین شب محرم هر سال به صورت جمعی قرائت شود و این تجدید پیمان با آرمان‌های متعالی حضرت سیدالشهداء<sup>ع</sup> صورت پذیرد.

هر هیئت باید کمیته انضباطی داشته باشد تا تخلفات هیئت در آن بررسی شود و نسبت به اصلاح آن اقدامات مقتضی انجام گیرد؛ البته برای حرکت صحیح در جاده حقیقت کنترل بیرونی به تنهایی کافی نیست و کنترل درونی هم لازم است.

کنترل درونی از خود ما شروع می‌شود و در واقع همان جهاد اکبر ماست. ■

سیاست دیگر وسیله نیست، بلکه به هدف تبدیل شده است. انسان‌ها، جماعت، احزاب و شخصیت‌ها بدان وسیله زندگی خود را می‌گذرانند.

# نقش تشکلهای مردمی دینی در توسعه و ارتقای کیفی فرهنگ دینی جامعه

رضا معصومی مقدم \*

بازشناسی و بازآفرینی فرهنگ مستعد خودی یاری دهد؛ در عین حال با مشارکت دادن همه مردم جامعه در فرهنگ آفرینی و تقویت و گسترش رقابت‌های سازنده، راه همگانی کردن فرهنگ را بگشاید؛ به عبارتی حاکمیت تفکر عالمانه و طراحی مدبرانه در عرصه توسعه فرهنگ دین.

## راهکارهای نقش آفرینی تشکلهای مردم نهاد

### در توسعه و ارتقای کیفی فرهنگ دینی جامعه

- راه اندازی انجمن‌های تخصصی فرهنگی دینی (کانون شاعران مذهبی و...)
- ایجاد و افزایش تعاملات درون و برون استانی و تعامل با عناصر تأثیرگذار
- رویش و پویایی در فعالیت‌ها
- توجه به هویت ایرانی اسلامی و مدنظر قراردادن وحدت ملی
- تعامل با نشریات دینی
- ایجاد تشکلهای ایجابی مانند تشکل مروچین فرهنگ عفاف و حجاب، مبارزه با اعتیاد، افسران جنگ نرم و...
- ایجاد ارتباط مستمر با گروه‌های مرجع و تلاش در کارسازی نیروهای متعهد و متخصص
- نهادینه‌سازی توسعه فعالیت، سواد و فرهنگ قرآنی در بین تشکلهای
- استفاده از ظرفیت موجود در رسانه‌های مکتوب و تصویری و الکترونیکی (سایت‌ها) برای اطلاع‌رسانی دینی و تبیین و تعمیق معارفی، وابسته به تشکلهای مردمی و دینی است.
- به عنوان حسن ختام این یادداشت متذکر می‌شوم، امام خمینی (ره) توسعه را دارای پنج ویژگی برمی‌شمارد:

  ۱. جامعیت مفهوم توسعه به نحوی که همه ابعاد وجودی انسان را فرا می‌گیرد.
  ۲. فرهنگ اساس توسعه است.
  ۳. استقلال فرهنگی، عامل اصلی توسعه و وابستگی فرهنگی، عامل اصلی توسعه‌نیافتگی است.
  ۴. فرهنگ اسلامی، اساس و هدف توسعه فرهنگی است.
  ۵. تربیت و تعالی انسان، شرط توسعه و غایت آن است.

\* معاون اداره کل فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی

«فرهنگ اسلامی، اساس و هدف توسعه فرهنگی است.»  
امام خمینی (ره)  
«توسعه مشارکت‌های مردمی در عرصه فرهنگ دینی، برنامه‌ریزی و اقدام‌های لازم برای حمایت از هیئت‌های مذهبی و تشکلهای دینی با رویکرد بهبود کیفیت فعالیت‌ها و پرهیز از خرافات و انحرافات.»  
بند (س) ماده ۱۰۶ برنامه چهارم توسعه

امروز جامعه‌ای توسعه‌یافته تلقی می‌شود که بتواند در کنار شاخص‌های اقتصادی بر معیار آموزش و اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی تأکید کند. در چنین جامعه‌ای، تشکلهای دینی و مردمی با درک شاخص‌های فهم دین، توسعه فعالیت‌های قرآنی، ایجاد شور و شعور در فعالیت جوانان، گسترش جغرافیایی فرهنگ دینی، داشتن نیاز فرهنگی هدفمند، سازماندهی عناصر جبهه فرهنگی انقلاب و توجه به پوشش فرهنگی و فکری نسل جوان، می‌توانند نقش بسیاری در بالابردن آگاهی‌های گوناگون و ضروری جامعه به عهده بگیرند و تاکنون نیز توانسته‌اند تاحدودی جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه‌جانبه یاری کنند.

اگر معضلات جامعه را به خوبی بشناسیم و اهمیت سازمان‌های مردم‌نهاد را در حل مشکلات در نظر بگیریم، کمبودهای فکری، دیدگاه‌های غلط و موانع مفهومی و فرهنگی را که وجود دارد، می‌توان به جامعه معرفی کرد. در این بین تشکلهای دینی عملاً در توسعه پایدار جوامع نقش بسیار مهمی بر عهده دارند و به عنوان نیروی محرکه در رشد و توسعه فرهنگی جامعه، عامل مهمی به شمار می‌آیند. اگر بخواهیم در کشورمان توسعه یا پیشرفتی اتفاق بیفتد، باید مزیت‌ها و ضعف‌های فرهنگی خودمان را بشناسیم.

توسعه به آموزش و آگاه‌سازی و آماده‌کردن افکار عمومی برای بهره‌برداری از امکانات مادی و معنوی نیاز دارد. در این میان نقش تشکلهای مردم‌نهاد به عنوان یکی از پارامترهای مهم توسعه فرهنگی آشکار می‌شود و در جامعه با کارکردهای تبلیغی، اطلاع‌رسانی، آموزشی، تفریحی و سرگرمی خود به توسعه همه‌جانبه کمک می‌کند.

توسعه فرهنگی به عنوان وجه فرهنگی توسعه ملی باید بتواند راهبردهای لازم را برای کشف و شکوفایی عناصر مساعد در فرهنگ جامعه به کار گیرد؛ از این رو توسعه فرهنگی باید جامعه را در کسب و رشد اصالت‌ها، خلاقیت‌ها و فضیلت‌های اجتماعی به مدد

## خون، گریه می‌طلبد!

معصومه پرهیز کار

بیمار می‌شویم گاهی و خون مسبب آن است. گاهی گلبول‌های قرمز، گاهی فشار و در کنار همه این‌ها و بی‌گناه‌ها گریه، گاهی که گریه خونمان پایین می‌آید، بیمار می‌شویم و بیماری است و جست‌وجوی طبیب!

طبیب این بیماری - که نمی‌دانم نادر بنامم آن را یا فراگیر - همه‌جا نمی‌رود! هیئت می‌شناسد و مسجد، روضه می‌شناسد و حرم! و اگر ما را نیاز بهبود است، اگر همیشگی نباشد، محرم را به سراغ او می‌رویم تا بالا برد درصد گریه خونمان را؛ گرچه این درد هیچ درمان قطعی ندارد تا زمان طلوع نور حقیقی که مرهمی است بر تمام آنچه مسبب درد است و بیماری است.

هیئت، مکانی آشنا که وسعتش، هم‌تورا گم می‌کند، هم یاری‌ات می‌کند گمشده‌ات را بیابی. هیئت، مکانی که شاید کسی را آنجا نشناسی؛ اما همه آنجا آشنایند و آشنایی‌شان تو را سبب نمی‌شود که نتوانی بلند بلند گریه کنی! هیئت جایی که حتی اگر سالی ۱۰ روز را به آنجا پایبند باشی، با آن مأنوس؛ گویا سال‌هاست آنجا زیسته‌ای!

هیئت را با منبرش می‌شناسیم و سخنرانی و مداحی‌اش که مداح گرچه می‌داند کدام کلمات دل مستمع را به لرزه در می‌آورد، این سخنران است که دل‌ها را آماده می‌کند، پیش‌ها را بالا می‌برد، معرفت ایجاد می‌کند که گریه فقط از سوز دل نباشد، گریه‌ای باشد که تو را به حرکت وادارد. تو را وادارد که گامی برداری برای دلیل گریه‌هایت و اگر دلیل گریه‌هایت را فقط در ۱۴۰۰ سال پیش جست‌وجو کنی، چگونه خواهی توانست گام برداری و تاریخ را بسازی؟

هیئت را زنده می‌دانیم که پیوند می‌دهد ما را با تاریخی که تکرار می‌شود و پرچم حق و باطلی که به اهتزاز در می‌آید و بصیرتی که نیاز است در تشخیص حق و باطل پرچم‌ها. هیئت را بصیرت‌ساز می‌دانیم که منبر گریه می‌گیرد و حرکت می‌آفریند. هیئت را روشنی‌بخش می‌خوانیم که نور می‌پاشد در مسیر غبارآلود و ما را یاری می‌کند، در صراطی که مستقیم است.

جمعی که جمع شده باشد تا حماسه بیافریند، با توکل بر دلیل گریه‌هایش، پیوندی دارد با گذشته و بصیرتی دارد بر حال و حرکتی دارد برای ساختن آینده که نمی‌توان تأثیر منبر و هیئت را در آن نادیده گرفت و «دست خدا با جمع است.»

# دکترین‌های هیئت‌های مذهبی

## مفاهیم و کلیات

### ■ قاسم واثقی ■

برای تبیین ضرورت طرح کردن «دکترین‌های هیئت‌های مذهبی»؛ همچنین بیان دکترین‌های مرتبط با موضوع، ذکر چند نکتهٔ مقدماتی لازم به نظر می‌آید:

#### ۱. مسئلهٔ اصلی

یک نکته این است که مسئلهٔ اصلی مبحث دکترین‌های هیئت‌های مذهبی چیست؟ چرا بحث دکترین‌های هیئت‌ها را طرح می‌کنیم؟ لازم است مرور کوتاهی داشته باشیم به اهم مطالبی که در شماره‌های گذشته تقریر شد:

۱. هیئت‌های مذهبی با هدف و رسالت مشخصی (اگرچه غیرمدون و نانوشته)، تشکیل شدند و فعالیت‌های مؤثری را در ارتقای معرفت دینی و تقویت اخلاق، منش و آداب اسلامی مردم انجام دادند.

۲. هیئت‌های مذهبی در طول سالیان شکل‌گیری انقلاب اسلامی (از سال‌های ۱۳۴۱ به بعد) و در جریان انقلاب و پیروزی آن و تشکیل نظام اسلامی و نهادهای انقلابی، نقش و سهم ممتاز و بی‌بدلی داشته‌اند.

۳. به برکت جمهوری اسلامی ایران سازمان‌ها و مؤسساتی تشکیل شدند که با منابع و توان برتر، عهده‌دار همان رسالت و وظایفی شدند که پیش از آن هیئت‌های مذهبی عهده‌دار آن بودند.

۴. در چنین اوضاعی هیئت‌های مذهبی با همان هویتی که توضیح داده شد، به بحران رسالت و هویت دچار شدند و مهندسی مجدد و بازتعریف رسالت و هدف کلان آنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و حیاتی پیدا کرد.

با عنایت به وجود و فعالیت‌های مؤثر مؤسسات و سازمان‌های جدیدالتأسیس، مهندسی مجدد هیئت‌های مذهبی و تعریف و اثبات فلسفه و رسالت برای آنها چه ضرورتی دارد؟

چرا اصرار داریم حتماً سهم و نقشی برای آنها در گسترش و ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی اثبات کنیم؟

بحث دکترین‌های هیئت‌های مذهبی درصدد پاسخ‌گویی به این مسئله است.

#### ۱،۲ مفهوم دکترین

رسالت یا فلسفهٔ سازمان از جنس «هدف» است. هدف یعنی نقطه‌ای که می‌خواهیم به آن برسیم؛ البته بعضی اهداف، دست‌نیافتنی‌اند. فایده‌شان این است که مسیر و جهت را مشخص می‌کنند. از این

نوع اهداف به «آرمان» تعبیر می‌کنند. رسالت، ناظر به اهداف دست‌یافتنی و تحقق‌پذیر است؛ البته از اهداف بلند و دوردست به شمار می‌آید. برای هدف، ویژگی‌ها و تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز گفته‌اند که در مقام بیان آنها نیستیم؛ بنابراین وقتی گفته می‌شود رسالت یا فلسفهٔ هیئت‌های مذهبی را از نو تعریف و تعیین کنیم؛ یعنی اهداف کلان دوردست و البته دست‌یافتنی و تحقق‌پذیر برای هیئت‌ها طراحی کنیم.

مقوله‌های دیگری نیز وجود دارند که در یک نگاه فرآیندی قبل از «رسالت» (هدف کلان) و بعد از آن قرار می‌گیرند. آنچه «ما بعد هدف» است، «راهبرد» نام دارد؛ یعنی وقتی هدف را مشخص کردی (هدف آرمانی یا کلانی یا عملیاتی)، باید معلوم کنی که چگونه و با چه ابزاری می‌خواهی به آن نقطه (هدف) برسی. این را می‌گویند راهبرد یا استراتژی.

هدف یک ماقبلی هم دارد؛ یعنی مقوله‌ای که هدف را تولید و توجیه می‌کند؛ به عبارت دیگر آن مقولهٔ ماقبل هدف، «منطق هدف‌گذاری» است. این‌طور نیست که هر کسی برای هر موضوعی، هر هدفی را انتخاب کند، لزوماً دارای توجیه و منطق است. آن مقولهٔ ماقبل هدف را «مبنای نظری» یا «دکترین» می‌نامیم.

برای «دکترین» معانی متعدد و متنوعی را ذکر کردند. عجلان دکترین دربردارندهٔ این مفاهیم است: «قاعده، نظریه، عقیده، اصول قطعی و مستحکم در یک مکتب و نظام فکری که مبنای عمل قرار می‌گیرد.»

اگر بتوانیم برای هیئت‌های مذهبی دکترین متناسب و مرتبطی را بیان و تبیین کنیم، ناگزیر -در چارچوب فرآیند هدف‌گذاری منطقی و قابل دفاع علمی- تعیین و اثبات رسالت (هدف کلان) برای هیئت‌های مذهبی ضروری می‌شود، اینجاست که با وجود مراکز و مؤسسات و سازمان‌های فرهنگی و تبلیغی و ارشادی، هیئت‌های مذهبی همچنان دارای فلسفهٔ روشن و توجیه‌پذیر می‌شوند.

#### ۱،۳ کارکرد دکترین

برای دکترین، کارکردهای متعددی را می‌توانیم ذکر کنیم؛ ولی برای حل مسئله‌ای که ذکر کردم، به دو کارکرد آن اشاره می‌کنم:

۱. «مشروعیت‌سازی»، دکترین‌ها موجب می‌شوند که هدف، حرکت و فعالیت، رواج، جایز و مورد قبول

شوند. در یک نظام فکری (فلسفی یا مذهبی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) هرگونه هدف‌گذاری، حرکت و اقدام روا و شایسته نیست. روی این مقوله‌ها در سایهٔ دکترین‌ها -قواعد، عقاید و اصول قطعی و مستحکم در یک مکتب- توجیه می‌شوند؛ البته مشروعیت‌سازی مفهوم سلبی هم دارد؛ یعنی در سایهٔ دکترین‌ها، نارواها هم شناسایی و مشخص می‌شوند.

۲. «تکلیف‌آفرینی»: دکترین‌ها، به جز مشروعیت‌سازی و حق‌آفرینی، الزام‌کننده و تکلیف‌ساز هم هستند. هدف‌گیری‌ها، حرکت‌ها و فعالیت‌ها نه فقط در سایهٔ دکترین‌ها روا و شایسته می‌شوند، بلکه بایستگی آنها نیز مشخص می‌شود. پاره‌ای از اهداف و فعالیت‌ها به موجب دکترین‌ها، قطعی و الزامی می‌شوند.

حاصل کلام این است که اگر دکترین‌هایی برای هیئت‌های مذهبی اثبات‌شدنی باشند، با وجود مؤسسات و مراکز و سازمان‌های مقتدر و هم‌سو با اهداف کلان هیئت‌های مذهبی، نقش «مشروعیت‌سازی» دکترین‌ها، بازتعریف رسالت را برای هیئت‌ها جایز و نقش «تکلیف‌آفرینی» آنها، این بازتعریف را ضروری می‌سازد.

#### ۱،۴ منابع دکترین

دکترین‌ها، از کجا به دست می‌آیند؟ دکترین‌ها عموماً ساخته نمی‌شوند؛ بلکه کشف و شناخته می‌شوند. عرصه‌هایی که آنها را می‌یابیم و به دست می‌آوریم، «منابع دکترین» می‌نامیم. قواعد، عقاید، حقایق و اصول مستحکمی که به عنوان دکترین‌های هیئت‌های مذهبی اثبات‌شدنی‌اند، از منابع زیر استخراج می‌شوند:

۱. آیات و معارف قرآن کریم

۲. سخنان و سیرهٔ حضرات معصومین <sup>a</sup>

۳. مکتب سیاسی امام خمینی (ره)

۴. دیدگاه‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بدیهی است هر مقدار تعداد دکترین‌های مرتبط بیشتر باشد و هر کدام آنها از درجهٔ اهمیت بیشتری برخوردار باشند، رسالت‌پذیری هیئت‌های مذهبی شفاف‌تر و به همین نسبت، ضرورت بازتعریف این رسالت بیشتر خواهد شد.

در شمارهٔ آینده به بخشی از مهم‌ترین دکترین‌های مرتبط با هیئت‌های مذهبی اشاره خواهیم کرد. ■

وقتی گفته می‌شود رسالت یا فلسفهٔ هیئت‌های مذهبی را از نو تعریف و تعیین کنیم؛ یعنی اهداف کلان دوردست و البته دست‌یافتنی و تحقق‌پذیر برای هیئت‌ها طراحی کنیم.



اذان، شعار دینی مسلمانان

# کیمیای سعادت

گفت‌وگو با علیرضا نداف (قاری ممتاز قرآن و دبیر کمیته اذان و دعا در اداره کل نغمات آیینی)

متین رضوانی پور

علیرضا نداف در سال ۱۳۵۲ در قزوین دیده به جهان گشود. وی در خانواده‌ای مذهبی به تالیف علوم قرآنی پرداخت و در اثر جدیت، پشت کار و گذراندن دوره‌های آموزشی بسیار در زمینه تلاوت قرآن مجید در حال حاضر از قاریان ممتاز بین‌المللی است. ایشان اکنون دبیر کمیته اذان و دعا اداره کل نغمات آیینی صدا و سیما جمهوری اسلامی است که تا کنون گام‌های مناسبی برای بهبود اجرای این الحان در سازمان مذکور برداشته است. در ماه مبارک رمضان امسال از «نداف» دو «رینا» در دستگاه «سه‌گانه» و آواز «فشاری» از رسانه ملی پخش شد که از ویژگی اجرایی دومین «رینا» به کار بردن فواصل موسیقی دستگاهی ایرانی با فصاحت و تجوید قرآنی است که در نوع خود نوآوری جالبی محسوب می‌شود. گفت‌وگوی صمیمی خیمه را با «نداف» بخوانید.



**خبریه** تولید دعا باید چه مراحل را بپیماید تا قابلیت پخش از رادیو و تلویزیون داشته باشد؟

ابتدا به کسی که قرار است الحان را از او ضبط کنیم، دعایی را معرفی می‌کنیم که آن را تمرین و برای اجرا آماده کند و روز ضبط با آمادگی کامل به استودیو وارد شود. در استودیو هم هنگام ضبط کارشناس می‌آید تا الفاظ و صوت و لحن ایشان را راهنمایی و هدایت کند. مرحله بعدی نظارت کار است که در صورت تأیید نظارت، کار برای پخش از شبکه‌ها آماده است. کمیته‌ای هم با نام کمیته ارزیابی، کار را می‌سنجد و ایرادها و اشکال‌ها را به ما گوشزد می‌کند تا در کارهای بعدی به رفع اشکال‌ها بپردازیم و کار را ارتقا دهیم.

**خبریه** تاکنون اذان‌های تولیدی در چه نغمه‌هایی بوده‌اند؟

در مورد اذان بیشتر در مقام‌های موسیقی عرب مانند «راست، بیات، حجاز و سه‌گانه» و در دستگاه‌های موسیقی ایرانی از «چهارگاه و همایون» ضبط‌هایی داشته‌ایم.

**خبریه** در ماه مبارک رمضان امسال چه نغماتی را ضبط و تولید کرده‌اید؟

در مورد دعا تعداد ۹۰ تیزک برای ماه مبارک رمضان ضبط کرده‌ایم که با صدای آقایان حاج حسین جعفری، حاج هاشم صدفی تهرانی، حسن خانجی و جعفر فردی بوده که تعقیبات نماز و دعای سحر، دعای وارده در شب‌های ماه مبارک رمضان، دعای هنگام گشودن روزه و دعا‌های روزهای ماه مبارک را شامل شده است.

دعای سحر جدیدی هم از آقای موسوی قهار در طرحی جدید با همکاری شورای عالی قرآن ضبط

تنوع مؤذنان باید باز شود؛ به دلیل وجود این ضرورت ما نیز به کار تولید وارد شدیم و تا جایی که به ما اجازه دهند، در این مورد قدم‌های مناسبی برمی‌داریم؛ چراکه مجوز اذان در اختیار ما نیست، در دست شورای عالی قرآن است و کارهای ما به دست اعضای این شورا بررسی و گزینش می‌شود.

**خبریه** در حال حاضر چه تعداد اذان ضبط کرده‌اید و چه تعداد به تأیید ایشان رسیده است؟

در این دو سال و نیم تعداد ۳۰ اذان ضبط کرده‌ایم و ۱۰ اذان دیگر را هم که پیش‌تر تولید شده بود، فرآوری و رفع اشکال نموده‌ایم و از مجموع این ۴۰ اذان سه اذان، مصوب کشوری و دو اذان، مصوب استانی شده است.

**خبریه** اگر کسی که خوش صداست، بخواهد اذانی بخواند و اذانش از رادیو و تلویزیون پخش شود، باید به چه فاکتورهایی توجه داشته باشد؟

مؤذن باید دارای صدای توانمند، تأثیرگذار و نغمه تازه باشد و از فصاحت کافی برخوردار باشد؛ البته طرحی بود که ما اذان‌ها را با فصاحت فارسی و مختصر تجوید عربی کار کنیم که در این مورد هنوز پشتیبانی لازم صورت نگرفته است. یکی دیگر از فاکتورهایی که در مورد ضبط اذان داریم، دعوت از کسانی است که در اجتماع دارای شخصیتی معنوی و مذهبی هستند و به خلق این‌گونه آثاری پرداخته‌اند.

**خبریه** در زمینه تلاوت قرآن هم آیا برنامه‌های تولیدی دارید؟

خیر؛ ما فقط در هم‌خوانی‌های قرآنی ضبط و تولید داریم که آن‌هم وظیفه کمیته دیگری است.

**خبریه** شما بیشتر به عنوان یک قاری ممتاز بین‌المللی شناخته شده‌اید. چه شد که از قرآن آغاز کردید؟

شهر ما شهری سنتی و مذهبی و دارای انجمن‌های مذهبی پررنگی است و خانواده‌ام هم بسیار مذهبی هستند. پدر بزرگم از عارفان و شاعران بود و مادر بزرگم نیز بسیار با قرآن مأنوس بود و در شبانه‌روز چندین بار در کنار رحل قرآن می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت. این ویژگی مأنوس شدن همه فرزندان ایشان با قرآن را موجب شد.

پدرم در اثر علاقه به قرائت قاریان مصری همیشه رادیو مصر را می‌گرفت و صدای ایشان همواره در خانه طنین‌انداز بود. برادرم با شنیدن پیایی این الحان و هم‌نشینی با مادر بزرگم با قرآن مأنوس می‌شود و در مسیر آموزش تلاوت قرآن قرار می‌گیرد. ایشان در اجراهایی که در مساجد و اماکن مذهبی داشت، من را هم که پنج ساله بودم، به همراه خود می‌برد. گاهی اوقات به تلاوت سوره‌های کوچک قرآن می‌پرداختم که همان ایام شروع کار قرآنی من بود.

در اوایل دهه ۷۰ محضر استاد غفاری در بحث تجوید و به‌کارگیری صدا استفاده کردم، از استاد حنیفی در لحن، از استاد موسوی در تجوید و از استاد شهیدی در وقف و ابتدا بهره‌مند شده‌ام.

**خبریه** به عنوان دبیر کمیته دعا و اذان اداره کل نغمات آیینی بفرمایید کار ضبط اذان چگونه دوباره آغاز شد؟

معاون وقت رادیو خواهان گسترش کار اذان بود و به اداره ما مأموریت داد، این کار را دنبال کنیم. ما نیز در آغاز پایه را بر نظرسنجی از استادان فن و قاریان ممتاز قرار دادیم. همه بر این عقیده بودند که فضای اذان در کشور هم از لحاظ تنوع نغمه و هم از لحاظ

مؤذن باید دارای صدای توانمند، تأثیرگذار و نغمه تازه باشد و از فصاحت کافی برخوردار باشد؛ البته طرحی بود که ما اذان‌ها را با فصاحت فارسی و مختصر تجوید عربی کار کنیم که در این مورد هنوز پشتیبانی لازم صورت نگرفته است.



کردیم؛ همچنین دعای ابوحمزه را در ۲۰ قطعه و برخی دعاهایی را که در سحر واردند، به تعداد بالایی تقطیع کرده‌ایم که در سحرهای ماه مبارک به راحتی بتوان از آنها استفاده کرد.

### خایا برای آینده این کمیته چه چشم‌اندازهایی را در نظر گرفته‌اید؟

ببینید؛ اختیار کارهای تولیدی صددرصد با ما نیست. نمی‌توانیم بلندپروازی داشته باشیم و دگرگونی‌هایی به وجود بیآوریم. ما هم به این کار علاقه داریم و هم توانایی آن را؛ ولی چون خروجی کار دست ما نیست و موانع بسیار است، به دعوت‌شدگان نمی‌توانیم برای پخش آثارشان قول بدهیم و مجبور به احتیاط هستیم.

### خایا لطفاً از مشکلات کاری خود هم برایمان بگویید؟

در ایران بر خلاف بیشتر کشورهای اسلامی مؤذن دارای جایگاه ویژه‌ای در مساجد یا نمازگاه‌ها نیست؛ به همین دلیل پیشرفت اذان در کشورمان کند است و از لحاظ پذیرش و پرورش مؤذن هم به‌کندی پیش می‌رویم. اگر هم مؤذن متبحری را برای قرائت اذان پیدا کنیم که همه فاکتورها را بتواند اجرا کند، تازه باید کلی به او آموزش دهیم و کار کنیم تا اذان مورد قبولی از او ضبط شود و چون مؤذن‌های ما به طور حرفه‌ای دست‌کم روزی یک‌بار اذان نمی‌گویند، آماده کردن ذهن این عده برای اجرای این نغمه بسیار مشکل است و به‌کندی پیش می‌رود.

### خایا با این تعاریف چه درخواستی از مسئولان برای پیشرفت و بهتر شدن این امور دارید؟

بسیاری از مسئولان هم بر این عقیده‌اند که چون اذان شعار دینی ماست و غیر مسلمانان هم با این شعار، کامل آشنایی دارند، باید بیشتر به آن توجه شود. برای مؤذن باید کرسی و جایگاه ویژه‌ای معین کنند تا مؤذن‌های توانا و حرفه‌ای ما تماماً اجرای زنده این نغمه را در طول هفته داشته باشند، از رسانه‌ها هم پخش شود و مساجد و نمازگاه‌های ما دارای مؤذن‌های مجرب شوند. در مورد پخش رسانه‌ای آن هم کمتر سخت‌گیری کنند تا شاهد پیشرفت و انگیزه لازم در اجرای اذان باشیم.

### خایا یک نوجوان اگر بخواهد مؤذن و دعاخوان خوبی شود، باید چه مرحله‌ای را طی کند؟

از آن نظر که اذان شعار اسلام است و عبارت‌هایش را همه می‌فهمند، آموزش‌هایش هم زودتر به نتیجه می‌رسد؛ ولی در دعا کلام از لحاظ معنا و مفهوم دارای پیچیدگی‌های بسیاری است. در درجه اول باید با زبان عربی آشنا شود؛ از روخوانی و روان‌خوانی و تجوید گرفته تا صرف‌ونحو که حتی در صورت اشتباه تایی در کتاب، بتواند مطلب را اصلاح و عرضه کند. اگر

با دوگونه روایت روبه‌رو شد، تشخیص دهد کدام یک برتر است و معنای دعا را هم بفهمد. امروز برخی از این دوره‌ها را می‌توان در کلاس‌های تلاوت قرآن و برخی را در کلاس‌های صرف‌ونحو آموزش دید. بعد از آن باید به یادگیری نغمه‌ها و الحان پرداخت تا فضای معنوی دعا درک و در نغمه مناسب اجرا شود.

### خایا امسال از شبکه‌های مختلف صدا و سیما دو رینا از شما شنیدیم که یکی در دستگاه «سه

گاه» و دیگری در آواز «افشاری» بوده است. چه عاملی باعث اجرای این دو رینا شد؟  
سال گذشته به پیشنهاد یکی از مدیران، یک رینا در دستگاه «سه‌گاه» خواندم که کاملاً بداهه بود و کلاً هشت دقیقه ضبط آن طول کشید؛ ولی از دو روز پیش از آن مقام‌ها را برای اجرای رینا بررسی می‌کردم که دستگاه سه‌گاه به نظرم جالب آمد؛ سپس در این دستگاه آن را خواندم و امسال پخش شد.

### خایا چه شد که دستگاه سه‌گاه را برای اجرای این رینا انتخاب کردید؟

در حین تمرین و جست‌وجو در مقام‌ها متوجه شدم که این دستگاه یا مقام، دارای گیرایی خاصی است و چون مقامی ایرانی است و از ایران به مناطق دیگر دنیا وارد شده، جاذبه بسیاری برای ما ایرانیان دارد. اجرای این دستگاه به خود من بسیار چسبید.

### خایا از گوش دادن به رینای شما بسیار تعجب کردم که دارای اوج بسیار بالایی هستید و در صدای تعداد انگشت‌شماری شاهد چنین اوجی بوده‌ایم.

اتفاقاً این رینا را پیش استادان بزرگی برای بازشنوایی و اعمال نظر بردم که در کنار راهنمایی‌های ارزنده‌شان برای ادامه این راه بسیار تشویق کردند.

### خایا در مورد رینایی که امسال در آواز «افشاری» اجرا کرده‌اید هم لطفاً توضیح دهید؟

این رینا را دوست عزیزم آقای «عباس آزاد» در آواز افشاری در فرصتی بسیار محدود (حدود پانزده دقیقه) آهنگسازی کرد که در آواز افشاری شروع و به همین آواز ختم می‌شود و از گوشه‌های مختلف این آواز در اجرای آن استفاده کرده‌ایم؛ منتهای این رینا را در گام میانه خواندم و به توصیه برخی دوستان مثل رینای دستگاه سه‌گاه، بالا نخواندم. از ویژگی‌های این رینا وجود آوازی کاملاً ایرانی است (آواز افشاری) با فصاحت عربی که تاکنون این کار صورت نگرفته بود که نغمه، کاملاً ایرانی باشد و دارای تجوید و فصاحت کاملاً عربی.

### خایا در این دو رینایی که خواندید، خودتان کدام یک را بیشتر دوست دارید؟

من خودم رینای سه‌گاه را بیشتر دوست دارم؛ ولی اگر رینای افشاری را بیشتر تمرین می‌کردم و پخته‌تر می‌خواندم، به اندازه رینای سه‌گاه دوستش داشتم؛ به هر حال هر وقت این دو رینا را گوش می‌دهم، خودم راضی‌ام؛ به‌ویژه از نوع چینش گوشه‌های پشت سر هم که بسیار منطقی به نظر می‌آید.

### خایا از رینای اجراشده شما تا به حال چه استقبالی از سوی مردم و مسئولان نشده است؟

مدیران رادیو شکرخدا راضی بودند. در چند جایی که دوستان اهل فن و موسیقیدان تماس گرفتند و اظهار نظر کردند، راضی بودند؛ البته شاید به دلیل دوستی چنین مطالبی را گفته‌اند و نمی‌توان اظهار نظر دوستان را چندان مبنا قرار داد؛ ولی در مکان‌ها و ارگان‌هایی که تلاوت قرآن داشتیم، درخواست شد که «رینا»ها را به صورت زنده اجرا کنیم و با اجرای رینای «سه‌گاه» با استقبال گرمی روبه‌رو شدم.

### خایا اگر در پایان مطلب ناگفته‌ای به نظرتان مانده، بفرمایید؟

مطلبی را که دوست دارم بیان کنم، این است که ما نباید به جای مردم تصمیم بگیریم و اظهار نظر کنیم و اگر کاری پس از چند مرحله کارشناسی، تولید و به تأیید برخی استادان رسیده، آن را از رسانه پخش کنیم تا خود مردم در مورد آن داوری کنند و پیش از پخش، آن را «نفی» و «شهید» نکنیم؛ چراکه کار خوب جای خود را در دل مردم باز خواهد کرد. ■

ما نباید به جای مردم تصمیم بگیریم و اظهار نظر کنیم و اگر کاری پس از چند مرحله کارشناسی تولید و به تأیید برخی استادان رسیده، آن را از رسانه پخش کنیم تا خود مردم در مورد آن داوری کنند.



# تحلیل محتوای متون مداحی‌های رایج در رسانه

نسیم کاهیرده\*

۲. کمتر ناظر به بیان مسائل اخلاقی و مباحث جدی فکری و اعتقادی است. در نتیجه باعث اشاعه دینداری متناسب با آن در جامعه دینداران خواهد شد. این نگرش از آنجا که بیش از هر چیز روی کارکرد پیکارچه‌سازی مناسک مذهبی تمرکز یافته، از نقش مناسک برای آگاهی‌بخشی اخلاقی به جامعه غافل است؛ از این‌روست که در این بستر مهم‌ترین مقولات زیربنایی فکری، اعتقادی و اخلاقی معطل مانده و صرفاً مقولات روینایی احساسی و عاطفی مجال طرح می‌یابند.

در تحقیق حاضر سعی شده، ویژگی‌های متون مورد استفاده این مداحان با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شود. با فرض پذیرفتن مداحی رسانه‌ای به مثابه رویکردی جدید در تبلیغ دینی و با تکیه بر بررسی صورت‌گرفته روی محتوای متون عرضه‌شده توسط مداحان رسانه‌ای، شاید بتوان از وجود نگرش و نگاه خاص دینی چیره بر این‌گونه متون سخن گفت؛ نگرشی که:

۱. متکی بر تقویت احساسات و عواطف مذهبی است.

## چکیده

در سال‌های اخیر با روند روبه‌رشد رسانه‌ای شدن مناسک و با تلاش هنرمندان فعال رسانه در کنار تعامل با عناصر اصلی گرداننده این مناسک یعنی مداحان، الگوهای جدیدی از نمایش گردهمایی‌های مذهبی در قالب‌های نو و جذاب هنری به مخاطب عرضه شده است؛ بنابراین مداحان در این میان به عنوان متولیانی مؤثر در ارائه هنرمندانه از واقعیت امر دینی و اندیشه مذهبی به جامعه عمل می‌کنند.

مهرماه ۱۳۸۹ / شماره ۶۹



کلیدواژه‌ها: رسانه، مناسک، مداح، دینداری

### مسئله تحقیق

در سال‌های اخیر در مناسبت‌های مذهبی مختلف به‌ویژه در ایام عزاداری محرم و صفر، مناسک مذهبی به شکل گسترده و برجسته‌ای در رسانه‌ها از جمله تلویزیون نمود یافته‌اند؛ به‌ویژه در زمینه پخش مداحی که به شکل چشم‌گیری در شبکه‌های مختلف صدا و سیما رو به فزونی بوده است.

در واقع روند روبه‌رشد رسانه‌ای شدن مناسک، موجب ایجاد فضای چیره مناسکی پُر جلوه‌ای در سطح گسترده‌ای از جامعه شده که با نگاهی زیباشناسانه و هنری به علقه‌های دینی مردم و نمادهای مذهبی و سنتی آنها پرداخته است. تلاش هنرمندان فعال در عرصه رسانه در این زمینه نقش اساسی و محوری دارد که در کنار تعامل با عناصر اصلی گرداننده این مناسک یعنی مداحان، الگوهای جدیدی از گردهمایی‌های مذهبی را در قالب‌های نو و جذاب به مخاطب عرضه می‌کند؛ قالب‌هایی که محتوای دینی مورد نظر را بدون آنکه اثر تخریب پخش مستقیم برنامه دینی را داشته باشد، به‌راحتی به مخاطب منتقل سازد.

### روش تحقیق

در این تحقیق به دلیل انتخاب نوع واقعیت اجتماعی یا عنصر هستی‌شناسانه مورد تحقیق یعنی متن و تفسیر، روش کیفی بر کمی برتری دارد؛ بنابراین این تحقیق به شیوه کیفی و بر اساس «تحلیل اسنادی» صورت گرفته و مبنای روش شناختی و تکنیک ارزیابی در این بررسی تحلیل محتوی است.

اطلاعات به‌دست آمده در اینجا متکی است بر آرشیوهای موجود در زمینه مداحی (اشعار و نوحه‌ها و متون مورد استفاده مداحان رسانه‌ای)

انتخاب نمونه‌ها هدفمند بوده و بر اساس «روش اشباع نظری» صورت گرفته است و برعکس روش کمی، به منظور سنجش تفسیرها بر اساس مقولات برآمده از نظریه است؛ نه برای تعمیم‌یافته‌ها.

هدف تحلیل نیز افراز (تبدیل مجموعه به زیرمجموعه‌ها) متن به مقوله‌ها و سنجش محتوای آنها بر اساس این مقوله‌هاست؛ به همین منظور از میان مداحان معروف رسانه ملی تلویزیون چهار تن به عنوان نمونه انتخاب و چهار مورد از متن‌های مداحی‌های هر کدام که در سال گذشته (۱۳۸۸) اجرا شده، تحلیل شده است.

مسئله اصلی در هر طرح پژوهشی گزینش و تعریف مقوله‌هاست؛ فضایی که واحدهای محتوی باید در آن طبقه‌بندی شوند؛ به این منظور در ابتدا با توجه به مسئله تحقیق و دیدگاه‌های نظری و فرضیات موجود کار مقوله‌بندی صورت گرفت و بعد روی داده‌ها اعمال شد؛ البته اصلاحاتی روی آنها صورت گرفت و در پایان اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای به‌دست آمد.

### مقوله‌ها

- عشق به یک موجود مقدس و الهی
- اظهار ارادت به مولا و مراد
- مدح ائمه <sup>a</sup> و متصف‌نمودن آنها به صفات و ویژگی‌های منحصر به فرد و متعالی
- ملاحت و سرزنش خود به عنوان یک موجود ضعیف و معصیت‌کار
- اظهار عشق به معشوقی با ویژگی‌های زمینی و غیرقدسی
- استفاده از تشبیه و استعاره و جملات غلوآمیز در مورد ائمه <sup>a</sup>
- مدح زیبایی و ویژگی‌های ظاهری ائمه <sup>a</sup> و اهل بیت <sup>a</sup>
- هم‌ذات‌پنداری با ائمه <sup>a</sup> و اهل بیت ایشان
- اطمینان و یقین در دستیابی به ثواب و پاداش اخروی
- بیان ویژگی‌های اخلاقی و رفتارهای اجتماعی ائمه <sup>a</sup>
- بیان مصائب و مظلومیت بیش از حد ائمه <sup>a</sup> و اهل بیت ایشان
- توصیف صحنه‌های تراژیک
- توصیف روابط عاطفی
- توصیف صحنه‌های حماسی
- تأکید بر جوانمردی و شجاعت
- اطمینان به توجه و نظر ویژه ائمه <sup>a</sup>
- جملات دعاگونه و مخاطب قراردادن خداوند
- پرداختن به مفهوم شهادت و ایثار
- بیان حال درونی خود در مورد ائمه <sup>a</sup>

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

با نگاهی کلی به متون منتخب مداحی که به عنوان نمونه بررسی شده‌اند می‌توان گفت، دو مقوله ۱۳ (توصیف روابط عاطفی) و ۱۲ (توصیف صحنه‌های تراژیک) بیشتر از سایر مقولات مورد استفاده بوده‌اند؛ به بیان دیگر روابط احساسی و عاطفی، همچنین توصیف صحنه‌های تراژیک دستمایه اصلی نویسندگان این متون و محتوای چیره این مداحی‌ها محسوب می‌شود؛ واقعیتی که چندان دور از ذهن نبود.

به طوری که ملاحظه شد، از بین ۱۶ متن موجود محتوای ۱۰ متن، حاوی کلمات و جملات و مضامینی بود که در این دو مقوله تقسیم‌بندی می‌شدند؛ مثلاً به کار بردن عباراتی که توصیف‌کننده رابطه‌های احساسی و عاطفی میان اعضای خانواده مثل مادر و فرزند، پدر و فرزند، برادر و خواهر و... است یا خلق صحنه‌های غم‌انگیز و ناراحت‌کننده و دلخراش جان‌سپردن عزیزان و تشنگی کودکان و بی‌حرمی به زنان و... که در جای‌جای این متون دیده شد.

پرداختن وافر به این مقولات از برخی جنبه‌ها تبیین‌پذیر است؛ چراکه این مقولات دارای ویژگی‌هایی هستند؛ از جمله:



عکس: حسین اینالو

زیبا و موزون که در وصف موجودیتی بی‌نظیر و برتر و تقدیس‌پذیر بیان شده، قرار می‌دهد. در این میان هدف فقط سمت‌وسودادن احساسات مخاطب برای تقدیس موجودیتی وصف‌ناپذیر و موهوم و در عین حال مقدس و درخور احترام است که طبعاً اثر آن نیز در همان سطح احساسات زودگذر خواهد بود؛ چراکه بدون ایجاد پیش‌زمینه شناختی لازم در ذهن مخاطب صورت می‌گیرد.

به جز موارد فوق، سه مقوله دیگر نیز البته به طور بسیار کم‌رنگ‌تر در متون بررسی شده مشاهده می‌شود؛ یکی از این مقولات که در این دسته‌بندی قرار می‌گیرد، مقوله شماره ۳ (مدح ائمه <sup>ع</sup> و متصف‌نمودن آنها به صفات و ویژگی‌های منحصر به فرد و متعالی) است که برخلاف انتظار بسیار کم به آن پرداخته شده؛ چراکه اصولاً وجه تسمیه «مدحی» پرداختن به چنین مقوله‌ای است؛ یعنی برشمردن فضایل و نیکی‌ها و مدح ویژگی‌های متعالی ائمه <sup>ع</sup> که آنها را به عنوان الگوهای بزرگ بشری معرفی می‌کند.

مقوله دیگری که در این دسته قرار می‌گیرد، مقوله شماره ۶ (استفاده از تشبیه و استعاره و جملات غلوآمیز در مورد ائمه <sup>ع</sup>) است که برای همان تقدیس و توصیف برتری ائمه <sup>ع</sup> نسبت به انسان‌های معمولی به کار برده شده و در واقع استفاده از تعبیرات غلوآمیز در این متون برای توصیف

می‌گیرد و با غفلت و بی‌توجهی نسبت به تفکر و اندیشه‌ای که زمینه‌ساز این حادثه بزرگ بوده، همراه است؛ به طوری که مشاهده می‌شود در متون مدحی به طور غلوآمیز و با شاخ‌وبرگ‌دادن فراوان از چگونه کشته‌شدن حسین <sup>ع</sup> و یارانش برای گریاندن هر چه بیشتر مخاطب استفاده می‌شود، بی‌آنکه حتی یک عبارت و جمله کوتاه از چرایی این کشته‌شدن و شهادت در گوشه‌ای آمده باشد.

از مقولات دیگر، دو مقوله شماره ۲ (اظهار ارادت به مولا و مراد) و مقوله شماره ۱۱ (بیان مصائب و مظلومیت بیش از حد ائمه <sup>ع</sup> و اهل بیت ایشان) نیز نسبت به سایر موارد در تعداد درخور توجهی (۵ متن) از متن‌ها به کار رفته‌اند؛ البته بیان مصائب و مظلومیت ائمه <sup>ع</sup> و اهل بیت ایشان به‌ویژه درباره قضیه کربلا را به نوعی می‌توان در مورد دو مقوله نخست یعنی همان به‌کارگیری عنصر احساس و عاطفه تفسیر کرد؛ چراکه شرح حال درد و رنج‌های فراوان و ظلم آشکاری که بر ائمه <sup>ع</sup> و شیعیان ایشان در طول تاریخ شیعه روا داشته شده، مستقیماً با احساسات و عواطف انسانی رابطه برقرار می‌کند.

در مورد مقوله شماره ۲ نیز به نحوی بیان احساسات و عواطف درونی مریدی با مولا و مرادش مد نظر قرار می‌گیرد؛ ولی با این توضیح که این مراد و مولا برای مخاطب کاملاً مجهول باقی گذاشته می‌شود و صرفاً وی را در رویارویی با بعضی عبارات

۱. ظرفیت بیشتر قرار گرفتن در قالب‌های شعری و منظوم

۲. امکان تأثیرگذاری سریع‌تر و آسان‌تر بر مخاطب

۳. ایجاد نوعی همذات‌پنداری نسبت به موضوع در ذهن مخاطب

که باعث می‌شود بیشتر مورد استفاده مداحان باشند؛ البته باید به این نکته نیز توجه داشت که یکی از مهم‌ترین مناسک مذهبی شیعه که در آن حضور مداح و مدحی تعریف می‌شود، مناسک عزاداری عاشورا است و جای‌جای حادثه عاشورا نیز سوای مقولات ناظر به محتوا از نظر شکلی هم، بستر مساعدی است برای پروراندن تخیل‌ها و برجسته‌سازی‌های شاعرانه و خلق صحنه‌های تراژیک و دلخراش؛ مانند نابرابری میان دوسپاه، حضور زنان و کودکان در میانه کارزار، عطش و تشنگی، خون و جنایت، بی‌رحمی و شقاوت و ... همه‌وهمه بر حضور پررنگ عاطفه و احساس می‌افزاید و از طرفی هم باور شرکت‌کنندگان در این مجالس بر گریستن به عنوان نشانه‌ای از برقراری نوعی ارتباط متقابل با یک منبع قدسی و فرابشری، تقویت‌کننده چنین فضای احساسی و عاطفی پررنگی است.

صرف گریستن و پرداختن به حادثه عاشورا به عنوان واقعه‌ای غم‌انگیز در گذشته و منقطع از واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی مرتبط با آن صورت

توصیف صحنه‌های تراژیک دستمایه اصلی نویسندگان این متون و محتوای چیره این مداحی‌ها محسوب می‌شود.

ائمه<sup>ع</sup> را نیز می‌توان تلاشی برای این تقدیس و بزرگداشت دانست.

آخرین مقوله<sup>ع</sup> این دسته، مقوله<sup>ع</sup> شماره<sup>ع</sup> ۷ (مدح زیبایی و ویژگی‌های ظاهری ائمه<sup>ع</sup> و اهل بیت ایشان) است که در مورد علت به کارگیری درخور توجهش در متون مداحی می‌توان گفت، بیان و توصیف زیبایی‌های ظاهری ائمه<sup>ع</sup> با آگاهی به وجود میل و کشش انسان‌ها به زیبایی و حس زیبایی‌دوستی فطری درون انسان‌ها صورت می‌گیرد؛ اگرچه برای ایجاد حب و دوستی نسبت به ائمه<sup>ع</sup> ساده‌ترین و در عین حال سطحی‌ترین روش ممکن محسوب می‌شود؛ چراکه استفاده از جذابیت‌های بصری برای ایجاد محبوبیت نازل‌ترین سطح ادراکی ذهن انسان را درگیر می‌سازد.

از این چند مقوله که بگذریم، به کاررفتن سایر مقولات در متون مورد بررسی به هیچ وجه درخور اعتنا نیست؛ چراکه در نهایت فقط در یک متن و آن هم یک یا دو مرتبه به کار رفته‌اند یا مانند مقوله<sup>ع</sup> شماره<sup>ع</sup> ۱۰ (بیان ویژگی‌های اخلاقی و رفتارهای اجتماعی ائمه<sup>ع</sup>) اصلاً به کار نرفته‌اند که در مورد اخیر جای تأمل فراوان وجود دارد؛ چراکه پرداختن به ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی ائمه<sup>ع</sup> پیش‌شرط اساسی و بسیار مهم در ایجاد درک و معرفت صحیح نسبت به شخصیت والای انسانی ایشان و به دنبال آن الگوبرداری انسان‌ها از آنها برای دستیابی به حیات انسانی مطلوب است.

در باب مقوله<sup>ع</sup> شهادت و ایثار نیز که نپرداختن به آن جای شگفتی است؛ چراکه مفهوم شهادت به‌واقع با زندگی امامان شیعه گره خورده و به‌ویژه با نام حسین<sup>ع</sup> عجین شده است و به گفته<sup>ع</sup> دکتر علی شریعتی، امکان ندارد کاری را که حسین<sup>ع</sup> کرده است بفهمیم؛ مگر اینکه بفهمیم که شهادت چیست.

البته باید اذعان کرد که پرداختن به مفهومی با این عظمت کار بس دشواری است و طبعاً انتقال آن به ذهن مخاطب عام کاری دشوارتر؛ به هر حال طرح آن به عنوان مقوله<sup>ع</sup> اعتقادی مؤثر در زندگی اجتماعی و سیاسی انسان دیندار ضرورت می‌یابد.

### نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر روند روبه‌رشد رسانه‌ای شدن مناسک، موجب ایجاد فضای چیره مناسکی پُر جلوه در سطح گسترده‌ای از جامعه شده که با نگاهی زیباشناسانه و هنری به علقه‌های دینی مردم و نمادهای مذهبی و سنتی آنها پرداخته است. تلاش هنرمندان فعال در عرصه<sup>ع</sup> رسانه در این زمینه نقش اساسی و محوری دارد که در کنار تعامل با عناصر اصلی گرداننده این مناسک یعنی مداحان، الگوهای جدیدی از گردهمایی‌های مذهبی را در قالب‌های نو و جذاب هنری به مخاطب عرضه می‌کند؛ قالب‌هایی که محتوای دینی مورد نظر را به کمک آثار هنری، بدون آنکه اثر مخرب پخش مستقیم برنامه<sup>ع</sup> دینی را

داشته باشد، به‌راحتی به مخاطب منتقل سازد.

همان‌طور که دورکیم هم معتقد است: «امر واقع فقط به کمک نمادها یا رمزهای شایسته بیان نمی‌شود و اضافه‌ای به طور معمول در این میان باقی می‌ماند که می‌خواهد در قالب آثار تکمیلی، اضافی و تجمعی یعنی در قالب آثار هنری به بیان درآید. اگر خود دین جایی برای تلیف‌های آزادانه اندیشه و فعالیت، جایی برای هنر، برای هر آن چیزی که به جان خسته از قید و بندهای زندگی روزانه نفسی تازه می‌دهد، قائل نمی‌بود نمی‌توانست دین باقی بماند.»

مداحان از طریق رسانه و ظرفیت‌ها و ابزارهای هنری خاصی که در اختیار آنها قرار می‌دهد، در این میان به عنوان متولیان مؤثری در ارائه<sup>ع</sup> هنرمندانه از واقعیت امر دینی و اندیشه<sup>ع</sup> مذهبی عمل می‌کنند؛ از این رو در تحقیق حاضر سعی شده، ویژگی‌های متون مورد استفاده<sup>ع</sup> این مداحان با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شود؛ به این منظور از میان مداحان معروف رسانه<sup>ع</sup> ملی تلویزیون چهار تن به عنوان نمونه انتخاب و چهار مورد از متن‌های مداحی‌های هر کدام که در سال گذشته (۱۳۸۸) اجرا شده، تحلیل شده‌اند.

داده‌های به‌دست آمده از نمونه‌ها نشان می‌دهد که هر کدام از این مداحان سبک و شعر و تکیه کلام و حتی موسیقی خاص خود را عرضه می‌کند. این مداحان به جز داشتن صدای خوب با تکیه بر نوعی آگاهی از نیاز مخاطب به همراه فضایی وسیع و زیاد برای تکرار و تجربه و آزمایش که در مجالس داشته‌اند، موسیقی جذابی را در نوحه‌ها به کار می‌برند که البته بیش از آنکه ابداع باشد، تقلید از نظم موسیقایی موسیقی‌ها و ترانه‌های مطلوب مردم است. اشعار مورد استفاده<sup>ع</sup> این مداحان بیشتر در قالب تصنیف و ترانه و نزدیک به ادبیات عامیانه است. این مداحان از متونی استفاده می‌کنند که تا حدود بسیاری بیانگر عاطفه و احساس مذهبی است و کمتر ناظر به بیان مسائل اخلاقی و مباحث جدی فکری و اعتقادی است.

تأکید عمده<sup>ع</sup> آنها روی جنبه‌هایی از شخصیت و ویژگی‌های انسانی صورت می‌گیرد که ظرفیت بیشتری در برانگیختن عواطف و احساسات شنوندگان داشته باشند؛ به طوری که به وفور مشاهده می‌شود، در جای‌جای این متون مداحی مضامینی به طور غلوآمیز و غیر واقعی در مورد مصائب امام حسین<sup>ع</sup> و یارانش برای گریاندن هرچه بیشتر مخاطب استفاده می‌شود؛ بی‌آنکه حتی با یک عبارت و جمله کوتاه به چرایی این کشته‌شدن و شهادت در گوشه‌ای اشاره شود؛ به عبارتی صرف گریستن و پرداختن به حادثه<sup>ع</sup> عاشورا به عنوان یک واقعه<sup>ع</sup> غم‌انگیز در گذشته و منقطع از واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی مرتبط با آن صورت می‌گیرد و با غفلت و بی‌توجهی نسبت به تفکر و اندیشه‌ای که زمینه‌ساز این حادثه<sup>ع</sup>

بزرگ بوده است همراه است؛ البته تناقضی آشکار در این نوع نگرش نیز وجود دارد؛ از آن‌رو که امام حسین<sup>ع</sup> را به عنوان موجودی ملکوتی و آسمانی و مقدس با همه<sup>ع</sup> فرهنگ عامیانه<sup>ع</sup> خود محک می‌زند و دردها و رنج‌هایش را از جنس دردها و رنج‌های خود می‌داند.

ادامه و استمرار چنین روندی در رسانه در حوزه<sup>ع</sup> امر تبلیغ دینی که صبه‌ای احساسی و عاطفی دارد، باعث می‌شود شناختن و فهمیدن و اندیشیدن درباره<sup>ع</sup> مفاهیم دینی به دلیل عمل به گریستن و دستیابی به احساس رضایت درونی آبی و ناپایدار ترک بشود؛ ولی همان‌طور که دورکیم هم می‌گوید: «آن تصوراتی که نقش مناسک، بیدار کردن آنها و فعال کردنشان در وجود ماست، تصوراتی نیستند که ما بدون هدف و به صرف خشنودی خودمان از پدیدارشدن و تلیف‌یافتن آنها در برابر چشم‌انمان در ذهن خود مجسم کنیم. ضرورت آنها برای کارکرد حیات نیکوی اخلاقی ما به اندازه<sup>ع</sup> ضرورت غذا برای ادامه<sup>ع</sup> حیات جسمانی ماست.»

با فرض پذیرفتن مداحی رسانه‌ای به مثابه<sup>ع</sup> رویکردی جدید در تبلیغ دینی و با تکیه به بررسی صورت‌گرفته روی محتوای متون عرضه‌شده توسط مداحان رسانه‌ای شاید بتوان از وجود نگرش و نگاه خاص دینی چیره بر این گونه متون سخن گفت؛ نگرشی که:

۱. متکی بر تقویت احساسات و عواطف مذهبی است.
۲. کمتر ناظر به بیان مسائل اخلاقی و مباحث جدی فکری و اعتقادی است.

در نتیجه باعث اشاعه<sup>ع</sup> دینداری متناسب با آن در جامعه<sup>ع</sup> دینداران خواهد شد. این نگرش از آنجا که بیش از هر چیز روی کارکرد یکپارچه‌سازی مناسک مذهبی تمرکز یافته، از نقش مناسک برای آگاهی‌بخشی اخلاقی به جامعه غافل است؛ از این روست که در این بستر، مهم‌ترین مقولات زیربنایی فکری، اعتقادی و اخلاقی معطل مانده و صرفاً مقولات روبنایی احساسی و عاطفی مجال طرح می‌یابند. ■

• کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

### منابع:

- بهزار، مه‌ری، ۱۳۸۶، تحول دینی یا سکولارشدن یا تأکید بر مداحی جدید (مقاله)
- دورکیم، امیل، ۱۳۸۳، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز
- مظهری، محسن، ۱۳۸۷، رسانه<sup>ع</sup> شیعه، چاپ و نشر بین‌الملل کاهیرده، نسیم، ۱۳۸۸، نگاهی جامعه‌شناختی به تحول نقش واعظ و ملاح در اجرای مناسک عاشورا، پایان‌نامه<sup>ع</sup> کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران، دانشکده<sup>ع</sup> علوم اجتماعی
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله، ۱۳۷۵، کاربرد تحلیل محتوا در علوم/ اجتماعی، نامه<sup>ع</sup> علوم اجتماعی



# مصلح اجتماعی و خودفراموشی مضاعف\*

■ مرتضی روحانی ■

یکی از بیماری‌های رایج در میان مذهبی‌ها و خصوصاً انقلابی‌ها همین مسئله فعالیت‌های انقلابی و مؤثر بودن در جامعه و هدایت دیگران است. اغلب با استناد به سیره حضرت امام (ره) این مسئله را ضروری و گاهی ملازم با فعالیت‌های انقلابی می‌دانند؛ به همین دلیل استفتایی از حضرت امام (ره) صورت گرفت، مبنی بر اینکه:

- آیا بر ما واجب است که به هدایت دیگران بپردازیم؟ آیا این صفت-هدایت دیگران- صفتی از صفات نبی مکرم و خاندان طاهرینش صلوات الله علیهم نیست که هر کسی باید سعی کند متصف به آن شود؟ هر کسی از خودش باید شروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد و بعد از اینکه خودش را اصلاح کرد، آن وقت دنبال این باشد که دیگران را اصلاح کند.
- آیا این مسئله در اصلاحات اجتماعی هم همین‌گونه است؟ یعنی نباید در راستای بهبود وضع اجتماع کاری کنیم؟ ما تا اصلاح نکنیم خودمان را، نمی‌توانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم.
- با توجه به فرمایش حضرت تعالی به نظر نمی‌رسد که ما باید صدور انقلاب را فراموش کنیم؟ چون به نظر می‌رسد که مجاهده با نفس یک عمر طول بکشد و دیگر نوبت به صدور انقلاب نرسد؟ اگر ما خودمان را اصلاح کنیم، قهراً آن مقصدی که ما داریم در دنیا هم صدور پیدا می‌کند.
- خب این اردوهای جهادی که امروزه دانشجویان، طلاب و گاهی دانش‌آموزان هم می‌روند و در راستای خدمت به محرومان و در امتداد حرکت مقدس جهاد سازندگی هست، آیا می‌تواند برای تذکر و آماده‌شدن انسان برای خودسازی مفید باشد؟ بسازید! باید بسازیم خودمان را، جدیت کنید که این جهاد سازندگی را از خودتان شروع کنید. وقتی از خودتان شروع کردید، هر کاری بکنید، این کاری است الهی. سازندگی‌های روحی مقدم بر همه سازندگی‌هاست. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع شود.
- خب مگر چه اشکالی دارد که انسان برای مردم کار بکند؟ مگر برای مردم کار کردن خودش عبادت نیست؟ من نمی‌توانم باور کنم که کسی که مبادی معنوی نداشته باشد و برای مردم کوشش کند.
- به نظرتان این رویه موجب یأس در جامعه نخواهد شد؟ چون این‌گونه اصلاح امور کردن خیلی طول می‌کشد؟ هیچ‌گاه از کارها مأیوس نشوید؛ چون همه چیز

یک دفعه درست نمی‌شود و کارهای بزرگ باید به تدریج صورت گیرد.

■ به عنوان حسن ختام لطفاً خودتان مهم‌ترین نکته‌ای که به نظرتان می‌رسد که برای قشر مذهبی و انقلابی لازم است را تذکر دهید.

تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی‌توانید «جهاد فی سبیل الله» و دفاع از «حریم الله» نمایید.

به نقل از «کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها» صفحات ۶۵-۸۵

\*\*\*

شیخ محمود شبستری نوشت:

ماشاءالله حاج آقا روح الله، ما هم در همین رابطه گفتیم:

ذات نایافته از هستی، بخش کی تواند که شود هستی بخش

پی‌نوشت:

\* این مطلب از وبلاگ مرتضی روحانی به آدرس ذیل اقتباس شده است:

<http://mortezarohani.blogfa.com/>

«هر چند وقت یکبار اخباری از آتش گرفتن یا فروریختن ساختمان مسجد یا حسینیه‌ای به چشم می‌خورد. کارشناسان بر این باورند که این حوادث تکراری به علت رعایت نکردن استانداردهای ایمنی در این اماکن صورت می‌گیرد. خیمه به سراغ مسئولان مرتبط با این امر رفت تا نگاه و نظر آنان را برای رفع این مشکل جویا شود. در این بخش می‌خوانید: «پیشگیری بهتر از درمان است»، «اولویت استانداردسازی با بازسازی اسکلت ساختمان‌هاست» در گفت‌وگو با احمد سقفی، «راه‌اندازی تکایای موقت باید با مجوز سازمان‌های مسئول باشد» در گفت‌وگو با مهندس داوود براتی و «۲۵ توصیه برای حفظ ایمنی در مساجد، تکایا و حسینیه‌ها»، در ادامه میزگردی با حضور «دکتر عبدالحمید ضیایی» و «محسن حسام مظاهری» از تأثیر و تأثر فعالیت‌های مجالس و آیین‌های عاشورایی در حیات شیعه گفتیم. پایان‌بخش مطالب این بخش نیز «فرهنگ عاشورایی» نگاهی گذرا به سبک زندگی دینی در ایام محرم است. ■

## پیشگیری بهتر از درمان است

**گروه جامعه:** شش سال پیش در آتش‌سوزی مسجد ارگ ۵۱ عزادار حسینی کشته و ۲۹۹ نفر زخمی شدند. داریستی با چادر برزنتی که بیشتر برای جلوگیری از نفوذ آب و باران به پارافین اشتعال‌آور آغشته بود. برای گسترش فضای مسجد در طبقه دوم ساختمان (فضای باز) نصب و بنا شد.

نمازگزاران به جز طبقه اول در شبستان داریستی به نماز مغرب و عشا ایستاده بودند. حین برپایی نماز، چادر نمازگزار زن با بخاری تعبیه‌شده در کنار چادر برزنتی شبستان برخورد می‌کند و با آتش گرفتن آن بی‌درنگ چادر شبستان نیز آتش می‌گیرد و به طبقه پایین مسجد سقوط می‌کند. تعداد زیاد نمازگزاران و مناسب نبودن درهای خروجی مسجد هم باعث شد که نمازگزاران نتوانند به سرعت از مسجد خارج شوند و همین امر باعث شد بر تعداد مجروحان و کشته‌شدگان افزوده شود.

رئیس شورای شهر روستای پاشاکلاهی شهرستان آمل از تخریب کامل حسینیه قدیمی موسوم به حسینیه سیدالشهدا<sup>۱</sup> در این روستا که از توابع بخش مرکزی این شهرستان است، خبر داد. وی علت این آتش‌سوزی را ناشی از اتصال برق عنوان کرد و افزود: «بلافاصله اهالی روستا با حضور در حسینیه در حال سوخت با امکانات در دسترس توانستند آتش را پس از ساعت‌ها تلاش خاموش کنند.»

رئیس شورای اسلامی روستای پاشاکلاهی آمل با بیان اینکه بی‌درنگ آتش‌سوزی حسینیه را به

سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری آمل اطلاع دادیم، مدعی شد: «متأسفانه با وجود اعلام وقوع آتش‌سوزی به این سازمان، مأموران آتش‌نشانی بعد از یک ساعت به محل حادثه رسیدند که آتش‌سوزی با همیاری و تلاش روستاییان خاموش شده بود.»

مسجد قدیمی شنبندی (سیدالشهدا<sup>۲</sup>) بوشهر در آتش سوخت. عبدالرضا ناصرزاده، کارشناس آتش‌نشانی گفت: «علت آتش‌سوزی مسجد شنبندی بوشهر بی‌احتیاطی در نصب کولر دو تکه ایستاده و پوشاندن اطراف سیم آن به وسیله کاغذ و چوب برای تزیینات مسجد بوده است.»

با وجود هشدارهای سازمان آتش‌نشانی، مسجد حاج مجتهد رشت طعمه حریق شد. محمدعلی رفیعی مدیرعامل سازمان درباره علت وقوع این حادثه گفت: «سامانه‌های فرسوده سیم‌کشی برق مسجد، علت بروز این حادثه بوده که اگر عکس‌العمل سریع آتش‌نشانان در رسیدن به محل حادثه و مهار آتش‌سوزی در یک قسمت از سربندی مسجد مذکور صورت نمی‌پذیرفت، می‌بایست شاهد حوادث دیگری می‌بودیم.»

در تاریخ ۲۴ فروردین ماه سال ۸۷ و در یک بمب‌گذاری در حسینیه سیدالشهدا<sup>۳</sup> مکان برگزاری مراسم کانون، ۱۴ نفر از شرکت‌کنندگان کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند.

این اخبار تعداد بسیار محدودی از آتش‌سوزی‌ها و حوادثی است که در مساجد و تکایا و حسینیه‌های کشور در ایام عزاداری اتفاق می‌افتد. همه این خبرها نشان می‌دهد که نادیده گرفتن اهمیت زیرساخت ایمنی و نکات ایمنی به‌ویژه در مکان‌هایی که جمعیت بسیاری در آن گرد هم می‌آیند، موجب به وجود آمدن چه حوادثی خواهد شد.

به گفته کارشناسان آتش‌نشانی مشکل بزرگ‌تری که در حوادث پیش‌آمده در هیئت‌ها وجود دارد، هیئت‌هایی است که در تکیه‌های موقتی که در منازل یا چادرهایی که خودشان بنا می‌کنند، ایجاد می‌شود. بسیاری از این هیئت‌ها ابتدایی‌ترین نکات ایمنی را رعایت نمی‌کنند و تکثر و تعدد آنها باعث می‌شود که سازمان آتش‌نشانی هم نتواند خدمات و تجهیزات پیشگیری از حوادث غیر مترقبه را (آنچنان که به مساجد و حسینیه‌های دائمی عرضه می‌کنند) به آنها بدهند.

بر اساس آمار بیش از ۹۰ درصد تکایایی که برای عزاداری به صورت موقت و با استفاده از چادرهای برزنتی و داریستی بنا می‌شوند، فاقد ایمنی به‌ویژه در فصل سرما هستند و این مسئله می‌تواند سبب تکرار حادثه مسجد ارک شود.

به گفته کارشناسان ایمنی برپایی اسکلت فلزی و ناپایدار و کشیدن چادر برزنت آغشته به مواد روغنی برای جلوگیری از نفوذ باران و آب، بسیار خطرناک است و می‌تواند موجب رخداد فجایعی از این قبیل شود؛ چراکه این آغشته‌گی بر بار اشتعال چادرها می‌افزاید و موجب افزایش گستره آتش می‌شود. برپاکنندگان این تکایا بیشتر مواقع بدون توجه

بر اساس آمار بیش از ۹۰ درصد تکایایی که برای عزاداری به صورت موقت و با استفاده از چادرهای برزنتی و داریستی بنا می‌شوند، فاقد ایمنی به‌ویژه در فصل سرما هستند و این مسئله می‌تواند سبب تکرار حادثه مسجد ارک شود.



وضعیت ایمنی هیئت‌های عزاداری نامشخص است و هیچ‌کدام از این هیئت‌ها بیمه نیستند. انگار همچنان توجه به حفظ نکات ایمنی در هیئت‌ها و مجاب کردن هیئت‌ها برای بیمه‌شدن جزو اولویت‌های مسئولان قرار نگرفته است.

این در حالی است که یک کارشناس بیمه به خیمه می‌گوید: «در صورتی که سازمان، مسئولیت هیئت‌ها را پیش از تأسیس به بیمه‌شدن مجاب کند، پیش از بیمه‌کردن هر هیئتی همه این هیئت‌ها باید مجوزهایی از معاونت پیشگیری آتش‌نشانی با سازمان بیمه‌کننده ارائه کنند و در این صورت نه فقط وضعیت ایمنی همه هیئت‌ها را سازمان آتش‌نشانی کنترل می‌کند، بلکه در صورت بروز حادثه هم بیمه‌بودن هیئت‌ها شانس جبران خسارت‌های وارد شده را بیشتر می‌کند.»

مسئله اینجاست که آیا باید دوباره حادثه‌ای مانند حادثه مسجد ارک در یکی از این تکیه‌های موقت پیش بیاید که مسئولان مربوط، به مسئله ایمنی در هیئت‌ها توجه کنند یا سرانجام جایی شعار «پیشگیری بهتر از درمان است» به عمل مبدل می‌شود و پیش از بروز حوادث تلخ و خسارت‌های جبران‌ناپذیر مسئله ایمنی در هیئت‌ها در دست بررسی مسئولان قرار می‌گیرد؟ ■

هستند؛ اما واقعیت این است که در موقعیتی که حادثه‌های بروز کند، همه این نهادها فقط به عرضه کمک به آسیب‌دیدگان می‌شابند و دیگری را مقصر اعلام می‌کنند.

در این بین برخی کارشناسان امر پیشنهاد می‌کنند، سازمانی مانند سازمان آتش‌نشانی مسئولیت مجوزدادن به هیئت‌ها را به عهده بگیرد تا به جز نظارت کامل بر حفظ نکات ایمنی در بر پای تکیه‌های عزاداری، این تکیه‌ها موظف به بیمه‌کردن عزادارانی که عضو آن هیئت هستند هم باشند. این همان اتفاقی است که چندی پیش در بیمه‌کردن مساجد رخ داد.

گویا مسئولان مرتبط بعد از حادثه مسجد ارگ، به اهمیت جایگاه مساجد در جامعه پی بردند و شهرداری تهران با همکاری یک شرکت بیمه خصوصی، نسبت به بیمه مساجد شهر تهران در مقابل آتش‌سوزی تا سقف ۱۰ میلیون تومان اقدام کرد.

در بیمه مساجد، شهرداری تهران مجری طرح شد و بیمه مساجد نیز مانند بیمه واحدهای مسکونی به صورت رایگان صورت گرفت.

اگرچه مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهر تهران از اقدام شهرداری برای بیمه رایگان مساجد شهر تهران در مقابل حوادث آتش‌سوزی خبر داد، هنوز

به رعایت نکات ایمنی برای روشن کردن محیط، از سیم‌های نازک برق متصل به تیرهای چراغ برق به شکل غیرایمنی استفاده کنند؛ سیم‌هایی که با کوچک‌ترین جرقه‌ای موجب رخداد آتش‌سوزی می‌شوند و چادر برزنتی را به شدت مشتعل خواهند کرد؛ به جز اینها بارها مشاهده شده که لوله دودکش‌های وسایل گرمازا از چادر تکایا عبور داده می‌شوند.

واضح است که در روزهایی از سال مانند تاسوعا و عاشورا و شب‌های قدر و شب‌های فاطمیه گروه عزاداران به سمت حسینه‌ها و تکیه‌های دائمی و موقتی که هیئت‌های سراسر کشور برگزار می‌کنند، می‌آیند تا به عبادت و عزاداری بپردازند؛ اما این عزاداران در محل‌های مسقف کوچک و بزرگی گرد هم می‌آیند تا به صورت جمعی با اهل بیت تجدید بیعت کنند که در ایمن بودن آنها تشکیک وجود دارد.

پاسخ به این سؤال اکنون ضروری‌تر به نظر می‌رسد که کدام دستگاه بر ایمنی تکایا به‌ویژه در ایام عزاداری نظارت می‌کند و آیا صرفاً توصیه به شهروندان ضریب ایمنی تکایا را تا حد کافی افزایش خواهد داد؟

آتش‌نشانی‌ها، شهرداری‌ها و مراکز رسیدگی به امور مساجد هر کدام به نحوی در این امر دخیل

ساختمان‌هایی که از قبل بوده‌اند، طبیعتاً بسیاری از این استانداردها را ندارند؛ اما خوشبختانه آتش‌نشانی به بسیاری از مساجد کپسول آتش‌سوزی داده تا در مواقع ضروری از آن استفاده کنند.



## اولویت استانداردسازی با بازسازی اسکلت ساختمان‌هاست

### گفت‌وگو با احمد سقفی

**گروه جامعه:** خیمه برای پرونده ایمنی مساجد، تکایا و حسینیه‌ها چند روزی را به دنبال مهندس احمدی، مسئول بخش ساختمان‌ها در مرکز رسیدگی به امور مساجد گشت و در آخرین مکالمه با او، ایشان ما را به احمد سقفی کارشناس ساختمان بخش خود پاس داد تا با او درباره وضعیت ایمنی مساجد و تکایا گپ بزنیم. سقفی تأکید کرد که مرکز رسیدگی به امور مساجد مسائل مربوط به مساجد را دنبال می‌کند و بخش تکیه‌ها و حسینیه‌ها مربوط به این مرکز نیست؛ البته توضیحاتی که وی درباره ایمنی در مساجد داد، برای همه ساختمان‌هایی که در آنها، مراسم مذهبی برگزار می‌شود، تعمیم‌پذیر است.

قدمت دارند و حتی اسکلتشان هم باید ایمن‌سازی شود. اگر اسکلت این مساجد ایمن‌سازی نشود، اصلاً منطقی نیست تأسیسات را استاندارد کنند؛ چراکه مثلاً ۱۰ میلیون صرف استانداردسازی تأسیسات می‌شود و بعد ممکن است قسمتی از ساختمان که فرسوده است، خراب شود یا تأسیسات نو را هم تخریب کند.

خب برای این ساختمان‌ها اولویت این است که اول اسکلت ساختمان را مقاوم کنند و بعد به دنبال استاندارد و امن کردن تأسیسات باشند.

**خبریه‌های ساختمانی این مساجد از کجا تأمین می‌شود؟**

قسمتی از هزینه‌ها را شهرداری متقبل می‌شود و بخش عمده‌ای از هزینه را هم خیران محلی یا خیریه خود ساختمان تأمین می‌کنند.

**خبریه‌ها به نظر شما چه اقداماتی برای ایمن‌سازی مساجد و تکایا ضروری است؟**

مساجد و تکایا باید اسکلت ایمن داشته باشند و در کنار آن سیستم گرمایشی و روشنایی استاندارد را استفاده کنند؛ چراکه بیشتر حوادثی که به وجود می‌آید، ناشی از سیستم گرمایشی نامناسب یا سیم‌کشی غیر استاندارد با سیم‌های بلند و غیر ایمن از وسط سالن‌های مختلف است که احتمال اتصالی و آتش‌سوزی را بالا می‌برد؛ در ضمن باید سیستم اطفای حریق یا کپسول‌های آتش‌نشانی همیشه در دسترس خادمان باشد تا در صورت بروز هر مشکلی به سرعت بتوانند آن را رفع کنند. ■

خروجی‌های ساختمان‌ها متناسب با فضای ساختمان در نظر گرفته می‌شود؛ اما حجم جمعیتی که مثلاً در شب‌های قدر یا عاشورا و تاسوعا در مساجد و حسینیه‌ها و تکایا جمع می‌شوند، متناسب با فضای ساختمان‌ها نیست. ساختمان‌ها در این مراسم خاص، جمعیت به مراتب بیشتری را در خود جای می‌دهند؛ البته جمعیت محلات با توجه به تعداد مساجد محل پراکنده می‌شوند و آن قدر که شما می‌گویید ساختمان‌ها به صورت غیرمنتظره پر نمی‌شوند.

**خبریه یعنی شما قبول ندارید که دست‌کم در شیبستان زنان حجم جمعیت بیشتر از ظرفیت فضای شیبستان است؟**

خب تا حدی فضای شیبستان‌های خانم‌ها محدودتر است.

**خبریه سیستم گرمایشی این ساختمان‌ها چگونه است؟**

در بعضی محله‌ها که مساجد کاملاً قدیمی است، سیستم گرمایشی هم بخاری است؛ چون سیستم گرمایشی پیشرفته هزینه سنگینی دارد و مساجد و تکایا نمی‌توانند هزینه آن را تقبل کنند.

**خبریه مگر پیشگیری بهتر از درمان نیست؟ هزینه پیشرفته کردن سیستم گرمایشی مساجد و تکایا بیشتر است یا هزینه حوادثی که ممکن است به دلیل ایمن نبودن سیستم گرمایشی برای عزاداران و مؤمنان پیش آید؟**

ببینید بعضی ساختمان‌های مساجد ۵۰-۴۰ سال

**خبریه به چه ساختمانی می‌توان ایمن گفت؟**  
ایمنی در ساختمان‌ها دو معیار دارد؛ ایمنی اسکلت و ایمنی سازه.

**خبریه اگر با اتمام این تعریف کاملی از ایمنی ساختمان تلقی کنیم؛ چقدر ساختمان‌های مساجد و تکایای تهران امن هستند؟**

مساجد تازه تأسیس به نسبت مطابق با ضوابط جاری ساخته می‌شوند و ایمن هستند؛ حتی این مساجد سیستم اطفای حریق دارند و تأسیسات برقی‌شان هم کاملاً استاندارد است.

**خبریه مساجد و تکایای قدیمی چگونه؟**

ساختمان‌هایی که از قبل بوده‌اند، طبیعتاً بسیاری از این استانداردها را ندارند؛ اما خوشبختانه آتش‌نشانی به بسیاری از مساجد کپسول آتش‌سوزی داده تا در مواقع ضروری از آن استفاده کنند؛ به جز این آتش‌نشانی دوره‌های ایمنی برای خدام مساجد هم ترتیب می‌دهد تا آنها هم در مواقع بروز بحران بتوانند مشکل را تا حدی حل کنند.

**خبریه یکی از استانداردهایی که ساختمان‌ها باید داشته باشند، این است که متناسب با جمعیتی که در خود جای می‌دهند، خروجی‌های مختلف داشته باشند. آیا مساجد قدیمی و جدید ما خروجی‌های لازم را دارند که در صورت بروز حادثه بدون اینکه آسیب ببینند یا زیر دست و پا بمانند بتوانند از آنجا خارج شوند؟**

در بعضی محله‌ها که مساجد کاملاً قدیمی است، سیستم گرمایشی هم بخاری است. سیستم گرمایشی پیشرفته هزینه سنگینی دارد و مساجد و تکایا نمی‌توانند هزینه آن را تقبل کنند.

# راه اندازی تکایای موقت باید با مجوز سازمان‌های مسئول باشد

## گفت‌وگو با مهندس داوود براتی

### ■ مرضیه کوهستانی ■

هر چند وقت یکبار در لابه‌لای خبرهای مختلف حوادثی خبری از آتش گرفتن یا فروریختن ساختمان مسجد یا حسینیه‌ای هم به چشم می‌خورد. خوشبختانه در بسیاری موارد این حوادث در مواقعی رخ داده که کسی در ساختمان نبوده و خسارت وارد شده فقط خسارت مالی است؛ اما کم‌کم هم نبوده مساجد و حسینیه‌هایی که در آتش سوخته و تعدادی نمازگزار یا عزادار هم جان خود را از دست داده‌اند یا به سوختگی و معلولیت‌های شدید دچار شده‌اند.

حال سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا ساختمان‌هایی که روزانه میزبان تعداد بسیاری نمازگزاران و عزاداران است، چقدر برای این پذیرایی ایمن و استاندارد است؟ از مهندس داوود براتی، معاون حفاظت و پیشگیری و خدمات ایمنی سازمان آتش‌نشانی تهران خواستیم که درباره وضعیت ایمنی در هیئت‌های تهران نظر خود را بگوید. اگر چه او به‌صراحت درباره وضعیت ایمنی هیئت‌ها نظر مثبت یا منفی نداد، بیم و امید در تک‌تک پاسخ‌هایش موج می‌زد؛ بیم اینکه بعضی هیئت‌ها در مکان‌های نایمن مراسم خود را برگزار می‌کنند و امید به اینکه با همکاری دیگر سازمان‌ها می‌توان خطرهای احتمالی را تا حد بسیاری کاهش داد.

می‌رود و از طرفی در بافت فرسوده و مرکزی تهران هم خدمات آتش‌نشانی سخت‌تر عرضه می‌شود. در بسیاری محله‌های تهران مانند مرکز شهر و بافت فرسوده آن، کوچه‌ها باریک و کم‌عرض است و خدمات‌رسانی به این مناطق بسیار سخت است؛ در عین حال در چنین روزهایی اتومبیل‌های شخصی هم با پارک‌کردن در دو طرف خیابان‌ها خدمات‌رسانی امدادی را سخت‌تر می‌کنند.

اگرچه سازمان آتش‌نشانی در روزهای خاص سال نیروهای خود را در محله‌های پرتراکم و در نزدیکی هیئت‌های بزرگ به صورت آماده‌باش نگه می‌دارد تا در صورت بروز مشکل نیروها بتوانند در کمترین زمان مشکل را برطرف کنند، نمی‌توان مشکلات را هم نادیده گرفت.

**خبر:** با وجود این آیا شما به سازمان‌های مربوط اطلاع داده‌اید که در صورت بروز مشکل برای عرضه خدمات امدادی با مشکل روبه‌روید؟  
بله؛ ما بارها مشکلاتی را که در صورت بروز وضعیت سخت برای خدمات‌رسانی امدادی پیش می‌آید، به اطلاع سازمان‌های مربوط رسانده‌ایم.

**خبر:** و جواب آنها؟  
خب تا به حال که پاسخ مطلوبی دریافت نکرده‌ایم.

**خبر:** در حال حاضر بهره‌برداری از هر ساختمانی از جمله تکیه و مسجد به مجوز آتش‌نشانی نیاز دارد. آیا می‌توان امیدوار بود که ساختمان‌های جدیدی که با کاربری مذهبی و برای خدمات‌دادن به جمعیتی متراکم احداث می‌شوند، نکات ایمنی اولیه را خواهند داشت؟  
کاملاً؛ از دو سال پیش تا به حال صدور پروانه ساختمان که باید شهرداری آن را صورت دهد، به صدور مجوز از سوی آتش‌نشانی منوط شده است.

سازمان آتش‌نشانی هم از ابتدای گودبرداری تا پایان کار بر نحوه ساخت و ساز ساختمان‌ها نظارت دارد و فقط در صورتی که ساختمانی استانداردهای ایمنی را رعایت کند، از سازمان آتش‌نشانی مجوز دریافت می‌کند. ■

ما هم با همین هیئت‌هاست که مراسم خود را در مکان‌های موقتی برگزار می‌کنند.

**خبر:** مهم‌ترین مشکلات ایمنی که این هیئت‌ها به وجود می‌آورند، چیست؟  
سیستم روشنایی، سیم‌کشی و سیستم گرمایشی این مکان‌های موقتی برای برگزاری مراسم اصولاً غیر استاندارد و نایمن است.

**خبر:** خب فکر می‌کنید راه چاره چیست؟  
باید امور مساجد و نهادهای مربوط با ما همکاری کنند تا هیئت‌هایی که می‌خواهند در مکان‌های موقتی و چادرها مراسم برگزار کنند، این کار را با نظارت و مجوز آتش‌نشانی انجام دهند تا همه مسائل ایمنی در آن رعایت شود.

**خبر:** در صورتی که شما مطلع باشید که تکایای موقت کجاها قرار می‌گیرند، می‌توانید امنیت آنها را تأمین کنید؟

ما تا حد بسیاری سعی می‌کنیم در حفظ ایمنی تکایا به آنها کمک کنیم؛ اما من پیشنهاد دیگری هم دارم. ببینید در هر محله‌ای تعداد بسیاری فضاهای مسقف مانند مسجد و حسینیه وجود دارد که عزاداران و هیئت‌ها می‌توانند در آنجا مراسم خود را برگزار کنند. آیا حتماً باید چادری بنا شود و با روش‌های غیراستاندارد روشنایی و سیستم گرمایشی و پخت‌وپز آن تأمین شود؟

چه نیازی وجود دارد که هیئت‌ها مراسم خود را در چنین جای پرخطری اجرا کنند؟ در واقع من تصور می‌کنم حضور مرجعی تأثیرگذار برای کنترل مسائل ایمنی و حتی مسائل اجتماعی و انتظامی و شهری این هیئت‌ها بسیار ضروری است.

**خبر:** اگر همه این هیئت‌ها در مراکز ثابت مانند حسینیه‌ها و مساجد ساماندهی شوند، شما ایمنی را در برگزاری مراسم آنها تضمین می‌کنید؟  
نه؛ ببینید ما در امکان ثابت بدون مشکل نیستیم؛ اما مشکلات کمتری داریم؛ مثلاً در موقعیت‌های خاص مانند تاسوعا و عاشورا تراکم انسانی در تهران بالا

**خبر:** سازمان آتش‌نشانی چه اقداماتی را برای پیشگیری از بروز مشکلات ایمنی در تکیه‌ها و حسینیه‌ها انجام می‌دهد؟

تا جایی که به ما مربوط است، ما دائماً بررسی‌هایی را در ساختمان هیئت‌ها انجام می‌دهیم و دست‌آورد بررسی‌هایمان را به اطلاع امور مساجد و تکایا می‌رسانیم. همیشه هم برای تحقق استانداردهای ایمنی به سازمان‌های مربوط اعلام آمادگی می‌کنیم؛ اما واقعیت این است که آتش‌نشانی به تنهایی نمی‌تواند همه کارها را انجام دهد و لازم است سازمان‌های مرتبط در راه ایمن‌سازی ساختمان هیئت‌ها با ما همکاری کنند.

در واقع ما در حد توانمان هزینه‌های سنگینی را متقبل شدیم و از همه حسینیه‌ها، تکیه‌ها و مساجدی که مراسم مذهبی هیئت‌ها برگزار می‌کنند بازدید کرده‌ایم و به همه آنها تذکرات لازم را داده‌ایم.

**خبر:** امکان است با جزئیات بیشتر بگویید خدمات آتش‌نشانی به هیئت‌ها چیست؟

در مورد حسینیه‌ها، مساجد و تکایای دائمی آتش‌نشانی امکاناتی مانند کپسول و شیلنگ آتش‌نشانی به آنها می‌دهد و در عین حال با گشت‌های دائمی در مراسم خاص و با برگزاری دوره‌های آموزشی برای خادمان و رؤسای هیئت‌ها آنها را با مسائل ایمنی آشنا می‌کنیم.

**خبر:** این در مورد ساختمان‌های دائمی هیئت‌هاست. درباره هیئت‌هایی که در ساختمان‌های موقت یا چادر مراسم برگزار می‌کنند، چطور؟ شما اصلاً آگاهی می‌یابید که کجای شهر چه تعداد چادر و تکیه موقت برای عزاداری‌های یک یا چند شبه به وجود می‌آید؟

در شب‌های خاصی مانند تاسوعا و عاشورا و شب‌های قدر و... به جز حسینیه‌ها و تکایای دائمی، هیئت‌ها در چادرها و منازل که کاربری مذهبی ندارند هم مراسم خود را برگزار می‌کنند؛ اما آتش‌نشانی آمار دقیقی از این مراکز موقتی برای عزاداری ندارد و سازمان‌هایی هم که متولی رسیدگی به امور هیئت‌ها هستند، از تعداد و جانمایی این هیئت‌های موقت به سازمان ما گزارشی نداده‌اند. در واقع مشکل عمده

# ۲۵ توصیه برای حفظ ایمنی در مساجد، تکایا و حسینیه‌ها



- ۱ استقرار بناهای تجمعی در همه موارد باید به نحوی باشد که درهای اصلی ورود و خروج آنها دست‌کم به یک راه همگانی به طور مستقیم باز شود.
- ۲ برای محل تجمع عزاداران حتماً باید معبر خروج اضطراری به جز ورودی اصلی پیش‌بینی شود.
- ۳ برای سالخورده‌ها، اطفال و بانوان حتماً باید مکانی در نزدیک‌ترین نقطه به خروج بی‌خطر پیش‌بینی شود.
- ۴ راه‌های خروج باید دارای ظرفیت کافی برای تخلیه هم‌زمان کلیه متصرفان باشد.
- ۵ در فضاهای تجمعی پرتراکم مانند زیارتگاه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و نمازخانه‌ها به ازای ۵۰ تا ۳۰۰ نفر دو خروج دور از هم، از ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر سه خروجی و بیشتر از ۱۰۰۰ نفر چهار خروجی پیش‌بینی شود.
- ۶ رعایت فاصله مناسب سیم، اتصالات و ادوات برقی از مواد و مصالح اشتعال‌پذیر (پرده، فرش، تابلو و...) الزامی است.
- ۷ هر فیوز برق باید استاندارد باشد، از استفاده از فیوزهای تقویت‌شده و غیر استاندارد جداً خودداری شود و اخذ انشعابات متعدد از یک پریز برق ممنوع است.
- ۸ استفاده از لامپ‌های برق ولتاژ بالا و بدون حباب و حفاظ ممنوع است.
- ۹ قبل از استفاده از وسایل گرمازا از استاندارد و سالم بودن آن اطمینان حاصل شود.
- ۱۰ در صورت استفاده از بخاری‌های نفتی باید قبل از پر کردن منبع سوخت آن را خاموش کرد.
- ۱۱ از بخاری‌های کارگاهی، بدون دودکش، هیژم‌سوز، شعله‌عریان و بدون حفاظ و... در داخل تکایا استفاده نشود.
- ۱۲ در اخذ انشعاب از لوله‌کشی گاز حتماً از شیلنگ‌های فشار قوی مخصوص و بست مناسب استفاده شود.
- ۱۳ عبوردادن دودکش بخاری‌ها از سقف که از برزنت یا مصالح اشتعال‌پذیر است، جداً جلوگیری شود.
- ۱۴ رعایت دست‌کم یک متر فاصله بین وسایل گرمازا و لوازم اشتعال‌پذیر

- (پشتی، فرش، پرچم و...) الزامی است.
- ۱۵ در قسمت طبخ حتماً باید معابر خروج سریع تدارک دیده شود.
- ۱۶ قسمت طبخ نذرها در مکان مناسب و دور از محیط تکایا انتخاب شود.
- ۱۷ در همه قسمت‌ها به‌ویژه محل طبخ غذا حتماً باید به اندازه کافی کیسول‌های آتش‌نشانی سیار موجود باشد و کارکنان با طبقه استفاده از آنها آشنا باشند.
- ۱۸ از ورود کودکان به قسمت طبخ غذا جلوگیری شود.
- ۱۹ در صورت نیاز به نگهداری مواد نفتی و سیلندرهای گاز، مکان مناسب خارج از فضای عمومی در نظر گرفته شود.
- ۲۰ در صورتی که از هیژم برای پخت‌وپز استفاده می‌شود، حتماً باید آب کافی و دست‌کم یک شیلنگ برای اطفای آتش‌سوزی‌های احتمالی پیش‌بینی شود.
- ۲۱ از نگهداری مواد نفتی و مایعات اشتعال‌پذیر در داخل سالن و محل طبخ غذا خودداری شود.
- ۲۲ کفراژبندی (سازه غیر مقاوم) باید به نحوی محاسبه شود که تحمل بار مرده و بار زنده احتمالی که روی آن گذاشته می‌شود، داشته باشد و به وسیله سیم بکسل و وسایل مناسب روی زمین مهار شود؛ به‌صورتی که در صورت وزش تندباد امکان تخریب و واژگونی آن وجود نداشته باشد.
- ۲۳ کوره بخاری‌ها و دستگاه‌های گرماساز را قبل از استفاده حتماً نظافت کنید.
- ۲۴ در صورت استفاده از بخاری‌های گازی و پس از نصب بخاری و اطمینان از عملکرد صحیح آنها مراقب باشید که شیر فلکه گاز در دسترس بچه‌ها و آسیب‌های فیزیکی قرار نگیرد.
- ۲۵ قبل از بهره‌برداری از دستگاه حرارت‌زا مانند بخاری‌ها، سیستم حرارت مرکزی و امثال آن دودکش را نظافت و از بازبودن مسیر دودکش اطمینان حاصل کنید. ■

# حیات شیعه مدیون فعالیت مجالس و آیین‌های عاشورایی است

**گروه جامعه:** در شماره قبل گفت‌وگویی از دکتر ضیایی درباره تحریفات عاشورایی عرضه شد. متنی که در زیر می‌آید، ادامه میزگردی است که با حضور دکتر ضیایی و حسام‌الدین مظاهری در دفتر خیمه برگزار شد.

محور اصلی این میزگرد رسانه‌های متنوعی است که شیعه برای انتقال پیام خود از آنها استفاده کرده است. دکتر ضیایی قدرت رسانه‌ای را مهم‌ترین ابزار انتقال و پیشبرد تفکرات شیعی می‌داند و در همین حال تأکید می‌کند، رسانه، تیغ دو لبه‌ای است که در انتقال پیام عاشورا، هم گاهی بسیار مثبت عمل کرده و هم گاهی باعث بروز تحریفات در روایت این واقعه شده است. حسام‌الدین مظاهری نیز عزاداری را یک رسانه شیعی می‌داند و عزاداری‌های شیعی را نوعی نهاد تأسیسی از سوی اهل بیت<sup>ع</sup> و فرهیختگان شیعه معرفی می‌کند.

**حلیا:** آقای مظاهری شما با توجه به اینکه کتاب رسانه شیعه را نوشته‌اید، نظر تان را راجع به رسانه‌های شیعیان و دشمنان آنها بگویید؟  
**مظاهری:** فرضیه من در آن کتاب این است که در طول تاریخ، مجالس و آیین‌های سوگواری عاشورا و مجموعه مقولات مرتبط با آنها (وعظ، خطابه، تعزیه، دعا و...) برای تبلیغ و ترویج و استمرار حیات شیعه، کارکرد رسانه‌ای داشته‌اند، به موازات کارکردهای دیگر و گاه حتی بیشتر از آنها.

تا جایی که می‌توان ادعا کرد که یکی از دلایل مؤثر در حفظ و استمرار شیعه، حیات و فعالیت همین مجالس و آیین‌ها حتی در سخت‌ترین وضعیت تاریخی بوده است؛ البته این فعالیت رسانه‌ای در مقاطع تاریخی مختلف، به تبع اقتضات و مجموعه شرایط سیاسی و اجتماعی، اشکال و صورت‌های مختلفی را پذیرا شده و همیشه به یک شکل نبوده است.

**حلیا:** آقای مظاهری سیاست رسانه‌ای بعد از قیام را مثبت ارزیابی می‌کنند؛ اما آقای دکتر ممکن است سیاست رسانه‌ای امام حسین<sup>ع</sup> را تحلیل کنید؟ آیا امام حسین<sup>ع</sup> می‌توانست روند رسانه‌ای دیگری را پی بگیرند تا با کاروانی ۷۲ نفره به رویارویی با لشکر یزید مجبور نباشد.

منظورم این است که با توجه به اینکه شما معتقدید قیام عاشورا در زندگی ایشان یک اضطراب و استثنای تاریخی است، می‌شود با سیستم رسانه‌ای دیگری تاریخ به گونه دیگری رقم بخورد؟

**ضیایی:** تحلیل تاریخ کار آسانی نیست و به همین دلیل نمی‌توان به سادگی «ای کاش»‌های تاریخی را طرح کرد و گفت که اگر چنین می‌شد، چنان اتفاقی در پی می‌آمد؛ چراکه تاریخ سیری را طی کرده و به این شکل پیش آمده است.

به نظر من امام حسین<sup>ع</sup> عاقلانه‌ترین راه را انتخاب کرده و راهی به جز این نبود تا ایشان بتواند آن را بیازماید؛ در ضمن آن همه تأکید امام<sup>ع</sup> بر صلح‌طلبی و پرهیز از جنگ خودش مهم‌ترین مفاد

**حلیا:** می‌خواهید بگویید نقش دوگانه رسانه‌ها و سردرگمی مخاطب باعث بروز تحریف در روایت کربلا شده است؟

**ضیایی:** بله؛ ببینید از طرف علما اهتمام جدی برای به دست گرفتن رسانه به منظور استفاده صحیح از آن صورت نگرفت، از سوی دیگر پادشاهان هم مشروعیت خود را از عوام می‌گرفتند و باز در این چرخه علما مجبور بودند برای حفظ مشروعیت خود و حاکمان چندان بر خلاف عقاید عوام حرفی نزنند؛ در نتیجه نوعی از اجماع سکوت شکل گرفت. همین اجماع سکوت به واردشدن بسیاری تحریفات به ماجرای عاشورا منجر شد.



**حلیا:** چرخه ایجاد این تحریفات چگونه بود؟  
**ضیایی:** یادمان باشد که سکوت عالمان و دانایان تحریفات بسیاری را در واقعه عاشورا به وجود آورد. بعضی از این تحریفات ناخواسته و لفظی بود و چندان اهمیت ندارد؛ ولی تحریفات جدی‌تری هم بوده؛ مثلاً بحث مظلومیت شیعه و تلاش برای ایجاد اقتدار برای شیعه باعث شده بود که جنبه‌های مبارزه‌طلبانه و جدال‌جویانه تشیع پررنگ‌تر و قوی‌تر شود.

همچنین برای پررنگ‌تر کردن هرچه بیشتر این جنبه مجبور بودند بعضی تحریفات را درست کنند یا بعضی فضیلت‌های نادرست و اغراق شده برای قیام عاشورا بترانند و به قهرمانان این واقعه منسوب کنند و همین باعث شد که رسانه بیاید و نقش مخرب خود را ایفا کند و تحریف را به طور جدی به فرهنگ عاشورا وارد کند.

**حلیا:** فعالیت‌های رسانه‌ای مختلفی درباره واقعه عاشورا اتفاق افتاده؛ چه پیش از اینکه امام<sup>ع</sup> تصمیم بگیرد، از مکه به سمت کوفه حرکت کند و چه اتفاقاتی که در کوفه افتاده و چه حوادث بعد از واقعه عاشورا؛ از خطبه‌های حضرت زینب<sup>ه</sup> گرفته تا حتی برسیم به حکومت صفویه.

تحلیل شما از فعالیت‌های رسانه‌ای کل وقایع عاشورا و فرهنگ عاشورایی چیست و آیا این روند رسانه‌ای به انتقال فرهنگ عاشورا کمک کرده یا به ورود تحریفات در آن منجر شده است؟ این رسانه‌ها چطور عمل کرده‌اند؟

**ضیایی:** البته در آن زمان رسانه به معنای مدرن وجود نداشته؛ ولی اگر رسانه را به معنی آن ابزار و اهرم‌های ایجاد ارتباط و مشروعیت و اقتدار بدانیم، جناح مقابل ائمه<sup>ع</sup> در این زمینه قوی‌تر بوده‌اند. جریان مخالف ائمه<sup>ع</sup> فعالیت رسانه‌ای خود را از سال‌ها قبل از قیام عاشورا آغاز کرده بودند.

زمان امام علی<sup>ع</sup> کار رسانه‌ای آنها این قدر قوی بود که در نگاه عامه مردم از ایشان مشروعیت‌زدایی شده بود؛ به طوری که بدگویی درباره امام<sup>ع</sup> به امری عادی بدل شده بود؛ حتی شایع کرده بودند که امام علی<sup>ع</sup> اصلاً اهل نماز نیست تا جایی که وقتی ایشان در محراب مسجد به شهادت رسید، مردم می‌پرسیدند: «علی در مسجد چه می‌کرده است؟» اما پس از قیام عاشورا ورق برمی‌گردد، این رسانه در دست اهل بیت<sup>ع</sup> قرار می‌گیرد و با خطبه‌های حضرت زینب<sup>ه</sup> این قدرت رسانه‌ای به اوج خود می‌رسد.

**حلیا:** خوب با این نگاهی که شما به رسانه دارید، آیا باز هم رسانه تیغ دو لبه محسوب می‌شود؟

**ضیایی:** بله؛ رسانه در همه اعصار تیغ دو لبه است؛ مثلاً امام سجاد<sup>ع</sup> با نوشتن صحیفه سجادیه و استفاده از شعر و دعا پیام دین را به مردم منتقل می‌کرد؛ اما در دوره صفویه رسانه باعث فروبستگی و خفتگی می‌شود. در واقع کثرت و انبوه اطلاعات پیراسته‌نشده باعث سردرگمی مخاطبان شده است.

**ضیایی:**  
اگرچه پیش از قیام عاشورا همه ابزارهای رسانه‌ای در دست جناح مقابل امام حسین<sup>ع</sup> بوده، بعد از قیام عاشورا ورق کاملاً برگشت و جریان رسانه‌ای کاملاً به سمت حفظ خون شهدای عاشورا پیش رفت.



و محتوای رسانه‌ای بود که می‌شد به دیگران القا کند؛ حتی رجزهایی که از ایشان و یارانش نقل شده، نشان‌دهنده صلح‌طلبی و پرهیز از جنگ ایشان است. همان‌طور که در تاریخ خوانده‌ایم امام <sup>ع</sup> پیش از شروع جنگ در کربلا فرمود: «من فرزند پیغمبر هستم، من پدرم علی بود و مادرم فاطمه دختر پیغمبر بود. چرا می‌خواهید با ما بجنگید؟» یا به کاروان همراهشان فرمان داده بودند که باید اولین تیر از سپاه دشمن پرتاب شود. این پیامی بود که امام <sup>ع</sup> می‌خواست منتقل کند و تا حد بسیاری هم در این امر موفق بود؛ با وجود اینکه ایشان به رسانه‌های اصلی زمان خود دسترسی نداشت.

متأسفانه رویکرد و نگاهی در بین ما دیده می‌شود که تمایل بسیاری به برجسته کردن وجه جنگ‌طلبانه عاشورا دارد و اهتمام رسانه‌های دخیل را هم به همین سمت و سو معطوف کرده است. آنچه من می‌گویم دقیقاً خلاف این مشی و منش رسانه‌ای موجود و نامطلوب است. همچنان بر این باورم که باید بار دیگر به‌دقت پنجاه و اندی زندگی امام حسین <sup>ع</sup> و وجه مدارجویانه و صلح‌طلبانه آن که کاملاً ارادی و آگاهانه نیز بود، بررسی و مطالعه کرد و صرفاً به بیان و تحلیل تاریخ دو روزه عاشورا که استثنایی ناگزیر در تاریخ شیعه است، پرداخته نشود. نمی‌گویم به عنوان بدیل و آلت‌ناتوب، ولی در کنار زیارت عاشورا که صرفاً به براءت و بی‌زاری از مخالفان می‌پردازد، باید به دعای عرفه که چهره عرفانی و مصلحانه امام <sup>ع</sup> را دقیقاً نشان می‌دهد، بیشتر بپردازیم و این مناجات ارزشمند را بیشتر برای مخاطبان طرح کنیم.

### حلیا آقای مظاهری شما به رسانه‌هایی که پس از قیام عاشورا در دست شیعیان بوده و همچنان هستند، اشاره کردید؟ درباره سیاست رسانه‌ای که به ایجاد این رسانه‌ها منجر شد، توضیح می‌دهید؟

**مظاهری:** با بررسی روایات تاریخی و روایی به این نتیجه می‌رسیم که سیره امامان شیعیان معاصرشان در برگزاری مجالس سوگواری بر واقعه عاشورا، یک رفتار «تأسیسی» بوده است. در رفتار تأسیسی باید انگیزه‌ها و نشانه‌هایی که برای تأسیس آن رفتار وجود داشته، روشن باشد و نوعی زمینه‌سازی برای استمراربخشی و نهادسازی به چشم بخورد.

من معتقدم عزاداری عاشورا حتی از همان مجالس اولیه هم از جنس مجالس عزای معمول که با ماندگان بعد از هر واقعه تلخی دور هم جمع می‌شوند، می‌گیرند و پس از مدتی هم پایان می‌یابد، نبوده است؛ کم‌آنکه ما پس از مصیبت‌های مهم و بزرگی که پیش از واقعه عاشورا در جهان اسلام رخ دادند؛ مانند رحلت حضرت رسول <sup>ص</sup>، شهادت امام علی <sup>ع</sup>، حضرت زهرا <sup>ه</sup> و امام حسن <sup>ع</sup>، شاهد

این حجم از توجه و عنایت و تأکید ائمه اطهار <sup>ع</sup> بر برگزاری مراسم عزاداری و سرودن مرثیه و تشکیل اجتماع مؤمنان برای ذکر مصیبت و گریاندن دیگران ... نبودیم؛ اما در مورد واقعه عاشورا شاهد حجم بسیاری از روایات ناظر به این امور هستیم.

این به گمان من فقط به دلیل بزرگی و عظمت واقعه کربلا و شدت مصایب آن روز نبوده، بلکه دلایل سیاسی و اجتماعی مهم‌تری هم داشته است. وقتی روایات حضرات معصومین <sup>ع</sup> به‌ویژه امام سجاد <sup>ع</sup>، امام باقر <sup>ع</sup> و امام صادق <sup>ع</sup> و امام رضا <sup>ع</sup> را در مورد تشویق به گریه و سرودن مرثیه



و تأکید بر پاسداشت عاشورا می‌خوانیم و از خلال روایات تاریخی و منابع روایی، رفتار و سیره ایشان را در این زمینه می‌کاویم؛ درمی‌یابیم که آشکارا رفتار ایشان رفتاری تأسیسی بوده است؛ گویی ایشان عامدانه در حال تأسیس نهادی بوده‌اند که حالا اسمش را می‌گذاریم: «عزاداری عاشورا».

### حلیا ممکن است چند مثال بزیند که نشان‌دهنده رفتار تأسیسی ائمه <sup>ع</sup> در سوگواری‌های حسینی باشد؟

**مظاهری:** بله؛ آن‌گونه که سید بن طاووس در لهوف و نیز دیگران در کتاب‌های مقتل خود نقل کرده‌اند، وقتی کاروان اهل بیت <sup>ع</sup> در بازگشت از شام به حوالی مدینه رسید، بیرون از شهر اتراق کرد. امام سجاد <sup>ع</sup> کسی به نام بشیر بن حذلم را که شاعر بود، احضار کرد و به او فرمود تا به مدینه رود و خبر

شهادت امام حسین <sup>ع</sup> را به مردم برساند. بشیر به شهر می‌رود و مردم را جمع می‌کند و برایشان مرثیه‌ای جانسوز و تکان‌دهنده می‌خواند، با این مطلع که: «یا اهل یثرب لا تُقَام لکم بها...» و در پایان می‌گوید: «این علی بن الحسین <sup>ع</sup> است که همراه عمه‌ها و خواهرانش به نزدیکی شهر شما رسیده و در آنجا منزل گزیده‌اند. من فرستاده او بر شما هستم تا مکان ایشان را به شما بنمایم.»

مردم مدینه پس از شنیدن این خبر شیون کنان به سوی محل اتراق کاروان اهل بیت <sup>ع</sup> در بیرون شهر راه افتادند و گرد حضرت سجاد <sup>ع</sup> حلقه زدند و گریان و تسلیت‌گوییان همراه با ایشان به عزاداری پرداختند؛ سپس امام <sup>ع</sup>، در اجتماع مردم سخنرانی غریبی ایراد فرمود که گریه شدید مردم را در پی داشت. پس از آن اهل بیت <sup>ع</sup> همراه مردم وارد شهر شدند و در آنجا هم مجلس سوگ و عزا بر پا داشتند.

دقت کنید؛ کاروان اهل بیت <sup>ع</sup> می‌توانست بی‌مقدمه به شهر وارد و با مردم روبه‌رو شود؛ اما امام سجاد <sup>ع</sup> چنین تشخیص می‌دهد که بیرون شهر اتراق کند و یک شاعر مشهور با زبان شعر و با آن کیفیت، رسیدن کاروان اهل بیت <sup>ع</sup> را به مردم خبر دهد؛ به عبارت دیگر مجلس سوگواری مردم مدینه یک مجلس اتفافی و پیشامدی نیست، بلکه در اینجا آشکارا با رفتاری تأسیسی و اندیشیده روبه‌رویم.

نظیر این رفتار را در سیره امامان <sup>ع</sup> و بزرگان شیعه بسیار می‌توان سراغ گرفت؛ یا اینکه ما امروز نام برخی مرثیه‌سرایان و شاعران معاصر اهل بیت <sup>ع</sup> نظیر دعبل و فرزندق و سیدحمیری را می‌دانیم و می‌شناسیم؛ اما نام بسیاری صحابه اصلی ائمه <sup>ع</sup>، فقها و علمای معاصر ایشان را شاید تاکنون نشنیده باشیم. با اینکه این علما و بزرگان، گاه از برخی از آن شاعران مقام و منزلت علمی و دینی بالاتری داشته‌اند. چرا چنین است؟

آیا این جز به دلیل تأکید بسیار ائمه <sup>ع</sup> به مرثیه‌سرایی بر عاشورا، توجه ویژه ایشان به مرثیه‌سراها، صله دادن به آنها و وعده اجر معنوی به آنان است؟ این خود نمونه دیگری از رفتار تأسیسی ائمه <sup>ع</sup> در بنیان‌نهادن نهاد عزاداری امام

#### مظاهری:

عزاداری عاشورا نهادی است که مؤسسانش امامان شیعه بوده‌اند و گویا یکی از دلایل اصلی این تأسیس هم کارکرد رسانه‌ای و تبلیغی این نهاد برای حفظ و ترویج فرهنگ و عقاید شیعه بوده است فارغ از مسیر حیات بعدی این نهاد در دوران پس از ائمه <sup>ع</sup>.



### مقدمه:

و جامعه‌پژوهانی که رفتارهای روزمره مردم کوچه و خیابان را موضوع یک پروژه تحقیقاتی مهم می‌بینند و آنها را بسیار جدی بررسی و مطالعه می‌کنند.

وقتی جامعه‌شناس و پژوهشگر معاصر فرانسوی «سایرینا میروان» مدتی طولانی درباره عادات و رفتارهای مذهبی مردم تهران در نیمه شعبان از من می‌پرسید و حتی درباره چگونگی برگزاری مراسم دعای ندبه یا نوع پذیرایی از شادمانان میلاد امام عصر <sup>ع</sup> و جزئیاتی از این دست توجه و دقت نشان می‌داد و یادداشت برمی‌داشت با خود می‌آندیشیدم، چرا ما خودمان نسبت به بررسی و مطالعه فرهنگ عمومی و به ویژه زندگی دینی این قدر جدی نیستیم. بعدها که کتاب مهم او درباره اصلاحات شیعی (حرکت الإصلاح الشیعی - ترجمه هیثم الامین) را دریافت و فصل مربوط به عزاداری محرم را تورو کردم، دیدم با همین دقت به عزاداری شیعیان در عزای امام حسین <sup>ع</sup> پرداخته است.

وی قبل از پرداختن به موضوع در ابتدای فصل ششم کتاب خود چنین می‌نویسد:

«هصیبت کربلا که امام سوم و اهل بیتش در آن به شهادت رسیدند، به شکلی از اشکال اسطوره و حماسه‌ای بود که تشیع بر بنیان آن سامان یافت؛

وقتی از سبک زندگی سخن می‌گوییم، در حال مطالعه فرهنگ هستیم و فرهنگ یعنی زندگی در همه ابعاد و شئونش؛ زندگی واقعی و عینی دور از بحث‌های نظری و تئوریک یا علایق و آرمان‌ها؛ پس کسی که به مطالعه و پژوهش در فرهنگ عمومی و به طور مشخص سبک زندگی می‌پردازد، ناگزیر باید خود را از موضوع مطالعه دور کند و با رویکردی غیرجانبدارانه به بررسی و گزارش - بر مبنای تحلیل - آنچه می‌بیند، اقدام کند و این مهم به مطالعه و تحقیق جدی نیاز دارد.

واقعیت این است که به دلایل گوناگون نه فقط مطالعه و پژوهش آکادمیک و علمی بلکه حتی گزارش رسانه‌ای و خبری ما در ایران نیز در این زمینه بسیار کم و اندک و به طور خاص در حوزه سبک زندگی دینی و ابعاد و زمینه‌های مختلف آن این گونه بررسی‌ها بسیار کمتر است. امید که نشریاتی چون این ماهنامه بتوانند این خلأ را تا اندازه‌ای پر کنند.

شاید توجه به چنین موضوعاتی برای من بیشتر از زمانی جدی شد که اهتمام غریب بعضی استادان و پژوهشگران خارجی را نسبت به خوراک و پوشاک و سنت‌ها و عادات مردم عادی دیدم؛ مردم‌شناسان

حسین <sup>ع</sup> است. در واقع از آنجا که مهم‌ترین رسانه و وسیله تبلیغی و پیام‌رسانی عرب آن زمان، شعر بوده، این رفتار تأسیسی در این قالب اعمال شده است؛ همین‌طور است در مورد تأکید ائمه اطهار <sup>ع</sup> به اشک‌ریختن و گریاندن و حتی تباهی کردن در سوگ ابا عبدالله <sup>ع</sup>.

حالا اینکه این نهاد در طول تاریخ تا به امروز به دلایل و اقتضات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دوره‌های مختلف، چه سیری را طی کرده و چه تغییرات و تحولاتی را به ابتکار شیعیان و علما و حکومت‌های مختلف پذیرا شده است، بحث دیگری است.

مقصود اصلی آن است که بدانیم عزاداری عاشورا نهادی است که مؤسسانش امامان شیعه بوده‌اند و گویا یکی از دلایل اصلی این تأسیس هم کارکرد رسانه‌ای و تبلیغی این نهاد برای حفظ و ترویج فرهنگ و عقاید شیعه بوده است؛ فارغ از مسیر حیات بعدی این نهاد در دوران پس از ائمه <sup>ع</sup>.

### خایا، بنا بر این شما با همین استدلال نام کتابتان را رسانه شیعه گذاشته‌اید؟

مظهاری: دقیقاً؛ نامگذاری کتاب رسانه شیعه هم ناظر به همین برداشت بوده است. برای شیعه، به عنوان اقلیتی در تاریخ اسلام و ایران که قرن‌ها نه حکومت داشته و نه قدرت و مدام به حاشیه اجتماع رانده می‌شده و مورد خشم و غضب حکام وقت اموی و عباسی و سلجوقی و... بوده است، نهاد عزاداری عاشورا کارکرد یک رسانه را ایفا کرده است؛ به اشکال مختلف؛ برای همین است که همواره اهمیت و حساسیت ویژه‌ای داشته، مخالفان بسیاری به مقابله با آن پرداخته‌اند و برای حفظ آن هزینه‌های بسیاری صرف شده است.

تثبیت این نهاد و رسانه هم البته آسان و بی‌دردسر نبوده است؛ به‌ویژه در آن مقاطع آغازین حیات این نهاد شاهد چالش‌ها و مشکلات فراوانی هستیم؛ مثلاً آن‌گونه که مورخان مشهوری نظیر ابن کثیر و ابن اثیر و جوزی نقل می‌کنند، برگزاری عزاداری امام حسین <sup>ع</sup> توسط شیعیان در دوران‌های آل بویه و سلجوقی با حواشی و مشکلات بسیاری روبه‌رو بوده؛ از جمله در یک سال بیش از ۱۰ هزار نفر در درگیری‌های موافقان و مخالفان عزاداری در بغداد کشته شده‌اند.

این همه هزینه برای چه بود؟ برای اهمیت حیاتی‌ای بوده است که این نهاد برای شیعیان داشته و دارد؛ برای همین است که می‌توان گفت اگر این آیین و نهاد نبود، بعید نبود که اثری از شیعه باقی نماند؛ یا دست‌کم به این کیفیت و گستره نمی‌توانست استمرار یابد. ■

اگر این آیین و نهاد عزاداری نبود، بعید نبود که امروز اثری از شیعه باقی بماند.

چراکه حافظهٔ تشیع را شکل داد و به این جماعت یک گذشتهٔ مشترک بخشید و ریشهٔ آن را در عمق تاریخ دوانید، بلکه بالاتر از این، نمونه‌ای ارائه کرد تا بدان اقتدا کنند و مجموعه‌ای از آیین‌ها را صورت داد که خصوصیت‌های اعتقادی شیعهٔ امامیه را شکل بخشید.

این آیین‌ها هر سال در مراسم منظمی یادآوری می‌شوند تا شیعیان بدین ترتیب با امامان خود تجدید عهد کنند و بدین ترتیب مفهوم امامت در دسترس فهم و حس مخاطب عام قرار می‌گیرد. به جز مراسم سالیانه در مناسبت‌های مختلف همچنان این موضوع را یادآوری می‌کنند و البته این موضوع اختصاص به روحانیان هم ندارد؛ چراکه کسی مانند علی شریعتی هم که روحانی نبود، از آن بهره برد.

وی سپس به توصیفات دقیقی موجود در سفرنامه‌های مختلف به‌ویژه بعد از دورهٔ صفویه اشاره و نمونه‌هایی را بررسی می‌کند. (توجه به این نکته هم لازم است که نظر به استقرار علمای شیعهٔ لبنان در اصفهان و انتشار بسیاری عادات و آداب شیعی از این شهر با موقعیت تاریخی اصفهان در این‌گونه مطالعات می‌تواند به عنوان عامل مهمی مورد توجه باشد.)

عکس: حسین ایملو



در آثار و نوشته‌های مختلف منتشرشده دربارهٔ ایران نیز نمونه‌های مختلفی از این دست دیده می‌شود. از آثار پژوهشی و علمی اجتماعی و فرهنگی تا سفرنامه‌ها یا گزارش‌های رسانه‌ای یا آلبوم‌های عکس منتشرشده موارد مختلفی دیده می‌شود که جای بررسی و مطالعه دارد.

«سینتیا هلمز» همسر سفیر آمریکا در تهران (۱۹۷۲-۱۹۷۶) در کتابی که دربارهٔ ایران نوشته، به طور مشخص دربارهٔ محرم و عزاداری‌ها سخن گفته و از مهر نماز (از تربت کربلا) تا دسته‌های زنجیرزنی دههٔ اول محرم یاد کرده است. شاید در اینجا یادآوری این نکته مناسب باشد که نخستین ایستگاه در بررسی روابط ایران و آمریکا از کشته‌شدن کاردار آمریکا در تهران به دست مردمی شروع می‌شود که شنیده بودند، او در سقاخانه امام حسین <sup>ع</sup> زهر ریخته است و جالب اینجاست که او به عنوان عکاس مجلهٔ «تشنال جنوگرافیک» دقیقاً در حال عکس‌برداری از همین عادات و آداب عاشورایی مردم ایران بوده است.

به هر حال این یادداشت مختصر و نگاه گذرا هم بدون اینکه ادعایی در این زمینه داشته باشد، می‌کوشد تا راهی در این زمینه بگشاید و مدخلی بر اهتمام جدی‌تر پژوهشگران و نویسندگان حوزهٔ مطالعات اجتماعی به این موضوع باشد. باید در اینجا از همه عالمان و بزرگانی یاد کنیم که در طول تاریخ این فرهنگ کربلایی را شکل داده‌اند؛ به‌ویژه امام خمینی رضوان الله علیه که با اهتمامی خاص بزرگداشت عاشورا را ترویج کرد و همگان را فرمان داد که «این محرم و صفر را زنده نگهدارید» و به همه یادآور شد که «ما هر چه داریم از محرم است».

عنوان یادداشت را برای ادای احترام به مرحوم عبدالحسین فرهنگ -بنیانگذار شب‌های شعر عاشورا در شیراز- از نام ایشان وام گرفته‌ام، بدان امید که بتوانم به‌زودی یادداشت‌های ناتمام خود دربارهٔ آن شخصیت بزرگ را پس از سال‌ها سامان دهم و اندکی از حق آن خادم راستین مکتب عاشورا را ادا کنم و قدری از شیوه‌های خاص و درس‌آموز آن بزرگوار در زنده‌داشتن عاشورا بنویسم.

در این نگاه گذرا کوشیده‌ام تا کلیهٔ رفتارها و نشانه‌ها و عادات و آدابی که در ایام محرم در یک زندگی دینی -در خانواده‌های ایرانی معاصر- دیده می‌شود، فهرست کنم. متأسفانه در هنگام نگارش این یادداشت نه فرصت لازم را در اختیار دارم و نه منابع مورد نیاز در دسترس هستند؛ از این‌رو باید این نسخه از مقاله را تا زمان کامل‌ترشدن آن نسخه صفر تلقی کرد.

در این یادداشت طبیعتاً به سه موضوع اشاره نشده است: اولاً «تعزیه و نمایش‌های آیینی و پرده‌خوانی» و ثانیاً «آیین‌های گوناگون عزاداری در مناطق مختلف مثل نخل‌گردانی و...» و ثالثاً «موضوع قمه‌زنی و زنجیرزنی با زنجیرهای دارای تیغ» چراکه

این موضوعات خود عناوین مستقلی هستند که باید در جای خود مورد توجه قرار گیرند.

تأثیرپذیری فرهنگ عامه از محرم و عزاداری هم در عرصه‌های متنوعی درخور بررسی است که در این نگاه گذرا بدان‌ها پرداخته نشده؛ مانند جوک‌ها و لطیفه‌هایی که دارای عنصری از مفهوم عزاداری محرم هستند یا اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی که در واقع این امتداد را نشان می‌دهند «دیوانه شود محرم در ماه محرم... در ماه صفر هم، ۱۰ ماه دگر هم» یا تعبیر رایج در فرهنگ عامه مانند: «ز به صحرای کربلا، هر چه روزه خواندیم اشکش در نیامد، بالای منبر برود پایین نمی‌آید و...»

در بسیاری مناطق نیز عرضهٔ کالاها و محصولات مذهبی خاص ماه محرم در فروشگاه‌های عمومی مانند عرضهٔ لباس مشکی یا فروشگاه‌های مخصوص مانند لوازم مختلفی مثل طبل و سنج و زنجیر و پرچم و... درخور توجه است.

موضوعات مختلف این بحث را در سه بخش اصلی ذکر کرده‌ایم که بدون هیچ ترتیب خاص تقدیم می‌کنیم:

### الف) خوردن و آشامیدن:

غذای نذری، غذای هیئت، قیمةٔ امام حسین <sup>ع</sup>، بردن غذا برای تبرک و برای شفای مریض (داستان‌های مختلفی که در این زمینه نقل می‌شود و بدان باور دارند؛ مانند اینکه هیئتی در میدان قیام تهران) هر سال غذای مشخصی را طبخ می‌کردند و یک سال که برنامه را عوض کردند، غذا خراب شد و تا دو سال همین اتفاق افتاد و زمانی که برنامهٔ ثابت اجرا شد، مشکل حل گردید.)

- ذکر نام امام حسین <sup>ع</sup> هنگام نوشیدن آب و حتی تعلیم این موضوع به کودکان
- اهتمام و اعتقاد به سقایت (در تاسی به قمر بنی هاشم) و آب‌رساندن به تشنگان با این نیت
- مراعات کسی که آب می‌خورد (مگر شمیری؟) حتی در بازی‌های کودکانه و قبح منع آب حتی از دشمن
- نذرکردن برای توزیع و پذیرایی از رهگذران و مردم در مناطق عمومی با شربت و پذیرایی صلواتی در دههٔ اول محرم به‌ویژه شب عاشورا
- خودداری از خرید و مصرف شیرینی و آجیل در ماه محرم (اظهار شادی و سرور) به‌ویژه شب‌های تاسوعا و عاشورا
- تلاش برای کمتر غذاخوردن و نوشیدن به‌ویژه در روز عاشورا
- اهتمام به نپختن غذا در منزل در روز عاشورا و خوردن ناهار هیئت (قیمةٔ امام حسین <sup>ع</sup>)
- پذیرایی با نان شیرینی‌های خاصی که کمتر شیرین هستند و با مجالس جشن مناسبت ندارند؛ مانند کیک یزدی یا شیرینی سه‌سالی (در مناطقی مانند جنوب لبنان کک عباس (کیک، نان شیرینی حضرت عباس <sup>ع</sup>) دارند.)

تأثیرپذیری فرهنگ عامه از محرم و عزاداری هم در عرصه‌های متنوعی درخور بررسی است.



گاه دیده شده خانم‌هایی که معمولاً چادر نمی‌پوشند، در این ایام و برای حضور در مجالس عزاداری از چادر استفاده می‌کنند.

- پذیرایی با ساندویچ‌های خانگی نان و پنیر و سبزی (معمولاً با نان سنگک) که بسیاری به عنوان تبرک با خود می‌برند.
- پذیرایی با عدسی برای صبحانه (در خواص عدس به اثر آن در رقت قلب و تسهیل گریه اشاره می‌شود).
- پذیرایی صبحانه در مراسم عزاداری محل کار یا مدرسه (البته برای دانش‌آموزان خردسال این موضوع اهمیت بیشتری دارد و شوق صبحانه خوردن با بچه‌ها در مدرسه و تغییر برنامه یکنواخت روزانه انگیزه بیشتری برای حضور در مراسم عزاداری ایجاد می‌کند / شکل‌گیری هیئت‌های دانش‌آموزی و برنامه هفتگی ثابت در طول سال)
- پذیرایی با چای و اهمیت توجه به این موضوع و نقش سماور و چای مجلس عزا و نذر بسیاری مردم برای تقدیم قند و چای (و باور جدی بسیاری به ارزش و قداست این مسئولیت و منصب در تشکیلات هیئت مذهبی)
- **ب) پوشاک و دکوراسیون و ظاهر:**
- لباس مشکی (لباس عزا) که گاه مدل خاصی هم دارد، بلندتر از پیراهن‌های معمول با آستین بدون دکمه و بدون یقه و گاه با پشت باز برای زنجیرزنی. بسیاری به قداست این لباس عقیده دارند (وصیت مرحوم آیت‌الله نجفی مرعشی برای دفن پیراهن عزا با جنازه‌شان در قبر)
- نصب پارچه‌ها و پرچم‌های مشکی و رنگی با شعارهای خاص برای اعلام عزا (نقل مرحوم علامه طباطبایی که این پارچه‌های مشکی روز قیامت شفاعت می‌کنند)
- انداختن شال عزا به گردن (معمولاً مشکی و برای سادات سبز رنگ)
- در ایام عزا بسیاری جوانان تمایل بیشتری نسبت به سایر ایام سال به انداختن چغیه در گردن نشان می‌دهند.
- استفاده از پیشانی‌بند در هنگام عزاداری (با شعارهایی مانند لیک یا حسین، یا ابوالفضل، یا سیدالشهدا) / گاه فقط یک نوار پارچه‌ای سیاه یا سبز بدون نوشته است.
- بسیاری تسبیح تربت به گردن می‌اندازند یا پلاک‌های سربازی با حکاکی «یا حسین، یا زینب، یا ابوالفضل و...» (که مانند چغیه و پیشانی‌بند

- نوعی نماد دفاع مقدس هم هست.)
- استفاده از میچ‌بند در هنگام عزاداری به عنوان یک نماد با همان کارکرد پیشانی‌بند (گاه حتی مسی با حکاکی شعارهای مذهبی) و گاه بدون شعار (و گاه استفاده در طول ایام سال نظیر یک نوار پارچه‌ای سبز در میچ دست که نماد کودکان و نوجوانان شیعه لبنانی است)
- در دست کردن انگشتر عقیق با حکاکی نام ابا عبدالله <sup>ع</sup> یا عبارات خاص این ایام مانند یا حسین و...
- به‌تازگی نصب به سینه با نشانه‌ها و نمادها مثل پنجه (اشاره به کف دست و انگشتان حضرت ابوالفضل <sup>ع</sup>) یا عبارات یا حسین و... / معمولاً طلایی و نقره‌ای / روی سینه یا یقه کت و پالتو خاک و گل بر سر و شانه مالیدن در روز عاشورا به نشانه نهایت سوگواری
- کفن‌پوشیدن به معنای فدایی‌بودن (بأبی‌انت و می‌... در عزاداری)
- درآوردن کفش و جوراب و عزاداری با پای برهنه در ظهر عاشورا (نقل از مرحوم کاشف‌الغطا که در پاسخ به پرسش دیگران فرموده بود: «من امام زمان <sup>ع</sup> را با این هیئت مشاهده کردم.»)
- با پای پیاده به زیارت کربلا رفتن با پای برهنه به حرم داخل شدن
- نتراشیدن ریش در ایام عزا
- استفاده‌نکردن از رنگ‌های شاد در لباس و پوشش (استفاده از رنگ‌های تیره در ماتوی خانم‌ها)
- گاه دیده شده، خانم‌هایی که معمولاً چادر نمی‌پوشند، در این ایام و برای حضور در مجالس عزاداری از چادر استفاده می‌کنند.
- استفاده از برچسب‌های مختلف حاوی تصاویر و شعارهای عاشورایی روی سطوح مختلف مانند کیف و کلاسور یا در دیوار و وسایل منزل مانند یخچال یا وسایل شخصی مانند کامپیوتر با کارکرد پوستر و قاب عکس
- نصب و برافراشتن پرچم‌های کوچک مذهبی روی آنتن ماشین / رنگ کردن شیشه پشت ماشین با شعارهای عاشورایی (در بعضی مناطق جوانانی دیده شده‌اند که در معابر عمومی از صاحب خودرو اجازه می‌گیرند که با رنگ‌های قابل شست‌وشو پشت شیشه خودرو شعار عاشورایی بنویسند) / نصب پرچم روی سطح جلویی خودرو / نصب

- آویزهای عاشورایی به آینه جلوی ماشین
- دکوراسیون معمول مجالس سوگواری با پتو و پشتی ترکمن برای نشست و تکیه‌دادن مهمانان
- استفاده از دستمال پارچه‌ای خاص برای گریه و پاک کردن اشک (مانند آنچه از امام خمینی (ره) مشاهده می‌شد) گرچه برخی عقیده دارند پاک‌نکردن اشک با دستمال و مالیدن اشک به صورت باعث ازدیاد آبرو می‌شود و... وصیت برخی به دفن این دستمال ثابت به هنگام مرگشان در کفن
- لباس عربی به تن کودکان و شیرخواران کردن به نیست بیمه کردن آنان (اشاره به حضرت علی اصغر <sup>ع</sup>) و حاضرکردن آنان در مراسم عزاداری با این لباس و تزیینات همراه آن (چیزی شبیه درست‌کردن گهواره یا حاضرکردن عروسک در اشاره به حضرت رقیه <sup>ع</sup>) تفهیم این مفهوم به کودکان: (نقل از کسی که مادرش شام غریبان همه بالش‌ها را جمع می‌کرد و چند پاره آجر می‌آورد و می‌گفت: «مشب هر که می‌خواهد بخوابد روی آجرها سر بگذارد، امشب شبی است که بچه‌های پیغمبر <sup>ص</sup> در بیابان آواره‌اند.» و به این ترتیب این حس را تا پایان عمر در ما زنده نگه داشت و نقل دیگری که من هنوز گریه‌ها و برسرزدن پدرم را فراموش نمی‌کنم که مرا در خردسالی به آغوش می‌گرفت و به مجلس عزاداری می‌برد و از این دست است شیردادن مادران به نوزادان در مجالس سوگواری در حالی که های‌های می‌گریند / مادرم از مهر علی شیر داد... در دهنم نام محمد نهاد)
- نصب تابلوی شعارها و جملات مربوط به محرم و کربلا و قاب عکس حرم مطهر سیدالشهدا <sup>ع</sup> و قمر بنی هاشم یا شمایل و تصویرهای منسوب به آن بزرگواران
- استفاده از این تصاویر و شعارها و نمادها در اشکال مختلفی مثل آویز جلوی آینه ماشین، اسکرین سیور کامپیوتر و لپ‌تاپ، وال پیپر موبایل (همین طور است استفاده از نغمه‌های مداحی یا موسیقی‌های خاص عزاداری برای رنگ موبایل یا استفاده از آذان ترکیبی محمدرضا علیقلی برای ایام محرم یا ظهر روز عاشورا)
- **ج) آداب و عادات:**
- سلام‌دادن بعد از نماز به سمت کربلا و حرم مطهر سیدالشهدا <sup>ع</sup> یا قراردادن دست راست روی سینه به نشانه احترام (در لبنان عادت دارند دست راست





را بالا می‌آورند و کف دست را رو به جهت قبله می‌گیرند که نوعی تجدید عهد و پیمان‌بستن و نمایش نظامی و رسمی را تداعی می‌کند.)

■ سینه‌زنی، مهم‌ترین و ساده‌ترین شکل اظهار سوگواری و عزاداری بر مصیبت کربلا (که گاه کودکان از خردسالی فرا می‌گیرند و با لحن و ریتم مناسب آن دست‌ها را بر سینه می‌زنند / نقل از رزمنده‌ای در حال بیهوشی در بیمارستان صحرائی که بر سینه می‌زده و «یا حسین، یا حسین» می‌گفته است.)

■ گریه کردن (اشک بر مصیبت کربلا حتی به اندازهٔ بال مگس آموزندهٔ گناهان است)

■ تلاش برای گریاندن دیگران با ذکر مصیبت و یادآوری فاجعهٔ کربلا (باور به اهمیت ثواب این عمل و فضیلت بسیار آن)

■ تظاهر به گریه در مجالس سوگواری و حفظ ظاهر با قراردادن دست به روی پیشانی و سر به زیرانداختن یا ادای گریه در آوردن به جای بی‌اعتنایی و رفتار غیر مناسب (در احترام به فضای عمومی مجلس زمانی که عزادار گریه نمی‌کند یا احساس گریه و اشک ندارد.)

■ برپایی مجالس (حتی در حد کم و مجالس مختصر / نقل از یک دیپلمات ایرانی که در محل مأموریت او هیچ‌کس مسلمان شیعه نبوده است و ناچار پارچه‌ای مشکی پیدا می‌کند و به دیوار می‌زند و همسر و فرزندش را زیر آن می‌نشانند و خود به ذکر حسین حسین می‌پردازد.) بسیاری از مجالس خانگی در این ایام برپا می‌شود و نقش بسیار مهمی در ترویج فرهنگ دینی دارد (نقل از یک مسافر تاکسی که در نوجوانی گاه به گناه و مصرف مشروبات الکلی مبتلا می‌شدم و چون در منزل روضهٔ ماهانه داشتیم و خجالت می‌کشیدم با آن حال در مجلس حاضر شوم، به پشت بام می‌رفتم و از آنجا می‌گریستم و توبه می‌کردم) نیز بسیاری مجالس دهگی و هفتگی و ماهانه با شور و حال محرم شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد.

■ راه‌اندازی هیئت‌های کودکان و نوجوانان با ویژگی‌های خاص (معمولاً تمرین مشارکت اجتماعی و برعهده گرفتن نقش‌هایی مانند مدیریت هیئت، مداحی، پذیرایی) و راه‌اندازی دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی.

■ جمع‌آوری تبرعات و کمک‌های مالی از

علاقه‌مندان برای برپایی مجالس عزّا (معمولاً این کار برای مجالس نوجوانان و طی چاپ و تقدیم قبض‌های دریافت کمک‌های مردمی در محله یا مجتمع مسکونی و خانواده‌های بزرگ صورت می‌گیرد.)

■ نذر کردن برای برپایی مجلس یا نذر خاص برای قرائت روضه یا حتی قرائت مصیبت مشخص مثل نذر برای روضهٔ وداع حضرت زینب <sup>h</sup> یا...

■ احترام به عزاداران امام حسین <sup>a</sup> (نمونه‌اش کفش جفت کردن برای مهمانان هیئت‌ها و عقیده بسیاری به تقدس این کار و منصب)

■ خدمت کردن در مجالس عزاداری و به طور خاص شستن ظروف هیئت پس از پایان عزاداری (در حال حاضر استفاده از ظرف‌های یکبار مصرف رایج شده است.)

■ احترام به روضه‌خوان و مداح و منبری مجلس عزّا و احترام به وسایل مجلس مانند منبر عزّا امام حسین <sup>a</sup> (در اصفهان کسی هست که نقل می‌کنند در جوانی سبی از مجلس شراب برمی‌گردد و با دیدن منبری مجلس عاشورا به یاد می‌آورد، ایام محرم است و به زور منبری را مجبور می‌کند در کوچه برایش روضه بخواند و هنگامی که آن‌کس نبودن منبر را بهانه می‌کند، جوان بر زمین زانو می‌زند و از منبری می‌خواهد روی او بنشیند، آن روحانی می‌گوید: «من روضه می‌خواندم و او در زیر من می‌گریست و همان شب خواب دیدم که در قیامت او را منبر امام حسین <sup>a</sup> خطاب می‌کنند.»)

■ نام‌گذاری نوزادی که به طور خاص در این ایام متولد می‌شود؛ به نام‌هایی چون حسین و عباس و زینب و عبدالحسین و غلام‌عباس

■ شروع نکردن به کارهای مهم یا خرید و فروش ملک و خودرو یا اقدام به ازدواج نکردن یا ترک شغل و تجارت در این ایام به‌ویژه روز عاشورا با عقیده به اینکه چنین اموری در این روز بُمن و برکت ندارد.

■ ختم قرآن در ماه محرم و هدیهٔ ثواب آن به سیدالشهدا <sup>a</sup> یا اهل بیت و اصحاب آن حضرت

■ ذکر مصیبت امام حسین <sup>a</sup> در مجالس سوگواری درگذشتگان به نیت بهره‌بردن میت از ثواب گریه بر مصیبت کربلا

■ روضه‌خوانی بر سر جنازهٔ میت و هنگام غسل و

قبیل از دفن و هنگام دفن (وصیت دیگر مرحوم آیت‌الله نجفی مرعشی این بود که یک سر عمامه او را به تابوت و سر دیگر را به منبر عزاداری ببندند و روضه بخوانند.)

■ زیارت از راه دور معمولاً با زیارت عاشورا یا زیارت وارث (برای کسانی که شرایط زیارت حضوری کربلا را ندارند.) این عادت برای بعضی در همهٔ روزهای سال تکرار می‌شود و بعضی در ایام محرم و دههٔ اول بدان می‌پردازند و برخی در روز عاشورا زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام قرائت می‌کنند.

■ زیارت امامزاده‌ها و مزار اولیای خدا توسط کسانی که امکان حضور در کربلا در ایام محرم را ندارند. تحیت با اشاره به مصیبت سیدالشهدا <sup>a</sup> در سلام و علیک کردن با دیگران در این ایام / عباراتی مانند: سلام بر حسین، عزاداری‌هایتان قبول و... معمول تر است.

■ لعن و نفرین قاتلان سیدالشهدا <sup>a</sup> در برخورد و ملاقات با دیگران / عبارت بر یزید لعنت متعارف است.

■ سجده بر تربت امام حسین <sup>a</sup> و ذکر گفتن با تسمیح تربت (استفاده از تربت منحصر به نماز نیست، بسیاری مردم تربت را به تبرک همیشه با خود حمل می‌کنند، کام نوزاد را با آن می‌گشایند و بر زبان میت می‌گذارند.)

■ گوش دادن به سی دی‌ها و نوارهای صوتی عزاداری و سخنرانی و مداحی / مقتل امام حسین <sup>a</sup> در این ایام بیشتر رایج می‌شود و به جز استفاده از برنامه‌های رادیو و تلویزیون بسیاری مردم در ماشین خود یا محل کار یا منزل این نوارها را بیشتر استفاده می‌کنند.

■ مراقبت نسبت به گناه و رفتارهای ناشایست و ترک بسیاری محرمات به احترام عزّا امام <sup>a</sup> (نقل‌های مختلف از ترک مشروبات الکلی طی ۱۰ روز اول محرم و دور شدن از سقاخانه در زمان طهارت‌نداشتن تا امتناع یک روزنامهٔ ایرانیان مهاجر در کانادا از چاپ آگهی ثابت یک کاباره در روز عاشورا)

■ اعلام تعطیلی سینما و تئاترها در ایام عزاداری (به‌ویژه تاسوعا و عاشورا) با نصب پارچهٔ مشکی به جای تصاویر فیلم بر سردر سالن سینما یا تئاتر

■ مراقبت‌های اخلاقی عمومی و تلاش برای تغییر و تحسین رفتار شخصی به احترام فضای معنوی ایام عزاداری ■

وصیت دیگر مرحوم آیت‌الله نجفی مرعشی این بود که یک سر عمامه او را به تابوت و سر دیگر را به منبر عزاداری ببندند و روضه بخوانند.

# تایخ و اندیشه

◀ دیری است که در گوشه و کنار از انطباق و ارتباط قرآن با رفتار امامان<sup>ع</sup> در کنش‌های اجتماعی و فردی سخن می‌رود؛ اما کمتر این ارتباط واکاوی شده است. ما در این شماره تلاش کردیم، اندکی در این عرصه گام برداریم و ابتدا «حسین در قرآن» را بیابیم و سپس حضور «قرآن در کربلا» را جست‌وجو کنیم. پایان‌بخش مطالب این شماره در ادامه پرده‌های عاشورایی، «پرده سوم و چهارم: شقاق افکنی؟» تقدیم خوانندگان می‌شود. ■



بسیاری عاشورا پژوهان بر این باورند که زیبایی نمایش عاشورا در انطباق کامل این حرکت با قرآن است. به بیان واضح‌تر بارها گفته شده و می‌شود که علی<sup>ع</sup> قرآن مجسم است یا اگر می‌خواهید جامعه‌ای را ببیند که در آن قرآن به اجرا درآمده، می‌شود به دوران حکومت علی<sup>ع</sup> در تاریخ رجوع کرد. از طرفی اگر شیوه حکومتاری علی<sup>ع</sup> اجرای قرآن در دوران استقرار است، مبارزه حسین<sup>ع</sup> نیز به ظهور رسیدن قرآن در عصر و عرصه مبارزه است.

شیعیان همانند دیگر فرق و مذاهب همواره این ادعا را درباره امامان خویش طرح کرده و می‌کنند؛ اما شاید حتی اگر از بسیاری از ایشان بپرسید که نمود چنین ادعایی کجاست و به چه اعتباری این فرضیه طرح شده و با کدام دلیل به کرسی تحقیق و اثبات رسیده است، جز ادعایی کلی، مبهم، غامض و گاه پوک چیزی عاید نمی‌شود و از دل این همه ادعا پاسخ پنهان این پرسش مهم پیدا نمی‌گردد.

بهراستی پاسخ این پرسش را در کجا باید جست‌وجو کرد؟ آیا به راستی علی<sup>ع</sup> و حسین<sup>ع</sup> دیگر ائمه هدی قرآن ناطق یا تجسم قرآن‌اند؟ اگر چنین است حدیث مشهور ثقلین که قرآن را ثقل اکبر و امامان<sup>ع</sup> را ثقل اصغر می‌خواند، به چه

مفهوم است؟ آیا شیعیان با خود اندیشیده‌اند که اگر علی<sup>ع</sup> قرآن ناطق است، در دوران حضور وی جایگاه قرآن کجاست؟ آیا ما در ذهن خود برای قرآن شخصیتی مستقل از امامان<sup>ع</sup> قائلیم یا بر این باوریم که در دوران حضور امامان<sup>ع</sup> از مراجعه مستقیم به قرآن بی‌نیازیم؟ اگر شخصیت قرآن مستقل است، قرآن ناطق بودن علی<sup>ع</sup> به چه معنی است؟ و اگر چنین نیست و ما برای قرآن شخصیتی مستقل از امامان<sup>ع</sup> قائل نیستیم، ثقل اکبر بودن قرآن به چه مناسبت و به چه کار می‌آید؟

اینها فقط سؤالاتی است که مسئله را طرح می‌کند و اهمیت موضوع را بر ما آشکار می‌سازد و اگرچه ما در یافتن پاسخ این سؤالات خوانندگان خیمه را نیز به یاری می‌طلبیم، قرار نیست بحث را تا همین مختصر رها کنیم و ذهن خوانندگان را با این سؤالات تنها گذاریم. در کنار آن بسیار ادعا و فراوان مدعی، هستند کسانی که پاسخی خردپذیر برای چنین پرسش‌هایی دارند و در فرصت‌هایی آن را عرضه کرده و می‌کنند و ما در این بخش تلاش می‌کنیم تا به یاری چنین بزرگانی به سؤالات محوری این گروه سؤالات بپردازیم.

در ادامه این بخش ابتدا به حضور امام حسین<sup>ع</sup> در قرآن از زبان و بیان یکی از برجسته‌ترین قرآن‌پژوهان حال حاضر یعنی

استاد بهاء‌الدین خرمشاهی پرداخته که نیازی به معرفی ندارد و پس از آن نیز به حضور قرآن در زندگی امام حسین<sup>ع</sup> و به طور مشخص کربلا اشاره رفته است تا مشخص شود که ثقل اصغر مادامی ثقل است که نقشه راهش از ثقل اکبر استخراج شده باشد و «سپه‌روی شود هر که در او غش باشد» و دعوی تبعیت از قرآن داشته باشد و چون یزیدیان دشمنی قومی او را از اجرای عدالت درباره آنان بازداشته باشد.

این بخش از پرونده چکیده‌ای از گفتار استاد مهدی چهل‌تنی با عنوان «مصادیق آیات کریمه قرآن در صحنه کربلا» است. ایشان از معدود اسلام‌شناسان ایرانی است که به‌نیکی نقل و عقل را در هم می‌آمیزد و با اشرافی که بر آراء فلسفی فیلسوفان اسلامی و غربی از طرفی و آیات، روایت و نهج‌البلاغه از طرف دیگر دارد، همواره در عرصه پاسخ به شبهات مردافکن دین‌ستیزان جهانی و ایرانی گوی سبقت را از هم‌نسلان فعال در این عرصه روده است.

از جمله آثار اخیر ایشان در این عرصه مقاله «تقض بی‌طرفی در کتاب مکتب در فرآیند تکامل» است که در شماره ۱۳۲ کتاب ماه دین به چاپ رسید؛ همچنین کتاب «هزار ثقل دیگر از شجاع‌الدین شفا در «تولد دیگر»» که نقد و بررسی کتاب «تولد دیگر» است. ■



آیه تطهیر، یک آیه با دو مخاطب

# حسین<sup>a</sup> در قرآن

گزیده‌ای از مقاله «امام حسین در قرآن کریم»  
نگاشته بهاءالدین خرمشاهی

**گروه اندیشه:** استاد بهاءالدین خرمشاهی یکی از سرشناس‌ترین قرآن‌پژوهان و حافظ‌پژوهان ایران است. کسی که معتقد است درک بهتر قرآن باید از حافظ که حافظ قرآن است نیز کمک گرفت و قرآن‌پژوهی و حافظ‌پژوهی از این نظر با یکدیگر ربطی وثیق دارند. وی در مقاله مختصر و البته مفید «امام حسین در قرآن کریم» که یکبار دیگر در کتاب «عاشورا نامه» به همت مرکز مطالعات راهبردی خیمه منتشر شده است، از زاویه دید ویژه‌ای به بخشی از این سؤالات پاسخ می‌گوید.

این مقاله در هشت بند به همراه تکمله‌ای سه‌بندی منطبق با نامش به حضور امام حسین<sup>a</sup> در قرآن می‌پردازد. در هر بند آیه‌ای را نقل می‌کند و شأن نزول و روایاتی ذیل آیه بیان می‌شود که از ارتباط آن با امام حسین<sup>a</sup> پرده برمی‌دارد و البته ویژگی برگزیده چنین مطلبی در آن است که این روایات مورد اتفاق میان تشیع و اهل سنت است. آیاتی که در صورت معتبر بودن احادیث ذیل آن فقط اشاره به امام حسین<sup>a</sup> دارند و در حق ایشان نازل شده‌اند، بلکه عصمت ایشان را نیز به اثبات می‌رسانند.

## آیه‌الکرسی

در بند اول مقاله، سخن از آیه‌الکرسی است آیه‌ای که می‌فرماید: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»؛ «خداست که معبودی جز او نیست، زنده و برپادارنده است. نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند و به چیزی از علم او جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابد. کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آنها بر او دشوار نیست و اوست والای بزرگ.» (آیه ۲۵۶، بقره)

خرمشاهی می‌نویسد: «در ترجمه فارسی تفسیر طبری آمده است: «روزی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب به نزدیک پیغمبر آمد و پیغمبر صلوات الله

علیه او را گفت که یا علی من سید همه [عربم، و مکه سید همه شهرهاست و کوه سینا سید همه کوههاست و جبرئیل سید همه فرشتگان است و فرزندان تو، حسن و حسین سید همه جوانان بهشت‌اند و قرآن سید همه کتاب‌هاست و سوره بقره سید قرآن است و اندر سوره بقره یک آیت هست و آن آیت ۵۰ کلمه است و زیر هر حکمتی ۵۰ برکت است و آن را آیت‌الکرسی خوانند.»

## مباهله

ایشان در بند دوم به آیه مباهله اشاره می‌کند. خداوند در آیه مباهله می‌فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَدَدٍ مَّا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ «پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند، بگو بیایید پسرانمان و پسران‌تان و زنانمان و زنان‌تان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (آیه ۶۱، آل عمران)

وی معتقد است که مفسران اهل سنت چون میبیدی، زمخشری، نیشابوری، فخر رازی، قرطبی، بیضاوی و دیگران تصریح دارند که مراد حضرت رسول<sup>s</sup> از «ابناءنا» (پسران ما) حسن<sup>a</sup> و حسین<sup>a</sup> و مراد از «نساءنا» (زنان ما)، فاطمه<sup>h</sup> زهرا<sup>h</sup> و مراد از «انفسنا» (خویشان نزدیک خود) حضرت علی<sup>a</sup> بوده است.

## تطهیر

خرمشاهی در بند سوم به آیه تطهیر می‌رسد که می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» (آیه ۳۳، احزاب)

وی بیان می‌کند که مفسران شیعه همگی یک‌صدا بر این باورند که این آیه در حق پنج تن است؛ ولی مفسران اهل سنت نظریات متفاوتی در این زمینه دارند

و بهاءالدین خرمشاهی به ذکر نظریات آنان می‌پردازد. به نقل از نویسنده، طبری معتقد است که مراد خداوند از خاندان پیامبر<sup>s</sup> در این آیه، طبق حدیثی از ایشان، پنج تن آل عباست؛ اما زمخشری آیه را درباره زنان پیامبر<sup>s</sup> می‌داند و فخر رازی می‌نویسد: «مراد از [عنکم] این است که زنان و مردان اهل بیت او را در بر می‌گیرد و اقوال درباره اهل بیت مختلف است و درست‌تر این است که گفته شود، درباره اولاد ازواج اوست و حسن و حسین و علی هم از آنان هستند.»

قرطبی نیز معتقد است که اهل علم درباره اهل بیت<sup>a</sup> در این آیه اختلاف نظر دارند. عطا و عکرمة و ابن عباس اهل بیت<sup>a</sup> را فقط ازواج رسول<sup>s</sup> می‌دانند که هیچ مردی میان آنان نیست و گروهی چون کلیبی گفته‌اند، آنان علی<sup>a</sup>، فاطمه<sup>h</sup> حسن<sup>a</sup> و حسین<sup>a</sup> هستند. قرطبی در ادامه سخنان خود در دفاع از نظر کلیبی با توجه به احادیثی از پیامبر<sup>s</sup> به ضمیر «کم» در «عنکم» و «یطهرکم» اشاره می‌کند که باید مخاطب چنین آیه‌ای یا مردان باشند یا جمعیتی اعم از مردان و زنان؛ مگر آنکه این ضمیر به لفظ اهل بازگردد که چندان محتمل نیست و این ضمیر از آن نظر است که در میان مخاطبان این آیه پیامبر<sup>s</sup>، علی<sup>a</sup>، حسن<sup>a</sup> و حسین<sup>a</sup> نیز قرار دارند.

وی همچنین به حدیثی به نقل از ام سلمه از پیامبر<sup>s</sup> اشاره می‌کند که ایشان این آیه را در حق پنج تن<sup>a</sup> می‌داند و زمانی که ام سلمه از رسول<sup>s</sup> سؤال می‌کند که وی نیز در میان آنان است یا نه، پیامبر<sup>s</sup> پاسخ می‌دهد که شما هم جای خود را دارید و جای شما نیز خوب است. قرطبی در پایان می‌گوید که این حدیث را ترمذی و دیگران نقل کرده‌اند و حدیث غریبی است.

## آیه ۴۶ سوره زمر

خرمشاهی در بند چهارم به آیه ۴۶ سوره زمر اشاره می‌کند که می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِيمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَخَكَّمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ»؛ «بگو بار الهای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین [ای] دانای نهان و آشکار تو خود در میان بندگانت بر سر آنچه اختلاف می‌کردند، داوری می‌کنی.» (آیه ۴۶، زمر)

وی درباره این آیه به داستانی در تفسیر ابوالفتوح رازی صاحب کهن‌ترین تفسیر فارسی اشاره می‌کند

مفسران اهل سنت چون میبیدی، زمخشری، نیشابوری، فخر رازی، قرطبی، بیضاوی و دیگران تصریح دارند که مراد حضرت رسول<sup>s</sup> از «ابناءنا» (پسران ما) حسن<sup>a</sup> و حسین<sup>a</sup> و مراد از «نساءنا» (زنان ما)، فاطمه<sup>h</sup> زهرا<sup>h</sup> و مراد از «انفسنا» (خویشان نزدیک خود) حضرت علی<sup>a</sup> بوده است.





وفا می کردند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می ترسیدند. و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند. ما برای خشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.»

نویسنده مقاله معتقد است که به تصریح مفسران شیعه و اهل سنت این آیه در حق علی <sup>a</sup>، فاطمه <sup>h</sup>، حسن <sup>a</sup>، حسین <sup>a</sup> و فضه خادمه آنان نازل شد. از جمله مفسران شیعه، قمی، طوسی، طبرسی و ابوالفتوح است و مفسران اهل سنت نیز چون میدی، زمخشری و فخر رازی به آن اشاره کرده اند. داستان از این قرار بود که وقتی امام حسن <sup>a</sup> و امام حسین <sup>a</sup> بیمار شدند، پیامبر <sup>S</sup> به علی <sup>a</sup> پیشنهاد کرد تا سه روز برای بهبود فرزندانش روزه بگیرد. پس از شفا یافتن حسین <sup>a</sup>، علی <sup>a</sup>، فاطمه <sup>h</sup> و فرزندانشان سه روز روزه گرفتند و هر سه روز یکبار مسکین، روز دوم یتیم و روز سوم اسیری به در منزل آنان آمد و از آنان غذا طلب کرد و ایشان هر سه روز افطار خود را به ایشان دادند. وقتی ماجرا به گوش پیامبر <sup>S</sup> رسید، این آیات در حق آنان نازل شد.

### مهلت به کافران فقط برای افزایش گناه آنان

خرمشاهی در تكملة بحث ابتدا به آیه ای اشاره می کند که حضرت زینب <sup>h</sup>، هنگام رسیدن کاروان اسرا به نزد یزید قرائت کرد و آن این بود: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلُ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُلْمِئُ لَهُمْ لِيُذَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»؛ «و البته نباید کسانی که کافر شده اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می دهیم برای آنان نیکوست. ما فقط به ایشان مهلت می دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آن گناه] عذابسی خفت آور خواهند داشت.» (آیه ۱۷۸، آل عمران)

وی همچنین آیه «... وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»؛ «و کسانی که ستم کرده اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشته برخوردار خواهند گشت.» (آیه ۲۲۷، شعرا) را در حق دشمنان و ظلمه و قتله حضرت می داند و آن را آیه ای معرفی می کند که خطبا و شیفتگان امام حسین <sup>a</sup> در مناظر و مجالس در حق دشمنان می خوانند.

ایشان همچنین به دو بیتی از حافظ اشاره می کند که برخی خطبا آن را درباره امام حسین <sup>a</sup> دانسته اند و به روضه معروف هستند. دو بیتی که می گوید: رندان تشنه لب را آبی نمی دهد کس گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت در زلف چون کمندش ای دل مبیح کانجا سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت این ابیات قرآن نیست؛ اما وی معتقد است که این اشعار از حافظی است که حافظ قرآن است و وقتی سخن از امام حسین <sup>a</sup> در قرآن به میان می آید، می توان از این ابیات نیز استفاده کرد. ■

علامه مجلسی در بحارالانوار طبق حدیثی که در عیون اخبارالرضا از امام رضا <sup>a</sup> روایت شده، نقل کرده اند که در اینجا مراد از ذبح عظیم، حضرت امام حسین <sup>a</sup> است که از ذریه ابراهیم <sup>a</sup> و اسماعیل <sup>a</sup> است و او قربانی عظیمی بود که جانشین و فدیة پذیر ذبح اسماعیل <sup>a</sup> قرار گرفت.

### لؤلؤ و مرجان

بند هفتم، اشاره به تأویل و تفسیر لؤلؤ و مرجان در آیه ۲۲ سوره الرحمن است. در این سوره خداوند به ذکر نعمت های بهشتی می پردازد و می فرماید: «مَرَجَ الْخُرْشِنَ يُلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَيَأْتِي آلَاءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ»؛ «میان آن دو حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی کنند. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را منکرید. از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید.»

خرمشاهی توضیح می دهد که مفسران از دو دریا معانی مادی و معنوی فراوانی بیان کرده اند؛ اما طبرسی در مجمع البیان و میدی و شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرهایشان مراد از بحرین را علی <sup>a</sup> و فاطمه <sup>h</sup> و مراد از لؤلؤ و مرجان را حسن <sup>a</sup> و حسین <sup>a</sup> می دانند.

### اطعام مسکین، یتیم و اسیر

خداوند در سوره انسان (دهر) در آیه ۵ تا ۹ می فرماید: «إِنَّ الْأَكْبَرَّ يُشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» «يُؤْفَقُونَ بِالذَّرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ یتِيمًا وَ أَسِيرًا» «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا»؛ «به یقین برابر و نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و [به دلخواه خویش] جاریش می کنند [همان بندگانی که] به نذر خود

که راوی می گوید که پیامبر <sup>S</sup> هرگاه با حسین <sup>a</sup> روبه رو می شد، ایشان را در کنار خود می نشاند و بوسه بر دهانش می زد و این آیه را تلاوت می کرد.

### مودت

در بند پنجم سخن از آیه مودت است. خداوند در این آیه می فرماید: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَشْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»؛ «این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [بدان] مژده داده است. بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم؛ مگر دوستی درباره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعا خدا آمرزنده و قدرشناس است.» (آیه ۲۳، شوری)

مطابق با نوشته بهاءالدین خرمشاهی بیشتر مفسران اهل سنت مراد از «قربی» را دست کم در این آیه، اقارب رسول <sup>S</sup> یعنی اهل بیت <sup>a</sup> می دانند. وی از این میان به زمخشری اشاره می کند که نوشته است، وقتی این آیه نازل شد، از پیامبر <sup>S</sup> سؤال می شود که قربت تو کیان اند و آن حضرت پاسخ می دهد: «علی، فاطمه و پسران آنها.»

### ذبح عظیم

در بند ششم سخن از تأویل آیه ۱۰۷، سوره صافات است. در این آیه آمده است: «وَقَدْ يَنَآهُ يَذِّحُ عَظِيمٍ»؛ «و او را در ازای قربانی بزرگی باز رها کردیم.» بهاءالدین خرمشاهی توضیح می دهد که بسیاری مفسران فریقین ذبح عظیم را قوج یا چیزی نظیر آن می دانند؛ اما برخی مفسران شیعه چون ملا محسن فیض کاشانی در تفسیر صافی، سید هاشم بحرانی در تفسیر برهان، حویزی در نورالثقلین و

نیاید کسانی که کافر شده اند، تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می دهیم، برای آنان نیکوست. ما فقط به ایشان مهلت می دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آن گناه] عذابسی خفت آور خواهند داشت.

مهاجر حقیقی کسی است که از خانه معصیت بیرون بیاید

# قرآن در کربلا

گفتاری از مهدی چهل‌تنی، اولین رئیس انجمن حکمت و فلسفه پس از انقلاب



**گروه اندیشه:** استاد مهدی چهل‌تنی در گفتاری به حضور قرآن در لحظه لحظه صحنه‌های کربلا اشاره می‌کند. وی در ابتدای بحث بر زبان مکالمه تأکید دارد. معتقد است که زبان امام حسین <sup>ع</sup> در شب و روز عاشورا حتی با زبان حضرتش در عرفه متفاوت است. از طرفی زبان یاران امام <sup>ع</sup> نیز در آن روز و ساعت متفاوت بود. این نوع گفت‌وگو به مکالمات عاشق و معشوق می‌ماند. آنجا که در آیه ۵۴ سوره مائده بر «یحبههم و یحبون» تأکید دارد.

در حقیقت اگر به سخنان امام <sup>ع</sup> و یاران ایشان در روز عاشورا توجه شود، دریافت می‌گردد که آنان جمعی عاشق در انتظار معشوق‌اند؛ نه مردمانی که با ترس و لرز انتظار مرگ را می‌کشند.

## شدت دوست‌داشتن

آیه ۱۶۵ سوره بقره نیز آنجا که از شدت محبت نسبت به خداوند می‌گوید، بر همین مفهوم تأکید دارد؛ به بیان دیگر شدت علاقه و حب نسبت به پروردگار برای کسانی است که ایمان دارند و این محبت شدید را می‌توان در کربلا به وضوح دید.

استاد چهل‌تنی معتقد است که امام حسین <sup>ع</sup> اگرچه در جنگاوری و شجاعت سرآمد است، هیچگاه مردم را به گناه دعوت نمی‌کند؛ به همین دلیل با نام جنگاوری، مبارز نمی‌طلبد و از آنان کشتن خود و یارانش را که سرآمد گناهان است، نمی‌خواهد.

## عدالت‌ورزی حتی در دشمنی

ایشان بهترین و دقیق‌ترین مصداق آیه هشت سوره مائده را داستانی می‌داند که در کربلا رخ داده است. آنجا که علی ابن طعان ماری می‌گوید: «من در لشکر بودم. فضا در نظرم از شدت تشنگی غبارآلود می‌نمود. هم خود تشنه بودم و هم اسبم. رسیدم و دیدم که امام حسین <sup>ع</sup> تشنه است، به من اشاره کرد که از آن مشک‌ها آب بخور. آن قدر از تشنگی شتاب‌زده و حریص بودم که آب به زمین می‌ریخت. حضرت به من کلمه‌ای گفت که در حجاز معمول بوده است. نفهمیدم چه می‌گوید. بلند شد، آمد و مشک را به دست گرفت و سر مشک را در دهان من گذاشت و مرا سیراب کرد.»

این رفتار امام <sup>ع</sup> با کسی است که از دشمنان ایشان است و آمده تا رگ حیات حسین بن علی <sup>ع</sup> را قطع کند. به راستی برای آیه‌ای که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَدْلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد بر خیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.» (آیه ۸، مائده) تحقیق زیباتر از این وجود دارد؟ چه بسیار دشمنی‌ها و دشمنانی که اقوام مختلف مؤمنان را از جاده عدالت خارج ساخته است. در طول تاریخ کجا را سراغ داریم که چنین توصیه‌ای وجود داشته باشد و از آن مهم‌تر در کجا چنین حکمی به اجرا درآمده است؟

این سؤالی است که استاد چهل‌تنی نیز آن را طرح می‌کند و در برابر آن فقط پاسخ، رفتار علی <sup>ع</sup> است. آنجا که در جنگ صفین آب را روی لشکر معاویه باز کرد؛ آبی که تا چند ساعت قبل از آن در اختیار معاویه بود و آن را به روی یاران علی <sup>ع</sup> بسته بود و خود می‌فرماید که کسی که با بدی پیروز شود، شکست خورده است.

## وعدۀ آتش در اطاعت از امام باطل

ایشان معتقد است که دشمنان امام حسین <sup>ع</sup> نیز به قبح رفتار خود و تصمیمی که برای شهادت ایشان داشتند، واقف بودند؛ اما هریک در توجیه عمل خود می‌گفت که ما از امامان اطاعت کردیم و امید نجات داریم. وی در ادامه می‌گوید که مجادله‌ای بین نصیر بن مالک و ابوالشعسا در گرفت که «برای چه به اینجا آمده‌ای؟ می‌خواهی کشته پسر پیغمبر خدا را برای زن و فرزندت هدیه ببری؟» گفت: «من اطاعت امامم را کردم.» پاسخ داد: «مگر در قرآن نخواندی که فرمود: «وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ»؛ «و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می‌خوانند، گردانیدیم و روز رستاخیز یاری

نخواهند شد.» (آیه ۴۱، قصص)

نویسنده در ادامه می‌گوید که مصداق طرف دیگر آن نیز در قرآن است. آنجا که می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يُهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»؛ «و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.» (آیه ۲۴، سجده)

ایشان معتقد است که امام <sup>ع</sup> فراوان در کربلا خود را معرفی می‌کرد و با دشمنان اتمام حجت می‌نمود؛ چراکه طبق این آیه قرآن که فرمود: «... لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَتِهِ وَيَخْيَىٰ مَنْ خَيَّ عَن بَيْنَتِهِ...»؛ «تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که [باید] زنده شود، با دلیلی واضح زنده بماند...» (آیه ۴۲، انفال) هر که هلاک‌شدنی است، باید دلیلش را بداند و هلاک شود.

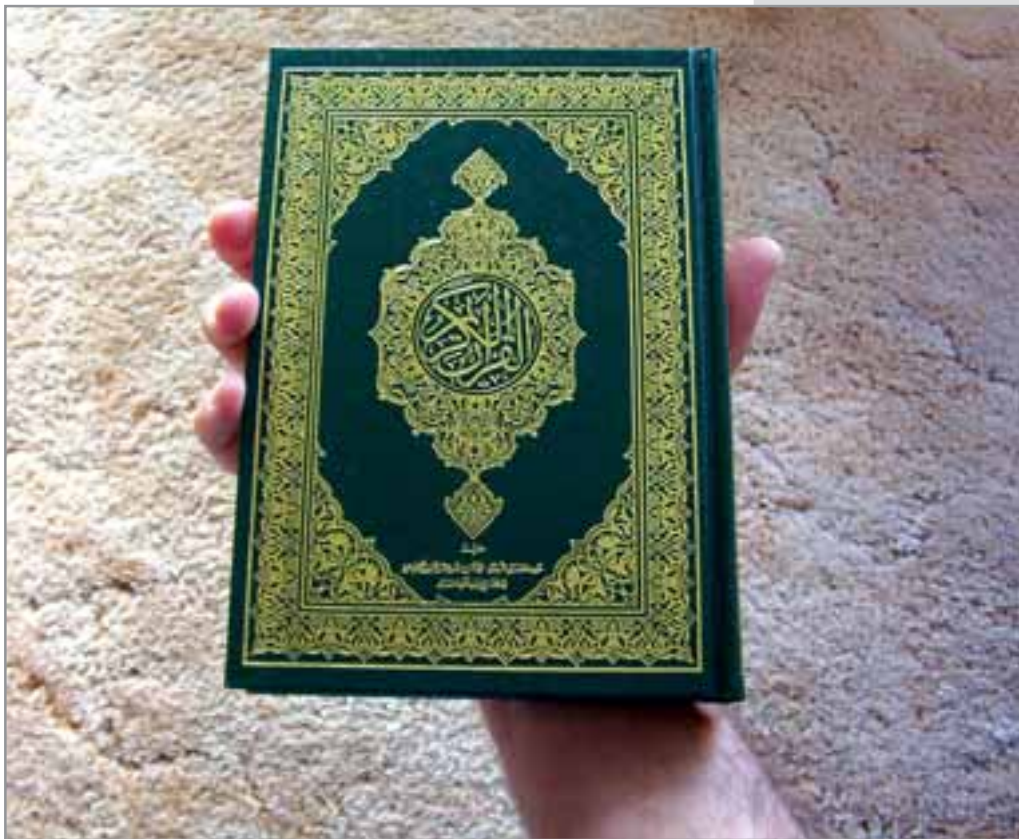
## هجرت از باطل

این پژوهشگر دینی در ادامه سخنانش به داستان حر می‌رسد که با یکی از یارانش سرگرم مکالمه است. بعدها آن یار نقل می‌کند و می‌گوید: «من در کنارش ایستاده بودم. هنوز جنگ آغاز نشده بود. دیدم دست و پایش می‌لرزد. گفتم: «فلانی اگر کسی از من می‌پرسید شجاع‌ترین کس در کوفه کیست، من نام تو را می‌بردم. از چه می‌ترسی؟» گفت: «من خود را بین بهشت و دوزخ مخیر می‌بینم.» گفت و پا به شکم اسب زد و رفت.» آیا برای این آیه که می‌فرماید: «... وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْنَتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ «... و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش در رسد، پاداش او قطعا بر خداست و خدا آمرزنده مهربان است.» (آیه ۱۰۰، نساء) مصداق بهتری سراغ دارید؟ اگر متوجه باشید که طبق روایات، مهاجر حقیقی کسی است که از خانه معصیت بیرون بیاید و به سوی خدا حرکت کند؟

وی یکی از بهترین مصداق آیه «الَّذِينَ يَخْلَعُونَ ثِيَابًا مِمَّا بَيْنَهُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ غَيْرُ الْمَشْرُوعِ»؛ «آن کسانی که لباسی از آنچه در میان خود دارند می‌پوشند و بر آن‌ها چیزی از آنچه مشروع است نیست» (آیه ۳۱، بقره) را نیز اشاره می‌کند.

وقتی که هم خود تشنه بودم و هم اسبم، امام حسین <sup>ع</sup> به من اشاره کرد که از آن مشک‌ها آب بخور. امام بلند شد و مشک را به دست گرفت و سر مشک را در دهان من گذاشت و مرا سیراب کرد. این رفتار امام با کسی است که از دشمنان امام است و آمده است تا رگ حیات حسین بن علی <sup>ع</sup> را قطع کند.





کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارانند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند. آنان اند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگاران‌اند.» (آیه ۱۷۷، بقره)

### لقمه حرام از بیت المال

استاد مهدی چهل تنی توضیح می‌دهد که وقتی حضرت، مردم را آرام کرد و برای سخنرانی ایستاد و شروع به صحبت کرد، کمی که گذشت، گفتند: «ما نمی‌فهمیم شما چه می‌گویید.» فرمود: «بدانید که شکم‌های شما از مال حرام انباشته شده است.» و این سخن آنان مصداق آن آیه است که فرمود: «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِحُجَّتٍ لَّهُمْ كَبِيرٌ مِّثْقًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُّكْتَبِرٍ جَبَّارٍ»؛ «کسانی که درباره آیات خدا بدون حجتی که برای آنان آمده باشد، مجادله می‌کنند [این ستیزه] در نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده‌اند [مایه] عداوت بزرگی است. این گونه خدا بر دل هر متکبر و زورگویی مهر می‌نهد.» (آیه ۳۵، غافر) طبع یعنی مهر کردن و خدا این گونه قلب هر متکبر جبار را مهر می‌کند. اینان همان کسانی هستند که چه آنان را اندرز دهی و چه ندهی، ایمان نمی‌آورند که مصداق آیه ۶ سوره بقره است.

### دو چشم و زبان و دو لب برای انتخاب

قرآن در آیاتی می‌فرماید: «الَّذِينَ نَجَعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ وَعَدْبَنَةً الْتَجِدِينَ»؛ «ما دو چشم و زبان و دو لب برای شما قرار دادیم و شما را هدایت کردیم تا سر دو راهی.» (آیات ۸ و ۹ و ۱۰، بلد) و آنجا دیگر خودتان انتخاب می‌کنید. در کربلا فراوان از این دو راهی‌ها یافت می‌شود؛ هم برای یاران امام <sup>ع</sup> و هم برای دشمنان ایشان. همیشه نمی‌شود جوری رفتار کرد که نه سیخ بسوزد و نه کباب؛ هم این طرف راضی باشند و هم آن طرف. خدا نمی‌گذارد و نمی‌شود. زمانی فرامی‌رسد که باید امتحان پس بدهیم. به راستی «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْعُوكَ أَنْ يُؤْمِنُوا آمَنًا وَهُمْ لَا يَفْتَنُونَ»؛ «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟» (آیه ۲، عنکبوت)

در صحنه عاشورا از همه تماشایی‌تر کار عمر سعد است. او، هم می‌خواهد حکومت ری را داشته باشد و هم می‌خواهد به این ننگ آلوده نشود که پسر پیامبر خدا را بکشد. اصلاً دلش نمی‌خواهد این کار را بکند؛ اما به جایی می‌رسد که می‌گوید: «شاهد باشید که من اولین کسی هستم که تیر انداختم.» کارش به جایی می‌رسد که وقتی همه کشته می‌شوند و بر زمین می‌افتند، دستور می‌دهد که اسب‌ها بر این جنازه‌ها بتازند.

خداوند امتحان می‌کند تا: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ...»؛ «خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید واگذارد تا آنکه پلید را از پاک جدا کند...» (آیه ۱۷۹، آل عمران)

للكفر يؤمّد أقرب منهم للإيمان يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم والله أعلم بما يكتمون»؛ «همچنین کسانی را که دو روی نمودند [نیز] معلوم بدارد و به ایشان گفته شد، بیایید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید. گفتند، اگر جنگیدن می‌دانستیم، مسلماً از شما پیروی می‌کردیم. آن روز آنان به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان به زبان خویش چیزی می‌گفتند که در دل‌هایشان نبود و خدا به آنچه می‌نهفتند، داناتر است.» (آیه ۱۶۷، آل عمران)

### نیکی اقرار به زبان نیست

ایشان همان مردمی هستند که می‌گویند، ایمان آوردیم؛ ولی مؤمن نیستند. همان گونه که خداوند فرمود: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ»؛ «و برخی مردم می‌گویند، ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم؛ ولی گروندگان [راستین] نیستند.» (آیه ۸، بقره) چراکه نمی‌توانند در برابر امر خدا حتی از حکومت ری دست کشند. ایمان فقط اقرار به زبان نیست، بلکه نیکی آن است که خداوند فرمود: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ النَّاسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»؛ «نیکی کاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست‌داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد

خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و خداست که خود توبه‌پذیر مهربان است.» (آیه ۱۰۴، توبه) را در کربلا حر می‌داند.

ایشان در ادامه برجسته کردن آیات قرآن در جای‌جای کربلا به داستان کسی می‌رسد که به او خبر دادند، پسر تو در جنگ آذربایجان اسیر شده است. این خبر مصادف با یکی از روزهای قبل از واقعه کربلا بود. وقتی حضرت فهمید، جبه گرانهایی را با پول بیه او داد و گفت: «اینها را بردار و فرزندت را از اسارت درآور.» اما پاسخ آن صحابی شنیدنی است. آن صحابی گفت: «درندگان مرا بخورند، اگر از شما جدا شوم.»

پاسخی که انسان را به یاد آیه «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرْتَضُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»؛ «بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گردآورده‌اید و تجارتی که از کسادهش بیمناکید و سرراهایی را که خوش می‌دارید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند.» (آیه ۱۱۰، نساء) می‌اندازد که مصداق اتم و اگملش در کربلا و در چنین صحنه‌هایی است.

### خدا تزویریان را می‌شناسد

این نکته بسیار جالب است که دشمنان امام <sup>ع</sup> نیز نماز می‌خوانند و یکدیگر را به بهشت بشارت می‌دهند؛ در حالی که مصداق بارز آن آیه‌اند که فرمود: «وَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا فَاتْلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ

وقتی مجادله‌ای بین نصیر بن مالک و ابوالشعشا در گرفت که «برای چه به اینجا آمده‌ای؟ می‌خواهی کشته پسر پیغمبر خدا را برای زن و فرزندت هدیه ببری؟» گفت: «من اطاعت امام را کردم.»

## شیب کم جاده جهنم

ایشان در ادامه سخنان خود می‌گویند که یکی از نویسندگان غربی تعبیری دارد که جالب است. می‌گوید، جاده جهنم ابتدا شیب کمی دارد تا انسان زیاد نگران نشود؛ چراکه شیب تند انسان از خواب بیدار می‌کند. هر جا در طول مسیر عمر سعد، بین خدا و دنیا اختلاف افتاد، او بدون معطلی دنیا را انتخاب کرد. حالا به معنای سَنَسْتَدْرِجُهُمْ در این آیه دقت کنید که فرمود: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ»؛ «کسانی که آیات و نشانه‌های ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی‌دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد.» (آیه ۱۸۲، اعراف)

عرصه کربلا یکی از این عرصه‌های امتحان الهی است که مدام در حال تکرار است. لطف خدا این است که سؤال‌های امتحانی را به ما گفته است. حضرت آیه امتحان الهی را بارها یادآوری می‌کند؛ چراکه خداوند نیز فرمود که حتماً شما را آزمایش می‌کنیم. به: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ نَبْشُرِ الصَّابِرِينَ»؛ «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را.» (آیه ۱۶۵، انعام)

## قساوت قلب

ایشان معتقد است، یکی از چیزهایی است که اصلاً در حساب و کتاب ما نیست، این است که معلوم نیست ما با دلمان چه کار می‌کنیم. قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِن مِّنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَشْقَىٰ فَیَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (آیه ۷۴، بقره) یعنی دل‌هایی که مثل سنگ سخت‌اند، بلکه سخت‌تر از سنگ‌اند. سنگ‌ها گاهی از ترس خدا شکافته می‌شوند. این دل‌ها نم‌آبی بیرون نمی‌دهند و یک صدای آشنا در این هستی نمی‌شنوند.

استاد چهل تنی در ادامه به داستانی اشاره می‌کند، از این قرار که عبدالله بن عمیر کلبی یک مسیحی بوده که به دست امام حسین ع مسلمان شده است. او از یاران امام ع در عاشورا است که می‌جنگد و شهید می‌شود. وقتی روی خاک می‌افتد، همسرش بالای جنازه شهر می‌آید. به او می‌گوید: «نمی‌گذارم بروی؛ مگر اینکه به من قول بدهی که بدون من به بهشت نروی.» این زن نمی‌داند که امیرالمؤمنین ع فرمود: «اینجا سواری می‌آیند قبل از اینکه عرق اسب‌های آنها خشک شود، وارد بهشت می‌شوند.» نمی‌داند اگر این ضمانت را می‌دهد، باید همراه شوهرش کشته شود. داشت عزاداری می‌کرد و برای همسرش نوحه می‌خواند، در این حال یکی از آنها با عمود آهنی این زن را کشت. این زن لوازم این دعا را که مرا هم باید با خود به بهشت ببری، نمی‌دانست. ببینید در کدام جنگ اتفاق افتاده که زنی را در چنین حالی بکشند. اگرچه برخی از باقیمانده احزاب که فرقه وهاب‌ها هستند دارند چنین کارهایی می‌کنند. این معنی قساوت بدتر از سنگ است.

ایشان معتقد است که امام حسین ع با نماز ظهر عاشورا به ما می‌گوید:

خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد/ به آب دیده و خون جگر طهارت کرد

## خداوند در هر سو

«... فَأَيُّنَّمَا تَوَلَّوْا فَنَمَّ وَجْهَ اللَّهِ...»؛ «... پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست...» (آیه ۱۱۵، بقره) امام حسین ع این را در روز عاشورا ثابت می‌کند. خدا را در همه جا حاضر می‌بیند. خدایی که همه چیز را می‌بیند. «... اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ «... هر چه می‌خواهید بکنید که او به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.» (آیه ۴۰، فصلت) یا در جای دیگری می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ»؛ «مگر ندانسته‌ای که خدا می‌بیند؟» (آیه ۱۴، علق)

وقتی که تیر به گودی گلوی آن طفل رسید، حضرت فرمود، آیا این مصداق روشنی از این آیه نیست که فرمود: «وَأَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»؛ «آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟» (آیه ۵۳، فصلت) صدق در عمل قبل از صدق در توحید محال است. امام حسین ع قبل از هر چیز در ایمانش به توحید صادق بود و این ایمان او را به صدق در عمل می‌رساند. راه‌های پر چاه و چاله بر او هموار بود و تحمل مصایب بر او آسان؛ چراکه خداوند را حاضر و ناظر می‌دید و هم او برای او کفایت می‌کرد. ■

## فلاتخرج علی امامک \* شفاق افکنی؟

پرده‌های عاشورایی از حرکت امام ع  
پرده سوم و چهارم

### سیدغلامرضا هزاوه‌ای

پیش از این در «تمام ناتمام حج» آمد که حسین ع روز سه‌شنبه برابر با روز ترویه (هشتم ذی‌الحجه) مکه را به قصد کوفه ترک گفت. هنگامه خروج بسیار کسان نزد وی آمدند و هریک به طریقی به دنبال منصرف ساختن وی بودند. عمرو بن عبدالرحمن مخزومی، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن جعفر از جمله کسانی بودند که هریک به دلیلی با خروج امام ع از مکه و رفتن ایشان به کوفه مخالف بودند. انگیزه همه آنان نیز خیرخواهی برای امام ع نبود؛ اگرچه انسان‌های خیرخواهی هم در میان ایشان بود که آنها نیز بر وظایف امامت واقف نبودند و به همین دلیل بر خروج امام ع ایراد وارد می‌ساختند. هریک از آنان اوضاع را به گونه‌ای تحلیل می‌کردند و روی نکته‌ای انگشت تأکید می‌نهادند. عمرو بن عبدالرحمن می‌گوید: «گفتم: «شنیده‌ام می‌خواهی سوی عراق روانه شوی. از این سفر بر تو بیمناکم که سوی شهری می‌روی که عاملان دارد و امیران که بیت‌المال‌ها را به کف دارند. مردم نیز بندگان این درهم و دینارند و بیم دارم کسانی که وعده باری به تو داده‌اند و کسانی که تو را از مخالفت بیشتر دوست دارند، با تو بجنگند.» [جریر طبری، ۱۳۸۵، ص ۲۹۶۳ و ۲۹۶۴]

### زر

همان گونه که ملاحظه می‌شود، عمرو بن عبدالرحمن بیش از همه بر عامل اقتصادی تأکید دارد. وی به خوبی تشخیص می‌دهد که استبدادبان، زمانی که حاکم جامعه اسلامی می‌شوند و بیت‌المال مسلمانان را در اختیار می‌گیرند، آن (بیت المال) را بیش از همه به نفع خود و اهداف شخصی و به‌ویژه برای سرکوب مخالفان به کار می‌برند. از این طریق مردمی را تطیع می‌کنند و عده‌ای را با سلاح همراه می‌سازند و به خیال خویش به صلاح و اصلاح می‌آورند. در این فضا است که حتی عده‌ای که جبهه حق را به‌خوبی می‌شناسند و باطل را از نزدیک لمس کرده‌اند، دعوت درهم را لیبیک می‌گویند و با دینار تجدید میثاق می‌کنند.

عمرو بن عبدالرحمن که امام ع و مورخان بر نیت خیرش از این نصیحت و گفت‌وگو تشکیکی وارد نکرده‌اند، به نقش عامل زر از عوامل سه‌گانه زر و زور و تزویر در مبارزه با جبهه حق باب سخن می‌گشاید.

عبدالله بن عمر نیز با اشاره به فریب مردم برای پول و بیت‌المالی که اکنون در اختیار امویان است، از امام ع می‌خواهد که با مردم همراه شود و همان گونه که معاویه را تحمل کرده، یزید را نیز تحمل کند! پاسخ امام ع به وی بسیار تند است. امام ع می‌فرماید: «اف لهذا الکلام ابدأ ما دامت السموات و الارض»؛ «اف بر این کلام، مادامی که آسمان و زمین برقرار است.» به‌راستی علت این پاسخ کوبنده چیست؟ چه تفاوتی میان معاویه و یزید است که همان حسین ع، ۱۰ سال معاویه را تحمل می‌کند؛ اما لحظه‌ای درنگ در برابر یزید را نمی‌هدد؟ این پرسشی است که پاسخ به آن به شرط توفیق به‌زودی در پرونده‌ای مستقل تقدیم خوانندگان خیمه خواهد شد.

### زور

یزید از ابن عباس به عنوان بزرگ بنی‌هاشم می‌خواهد تا حسین ع را منصرف سازد. او اگرچه در پاسخ به یزید وی را نصیحت می‌کند و خروج امام ع از مدینه را بر عهده او می‌داند، به امام ع نیز می‌گوید: «به من بگو آیا سوی قومی می‌روی که حاکمشان را کشته‌اند و ولایتشان را به تصرف آورده‌اند





سعد بن زراره انصاری امام حسین را امر به طاعت و لزوم جماعت کرد و هشدار داد که به قتلگاه خود می‌رود. [همان، ص ۴۷۵] همچنین ابوسعید خدری هم به امام حسین <sup>a</sup> گفت: «اتق الله فی نفسک و الزم بیتک، فلا تخرج علی امامک.» [همان، ص ۴۷۵]

### تفرقه افکنی

پس از آنکه والی مکه نتوانست با نامه‌نگاری امام <sup>a</sup> را از رفتن به کوفه باز دارد، وارد عمل شد. گروهی را فرستاد تا سد راه ایشان شوند. «عقبه بن سمرعان گوید: وقتی حسین از مکه در آمد، فرستادگان امر بن سعید بن عاص به سالاری یحیی بن سعید راه او را گرفتند و گفتند: «بازگرد. کجا می‌روی؟» گوید، امام حسین <sup>a</sup> مقاومت کرد و روان شد و دو گروه به دفع همدیگر پرداختند. تازیانه‌ها به کار افتاد. حسین و یاران وی به سختی مقاومت کردند. پس از آن حسین به راه خویش رفت که بر او بانگ زدند: «ای حسین! مگر از خدا نمی‌ترسی؟ از جماعت برون می‌شوی و میان این امت تفرقه می‌آوری.» حسین گفتار خدا عز و جل را خواند که «لی عملی و لکم عملکم انتم بریئون مما عمل و انا بری مما تعملون» یعنی «عمل من خاص من است و عمل شما خاص شماست و شما از عملی که من می‌کنم، بیزارید و من نیز از اعمالی که شما می‌کنید، بیزارم.» [جریر طبری، ۱۳۸۵، ۲۹۶۸]

### با وجود اتهام دستگیر کن

ولیان اموی و ائمه جماعات از طریق خطبه‌ها و سخنرانی‌ها، به‌ویژه در خطبه‌های نماز جمعه در سراسر حکومت اسلامی به شکل یکسان و هماهنگی، یزید و امویان را تظہیر و تقدیس می‌کردند و امام حسین <sup>a</sup> و یارانش را برهم‌زنندگان وحدت جامعه، نافرمانان و خروج‌کنندگان بر خلیفه می‌شناساندند. مردمی هم که این سخنان سراسر دروغ را به گوش جان می‌شنیدند، به‌سادگی می‌پذیرفتند و حسین <sup>a</sup> را از خدا می‌ترساندند که از جماعت برون شده و میان امت تفرقه می‌آورد. این می‌شود که چنین مردمی و چنین حاکمی به چون حسینی درس دین و سیاست می‌دهند و وظایفش را به وی یادآوری می‌کنند. این هم طنز تلخ روزگار است؛ یک روز کعب‌الاحبار به ابوذر درس دین می‌داد و امروز یزید و ابن زیاد و عمر بن سعید به حسین <sup>a</sup> سیاست و دیانت می‌آموزند.

یزید فقط دروغ‌پردازی‌هایی چنین را به دست‌نشاندهانش ابلاغ نمی‌کند. او به‌صراحت در مورد سرکوب مخالفان و تطمیع فرمانبرداران، ابلاغیه‌های سراسری صادر می‌کند؛ به‌ویژه در مورد شهرهای ملتهدی چون کوفه که پایتخت مخالفت با یزید است. «زمانی که خبر حرکت امام به یزید رسید، نامه‌ای به ابن زیاد نوشت و با آگاه کردن وی از این دشواری که برای شهر او یعنی کوفه به وجود آمده، از او خواست تا به‌شدت شهر را کنترل کرده و به علاوه کسانی از مردم که اهل سمع و طاعت‌اند و فرمانبردار صددرصد

نمی‌پوشیدم.» گوید، آن‌گاه از بیم آنکه مبدا حسین بدگمان شود، گفت: «اگر در حجاز بمانی و در اینجا به طلب خلافت برخیزی، ان‌شاءالله مخالفت نخواهی دید.» [همان، ص ۲۹۶۵]

در هر صورت برخی بر این باورند که وی از سر خیرخواهی با امام <sup>a</sup> چنین گفته است. گروه دیگری معتقدند، او نیز امام <sup>a</sup> را تشجیع کرد و عده‌ای گفته‌اند که او چنین گفته تا متهم نشود که می‌خواهد صحنه مکه را برای خویش خالی سازد؛ چراکه بنا بر اعتقاد بسیاری، وی از رفتن امام <sup>a</sup> خوشحال می‌شد؛ به این دلیل که با وجود امام <sup>a</sup> در مکه کسی به او توجه نمی‌کرد.

### امر به طاعت و لزوم جماعت

یکی دیگر از ناصحان عبدالله بن جعفر شوهر حضرت زینب <sup>h</sup> بود. او نیز امام <sup>a</sup> را از رفتن به کوفه بر حذر می‌داشت و می‌گفت که می‌تواند از یزید برای او امان بگیرد؛ حتی برخی گفته‌اند که نامه‌ای را به توصیه عمر بن سعید، حاکم مکه به امام <sup>a</sup> نوشت. عبدالله پس از خروج امام <sup>a</sup> نامه‌ای را توسط فرزندانش عون و جعفر به سوی ایشان گسیل می‌داد. عمر بن سعید هم به امام <sup>a</sup> نامه‌ای می‌نویسد و می‌گوید: «دست از شقاق بردار. من می‌توانم از یزید برای امان بگیرم.» امام <sup>a</sup> به او نوشت: «کسی که به خدا و عمل صالح دعوت می‌کند، دعوتش به شقاق نیست. بهترین امان هم، امان الهی است.» [جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۴۷۵]

در این هنگام امویان هریک به امام <sup>a</sup> گوشزد می‌کردند که دست از شقاق بردارد و به جماعت و طاعت بیندیشد؛ از جمله «عمره دختر عبدالرحمن بن

و دشمن خویش را بیرون رانده‌اند؟ اگر چنین کرده‌اند سوی آنها رو؛ اما اگر تو را خوانده‌اند و حاکمشان آنجاست و بر قوم مسلط است و عمال وی خراج می‌گیرند، تو را به جنگ و زد و خورد دعوت کرده‌اند و بیم دارم فریب دهند و تکذیب کنند و مخالفت تو کنند و یاری‌ات نکنند و بر ضد تو حرکتشان دهند و از همه‌کس در کار دشمنی تو سخت‌تر باشند.» [همان، ص ۲۹۶۵]

### تزویر

در این سخن ابن عباس به عامل دیگری از عوامل سه‌گانه اشاره کرده و نقش زور را در مبارزه استبداد اموی با حسین <sup>a</sup> یادآور می‌شود. وی در بیان دیگری که سراسر نگرانی است، به حيله‌گری کوفیان و حاکمان اموی، انگشت اشاره دراز می‌کند تا سه‌گانه زر و زور و تزویر کامل شود. اگرچه خواست یزید از ابن عباس مبنی بر منصرف‌ساختن امام <sup>a</sup> از رفتن به کوفه به‌صراحت بیان شده و در تاریخ آمده است، در مقابل، پاسخ صریح وی به یزید نیز بیان شده و کمتر می‌توان نصیحت ابن عباس را ناشی از تقاضای یزید دانست. او بیش از آنکه در پی انجام‌دادن خواسته یزید باشد، با تحلیل سیاسی‌اش پی برده بود که جان امام <sup>a</sup> در رفتن به کوفه ایمن نخواهد بود. این پیش‌بینی، او را نگران می‌ساخت و به نصیحت وامی‌داشت.

یکی دیگر از نصیحت‌کنندگان امام <sup>a</sup>، عبدالله بن زبیر بود. بسیاری بر این باورند که وی امام حسین <sup>a</sup> را رقیب خود می‌پنداشت و می‌دانست که با حضور ایشان در مکه توجه مردم فقط به ایشان خواهد بود؛ به همین دلیل به امام <sup>a</sup> می‌گوید: «اگر کسانی همانند شیعیان تو را آنجا داشتیم، از آن چشم

عمر بن سعید به امام <sup>a</sup> نامه‌ای می‌نویسد و می‌گوید: «دست از شقاق بردار. من می‌توانم از یزید برای امان بگیرم.» امام <sup>a</sup> به او نوشت: «کسی که به خدا و عمل صالح دعوت می‌کند، دعوتش به شقاق نیست. بهترین امان هم، امان الهی است.»



بر بخشش‌های بیت‌المال بر آنان بیفزاید... همچنین تأکید کرد که... محافظان و مراقبان را در هر جا بگمار، موارد مشکوک را مراقبت کرده، با وجود اتهام افراد را دستگیر کن.» [جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۴۷۶ و ۴۷۷]

در این نامه نیز باز هم منش یزید آشکار می‌شود که مشترک میان همهٔ مستبدان است؛ یعنی فرمانبرداران و اهل سمع و طاعت را از بیت‌المالی که متعلق به همهٔ مردم است، فراوان می‌بخشند؛ به عبارتی به آنان رشوه می‌دهند و در مقابل مخالفان را به اندک اتهام و شکی دستگیر و دربند می‌کنند و از همهٔ حقوق محروم می‌سازند.

### فرزدق شاعر

حسین راه خویش در پیش می‌گیرد تا به تعمیم می‌رسد. در تعمیم ماجرای رخ می‌دهد که در تحریف‌شناسی به تفصیل آورده‌ایم. کاروان حسین از تعمیم عبور می‌کند و به صفاح می‌رسد. در این منزل است که ایشان با فرزدق بن غالب، شاعر پر آوازهٔ آن روز روبرو می‌شود که از سوی کوفه به مکه می‌آید. از او دربارهٔ اوضاع کوفه می‌پرسد. او در پاسخ می‌گوید: «از مطلع پرسیدی، دل‌های کسان با توست و شمشیرهایشان با بنی‌امیه. تقدیر از آسمان می‌رسد و خدا هر چه می‌خواهد می‌کند.»

حسین گفت: «است گفتی. کار به دست خداست و خدا هر چه بخواهد می‌کند و هر روز پروردگار ما به کاری دیگر است. اگر تقدیر به دلخواه ما نازل شود، نعمت‌های خدا را سپاس می‌داریم و برای شکرگزاری کمک از او باید جست. اگر قضا میان ما و مقصود حایل شود، کسی که نیت پاک و اندیشهٔ پرهیزکاری دارد، اهمیت ندهد.» [جریر طبری، ۱۳۸۵، ص ۲۹۶۹]

همان‌گونه که بیان شد، فرزدق پس از بیان تحلیلش از اوضاع کوفه می‌گوید: «تقدیر از آسمان می‌رسد و خدا هر چه می‌خواهد می‌کند.» این بخش از سخن وی از جانب امام تأیید می‌شود؛ یعنی با وجود آنکه اوضاع چندان به نفع امام نیست، اما کار به دست خداست و خدا هر کاری بخواهد می‌کند؛ به عبارت دیگر اگر قرار باشد، اوضاع را فقط با ضوابط منطقی صرف تحلیل کنیم، کمی یاران امام و انبوه طرفداران امویان و شمشیرهایی که با آنان است، نتیجهٔ جنگ را مشخص خواهد کرد؛ اما آنچه در بادی نظر به آن توجه نمی‌شود، این است که خداوند نه فقط از راه معجزه (یا با تلقی غلط، به کمک فراتر رفتن از ضوابط منطقی حاکم بر جهان و انسان)، بلکه از طریق همین قوانین و ضوابط بارها و بارها نهایت کار را به سمت و سویی پیش برده که از ابتدا در پیش‌بینی‌ها احتمال کمی برای رخداد آن وجود داشت.

اگر نخواهیم از تاریخ صدر اسلام فراتر رویم، باید گفت که در بسیاری از جنگ‌های پیامبر S که یاران ایشان اندک بودند و مخالفان و دشمنان بسیار و هر تحلیل‌گر سیاسی نتیجهٔ جنگ را به نفع دشمنان پیش‌بینی می‌کرد؛ نتیجه، آن چیزی نشد که از تحلیل‌ها بیرون می‌آمد؛ به بیان واضح‌تر خداوند

می‌توانست اوضاع را به گونه‌ای رقم بزند که گروه اندکی بر گروه بسیاری پیروز شوند؛ چرا که بارها و بارها در تاریخ اسلام و دیگر جنگ‌ها و نزاع‌ها چنین رخ داده و می‌دهد. این گفتهٔ فرزدق که «خدا هر چه می‌خواهد می‌کند.» به این معنی است که اگرچه شمشیر کوفیان علیه امام است، کار در نهایت در دست خداست و این همراه‌نبودن کوفیان، نتیجهٔ جنگ را از ابتدا مشخص نمی‌کند.

امام نیز این سخن وی را تأیید می‌کند که می‌گوید: «است گفتی، کار به دست خداست و خدا هر چه بخواهد می‌کند و هر روز پروردگار ما به کاری دیگر است. اگر تقدیر به دلخواه ما نازل شود، نعمت‌های خدا را سپاس می‌داریم و...» به بیان دیگر اگر امام با این سخن فرزدق به این جمع‌بندی می‌رسد که شهادت قطعی است، دیگر لزومی ندارد، این گونه سخن بگوید. می‌توانست بگوید: «است گفتی فرزدق! ما در این جنگ قطعاً شکست می‌خوریم و شهید می‌شویم؛ ولی نیت ما از ابتدا همین بوده تا از این طریق بنی‌امیه را رسوا کنیم.» در حالی که امام می‌گوید: «اگر تقدیر به دلخواه ما نازل شود، نعمت‌های خدا را سپاس می‌داریم.» وقتی احتمال پیروزی وجود ندارد و شکست به نظر همه دانایان و آگاهان قطعی است، این سخن امام چه وجهی دارد؟

### نامهٔ امام به کوفیان

امام به حرکت ادامه می‌دهد و از منزلگاه‌ها عبور می‌کند تا به ذات‌العرق می‌رسد. در این منزل است که قیس بن مسهر صیدوای را همراه نامه‌ای به سوی مردم کوفه گسیل می‌دارد. نامهٔ امام به مردم کوفه چنین است: «بسم الله الرحمن الرحیم، از حسین بن علی به برادران مؤمن و مسلمان خویش. سلام بر شما. ستایش می‌کنم خداوندی را که جز او خدایی نیست. اما بعد؛ نامهٔ مسلم بن عقیل به من رسید. مسلم در آن نامه به من از حسن اعتقاد شما فراهم‌شدن شما به یاری ما برای مطالبهٔ حق ما خبر داده بود. از خداوند درخواست می‌کنم که به ما نیکی ورزد و شما را برای این اقدام پاداش بزرگ دهد. من در روز سه‌شنبه، هشتم ذی‌الحجه، در روز ترویبه به سوی شما رهسپار شدم. وقتی این فرستادهٔ من به نزد شما رسید، امور خود را سامان دهید و مهیا باشید که همین روزها من نزد شما خواهیم رسید. ان‌شاءالله. درود و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.» [زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۸۰]

### فریب ابن‌زیاد

قیس، نامه را گرفت و با شتاب به سوی کوفه رفت؛ اما پیش از آنکه به کوفه برسد، در قادسیه به دست سپاهیان حصین بن نمیر افتاد و او را نزد ابن‌زیاد فرستادند. قیس پس از به دام افتادن، نامهٔ امام را جوید تا عبیدالله از محتوای آن مطلع نشود. عبیدالله بن زیاد به قیس گفت: «بالای قصر برو و دروغگو پسر دروغگو را لعن کن.» گوید، وی بالا رفت و گفت:

«ای مردم اینک حسین بن علی بهترین خلق خدا، پسر فاطمه دختر پیغمبر خدا، می‌رسد و من فرستادهٔ او سوی شما می‌آیم. در شیب از او جدا شدم، وی را پذیره شوید.» آن‌گاه عبیدالله و پدرش را لعنت کرد و برای علی بن ابیطالب آمزش خواست. گوید، عبیدالله بن زیاد گفت تا او را از فراز قصر به زیر افکند که بیفکنند و در هم شکست و بمرد.» [جریر طبری، ۱۳۸۵، ص ۲۹۸۲]

شاید اگر عبیدالله به تکنولوژی امروز دسترسی داشت، هیچ‌گاه نمی‌گذاشت، قیس که یار صدیق امام بود او را چنین فریب دهد.

### پر تاب از بلندی

جانیان تاریخ همواره در خوی حیوانی و قساوت از یکدیگر سبقت می‌گیرند؛ اما برخی اعمال وحشیانه به‌ندرت در تاریخ رخ داده است؛ از جمله پر تاب کردن از بلندی برای شکنجه و اعدام به اندازه‌ای وحشیانه است که تا آن روز تاریخ اسلام به جز عبیدالله بن زیاد هیچ امیر و ولی و خلیفه‌ای و هیچ والی و کارگزار و گماشته‌ای از سوی حاکمان به انجام‌دادن چنین کاری مبادرت نورزیدند؛ حتی در هیچ حیوان درنده‌ای چنین قساوتی را سراغ نداریم؛ اما عبیدالله برای ایجاد رعب و وحشت در کوفه‌ای که به حمایت از حسین برخاسته بود و برخلاف یزید در شرف شورش و اعتراض بود، چنین شیوه‌های وحشیانه‌ای را در پیش گرفت تا بتواند بر اوضاع مسلط شود و معترضان را سرکوب سازد. از طرفی فقط به این شیوه‌ها اکتفا نکرد. مشکوکان را بر خلاف منطق علوی فقط با ظن و گمان و البته همان‌گونه که پیش از بیان شد، با دستور شخص یزید دستگیر و به همین شیوه یا دیگر شیوه‌های وحشیانه اعدام می‌کرد تا عبرت دیگران شوند.

در همین حال خبر شهادت مسلم به امام رسید. در این میان عده‌ای بر این باورند که اگر نیت امام شهادت نبود، چرا پس از شنیدن خبر شهادت مسلم و هانی باز نگشت. این سخن نیز نیازمند تحلیلی است که میسوطی است که مجال و بضاعت ما اجازهٔ آن را نمی‌دهد؛ اما در همین زمان که یاران امام به دنبال بررسی وضعیت برای بازگشت یا ادامهٔ مسیر بودند، عده‌ای به امام گفتند: «انک والله ما انت مثل مسلم بن عقیل و لو قدمت الکوفه لکان الناس الیک اسرع.» «تو مانند مسلم نیستی. اگر به کوفه درآیی، مردم به سویی تو خواهند شتافت.» [جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۴۸۰]

\* بر امامت خروج نکن

### منابع:

جریر طبری، محمد (۱۳۸۵). *تاریخ طبری تاریخ الرسل والملوک*. ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر

جعفریان، رسول (۱۳۸۳). *تاریخ سیاسی اسلام (۲) تاریخ خلفا*. قم، انتشارات دلیل ما

زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶). *نهیضت امام حسین و قیام کربلا*. تهران: انتشارات سمت



# { هنر و ادبیات آینه }

◀ بررسی هنر چاووش خوانی در ایران، گزارشی دربارهٔ تعزیه خوانی شهید بابایی و محتوای مجلس تعزیه روح الارواح از مطالب این شمارهٔ گروه هنر است. در این شماره با نگاهی به کتاب «درام اسلامی» اثر «جمشید ملک‌پور» از ناآشنایی با تعزیه در غرب به علت احساسات ضد اسلامی گفتیم. «برخی نشانه‌ها و نمادها در شبیه‌خوانی» یادداشتی از «دکتر جابر عناصری» است. نمایشنامهٔ «پل» اثر «محمد رحمانیان» که برگه از یک داستان عاشورایی است، در این شماره کار شده است.

## نگاهی به کتاب «درام اسلامی»

جمشید ملک‌پور در کتاب «درام اسلامی: تعزیه» که در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده است، سعی می‌کند تعزیه را به عنوان یگانه درام اسلامی به مخاطبان انگلیسی‌زبان خود معرفی کند.

نویسنده در این کتاب بعد از بیان مقدمه‌ای در مورد جایگاه تعزیه در مطالعات و تحقیقات نمایشی جهان به بررسی ابعاد نمایشی آن در فصل‌های مختلف کتاب می‌پردازد. ملک‌پور در این کتاب بیشتر بر وجوه تئاترگونهٔ تعزیه متمرکز شده و درصدد است که عناصر نمایشی تعزیه را به خواننده معرفی کند و از دل این پژوهش، تعزیه را به عنوان هنر نمایشی-مذهبی منحصره‌فرد و تنها شکل از تئاتر مذهبی اسلامی که خاستگاهش ایران است، معرفی کند.

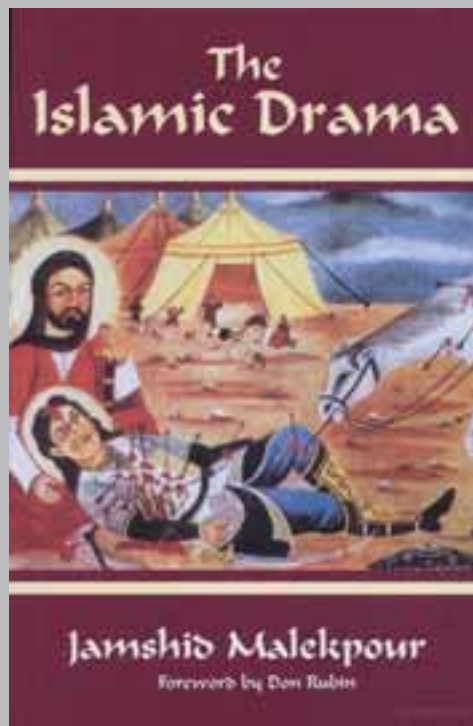
کتاب «درام اسلامی: تعزیه» مشتمل بر ۷ بخش است که در آنها به مباحثی چون «ایران، زادگاه تعزیه»، «اسلام و تعزیه»، «خاستگاه و توسعهٔ تعزیه»، «نمایش‌های تعزیه»، «اجرای تعزیه»، «تعزیه در جهان اسلام» و «تعزیه در دیروز، امروز و فردا» پرداخته شده است.

ملک‌پور در این کتاب اشاره می‌کند که تأثیر مذهب، سیاست، اسطوره‌شناسی، ادبیات، زبان شفاهی بر سنت‌های نمایشی به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. او در این کتاب نفوذ و تأثیر فرهنگ فارسی، عربی-اسلامی و پیش از اسلام را بر تعزیه بررسی می‌کند.

«درام اسلامی» ارتباط بین جریان‌های تاریخی و فضای معنوی، عرفانی و دراماتیک شیعهٔ امروز ایران را آشکار کرده است.

نگارنده در فصل پایانی کتاب به تطابق تعزیه با نمایش‌های قرن حاضر پرداخته و عملکرد آن در آینده را ارزیابی کرده است.

در ادامه ترجمه‌ای از مقدمهٔ این کتاب را می‌خوانید:



# احساسات ضد اسلامی زمینه‌ساز نبود شناخت تعزیه در غرب

بخشی از مقدمه کتاب درام اسلامی

■ دان روبین / ترجمه منوچهر غلامی ■

درام اسلامی ایران به عنوان تعزیه یا شبیه‌خوانی شناخته شده است. درامی دینی که بیانگر رنج و شهادت امام حسین، نوه پیامبر اسلام است. او را سربازان یزید در سال ۶۸۰ میلادی همراه با خانواده‌اش در دشت کربلا، نزدیکی بغداد، به شهادت رساندند.

این شکل از درام را پیتر بروک، کارگردان برجسته تئاتر، زمانی که او برای نخستین بار در سال ۱۹۷۰ اجرای تعزیه را در روستایی در شمال ایران دید، به عنوان شکلی بسیار قدرتمند از تئاتر توصیف کرده است. منتقدان بسیاری مانند دیوید ویلیامز معتقدند، تعزیه به شکل‌گیری اندیشه ساخت کارهای تجربی چون نمایشنامه «ارگاست» (Orghast) و «کنفرانس پرندگان» (Conference of Birds) توسط پیتر بروک منجر شده است.

تکامل تعزیه در اثر پیوند عناصر بی‌شماری چون مذهب، اسطوره‌شناسی، فرهنگ عامه و شکل‌های سنتی سرگرمی ایرانی با یکدیگر رخ داده است. این تحول طی یک دوره زمانی طولانی انجام گرفته؛ با این حال تعزیه در اواسط قرن ۱۸ کاملاً به شکل تئاتر درآمد.

اوج تکامل تعزیه در دوران ناصرالدین شاه قاجار (۱۸۴۸-۱۸۹۶) رخ داد؛ زمانی که تکیه دولت، این تماشاخانه باشکوه با فضای وسیع برای جایگاه تماشاگران به منظور برگزاری اجراهای تعزیه ساخته شد.

به تعزیه در قرن ۲۰، بسیاری جنبش‌های طرفدار غرب و ملی‌گرایان که اجرای چنین درام مذهبی را موجب انحطاط اجتماعی می‌دانستند، حمله کردند.

## حمایت تماشاگران، رمز بقای تعزیه

این محدودیت‌ها و مخالفت‌ها با تعزیه باز هم افزایش یافت؛ به طوری که در سال ۱۹۳۰ اجرای آن را رژیم پهلوی ممنوع کرد و گروه‌های تعزیه برای فرار از دست مقامات دولتی به پناه بردن به نقاط دور و روستایی مجبور شدند؛ با وجود این، حمایت تماشاگران وفادار - که اکثر آنها از طبقات پایین اجتماعی و اقتصادی بودند - و نیز جاذبه تئاتر گونه، سادگی و در عین حال قدرت و سبک انعطاف‌پذیر این شکل از درام، تعزیه را زنده نگه داشت و امروز شاهد اجرای آن در نقاط مختلف ایران هستیم.

تعزیه را با وجود اهمیتش کمابیش مورخان و منتقدان تئاتر غرب نادیده گرفته‌اند؛ در حالی که در بیشتر کتاب‌هایی که درباره تاریخ تئاتر جهان نوشته

شده، به نمایش‌های مصائب مسیح در قرون وسطی به طور گسترده پرداخته شده و کتاب‌های تخصصی بسیاری در مورد این نوع درام مذهبی نوشته شده؛ اما کمابیش هیچ اشاره‌ای به درام مذهبی-اسلامی (تعزیه) نشده است؛ البته اینکه چرا چنین شکافی در تاریخ تئاتر جهان وجود دارد، مسئله‌ای است که باید به آن پرداخته شود.

اسلام دومین دین بزرگ جهان با یک میلیارد نفر پیرو در سطح جهان است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد نبود شناخت درام اسلامی ایران به علت بی‌توجه بخشی از مورخان تئاتر غربی است که گویا فقط علاقه‌مند به درام مسیحی مذهبی بوده‌اند.

با دیدگاهی بدبینانه‌تر می‌توان چنین تلقی کرد که نبود شناخت تعزیه به دلیل احساسات ضد اسلامی است که جهان غرب برای مدت‌ها درگیر آن بوده است.

استدلال دیگر این است که به دلیل انگیزه‌های سیاسی، غرب محیطی را فراهم آورده که در آن حتی دستاوردهای فرهنگی پیروان اسلام به طور کامل نادیده گرفته می‌شوند. چنین شکلی از تبعیض فرهنگی و نبود شناخت ناشی از آن، نه فقط تعزیه را متأثر می‌سازد، بلکه به مشکلی بزرگ‌تر در تجربه تئاتر آسیایی منجر می‌شود.

## دانش اندک غربیان از تئاتر آسیایی

تعزیه و سایر اشکال تئاتر آسیایی، بیشتر با تعاریف و تفاسیر دیپلمات‌ها و مسافران که به آسیا می‌آمدند، به غربیان معرفی شده بود. این عده هیچ‌گونه آشنایی با تکنیک‌های تئاتری موجود در تعزیه و دیگر اشکال تئاتر آسیایی نداشتند و این نمایش‌ها را با دیدی فرهنگی-سیاسی و بیگانه نگاه می‌کردند؛ حتی اگر در میان آنها کسانی بودند که نمی‌خواستند از این نمایش‌ها بهره‌برداری فرهنگی ببرند، بیشتر از دید یک نفر علاقه‌مند به نمادهای عتیقه به این نمایش‌ها می‌نگریستند تا یک محقق تئاتر؛ به همین دلیل است که آنها تعزیه را نه به عنوان یک اجرای زنده و پرشور، بلکه به عنوان شکلی ناپخته از تئاتر که موفق به رعایت قیدهای زمان و مکان نیست، معرفی کردند.

این دیپلمات‌ها و مسافران نمی‌توانستند درک کنند که نادیده گرفتن قیدهای نئوکلاسیک زمان و مکان در واقع یکی از نقاط قوت تعزیه است که هم به تماشاگران و هم به بازیگران، انعطاف‌پذیری گذر از یک زمان و مکان به زمان و مکان دیگری

را می‌دهد؛ حتی آن دسته از معدود متخصصان تئاتر غربی، مانند آنتونین آرتد (Antonin Artaud) و برتولد برشت (Bertold Brecht) که این نمایش‌ها را دیده‌اند، دانش کمی نسبت به تئاتر آسیایی داشته‌اند؛ به طوری که برداشت‌هایشان بیشتر بر مبنای ادراکات عاطفی و رویاگونه بوده است تا دیدگاه علمی.

برای مثال آرتد (۱۸۹۶-۱۹۴۸) پس از دیدن فقط یک اجرا از گروه رقص بالیایی در سال ۱۹۳۱ به تئاتر شرقی متمایل شد و بسیاری جنبه‌های بحث‌برانگیز کتاب خود را بر اساس آنچه از این نمایش درک کرده بود، قرار داد؛ اما مشکل با نظریه آرتد در مورد تئاتر آسیایی این است که نه فقط به ایجاد درک درستی از تئاتر آسیایی برای غرب موفق نشده است، بلکه می‌توان گفت حتی این شکل از تئاتر را درک‌ناپذیرتر از آنچه هست، جلوه داده است.

به طور مشابه، برتولد برشت (۱۸۹۸-۱۹۵۶) نیز متأثر از تئاتر آسیایی و توسعه تکنیک «فاصله‌گذاری» (verfremdung) یا از خود بیگانگی قرار گرفته بود که تا حدی بر اساس درک ناقص او از تکنیک‌های بازیگری به کار رفته در نمایش «میلننگ» (Mei Lan Fang) از نمایش‌های چینی بود که او در سال ۱۹۳۵ در مسکو دیده بود.

به جز آرتد و برشت که دست‌کم به جهان غرب در مورد اهمیت تئاتر شرقی هشدار دادند، تعداد خیلی هم که در مورد تئاتر آسیایی مطلب نوشته‌اند، عمدتاً بر بحث در مورد تئاتر ژاپنی و چینی متمرکز شده‌اند؛ در نتیجه بیشتر اشکال دیگر تئاتر آسیایی از جمله تعزیه نادیده گرفته شده است.

از غربیانی که نسبت به تعزیه علاقه نشان داده‌اند، دو نفر درخور توجه هستند؛ اولین غربی‌ای که به درام مذهبی ایرانی توجه جدی نشان داد، «کنت دو گوینیو» (Counte de Gobineau) بود که در کتابش «ادیان و فلسفه در آسیای مرکزی» (Les Religions et les philosophies dans l'Asie Centrale) (Paris, 1865)، بخشی را به تعزیه اختصاص داد و این شکل از درام را به محققان فرانسوی معرفی کرد.

دومین نفر ماتيو آرنولد (Mathew Arnold) بود که در یکی از سخنرانی‌هایش (لندن، ۱۸۷۱) تعزیه را با نمایش‌های مصائب عیسی در قرون وسطی مقایسه کرده بود؛ با این حال اینها و نوشته‌های دیگر در مورد تعزیه از دیدگاه تئاتری نوشته نشده بودند؛ در نتیجه توجه اکثر کارشناسان غربی تئاتر را به

تعزیه به شکل‌گیری اندیشه ساخت کارهای تجربی چون نمایشنامه «ارگاست» (Orghast) و «کنفرانس پرندگان» (Conference of Birds) توسط پیتر بروک منجر شده است.

خود جلب نکردند تا اینکه در سال ۱۹۷۰ تعزیه به تئاترشناسان غربی شناسانده شد.

پیتر بروک پس از دیدن یک نمایش تعزیه در سال ۱۹۷۰ شور و شوق خود را نسبت به ویژگی‌های تئاتری این نوع درام ابراز کرد. بدون شک پیتر بروک بزرگ‌ترین سهم را در معرفی تعزیه به عنوان شکلی از تئاتر به محققان غربی و از همه مهم‌تر به هنرمندان تئاتر داشت؛ اما می‌توان گفت با وجود کمک بروک در این زمینه، غرب تا حد بسیاری در مورد تعزیه بی‌خبر باقی مانده است.

من در این پژوهش کوشیده‌ام، با دیدگاهی تئاتری، ریشه‌ها و گسترش تعزیه را ردیابی و مورد بحث قرار دهم؛ به جز این سعی کرده‌ام رهنمودی برای کسانی که مایل به انجام‌دادن تحقیقات بیشتر در مورد تعزیه در آینده هستند، عرضه کنم و بر همین اساس، کتاب‌شناسی گسترده‌ای از منابع، هم در زبان فارسی و هم انگلیسی به این کار ضمیمه کرده‌ام.

باید دانست تعزیه فقط نوع درام مذهبی برگرفته از اسلام است. به گفته منتقدان تئاتر جهان عرب، در هیچ کشور اسلامی به‌جز ایران، درام مذهبی اسلامی وجود ندارد. در دایرةالمعارف جهان اسلام مدرن از آکسفورد آمده است: «نمایش مصیبت شیعه به نام تعزیه، یگانه درام جدی است که تا کنون در جهان اسلام به جز تئاتر معاصر غرب توسعه یافته است.»

از این ادعا در نقد عبدالله احمد بدوی که در تئاتر و درام عرب چاپ شده، حمایت شده است. بدوی می‌نویسد: «تعزیه به‌راستی یگانه چشم‌انداز دراماتیک از یک ماهیت تراژیک است که ما در جهان اسلام، قبل از تماس فرهنگی‌اش با غرب با آن روبه‌رو می‌شویم.»

در نهایت، لازم است توضیح دهم که تعزیه، تفسیر شیعه از آنچه را در سال‌های اولیه اسلام رخ داده، منعکس می‌کند و این تفسیر تا حدودی در تضاد با آن چیزی است که محققان اهل سنت ثبت کرده‌اند.

با این حال این منازعات به تحقیق من مربوط نمی‌شود؛ زیرا من تعزیه را به عنوان شکلی از هنر در ارتباط با تخیل و داستان و نه واقعیت و تاریخ مورد مطالعه قرار داده‌ام.

بدون شک، مطالعه علمی در مورد اهمیت درک صحیح از درام اسلامی مدت‌هاست که انجام نشده است و پروفیسور ملک‌پور به گونه‌ای مؤثر جایگاه تعزیه را درون گفتمان زنده تئاتر و آیین‌های مذهبی مشخص می‌کند.

او به وضوح تلاش کرده است، ارزش نمایشی تعزیه را نشان دهد و من معتقدم که او در رسیدن به این هدف موفق بوده است.

\* ویرایشگر دایرةالمعارف جهان معاصر تئاتر ■

# نگاهی به کتاب «درام اسلامی»

■ دیکسی بیدل / ترجمه مانا دشتگلی-هانیه خاکپور ■

با گسترش تعزیه به عنوان مشخصه معاصر تئاتر ایران، این هنر در طول زمان به عنوان یگانه بازمانده درام بومی فارسی، امروز در مقابل سنت تئاتر قرن بیستمی که متأثر از غرب است، ایستادگی می‌کند. این را نیز باید گفت در این زمینه ملک‌پور نفوذ و تأثیرات دین، سیاست، اسطوره، ادب و نمایش‌های آیینی را که قدمت آن به ۲۵۰۰ پیش از میلاد باز می‌گردد، در چگونگی پیدایش و تکامل این فرم منحصربه‌فرد نمایشی ترسیم کرده است.

نویسنده در این اثر به بررسی سلطه فرهنگ ایرانی، عربی-اسلامی و ایرانی-اسلامی در تعزیه پرداخته است.

کتاب «درام اسلامی»، ارتباطات میان تجربه‌های تاریخی، آیینی، معنوی و دنیای نمایشی ایرانیان شیعی امروز را مشخص و تبیین می‌کند.

تحلیل انتقادی ملک‌پور به‌شدت بر روی منابع اولیه که شامل حدود ۱۵۰ نسخه خطی کلاسیک و مدرن تعزیه در ایران است که در خلال سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲ جمع‌آوری شده است.

در عین حال وی هرکجا که امکان آن وجود داشته، به مقایسه متون نوشته شده برای اجرا با آنچه بدیهه‌گویی در زمان نمایش خواننده می‌شود، پرداخته است.

دوم آنکه ملک‌پور منابعی نظیر منابع تاریخی، مذهبی، ادبی و انسان‌شناسی را با تحقیقات و نظریه‌های تئاتر غرب، برگرفته از آثار پیتر بروک، برتولت برشت و دیگران درهم می‌آمیزد تا بیش و ساختاری برای نمایش معاصر ارائه کند.

گذشته از این، پژوهش قبلی ملک‌پور با عنوان نمایش در ایران ۱۹۸۵، نمایش‌های مصیبت فارسی ۱۹۸۷، تاریخچه جهانی تئاتر (۱۹۹۰)، و آیین (۱۹۹۲) منابعی غنی را در این باره تأمین کرده است.

به نظر می‌رسد ملک‌پور بیشتر بر تجربیات خود در تعزیه و تحلیل تئاتر تکیه می‌کند؛ چراکه پیشینه فعالیت‌های او شامل کارگردانی در تئاتر و فیلم و نیز فیلمنامه‌نویسی می‌شود.

رویکرد فلسفی ملک‌پور به عنوان یک تئاتری دانشگاهی در دنیای فارسی و غربی سابقه حضور دارد.

وی مدرک خود را از دانشگاه تهران، دانشگاه شهر نیویورک و دانشگاه ملی استرالیا گرفته است. نوشتار ملک‌پور از این کتاب ساختاری خطی،

جمشید ملک‌پور به‌گونه‌ای در کتاب «ادبیات نمایشی در ایران» (۱۳۶۳) و نیز در کتاب «سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی» (۱۳۶۶) تلاش کرده، زوایایی از تعزیه و به‌ویژه وجه نوشتاری، ادبی و دراماتیک آن را بشکافد. وی در کتاب «درام اسلامی: تعزیه» (The Islamic drama: Taziyyeh) (۱۳۸۳) سعی می‌کند که تعزیه را به عنوان یگانه درام اسلامی به مخاطبان انگلیسی‌زبان خود معرفی کند.

پیتر بروک، کارگردان برجسته تئاتر در نوشتاری با عنوان «شکلی بسیار قدرتمند از تئاتر» به شرح تعزیه به عنوان درام اسلامی-ایرانی می‌پردازد. این اثر به بررسی سیر تکاملی تعزیه که شامل عناصری از میترائیسم، زرتشتیسم، اساطیر، فولکلور و اشکال دیگر تفریحات و سرگرمی‌های ایرانی است، می‌پردازد. در شکل نهایی آن، بیشتر عناصر تعزیه یعنی طرح، شخصیت، تفکر، ترانه، نوا و نمایش، برگرفته و مشتق از فرهنگ شیعه در اسلام است.

در طرح اصلی تعزیه درد و رنج و مرگ امام حسین، نوه پیامبر اسلام به تصویر کشیده می‌شود؛ زمانی که او در سال ۶۸۰ میلادی به همراه خانواده‌اش در دشت کربلا در نزدیکی بغداد توسط سربازان خلیفه، یزید، قتل عام می‌شوند.

به نظر می‌رسد که اوج اجرای تعزیه در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶) بود که ساختمان باشکوه تکیه دولت در تهران ساخته شد. این در حالی است که تعزیه را در دهه ۱۹۳۰ رژیم پهلوی ممنوع کرد و گروه‌های تعزیه مجبور شدند به مناطق دور افتاده و روستایی پناه ببرند.

در قرن ۲۰ تعزیه با انتقاد و هجوم طرفداران غرب‌گرایی و جنبش ملی‌گرایی روبه‌رو می‌شود تا جایی که در این دوران به تعزیه از منظر عامل رکود اجتماعی نگریسته می‌شود؛ با این همه با وجود این عقبگرد در هنر تعزیه، امروز می‌توان اجرای تعزیه را در سراسر ایران تماشا کرد.

کتاب درام اسلامی جمشید ملک‌پور تصورات غلط پژوهشگران تئاتر غربی در مورد وجودداشتن یک تئاتر بومی-اسلامی را از بین می‌برد.

این پژوهش جامع، درباره تعزیه (نمایشنامه مذهبی از سوگواری و عزاداری) برای دانشجویان جدی تئاتر این امکان را فراهم می‌آورد که اطلاعاتی درباره مذهب و فرهنگ به دست آورند تا درک درستی از پلات فرم، محتوا و تولید داشته باشند.

به تعزیه در قرن ۲۰ بسیاری جنبش‌های طرفدار غرب و ملی‌گرایان که اجرای چنین درام مذهبی را موجب انحطاط اجتماعی می‌دانستند حمله کردند.



ملک‌پور شکل غربی  
نمایش را با مذاهب  
پیش از مسیحیت  
در ایران و مصر  
ترکیب می‌کند  
تا به گونه‌ای مستقیم  
تأثیر آن بر تعزیه امروز  
را بی‌گیری کند.

انطباقاتی از تعزیه را در کشورهای اسلامی و جریان‌های قرن بیستم بررسی می‌کند.

ملک‌پور نشان می‌دهد آینده تعزیه به وسیله توسعه مذهبی و سیاسی در ایران تعیین خواهد شد. کتاب برای جست‌وجوی پژوهشگران به منظور گسترش اطلاعاتشان از تعزیه با کتابشناسی به دو زبان فارسی و انگلیسی پایان می‌یابد؛ همچنین پیوست خلاصه نویسنده و ارزیابی از مجموعه‌های موجود تعزیه برای مطالعه بیشتر دانش‌پژوهان تئاتر از دیگر نکات حائز اهمیت این کتاب است؛ در حالی که پیتر چلکوفسکی پیش از اینها مقاله «تعزیه؛ آیین و نمایش در ایران» (۱۹۷۹) را نگاشته و آن را به عنوان مقدمه ارزشمندی برای درام به وسیله محققان فارسی و غربی نگاشته بود و کتاب «درام اسلامی» ملک‌پور نیز به محققان برای درک بهتر کمک می‌کند.

«درام اسلامی» ملک‌پور معرفی کامل و کلی از فرم و محتوای تعزیه دارد تا در دسترس محققان غربی باشد. تحقیقات دقیق او و دانش درونی او از دین و فرهنگ، خواندن درام اسلامی را برای محققان تئاتر جهان عرب، درام مذهبی و برای کلاس‌های جهانی تئاتر ضروری می‌سازد. ■

✽ Dixie Beadle, دانشگاه ویسکونسن

در عوض رویکرد نویسنده نسبت به هنر تعزیه با شکلی از تخیل و افسانه در قیاس با حقیقت تاریخ کربلا و حوادث آن همراه است.

اگرچه گردآوری اسناد که بتواند به عنوان سند و مدرک در تاریخ‌نگاری مورد استفاده باشد، سخت است، نویسنده کوشیده که ظهور درامی هم‌زمان در یونان و مصر باستان را بازسازی کند؛ بر این اساس ملک‌پور شکل غربی نمایش را با مذاهب پیش از مسیحیت در ایران و مصر ترکیب می‌کند تا به گونه‌ای مستقیم تأثیر آن بر تعزیه امروز را بی‌گیری کند.

پس از آن خاستگاه و مسیر تکاملی تعزیه را در بخش‌های بعدی توضیح می‌دهد و آن‌گاه به جزئیاتی نظیر ژانر، سبک و تولید می‌پردازد و شرح داستان ساختار نمایشی را روشن می‌کند تا خواننده به درک درستی از جایگاه این هنر و آنچه هست، برسد.

تجزیه و تحلیل فضای اجرا، نزدیکی و روابط مخاطب-بازیگر، شیوه اجرا، مدیریت صحنه، افکت‌های صوتی، بده و بستان شعری، استفاده نمادین از آکسسوار و طراحی صحنه و لباس، خوانندگان را در مورد شیوه‌های تولید مطلع می‌کند. فصل‌های پایانی کتاب نیز به طور مختصر

روشن و موجز دارد که در آن به شیوه‌های منحصر به فرد، به معرفی تاریخ، فرهنگ، مذهب و شیوه‌های آیینی در فصل اول می‌پردازد.

در پیوست مطالب نیز شرح عمیقی از اجرا و تولید عرضه می‌کند؛ ضمن آنکه تصاویری زنده، جامع و جذاب برای آن دسته از محققان تئاتر غرب که با این حوزه آشنایی ندارند، عرضه می‌کند.

در ضمن از آنجا که تعزیه به ندرت در خارج از ایران اجرا شده، عکس‌ها، نقاشی‌ها، فرش‌ها و دسته‌های عزاداری که برای امام حسین و شهادت اوست، منبع بصری بسیار ارزشمندی به شمار می‌رود.

این تصاویر شکاف میان تئاتر غیردینی با تئاتر دینی و روحانی نظیر تعزیه را که بر ایمان، رنج، شهادت و رستگاری استوار است، پر می‌کند و پلی است میان این دو دیدگاه در تئاتر.

در فصل اول کتاب، تجربه‌های تاریخی که به تئاتر امروزی مسلمانان شیعه در ایران منجر شده، پیش روی خواننده قرار می‌گیرد تا درک بهتری از مفهوم روحانی شهادت امام حسین و پیروانش به دست دهد. ملک‌پور در این بخش پیشینه داستان کربلا و اتفاقاتی را که برای امام حسین و یارانش رخ داد، به طور خلاصه شرح می‌دهد و در عین حال از هرگونه داوری، له یا علیه سنی و شیعه پرهیز می‌کند.



طراح: رضا ملكی نژاد

## نسخ تعزیه

# مجلس تعزیه روح الارواح

تعزیه «روح الارواح» یکی از مجالس تعزیه است که به واقعه کربلا مربوط می‌شود. تعزیه‌نویس در روز عاشورا به سراغ ارواح اهل بیت <sup>a</sup> در بهشت برین رفته و نشان داده است که چگونه آنها منتظر قدم شهدای دشت پرلای کربلا، به‌ویژه امام حسین <sup>a</sup> هستند. شخصیت‌های این نسخه تعزیه از جنس ملک و ارواح طیبه‌اند. در این مجلس، تعزیه‌سرا عنان تخیل را رها کرده است تا به بهشت برود و احوالات ارواح مقدس پیامبر اسلام <sup>s</sup>، حضرت علی <sup>a</sup>، امام حسن <sup>a</sup> و حضرت فاطمه <sup>h</sup> را قبل از رسیدن ارواح شهدای کربلا به بهشت به معرض نمایش درآورد و به عبارت دیگر، واقعه کربلا را از زاویه دیگری نگاه کرده است. این مجلس تعزیه متعلق به مجموعه رجعی معینان از تعزیه‌گردانان باسابقه گرمسار است. در اینجا بخش انتهایی این مجلس آورده می‌شود؛ زمانی که جبرئیل خبر ورود امام حسین <sup>a</sup> به بهشت را می‌دهد و وی با پیامبر <sup>s</sup> و امامان علی <sup>a</sup> و حسن <sup>a</sup> و حضرت فاطمه <sup>h</sup> زهرا <sup>h</sup> به گفت‌وگو مشغول می‌شود. نسخه کامل این مجلس تعزیه در کتاب «دفتر تعزیه ۱۰» به کوشش داوود فتحعلی‌بیگی و رجعی معینان از سوی انتشارات «نمایش» آورده شده است.

### جبرئیل:

وای از ظلم قوم بی‌پروا  
غلغله افتاد در زمین و سما  
حاملین عرش را نگه دارید  
قدسیان خون ز دیدگان بارید

لوح و کرسی بگیر میکائیل  
صور محشر بزنی تو اسرافیل  
ملک ارض، گیر دنیا را  
ملک بحر، گیر دریا را

مصطفی را دهید دلداری  
مرتضی را کنید غمخواری  
حوریان دور فاطمه گیرید  
اشک حسرت همه شما ریزید

به حسن تسلیت دهید شما  
در عزای شهید کرب و بلا  
بنمایید خلد را زینت  
که رسد روح او سوی جنت  
خیل کروبیان به استعجال  
همه آید بهر استقبال  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

عزیزان من که مقتول از سنینم  
شه لب‌تشنه بی‌یاور حسینم  
به راه امت جدم پیمبر  
به دادم سر، شدم کشته ز خنجر  
ولی از تشنگی جانم کباب است  
دلم سوزان برای جرعه آب است  
حضرت علی <sup>a</sup>:

حسین ای گوشوار عرش داور  
حسین ای کشته قوم ستمگر  
بیا کن آب نوش ای نور چشمان  
به قربان تو و این لعل عطشان

### حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

بگو چگونه خورم آب ای جناب پدر  
که تشنه‌اند عیال من حزین یک‌سر  
خبر نداری الا سرفراز کل‌امم  
چگونه تشنگی افتاد در میان حرم  
حضرت امام حسن <sup>a</sup>:

چه حال است ای برادر جان فدایت  
به قربان تو و این زخم‌هایت  
کدامین بی‌حیا بر تو جفا کرد  
سر پاک تو را از تن جدا کرد  
بیان فرما تو احوالت برادر

چه‌ها آمد تو را از کینه بر سر  
حضرت علی <sup>a</sup>:

بگوی حال خود ای نور دیده تر من  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

چه گویم آنکه چه‌ها آمده است بر سر من  
حضرت علی <sup>a</sup>:

برای چیست که پر خون بود تو را پیکر  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

بدان که هست همه جای نیزه و خنجر  
حضرت علی <sup>a</sup>:

چرا گشته قدت خم ای گزیده ناس  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

بدان که خم شده از داغ حضرت عباس  
حضرت علی <sup>a</sup>:

چرا پریده ز روی تو رنگ ای بابا  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

ز داغ اکبر خود بی‌قرارم ای بابا  
حضرت علی <sup>a</sup>:

چرا که دوش تو گردیده است از خون تر  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

بود نشانه‌ای از خون خنجر اصغر  
حضرت علی <sup>a</sup>:

خدا سیاه کند روی دشمنان تو را

که کشته‌اند ز کین یار و یاوران تو را  
روانه شو به بر جد خود به شور نوا  
بکن شکایت آن قوم شوم بی‌پروا  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

سلام من به تو ای جد امجد والا  
بین حسین تو آمد ز دشت کرب و بلا  
ندانی آنکه به ما امت چه‌ها کردند  
شهید کینه جوانانم از جفا کردند  
حضرت محمد <sup>s</sup>:

چه حالت است که بینم تو را الا افگار  
حضرت امام حسین <sup>s</sup>:

ندانم آنکه چه گویم الا شه ابرار  
حضرت محمد <sup>s</sup>:

کدام ظالم بی‌دین سرت برید از تن  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

بدان ز خنجر بیداد شمر ذالجوشن  
حضرت محمد <sup>s</sup>:

چرا که رحم نکردت سرت چگونه برید  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

سر از قفای من زار تشنه لب ببرید  
حضرت محمد <sup>s</sup>:

چرا برهنه و عریانی ای ضیاء بصر  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

برهنه خصم، تنم را نمودای سرور  
حضرت محمد <sup>s</sup>:

چرا که لاله روی تو گشته پژمرده  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

بلی چنین بود احوال نوجوان مرده  
حضرت محمد <sup>s</sup>:

چرا که موی سرت یا حسین سفید شده  
حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

سفید از غم عباس نامید شده  
(بالافاصله) حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

بیا تو فاطمه، آمد حسین تشنه جگر

سر بریده به کف از جفای قوم شر  
بیا بین که چه حال است نور دیده تو  
شهید راه خدا گشته برگزیده تو  
حضرت فاطمه <sup>h</sup>:

قربان تو ای حسین مظلوم  
از عمر چرا شدی تو محروم  
قربان سر بریده تو  
کامی ز جهان ندیده تو  
برگو که چرا شهید گشتی  
از عمر تو ناامید گشتی

حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

مادر، ز جفای شامیان داد  
وز جور و ستم هزار فریاد  
کشند تمام یاورانم  
دادند به باد، خانمانم

بردند عیال من به خواری  
در شام ز کین شترسواری  
حضرت فاطمه <sup>h</sup>:

یارب بین که کوفی و شامی بی‌حیا  
کردند با حسین من از کین چه ظلم‌ها  
ای نور دیده‌ام حسن مجتبی بین  
بر حالت حسین قتیل جفا بین

حضرت امام حسن <sup>a</sup>:

هزار لعنت حق بر یزید و ابن‌زیاد  
که ظلم‌ها به تو کردند ای شه ایجاد  
برو به سوی جنان ترک آه و غوغا کن  
تو جایگاه خود ای تشنه لب تماشا کن

حضرت امام حسین <sup>a</sup>:

بزرگوار خدایا به حق آل عبا  
به حق خون شهیدان دشت کرب و بلا  
به حق در به دری‌های زینب مضطر  
به حق قاسم و عباس و اکبر و اصغر

بیخس جرم زن و مرد تعزیه‌داران  
به روز حشر تو ای کردگار کن و مکان

# برخی نشانه‌ها و نمادها در شبیه‌خوانی

■ جابر عنصری\* ■

تعزیه به شاگردان خود تمام این علائم و نشانه‌ها را که در اکثر موارد چشم‌به‌چشم و دهان‌به‌دهان (افواهی) و سینه‌به‌سینه از پیشکسوتان این هنر قدسی فراگرفته‌اند، به ظرافت و کوشش تمام یاد می‌دهد. از این روست که در قلمرو آموزش و پرورش در شبیه‌خوانی، توجه به شعارها و دتارها و علائم و نشانه‌ها، میحت تأمل برانگیز نشانه‌شناسی و نمادشناسی را به شبیه‌خوان سفارش می‌نمایند و کسب اطلاعات مربوط به معانی و تمثیل‌ها و تمثال‌ها را توصیه می‌نمایند. اشاره‌ای به برخی از نشانه‌ها و نمادها را در پیش‌رو داریم.

و رفتار است. دو واژه: «شعار» (به کسر شین، علامت، علامت گروهی از مردم و...) و «دتار» (به کسر دال، لباس رو، لباسی که روی لباس‌های دیگر بر تن کنند) از لحاظ معنوی و صوتی، مکرر در توضیح مباحث شبیه‌خوانی به کار می‌رود.

سمبولیزم رنگ و روان‌شناسی رفتار و رفتارشناسی متکی به حرکات سنجیده، با درون‌نمایه‌ای برجسته، به همراه کاربرد فرهنگ مادی در کنار فرهنگ معنوی، تعزیه و شبیه‌خوانی را - بسیار هنگام - به صور خیالی دل‌انگیز و حظ‌بصر چشم‌نواز می‌کشاند. معین‌الکاء خبیر، ضمن تعلیم ریزکاری‌های متعلق به حریم

پیش‌سیمرغ آن کسی اکسیر ساخت کو زبان جمله مرغان شناخت هنر پرمعنی تعزیه و شبیه‌خوانی از مناظر و دیدگاه‌ها و از طریق نحله‌ها و مکتب‌های بسیاری قابل توجیه و تفسیر است. شبیه‌خوانی در عین حال که در بسیاری موارد از شیوه واقع‌گرایی و رئالیسم و طبیعت‌گرایی - با توجه به شرایط اکولوژیکی و اقلیم‌شناسی، در آماده ساختن میدان یا آراستن مصطبه‌ها و سکوها بهره می‌گیرد، اما - این هنر ظریف - مبتنی بر علائم و نشانه‌ها و نمادهای فراوان قابل توجه و توجیه و دقت و شناخت و سپس کاربرد این نشانه‌ها در گفتار

## برخی از نشانه‌ها و نمادها در شبیه‌خوانی

* ممکن است در هر منطقه، بنا به شرایط اقلیمی یا آداب و رسوم ویژه و ... نشانه‌ها و نمادها متغیر باشد.	
نشانه‌ها و نمادها	منشأ نشانه‌ها و نمادها
نماد فرات. نماد نخلستان. نماد برید و قاصد و معراج، روح و ... تصویرسازی حافظ در مورد پرنده و نمادین بودن آن قابل توجه است	۱ تشن، کاسه و ... ۲ گلدانی از گل یا شاخه درخت ۳ پرنده و کبوتر
مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم	زبانحال پرندگان خون‌چکان بدا از ماجرای پشت طوقان‌زا:
حجة‌الحق این سینا نیز در مطلع قصیده عینی، اشاره‌ای ظریف به این موضوع دارد: هبطت الیک من المحل الارتفاع ورقا، ذات تعزرا و تمنا برگردان: از محل رفیعی (پردیس برین) به جهان خاکی هیوط کردم. ورقا، (به فتح واو و سکون را) = کبوتر. و پرنده‌ای هستم که در آرزوی پروازم در مجلس شبیه‌خوانی حضرت سلیمان و ملکه سبا نیز هدهد نقش اساسی دارد. عارف گران‌قدر فریدالدین عطار در ابیات آغازین منطق‌الطیر به این مطلب اشاره می‌کند: مرحبا ای هدهد هادی شده در طریقت پیک هر وادی شده (پیک = برید و نذیر و بشیر و قاصد و ...) در قصص انبیاء نیز به سمت برید بودن کبوتر اشاره شده است.	همین خون کر پرو بالم چکان است شهادت از زبانی بی‌زبان است
نشانه و نماد تابوت.	۴ یک لته تخته
به نشان اینکه هر موقع خاک، رنگ خون گرفت، شهادت صورت گرفته است. در مجلس شبیه‌خوانی، حجة‌الوداع، بانوی باحساس، ام‌سلمه از زوجه‌های رسول خدا خطاب به حضرت سیدالشهداء <sup>a</sup> می‌گوید: تو چون که عالم راز نهانی ای سرور ز سز این سفرم ساز از وفا مخبر بمن بگو که چه خواهد گذشت از بد و نیک در این سفر به تو ای رهنمای جن و بشر چراکه شیشه خاکی ز خاک کرب و بلا سپرده است به این زار خسته، پیغمبر دلیم ز واهمه آن بسی هراسان است برآرم، از غم و تشویش ای ضیاء بصر (برگرفته از: مجلس جاخالی یا حجة‌الوداع، مندرج در کتاب: ادبیات نمایشی مذهبی - هفت پرده عشق - به کوشش: عنصری، جابر. ص ۸۴)	۵ خاک در شیشه کردن
در جواب ام سلمه، سیدالشهداء <sup>a</sup> می‌فرمایند که هر زمان که لون آن خاک برگشت و خون آلود شد، بدان که من و یارانم شهید شهادت نوشیده‌ایم. در مجلس: سلطان قیس و زعفر جنی نیز چنین مطلبی مطرح شده است.	



۶	حمل غم سیاه از طرف بشیر و قاصد	نشان و نماد سوگواری و وقوع حادثه‌ای جان‌گداز و اعلام مصیبت‌المبار است. مرحوم استاد بیضای اردبیلی در بیتی نغز به این مسئله اشاره دارد: أغلاماق قاره غم لردن علامت دو و بیزه کی یتوب ماه عزا، بیله روایت دو و بیزه برگردان: گریستن از مشاهده افراشته‌شدن علم‌های سیاه برای ما نشانه است. که ماه عزا رسیده و چنین روایت شده است.
۷	گرداندن اسب به دور جعبه نعش در مراسم شبیه‌خوانی	به نشان بی‌راکب شدن این مرکب خونین‌بال و بی‌سرور است. اینک اسب‌سوار رزمجو، جان‌خسته و مرکب تیزگام را به افساری پاره و زین اسب برگشته از پشت و پال و دم بریده به نشان عزادار بودن مردم و ... در برخی از نقاط ایران، آیین کتل بستن، همان چرخاندن اسب شخص متوفی به دور سکو (=مافگه) ای که سوگ‌نوازان در روی آن سکو، مراسم گاگریو و ماتم عظمی را به‌جا می‌آورند. در مراسم شبیه‌خوانی، عمامه خون‌آلود و شمشیر شکسته و سپر، سوار بی‌سر، بر روی پارچه سفید یا سبز روان‌داز اسب دیده می‌شود. در حال گردان اسب تیرخورده و پیکان‌های سمی بر پیکرش نشسته، اهل حرم به سوی اسب که خبرآور شهادت است، می‌دوند و گلخون لخته جگرشان را بر دهان می‌آورند و گلبانگ برمی‌زنند که: ای اسب وفادار، همایون پدرم کو؟ ای مرکب آغشته به خون، تاج سزم کو؟ کو ماه ولایت، سلطان هدایت، آن بحر عنایت مولای دو عالم، مه نیکوستیرم کو؟ ... جسم تو که از تیر چنین غرقه به خون است آیا بدن راکب مظلوم تو چون است؟ ای اسب وفادار، کو باب من زار، آن خسرو ابرار آن کوکب دین، نیز شمس و قمرم کو؟ آن داغ جوان‌دیده خونین‌جگرم کو؟ (برگرفته از کتاب، شبیه‌نامه: دیر مکافات، عناصری، جابر، ص ۳۳) نشان و نماد شروع جنگ، تا زمانی که آستین قبا بالا زده نشده، جنگ و هل من مبارز خواندن صورت نخواهد گرفت. نشان دیگری از وقوع جنگ است.
۸	آستین‌های قبا را بالا زدن	
۹	انتهای قبا را به زیر کمر بند کشیدن	
۱۰	تقاب سفید	علامت شخصیت غایب (از سوی اولیاء) و ارواحی است که به رخصت و اذن حضرت پروردگار از عرش برین بر فرش خاکی فرود می‌آیند. سفید، رنگی است برای نشان دادن شخصیت این اولیاء به مصداق: ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است. استفاده از تقاب سفید برای اولیاء در حین زنده بودن غلط است. نشان زندگی و رشد و بالش و حضور در این جهان و استمرار حیات است. گرم کردن معرکه و ایجاد هیجان و ...
۱۱	تقاب سبز	
۱۲	جولان دادن اسب	
۱۳	دست بر پیشانی چپر و سایه‌بان ساختن	علامت به‌دقت نگریستن، مخصوصاً به مسافت دور دست است. تا از وجود کسی یا شیئی آگاه شوند. (هر چند این مسافت چندان هم بعید از نظر نباشد.)
۱۴	باز کردن یقه	علامت جامه‌دران و به سوگ نشستن.
۱۵	بستن یقه	نشان اتمام عزا و یقه‌بندان از رسوم سوگواری است که دیگران در مورد عزاداران یا عزادار به‌جا می‌آورند. مظهر قدرت علامت توبه و پشیمانی
۱۶	شیر	
۱۷	پرکردن چکمه‌ها از شن و آویختن آن به گردن	
۱۸	بستن چشمان (به‌خصوص در مجلس حر)	علامت توبه و خجالت در مجلس شبیه‌خوانی حر، آن دلاور آزاده خطاب به برادرش مصعب می‌گوید: حر: ای برادر بیا به صد غم و آه چشم من بند از برای خدا مصعب: بیا که چشم تو بندم کنون به دیده تر مکن فغان و مزن این همه به سینه و سر همه با هم بخوانند: ای شاه غم‌رس، التوبه توبه فریاد من رس، التوبه توبه کردم چقاها، بر آل طاها ای شاه بطحا، التوبه توبه من بی‌پناهم، من عذر خواهم من روسیاهم، التوبه توبه لشکر کشیدم، راحت بریدم گشتم پشیمان، التوبه توبه

(چاپ اول و دوم و سوم، از انتشارات سروش) به‌تفصیل ابعاد نمادین اساطیر در ایران را در «سور» و «سوغ» به رشته تحریر در آورده‌ام. (هزار نکته باریک‌تر ز مو اینجاست/ نه هر که سر بتراشد، قلندری داند) ■

مطابقت داده شود. کما اینکه در قلمرو اساطیر در ایران و بسیاری از کشورها و در محدوده تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، به نشانه‌های همسان برخورد می‌کنیم. یاری ایرانیان در ساختن و پرداختن و ارائه این مجالس با همه قراردادهای و نشانه‌ها، خود مستلزم تحریر کتاب مفصلی است و راقم این سطور به‌ویژه در کتاب «شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان»

نشانه‌ها و نمادها در لباس‌ها، میدان‌آرایی، اجرای موسیقی، دستوره‌های معین‌البکاء به شبیه‌خوانان، شبیه‌خوانی، فاصله‌اندازی، پرکردن فاصله اجرایی از طریق گروه‌نوازندگان، تلخیص مجلس شبیه‌خوانی با ذکر: «طول سخن باعث ملال» و ... در تمام مجالس شبیه‌خوانی وجود دارد. و شرحی مستوفی و مفصل لازم است تا کل این نشانه‌ها را بررسی و با آیین‌های مشابه



## تعزیه خوانی که مخالف نمی خواند

■ هانیه خاکپور ■

و ما هر سال در ماه محرم مراسم تعزیه خوانی برگزار می کنیم.»

او به بی سوادی خود اشاره می کند؛ ولی می گوید که برخی متون تعزیه را این قدر شنیده است که حفظ شده و قبلاً هم با بچه ها تمرین و اشکالات آنها را برطرف می کرده است و توضیح می دهد: «من بچه ها را تشویق می کردم که به کار تعزیه خوانی وارد شوند. خودم هم به تعزیه خوانی علاقه داشتم؛ اما سواد نداشتم که بتوانم آنها را بخوانم. فقط در کار تدارکات به آنها کمک می کردم و سر مجلس تا می گفتند فلان چیز را احتیاج داریم، من برایشان آماده می کردم.»

فاطمه خویی دربارهٔ تعزیه خوانی شهید بابایی می گوید: «عباس از بچه سالی تعزیه خوانی را شروع کرد؛ اما او در ابتدا نگران درس هایش بود و زمان هایی که درس نداشت، سراغ این کار می رفت. اول به کلاس هایش می رسید، درسش را اول نمی کرد. گاهی که بیکار بود با برادران و دوستانش به تماشای این مجالس می رفت.»

وی ادامه می دهد: «عباس بیرون و برای جاهای دیگر تعزیه نمی خواند و این طرف، آن طرف نمی رفت. هر چند پدرش تعزیه خوان بزرگی بود و به محله ها و حتی شهرهای دیگر هم در مناسبت های مختلف مانند ماه محرم و عید غدیر و عید قربان برای تعزیه خوانی می رفت، عباس فقط وقتی در خانه خودمان تعزیه اجرا می شد، می خواند و بقیه غلط هایش را می گرفتند.»

مادر شهید بابایی می گوید که شهید بابایی بیشتر به نقش خوانی علاقه داشت و آنچنان به دنبال موسیقی تعزیه نبود، هر چند که گاهی شیپور هم می زد و البته کمتر، طبل و اضافه می کند: «عباس به تعزیه علاقه مند بود. مخالف خوانی نمی کرد، فقط امام خوانی می کرد. وقتی با داماد و پسر -محمد- با هم بودند، متون تعزیه را می خواندند و ایرادات و اشتباه های هم را می گرفتند.»

### تعزیه محرم را رها نکن

برادرش -حاج رجب- هم که تعزیه خوانی می کند و مجلس گردان و مخالف خوان قدری است، می گوید: «پسران دیگر من هم تعزیه خوان هستند. هنوز هم در ایام محرم مجلس تعزیه برگزار می کنیم؛ زیرا حاج آقا سفارش کرده و قسم داده است که «تعزیه ماه محرم را رها نکن و در این خانه بسته نباشد.» الان هم پسر و داماد بانیا این مجالس تعزیه در ماه محرم هستند که به مدت ده شب برگزار می شود.»

وقتی از مادر شهید عباس بابایی می خواهیم خاطره ای از تعزیه خوانی ایشسان بگوییم، به دلیل

آنچنان که اهالی خانه می گویند، حدود ۲۸۰ نسخه تعزیه در این موزه وجود دارد و بسیاری لباس ها، ابزار آلات جنگی از قبیل سپر، زره، کلاه خود و شمشیر متعلق به شخصیت های تعزیه در آن نگهداری می شود و هنوز هم که در ماه محرم در این خانه مجالس تعزیه برپا می شود، از این وسایل استفاده می کنند.

پدر شهید بابایی، حاج اسماعیل بابایی، از تعزیه خوانان بزرگ و معروف قزوین است. خانواده او نیز تعزیه خوان بوده اند.

مادر شهید بابایی چند سالی است که ناخوش احوال است و توانایی گفت و گو و به یادآوری خاطرات را ندارد. از او همین قدر می شنوم که: «تعزیه خوانی در خانواده حاج آقا موروثی بود. او متون تعزیه، نحوه خواندن، تنظیم صدا و اوج و فرودهای آن را در کنار تعزیه خوانان قدیمی تر یاد گرفته است. پسران من هم وقتی بزرگ شدند، به کار تعزیه خوانی مشغول شدند

قزوین، خیابان سعدی، کوچه شهید بابایی. به قزوین که می روی، از هر کسی سراغ خانه شهید بابایی را بگیری، می داند و راهنمایی ات می کند. به کوچه شهید بابایی که وارد می شوم، روبه رویم عکس بزرگ شهید بابایی قرار دارد که روی دیوار بیرونی خانه نقاشی شده است.

از در که داخل می شوم، حیاط خانه پر است از ویترین هایی حاوی لباس ها و عکس های متعلق به شهید بابایی و در لابه لای آنها آلات و ادوات مخصوص تعزیه خوانی نیز دیده می شود؛ چرا که حاج اسماعیل بابایی، پدر شهید و خانواده او همگی تعزیه خوان و برپاکننده مجالس تعزیه بوده اند.

در داخل خانه نیز اتاقی به عکس ها، وسایل، نامه ها، الواح تقدیر و وسایل تعزیه خوانی اختصاص داده شده و قرار است از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به عنوان موزه شهید بابایی به ثبت برسد.

عباس از بچه سالی شروع به تعزیه خوانی کرد اما او در ابتدا نگران درس هایش بود و زمان هایی که درس نداشت سراغ این کار می رفت.



کسالتی که دارد، می‌گوید: «من خاطره‌ای ندارم که بخواهم بگویم. بعضی وقت‌ها که به یاد عباس و تعزیه‌خوانی او می‌افتم، یک دل‌سیر گریه می‌کنم که ساکت و آرام شوم.»

او اما این روزها گاهی به محمد -برادر شهید بابایی- می‌گوید تا برایش از مجالس تعزیه مانند علی‌اکبر<sup>ع</sup> و علی‌اصغر<sup>ع</sup> تعزیه‌خوانی کند و او گوش می‌کند.

محمد بابایی -برادر شهید- نیز از میراث تعزیه‌خوانی در خانواده خود شروع می‌کند و می‌گوید: «من از ابتدای نوجوانی که یاد می‌آید، پدرم در کار تعزیه بود. خود ایشان می‌گفت که تعزیه‌خوانی را از پدرش به ارث برده و پدر بزرگم هم در کار تعزیه‌خوانی بوده و عشق و علاقه بسیاری به این کار داشت. ما هم از طریق پدرمان به تعزیه و هیئت‌های متفاوتی که در طول سال برگزار می‌کردیم، علاقه‌مند شدیم.»

وی می‌افزاید: «پدر من چون عشق و علاقه بسیاری به تعزیه‌خوانی داشت، بیشتر وقت خود را در این کار صرف می‌کرد؛ اما قبل از آنکه مجالس تعزیه باشد، در مساجد و هیئت‌ها نوحه‌خوانی و سینه‌زنی داشت و جزو هیئت امنای مسجد محل بود؛ به انجام رساندن مراسم تعزیه هم از همین‌جا اشاعه پیدا کرد. ایشان علاقه خاصی نسبت به مراسم تعزیه داشت و سعی می‌کرد که هر سال آن را توسعه دهد.»

محمد بابایی همچنین توضیح می‌دهد: «تا زمانی که پدرم در قید حیات بود، بیشتر ایام سال و در هر مناسبتی که بود، برای اکثر امامان<sup>ع</sup>، تعزیه می‌خواند. اواخر حیاتش هم از دو ماه مانده به ماه محرم، جمعه‌ها در همین‌جا مراسم تعزیه را برگزار و از بهترین تعزیه‌خوان‌های کشور دعوت می‌کرد؛ چون قبل از ماه محرم فرصت مناسبی برای تعزیه‌خوانان بود که در چنین جایی حضور داشته باشند.

آنها بیشتر از تهران و اصفهان می‌آمدند؛ تعزیه‌خوانانی همچون محمد رضایی، رضا حیدری، هاشم فیاض، علاءالدین قاسمی و دیگر استادان تعزیه، بدون هیچ چشمداشتی و با علاقه کامل به مجالس ما می‌آمدند و تعزیه‌خوانی می‌کردند.

در ایام محرم نیز چون اکثر تعزیه‌خوانان با شهرهای دیگر قرارداد داشتند، می‌رفتند و تعزیه‌خوان‌های ثابت خودمان می‌ماندند و برای ماه محرم می‌خواندند؛ البته گاهی که از تهران تعزیه‌خوانی به عنوان مهمان می‌آمد، برای ما هم می‌خواند.»

برادر شهید بابایی چنین ادامه می‌دهد که در این جمعه‌های قبل از ماه محرم، بیشتر تعزیه‌های غریبه

مانند غدیر خم، خلیل رحمان، مالک اشتر و فضل و فتاح را می‌خواندند که در ایام محرم خوانده نمی‌شود و برای مردمی که اینها را ندیده بودند، بسیار جذاب بود.

وی درباره تعزیه‌خوانی شهید بابایی می‌گوید: «ایشان در زمان نوجوانی و جوانی بیشتر در تعزیه‌خوانی‌ها حضور داشت؛ اما از وقتی که برای نیروی هوایی به تهران رفت که گمان کنم حدود سال ۴۷ بود، دیگر وقت نداشت و حضورش در تعزیه‌خوانی کمتر شد.

پدرم که نقش‌ها را تقسیم می‌کرد، به شهید بابایی معمولاً نقش‌های ساده را می‌داد که وقتش چندان گرفته نشود؛ چون ایشان سر راهش به اینجا می‌آمد و بیشتر یا می‌خواست به جبهه برود یا برای مأموریت برود؛ البته وقتی ایشان به ارتش و نیروی هوایی وارد

نشده بود و فرصت بیشتری داشت و می‌توانست تا آخر مجلس تعزیه را به صورت کامل بماند، نقش‌های بزرگ‌تری را قبول می‌کرد و در زمان محصلی‌اش، علی‌اکبر هم می‌خواند.»

### لذت از تعزیه‌خوانی

وی درباره نقش‌خوانی شهید بابایی می‌گوید: «از آنجا که پدرم در کار تعزیه‌خوانی بود، ما هم به تعزیه علاقه‌مند شدیم. ما همه تجربی و پیش‌پدرمان یاد می‌گرفتیم. هر تعزیه‌ای که می‌خواندیم، پدر در آخر به ما می‌گفت که چه جاهایی را اشتباه خواندیم و آنها را به ما گوشزد می‌کرد و از جلسه بعد سعی می‌کردیم آن اشکالات را رفع کنیم.

شهید بابایی هم به همین ترتیب برای حضور در تعزیه علاقه‌مند شد و به عنوان تبرک در مجلس حتی با خواندن یک نقش بسیار ساده مثل عرب در



بعضی وقت‌ها که به یاد عباس و تعزیه‌خوانی او می‌افتم، یک دل‌سیر گریه می‌کنم که ساکت و آرام شوم.



خیلی دوست داشت و من نمی‌دانم از چه نظر این نقش برای ایشان دوست‌داشتنی بود؛ حتی پابرهنه آن را انجام می‌داد. واقعاً هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که یک خلبان و یک تیمسار این کار را کند و برایشان تعجب‌آور بود.»

محمد بابایی که شش سال از شهید بابایی کوچک‌تر است، در مجلس، تعزیه حضرت رقیه را می‌خوانده و شهید بابایی هم علی‌اکبر می‌خوانده است. او بیان می‌کند: «ایشان بعد از انقلاب که مشکل کاری داشت، کمتر می‌توانست برای تعزیه وقت بگذارد، برای همه مجالس نمی‌توانست بیایند و در مجالس خاصی حضور داشت.»

وی توضیح می‌دهد: «خانه ما بعد از شهادت برادرم به نام خانه شهید بابایی نام گرفت و از شهرت بیشتری برخوردار شد. کمابیش از اکثر نقاط شهر برای دیدن تعزیه به اینجا می‌آیند و اینجا این قدر فضا مملو از جمعیت می‌شود که دیگر جا حتی برای ایستادن هم پیدا نمی‌شود و ما گاهی مجبور می‌شویم از نیروهای انتظامی برای آرامش و امنیت فضای اینجا کمک بگیریم.»

محمد بابایی درباره خانه‌ای که به نام شهید بابایی نام گرفته، می‌گوید: «اینجا قرار است از طرف میراث

آهنگی را که لازم بود بخواند، می‌دانست که مثلاً با فلان شعر چه آهنگی بخواند.»

محمد بابایی از خاطرات تعزیه‌خوانی شهید بابایی می‌گوید: «یک شب با شهید اردستانی به اینجا آمدند که تعزیه حضرت مسلم قرار بود اجرا شود. ایشان نقش صیاد را به شهید اردستانی داد. او اصلاً تعزیه نخوانده بود؛ اما بسیار انسان ترسوی بود. نقش را پذیرفت و لباس را پوشید و برای اولین بار تعزیه‌خوانی کرد. انتهای برنامه شهید بابایی با ایشان شوخی می‌کرد که «بلد نبودی!»

در آن مجلس شهید بابایی نقش خوانی نکرد و فقط آن نقش را به شهید اردستانی داد و خودش هم کناری ایستاده بود و گوش می‌کرد.»

او همچنین از دایه‌اش -حاج رجب خویینی- که مخالف‌خوان است، نقل می‌کند که در تعزیه امام حسین <sup>ع</sup> که در میدان ولیعصر برپا شده بود، شهید بابایی سوار اسب شده بود. یک دور که اسب را گرداند، از آن پیاده شد. بعد پرسیدند: «چرا این کار را کردی؟» گفت: «مرا غرور گرفت، این بود که پیاده شدم.»

برادر شهید بالایی می‌گوید: «شهید بابایی در مجلس شهادت امام حسین <sup>ع</sup>، نقش عرب را

تعزیه امام حسین <sup>ع</sup> شرکت می‌کرد و خودش با همین نقش‌ها هم ارضا می‌شد و از پوشیدن لباس و خواندن تعزیه لذت می‌برد که خودش را با دیگر مردم وفق بدهد. در واقع تعصب به نقش خاصی نداشت و بیشتر هدفش این بود که در کار تعزیه حضور داشته باشد؛ البته اصلاً مخالف نمی‌خواند و بیشتر نقش موافق می‌گرفت.»

محمد بابایی می‌گوید: «شهید بابایی برایش فرقی نمی‌کرد که حتماً نقش اصلی بخواند یا اینکه حتماً در تعزیه نقش خوانی داشته باشد، بلکه اگر نقشی برایش پیدا نمی‌شد، مثلاً کفش‌ها را جفت می‌کرد یا چای می‌ریخت. برایش مهم بود که در مجلس امام حسین <sup>ع</sup> خدمتی کند. روز عاشورا هم که ما نذری داشتیم، دیگ‌ها را او با همسرش می‌شست و وقتی بقیه می‌دیدند، متعجب می‌شدند.»

وی درباره استعدادهای شهید بابایی در تعزیه‌خوانی می‌گوید: «ایشان وقتی تعزیه می‌خواند، استادان تعزیه می‌گفتند که استعدادش خوب است و برای تعزیه‌خوانی صدا و علاقه هم داشت. در واقع کسی که خواننده است، می‌داند چه باید بکند. شهید بابایی هم وقتی به متن تعزیه نگاه می‌کرد، دیگر لازم نبود به او بگویی باید چه کار کنی. خودش بلد بود و

شهید بابایی برایش فرق نمی‌کرد که حتماً نقش اصلی بخواند؛ حتی اگر نقش برایش پیدا نمی‌شد، کفش‌ها را جفت می‌کرد.

فرهنگی به نام موزه منزل شهید بابایی نام گذاری شود؛ اما هنوز به ثبت نرسیده است.»

وی می‌گوید: «وسایل تزییناتی را که در اینجاست، پدرم فراهم کرده و آنها را خریده بود. منزل ما از شهادت برادرم و حدوداً نزدیک به ۲۳ سال است که به این شکل درآمده است. ما نیز بعد از فوت پدرم به سفارش ایشان هر ساله سعی کردیم مجالس تزیین را برپا نگه داریم و در مجالس تزییناتی که برگزار می‌کنیم، خودم، دامادان و دایم می‌خوانیم.»

حاج حبیب زمانی که حدود بیش از ۴۰ سال است داماد این خانواده است، پسر حاج میرزا کرم زمانی است که ایشان هم تزیینات معروفی بود؛ همچنین موسیقیدان و در کار تزیین بی‌نظیر بود.

وی که خود نیز از پنج سالگی به تزیینات رو آورده است، از اهل بیت شدن و بچه‌خوانی شروع کرده تا قاسم و علی اکبر خوانی و شهادت خوانی و درباره تزیینات خوانی شهید بابایی می‌گوید: «ایشان از ۱۲ سالگی که بتواند علی اکبر و قاسم و طفلان مسلم بخواند، به کار تزیین وارد شد. پدر ایشان هم واقعاً در تزیینات استاد بود و در کودکی شاگرد کسی به نام «کلب صفر» بود که در قزوین در تکیه ملاوردی‌خان می‌خواند.»

حاج حبیب درباره دوستی پدر خود با خانواده بابایی می‌گوید: «حاج آقا بابایی و پدر من که شهرت همدیگر را در تزیینات شنیده بودند، با هم دوست شدند. آن زمان من تهران کار می‌کردم که پدرم گفت: «باید بیایی و با این خانواده وصلت کنی.» در نهایت این وصلت جور شد. شهید بابایی در آن زمان برای دیپلم درس می‌خواند و برای کنکور مدتی به تهران آمده بود و با هم بودیم. وقتی من داماد این خانواده شدم، دیگر خانواده‌های ما که هر دو هم تزیینات خوان بودند، در مجالس تزیینات همه‌ی ما می‌خواندیم.

الآن هم که هر ساله در سالن شهید بابایی تزیین می‌خوانیم، گروه خودمان است و شب‌ها هم در خانه می‌خوانیم که مجالس خانواده بابایی از ابتدا هم در همین حیاط خانه‌شان برگزار می‌شد؛ البته اگر جایی هم دعوت می‌کرد، برای تزیینات خوانی می‌رفت. نه اینکه برود پول بگیرد؛ همین‌جا هم برای برپایی مجالس از خودش خرج می‌کرد، آن هم ما از خودمان خرج می‌کنیم و گاهی اگر کسی نذری داشت می‌پذیریم.»

وی به ۲۸۰ مجلس تزییناتی که در خانه بابایی وجود دارد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «حاج آقا بابایی علاقه‌مند به تزیین بود، خودش هم تزیینات خوان استاد و ماهر بود و بسیاری نسخه‌های تزیین را که اینجا وجود دارد، خودش نوشته بود؛ حتی برخی ادوات تزیینات را مثل زره و خود خودش بافته است.

در اینجا نسخ فراوان و گاه نایابی است؛ مثل دارالتدوین، وهب یا مجلس غدیر خم که حتی اسمشان هم شنیده نشده است و اگر بخواهی نسخه‌اش را

پخش کنی، تزیینات خوانان سرگردان می‌شوند. ما هر ساله در منزل این مجالس غریبه را می‌خواندیم.»

### شما باید سرداری بخوانید

آقای زمانی درباره تزیینات خوانی شهید بابایی می‌گوید: «تزیینات در اینجا با نام «خلیل رحمان» خوانده می‌شد، آن موقع شبیه اسماعیل را شهید بابایی می‌خواند. تزیینت حضرت علی اکبر که می‌خواندیم، علی اکبر را شهید بابایی می‌خواند و انصافاً قشنگ هم می‌خواند. بعد که ایشان به آمریکا رفت و برگشت، در پایگاه اصفهان سرهنگ دو شده بود؛ اما محرم‌ها به قزوین می‌آمد. یک نفر تزیینات خوان به نام حاج آقا قنبری داشتیم که مجلس آرا بود و مخالف خوانی می‌کرد و به شهید بابایی «جناب» می‌گفت.

یک شب که قرار بود تزیینت حر ریاحی برپا شود، حاج آقا قنبری به شهید بابایی گفت «جناب شما چه می‌خوانید؟» گفت: «من یکی از همین نقش‌های کوچک را می‌خوانم.» گفت: «نه شما باید از این نقش‌های سرداری بخوانید. در تزیینت حر، ابوالفضل را بخوانید.» شهید بابایی قبول نکرد و در تزیینت حر نقش عرب را گرفت که ساربان است و زمین را به امام حسین <sup>ع</sup> می‌فروشد. یک عبا پوشید، با پاهای برهنه، سرش را هم شال عربی بست. آن شب واقعاً تزیینت همان تزیینت ساربان بود و همه را مجذوب خودش کرد.»

وی درباره خاطرات تزیینات خوانی با شهید بابایی می‌گوید: «وقتی تزیینت حضرت عباس را می‌خواندیم، ایشان علی اکبر می‌خواند. متنش این بود که «عمو جانم چرا در اضطرابی / عمو جانم چرا امشب نخوابی» شهید اینها را با طمأنینه می‌خواند و من بعد از اجرای تزیینت سربه‌سروش می‌گذاشتم و می‌گفتم: «یکی رو امروز بخوان، یکی رو فردا» و می‌خندید.»

او همچنین به یاد می‌آورد: «یک اشیخ نظری بود پسر ملامبشر که شهادت خوان و خواننده خیلی خوبی بود. ایشان ذوالفقار خوانده بود، صدای او را در کاست ضبط کرده بودند و برای شهید بابایی در آمریکا که خیلی علاقه‌مند به تزیین بود، فرستادند. او در آنجا به این کاست زیاد گوش داده و تمرین کرده بود و با همان سبک خوانده و صدایش را ضبط کرده بود و نوارش را برای ما فرستاد. ما اینجا برای آن اشیخ که نوار را گذاشتیم، خودش متوجه نشد و بعد که به او گفتیم، بسیار تعجب کرد.»

داماد خانواده شهید بابایی با این توضیح که از زمانی که جنگ شروع شد، شهید بابایی کمتر می‌توانست در مجالس تزیین شرکت کند، می‌گوید: «شهید بابایی بیشتر علاقه‌مند بود از این سفره تزیینات خوانی، لقمه‌ای بگیرد، دوست نداشت خودش را نشان بدهد.»

وی اضافه می‌کند: «در همه مجالس تزییناتی که حاج آقا بابایی برگزار می‌کرد، شهید بابایی هم اگر حضور داشت، شرکت می‌کرد؛ البته سعی

می‌کرد نقش‌های کوچک داشته باشد و مخالف هم نمی‌خواند و همیشه موافق می‌خواند.

شهید بابایی مسئولیت سنگینی داشت؛ اما تا زمانی که زنده بود، هر سال یک روز هم که شده به مجالس تزیین می‌آمد و می‌خواند، برای اینکه محروم نشود و دوباره بعد از تزیین به محل مسئولیتش برمی‌گشت.»

### شهید بابایی بلد بود

حاج حبیب با اشاره به اینکه کسی که تزیین می‌خواند، باید با دست و چشم و بدن و صدایش و همه چیز کار کند و با موسیقی هم آشنایی داشته باشد، می‌گوید: «شهید بابایی هم دستگاه‌های موسیقی را برای خوانندگی بلد بود، اصلاً بیشتر دوست داشت که نقش خوانی کند و خیلی سراغ نوازندگی برای تزیین نرفت.»

وی درباره برگزاری مجالس تزیینات خوانی می‌گوید: «ما هر ساله ۱۵-۱۰ روز در ماه محرم برنامه تزیینات خوانی داریم از قدیم و هنوز هم داریم. ۱۵-۱۰ روز هم در ماه رمضان برنامه تزیینات داشتیم که از دهم به بعد شروع می‌شد و شهبای شهادت حضرت علی <sup>ع</sup> را هم در خودش داشت؛ اما یکی دو سالی است که هوا گرم شده است و برپا کردن مجلس فشار زیادی به ما می‌آورد؛ بنابراین آن را کنسل کردیم؛ البته در جاهای دیگر مجلس شهادت حضرت علی <sup>ع</sup> را داریم؛ اما در اینجا فعلاً برنامه منحل شده است.»

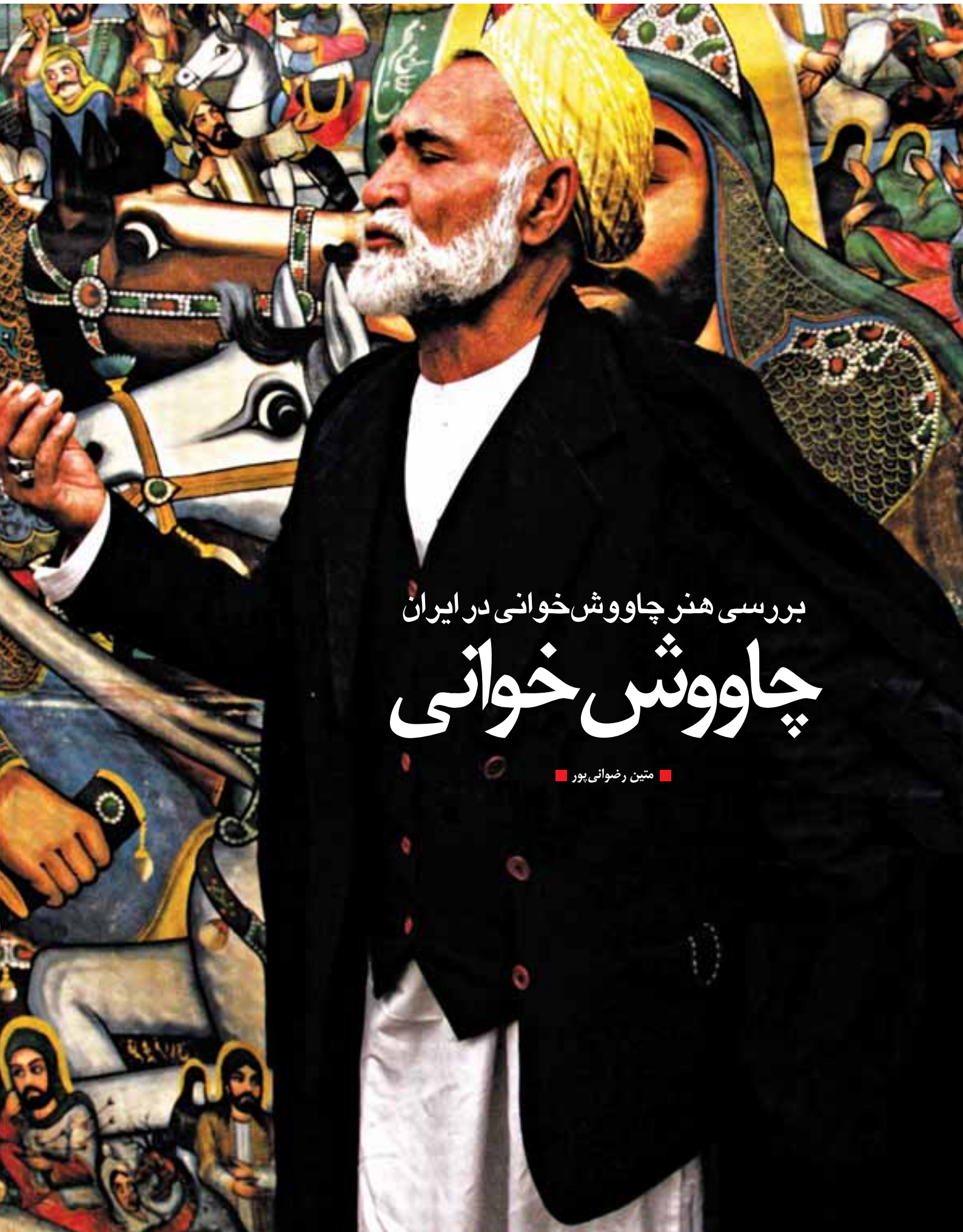
حبیب زمانی درباره ارتباط با سایر تزیینات خوانان می‌گوید: «وقتی می‌خواهیم مثلاً مجلس خروج مختار را کار کنیم، حدود ۳۰ نفر تزیینات خوان می‌خواهد به همراه لشکری که برای هر دو طرف لازم است و نیاز داریم که از خواننده‌های دیگر هم استفاده کنیم. در حسینییه یک نفر به نام احمد بلبل بود که بسیار خوب می‌خواند؛ به‌ویژه زانه‌خوانی بی‌نظیری داشت و الآن دو سال است که فوت شده؛ همچنین آقای غلامعلی ایوبی، رضا ویسی، آقای نذاف، آقای یزد و فتح الله محرابی که مخالف می‌خواند و قوی هم بود، همکاری داشتیم.»

وی درباره نقش مادر شهید بابایی هم در این مجالس تزیین می‌گوید: «حاج خانم در تزیین در کار تدارک بود و برای هر مجلس، همه وسایل لازم را تهیه می‌کرد؛ مثلاً اگر می‌خواستیم مجلس فاطمه زهرا <sup>س</sup> بخوانیم، آسیاب، سفره، آرد، آفتابه، جارو و جانماز و این قبیل چیزها را ایشان مهیا می‌کرد و کم و کسری نداشتیم؛ اما الآن مرخص هستند و حدود دو سال است که توانایی این کار را ندارند و ما خودمان این جور چیزها را آماده می‌کنیم و اذیتش نمی‌کنیم.» حاج زمانی توضیح می‌دهد: «ایشان خیلی پشتیبانی می‌کرد تا مجالس تزیین برگزار شود و با وجود اینکه سواد نداشت، این قدر این تزیینات را شنیده بود که حفظ شده بود و هر کس که اشتباه می‌خواند، به او می‌گفت.» ■

شهید بابایی علاقه‌مند بود از این سفره تزیینات خوانی لقمه‌ای بگیرد. دوست نداشت خودش را نشان بدهد.

حاج آقا بابایی علاقه‌مند به تزیین بود، خودش هم تزیینات خوان استاد و ماهر بود و بسیاری نسخه تزیین که اینجا وجود دارد، خودش نوشته است.





بررسی هنر چاووش خوانی در ایران

# چاووش خوانی

■ متین رضوانی پور ■



چاووش دارای ریشه ترکی چاو به معنای نگهبان، پیشروی کاروان یا لشکر، دعوت کننده زیارت عتبات عالیات، جارچی و از مشاغل دولت ترکان بوده است که در ایران قدیم با عنوان چاووش‌باشی حرکت در پیشاپیش پادشاهان، مردم را از عبور ایشان آگاه می‌کرد. درباره چاووش و چاووش‌خوان ... در لغت‌نامه دهخدا آمده است:

چاو. (ا صوت) بانگ مرغ است. (فرهنگ اسدی). گنجشک که از اشکره بگریزد یا کسی بجهاش برگیرد او بانگ همی از درد و از بیم کند آن آواز را چاو خوانند و گویند همی چاو. (نسخه دیگر فرهنگ اسدی) (فرهنگ نظام). / تیز ناله و بانگ مردم بود از درد عشق. (نسخه‌ای از فرهنگ اسدی).

چاوش. (ؤ) (ترکی، ص، ا) {۱} نقیب لشکر. (آندراج) (غیثا). چاووش. (ناظم الطباء). نقیب سپاه. (فرهنگ نظام). آنکه در جنگ فرمان حمله دهد و سپاهیان را تشویق و تشویق کند.

چاووش‌خوان. (خوا/خا) (نف مرکب) چاوش. خواننده اشعار در منقبت ائمه مناسب با زیارت عتبات عالیات.

چاووش‌خوانی. (خوا/خا) (حامص مرکب) عمل چاووش‌خوان. آواز و اشعاری که چاووش قافله زوار خوانند چاووش قافله زوار اشعار در منقبت ائمه و مناسب با زیارت ائمه مقدسه.

در اصطلاح روستاییان خراسان چاووش‌خوان فردی خوش صداست که با اجرای مدح و منقبت امامان معصوم <sup>ع</sup> به تشویق اهالی روستا بر زیارت عتبات عالیات و اماکن مقدس می‌پردازد.

یکی از مهم‌ترین رسوم برآمده از فرهنگ تاریخی به صورت سینه‌به‌سینه در بین زائران و همراهان ایشان چاووشی است که این رسم، شامل اشعار خاص، در مورد سفرهای زیارتی، توصیف اماکن مذهبی، لحظات وصال و قرب، ذکر جزئیات، رنج و مشقت و نوع سفر، یادای از ذوالحقوقین به‌ویژه پدر و مادر و... می‌باشد که در استقبال و بدرقه از زوار توسط چاووش‌خوان اجرا می‌شود و مردم را متوجه فرستادن یا ورود ایشان می‌کند.

مضامین اشعار مذکور بیشتر در معرفی، توصیف، مدح و منقبت حضرات معصومین <sup>ع</sup> و اولیاء الهی <sup>ع</sup> است که بیان آن موجب بیان کردن دوستی با ایشان و راه وصول به درگاه الهی است و توصیف زیبا و دلربای حرم‌ها و اماکن مقدس امامان معصوم <sup>ع</sup> و کرامات ایشان، دل مؤمنان را برای زیارت این اماکن و وصال به ضریح آنان پر می‌دهد. مضمون شعری این هنر دو نوع سور (شادمانی) و سوگ (حزن) است که از موارد چاووش سور می‌توان به چاووش‌های زیارت خانه خدا و عتبات عالیات، چاووش پیشباز ماه مبارک رمضان و سحرهای این ماه اشاره کرد و از موارد چاووش سوگ نیز می‌توان به چاووش‌های پیشباز محرم‌الحرام، صبح عاشورا،

تعزیه، مرگ بزرگان دینی مذهبی یا نیاکان هر قوم، مرگ جوانان و شهدا و کسانی که در نبردها و سفرها به‌ویژه سفرهای زیارتی از دنیا رفته‌اند، اشاره کرد.

نوع دیگری از تقسیم‌بندی این هنر، بانگ رفتن و بانگ بازگشت است که هنگام عظیمت به سفر از اشعاری خاص و هنگام بازگشت از آن به اجرای اشعاری دیگری می‌پردازند.

در سفرهای قدیم چاووش‌خوان‌ها حامل پرچم‌هایی با رنگ‌های متفاوت بوده‌اند؛ از جمله پرچم سبز که نشانگر زیارت عتبات عالیات بود، پرچم سرخ برای بیان شهادت ائمه اطهار <sup>ع</sup>، پرچم آبی به دلیل جوانمردی حضرت ابالفصل العباس <sup>ع</sup>، پرچم سفید و سبز به نشانه پاکی و دمیدن روح تازه برای زیارت خانه خدا و پرچم سیاه با منگوله زرد و حاشیه‌دوزی زری برای ایام سوگ و عزاداری.

نوع دیگری از چاووش‌خوانی در قدیم، چاووش حماسه یا پیروزی بود که چاووش‌خوان به هنگام پیروزی بر لشکریان دشمن، در شهرها به راه افتاده و مردم را از وقایع و پیروزی نبرد آگاه می‌کردند.

کتل‌خوانی هم نوعی از چاووش‌خوانی است که چاووش‌خوان بر اسبی سیاه‌پوش سوار می‌شود و اشعاری با محتویات تلخ و ناگوار در سوگ کسانی که در نبردها و سفرها بدرود حیات گفته‌اند، می‌خواند. هر محله‌ای در قدیم برای خود دست‌کم یک چاووش‌خوان آشنا به کتل‌خوانی داشته است.

خوش‌لحنی، بداهه‌سرایی، موقعیت‌سنجی، خداشناسی و عشق به اهل بیت عصمت و طهارت از ویژگی‌های چاووش‌خوان است که از ایشان بین مردم انسانی با وجهه نیکو و مورد اعتماد ساخته است. او با استفاده از اشعار و سروده‌های ساده، توصیفات زیبایی ائمه اطهار <sup>ع</sup>، گذشتگان و بزرگان در چاووش‌خوانی -که محتوای شعری آن جزو ادبیات عامیانه و غنایی است- و با ابراز عواطف، دلدادگی، آرزوها و درخواست حاجت و بیان مصیبت‌های واردشده به خاندان اهل بیت عصمت <sup>ع</sup> هنگام عظیمت زوار به اماکن مقدس، عطر سلام و صلوات را در فضای شهر گسترانده و با شور و هیجانی خارج از توصیف، نام و یاد بزرگان دین را در روح و جان مردم به جریان می‌اندازد و ایشان را برای زیارت تشویق و تهییج می‌کند.

نوچگی، اولین مرحله چاووش‌خوانی بود و چاووش‌خوان پس از سال‌ها ممارست، تمرین و پشتکار از این مرحله به مرحله علمداری که در واقع نشان از استادشدن او داشت، می‌رسید. شرایط رسیدن به این مرحله حفظ کردن اشعار، همراهی و هم‌آوایی با استاد (علمدار)، اجرای چاووش‌نامه‌ها و تبحر و پختگی در صدا و اجرا بوده است. چاووش‌خوان در قدیم در صورت سیادت از شال سبز، و گرنه از شال سیاه استفاده می‌کرد.

اجرای چاووشی مذهبی در برخی مناطق به صورت تک‌خوانی -هم‌خوانی بوده است؛ به صورتی که تک‌خوان اشعاری در مدح اولیا <sup>ع</sup>، وصف سفر و اماکن

مقدس، بدی آب و هوا، جدایی از خانواده، عشق به ائمه اطهار <sup>ع</sup> و... اجرا می‌کرد و پس از ابیاتی مشخص، جمعیت حاضر مصرع «بر محمد و آل او صلوات» را در همان لحن می‌خواندند که از خاصیت‌های این هم‌نوایی دور ریختن کینه و کدورت و جایگزینی مهر و محبت در دل‌ها بوده است. در برخی مناطق از ذکر صلوات بدون آواز در جواب تک‌خوان استفاده می‌کردند.

موضوع دیگری که در اشعار چاووش‌خوان‌ها آمده، طلبیدن حلالیت زوار از دیگران است که موجب شادی دل‌ها و رفع کدورت و صلح و آشتی میان مردم است. این هنر گردهم‌آمدن دوستان و خویشاوندان زوار در روزهای قبل و روزهای بعد از سفر را مقدر می‌کند که در بیشتر موارد این عده از منزل ایشان در طول سفر مراقبت می‌کنند.

موسیقی چاووش‌خوانی در ایران به گونه‌های مختلف اجرا می‌شود. دستگاه چهارگاه بیشترین سهم را در اجرای چاووش‌خوانی در ایران به خود اختصاص داده که در بیشتر شهرستان‌ها شاهد چاووش‌خوانی در این دستگاه هستیم. نوع دیگری از چاووش‌خوانی که در پژوهش‌هایم در شهرستان ورامین با آن روبه‌رو شدیم، استفاده از آواز بیات ترک در این گونه از موسیقی مذهبی است.

استان گیلان هم نوعی چاووش‌خوانی منحصر به خود دارد که در آواز دشتی اجرا شده و لحن، لهجه و صیغه محلی این استان در آن کاملاً مشهود است. این نوع از چاووش‌خوانی معمولاً به همراهی کرناوازی اجرا شده و مرکز اجرای آن شهرستان‌های آستانه اشرفیه (روستای فوشازده) و لاهیجان (روستای ایشکا) هستند.

نمونه دیگری از اجرای چاووش‌خوانی را در مجالس تعزیه‌خوانی استان یزد دیدیم که در آن از خاصیت مدلاسیون یا تغییر مقام استفاده می‌کنند؛ بدین صورت که مصرع اول هر بیت از چاووش‌خوانی را در آواز بیات ترک اجرا می‌کنند و در پایان مصرع دوم هر بیت با زیبایی هر چه بیشتر به دستگاه چهارگاه فرود می‌آیند که نمونه‌های صوتی هر یک از انواع چاووش‌خوانی مذکور موجود است.

در اینجا به بررسی تعدادی چاووش‌نامه‌های متداول در بیشتر شهرستان‌های ایران می‌پردازیم. اول به مدینه، مصطفی را صلوات دوم به نجف، شیر خدا را صلوات در کربلا، به شمر ملعون لعنت برتوس، غریب‌الغربا را صلوات این دو بیت به عنوان مقدمه چاووش‌خوانی در اکثر شهرهای ایران و در تمامی چاووش‌نامه‌ها (کربلا، مشهد، کعبه و...) متداول است.

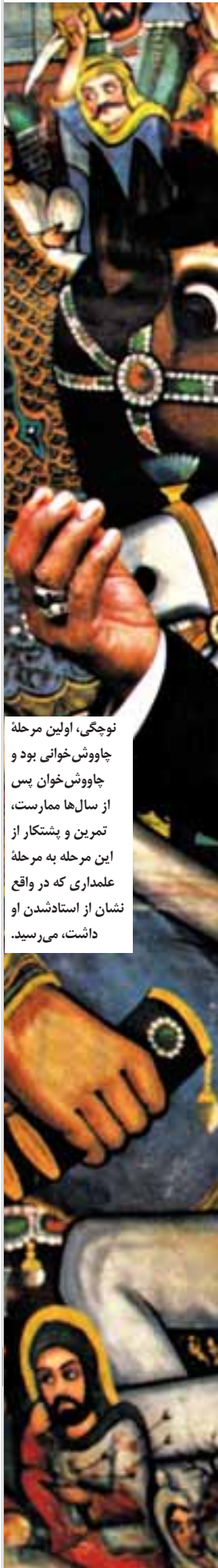
**نمونه‌هایی از چاووش‌نامه‌های مربوط به**

**زیارت شاه خراسان، حضرت امام رضا <sup>ع</sup>:**

ما به نزد حضرت شاه خراسان می‌رویم  
با سر و جان در بر سلطان ایمان می‌رویم

خوش‌لحنی  
بداهه‌سرایی  
موقعیت‌سنجی  
خداشناسی  
و عشق به اهل بیت  
عصمت و طهارت  
از ویژگی‌های  
چاووش‌خوان است.





نوچگی، اولین مرحله چاووش خوانی بود و چاووش خوان پس از سالها ممارست، تمرین و پشتکار از این مرحله به مرحله علمداری که در واقع نشان از استادشدن او داشت، می رسید.

قبله هشتم، امام هشتمین باشد رضا ما به نزد آن شهنشاہ غریبان می رویم هر که دارد آرزو بر گو بیا با کاروان ما به نزد آن امام انس و هم جان می رویم آن امامی که مراد عالمی سازد روا در حضور او به امید فراوان می رویم خاک ایوان طلا را سورمه چشمان کنیم سر ز پا نشناخته در نزد جانان می رویم هر که را عشق امام در این بود بر گو بیا گو بیا یا ما که ما با عهد و پیمان می رویم با «صفایی» بشنو و بشتاب سوی حضرتش ما به سوی تربت آن شه، شتابان می رویم

ز تربت شهدا بوی سیب می آید ز طوس بوی رضای غریب می آید برو به مشهد و شاه رضا زیارت کن ببین که بوی غریب از غریب می آید

ای غریبی که ز جد و پدر خویش جدایی خفته در خاک خراسان تو غریب الغریب ای اغنیا مکه روند و فقرا رو به تو آرند جان به قربان تو بادا تو که حج فقرایی

در توس جلالت رضا می بینم بی پرده، حریم کبریا می بینم در کفش کنی حریم پور موسی موسای کلیم، با عصا می بینم

به شاه قبه طلا حضرت رضا صلوات به طاق ابروی حضرت رضا صلوات دوازده پسران علی بن ابیطالب به ماه عارض هریک جدا جدا صلوات

هم نجف، هم کربلا هم مشهد شاه رضا

شکر لله شد نصیبم مشهد شاه رضا یافتیم بوی بهشت از مرقد شاه رضا

بود خالی جای یاران جملگی از مرد و زن در حریم کعبه سلطان علی موسی الرضا پا نهادم در حرم رفتن به نزدیک ضریح قفل را بوسیدم و دادم دل و جان را صفا در زیارت نامه خواندم باز آوردم به یاد حق به حق داران و قوم و یار و خویش و اقربا والدین و مرد و زن را جملگی کردیم دعا بارالها کن نصیب دوستان مشهد رضا

**چاووش نامه هنگام برگشت از حرم مطهر حضرت امام رضا (ع):**

ما کنون از مشهد شاه رضا برگشته ایم از ضریح آن امام مقتدا برگشته ایم سر فدا کردیم در راه امام هشتمین مژده ای ایران! ز ایوان طلا برگشته ایم سرمه چشمان نمودیم خاک پای شاه دین از حضور آن امام با ولا برگشته ایم سبز بودی جای ایران و تمام شیعیان از حضور آن شه بی اقربا برگشته ایم چون صفای قبر او را در بغل بگرفته ایم حمد لله با وفا و با صفا برگشته ایم

**نمونه هایی از چاووش نامه های مربوط به سفر کربلا**

عازمیم ای دوستان! ما به سوی کربوبلا تا ببوسیم مرقد آن شهسوار سرچدا هر که باشد عاشق قبر علی اکبرش گو بیا با ما تو ای زواراوی باوفا تا ببوسی قبر عباس، آن علمدار حسین تا ببینی مُعجز سقّای دشت نینوا گر تو را بر سر هوای اصغر بی شیر اوست

جهد کن بشتاب با ما از ره صدق و صفا ناله اطفال شاه کربلا آید به گوش آن یکی گوید اخی و آن دیگر گوید اخوا عازمیم ای دوستان ما به سوی کربوبلا تا ببوسیم مرقد آن شهسوار سرچدا

هر که دارد هوس کربوبلا بسم الله هر که دارد سر همراهی ما بسم الله ای عزیزان، سفر کربوبلا در نظر است ما خبر کرده و رفتیم، سفر بی خطر است

بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بگیریم در بغل قبر شهید کربلا

آب، یک آب است، اما در صفات هست بهتر از همه، آب فرات قدر او بالاتر از زمزم بود چون به خاک کربلا همدم بود در جهان خوش تر بود از رود نیل در چنان بهتر بود از سلسبیل چون که مهر دختر پیغمبر است لاجرم از آب حیوان بهتر است شربتی زان، هر مریضی را شفاست درد بی درمان عالم را دواست ای درینا در کنار این فرات زاده زهرا به هنگام ممات گاه از سوز عطش می کرد غش گاه می فرمود: ای قوم العطش ای ستمگر فرقه بی نام و ننگ از چه می گیرید بر من کار، تنگ من مگر فرزند زهرا نیست من یا مگر از آل طاها نیستم





موضوع دیگری که در اشعار چاووش خوانها آمده، طلبیدن حلالیت زوار از دیگران است که موجب شادی دلها و رفع کدورت و صلح و آشتی میان مردم است.

خزم صباح حاجیان، و آن سود و سودا داشتن  
در کوی خاص کبریا، بی حاجبی جا داشتن...  
دیوانه وار از عشق او، با یار گشتن روبرو  
وز هر طرف لبیک گو، فریاد و غوغا داشتن  
عشاق یار باوفا، در پیش خود یار از قفا  
از مروه رفتن تا صفا، دل را مصفا داشتن  
آن هدی راندن تا منا، راحت شمردن هر عنا  
وز بخشش معطی المنی، هر گون تمنا داشتن...  
آنجا شما خوش ناجیان، عمره گزار و حاجیان  
ما مانده اینجا راجیان، و اندوه آنجا داشتن...  
تا حج در اسلام آمده، حاجی به هر عام آمده  
تا شرط احرام آمده، عریان سروپا داشتن...

### چاووش نامه ای که

#### مربوط به حرکت زوار از مشهد به سوی خانه خداست:

ز تربت شهیدا بوی سبب می آید  
ز توس بوی رضای غریب می آید  
سری نهاده به غربت، رضا دلش تنگ است  
ز توس تا به مدینه، هزار فرسنگ است

#### نمونه شعر چاووش محرم:

ای محرم، ماه ماتم، آمدی  
با غم و اندوه توأم، آمدی  
ای محرم، آمدی با غلغله  
دوستان را تنگ کردی حوصله  
ای محرم، از تو دارم اضطراب  
در تو چون شد آسمان دین خراب  
ای محرم، در تو بست از خون حنا  
نوعروس قاسم نوکدخدا  
ای محرم، در تو با صد شور و شین  
کشته شد از کین، علمدار حسین...

توضیح آنکه چاووش خوان محرم با لباسی سفید و شالی سبز (در صورت سیادت) و گرنه با شال مشکی بر گردن و کمر و با در دست داشتن پرچم سیاه و سرخ در خیابانها و محله ها ظاهر می شد.

#### نمونه شعر چاووش اربعین:

شما اهل وطن عشرت سر آمد  
شما را پیک ماتم از در آمد  
در این شهر از وفا دیگر نمائید  
که خاک غم شما را بر سر آمد  
به دشت کربلا فرزند زهرا  
شهید از تیغ شمر کافر آمد  
تنش پامال سم اسبها شد  
سرش نوک سنان را زبور آمد  
ز شام اینک سوی شهر مدینه  
دوباره زینب غم پرور آمد  
برادر کشته و فرزند مرده  
غریب و بی کس و بی باور آمد... ■

بوی مشک و عنبر و عطر و گلاب آورده ایم  
قتلگاه حضرت شاه شهیدان دیده ایم  
چشم گریانی از آن ماتم سرا آورده ایم  
طوف عباس علی را کرده ایم از جان و دل  
ما طواف مکه را از خیمه گاه آورده ایم  
مرقد موسی کاظم در بغل بگرفته ایم  
خاک درگاهش برای توتیا آورده ایم  
هم تقی و هم نقی باعسکری طوفیده ایم  
راه و رسم بندگی را ما به جا آورده ایم  
مهدی صاحب زمان را ما زیارت کرده ایم  
نامه آزادی از جرم و گناه آورده ایم  
در بیابان ما بسی جور و جفاها دیده ایم  
مهر و تسیح از شهید کربلا آورده ایم

خرم دلی که منبع انهار کوثر است  
کوثر کجا زدیده پر اشک بهتر است  
رفتم به کربلا به سر قبر هر شهید  
دیدم که تربت شهیدا مشک و عنبر است  
هر یک شهید مرقدشان چارگوشه داشت  
شش گوشه مزار، در آن هفت کشور است  
پرسیدم از یکی سببش را به گریه گفت  
پایین پای قبر حسین، قبر اکبر است  
پایین پای قبر علی اکبر جوان  
هفتاد و یک شهید چو خورشید خاور است  
در سمت راست، قبر یکی پیر جلوه کرد  
زان گوشه رواق که نزدیکی در است  
پرسیدم از خدم که بگوین مزار کیست؟  
گفتا حبیب، نور دو چشم مظاهر است...

می کنم یاد از لب خشک و دل آرای حسین  
می شوم عاجز ز درد بی کسپهای حسین  
سخت می سوزد دلم هر دم که آید مرا  
تیربارانی که شد بر قد رعنا حسین

گردم فدای وقت دعا کردند حسین  
با شمر رو سیاه به سر بردنت حسین  
از قطره قطره خون می آید این ندا  
ای مرجبا به وعده وفا کردند حسین

#### شعر مضمون بازگشتن

##### کاروان از سفر حج:

حاجیان از حرم امن خدا آمده اند  
شادمان در وطن از سعی و صفا آمده اند  
رفته بودند سوی مشعر و میقات و حریم  
خرم از رکن و منی سوی وطن آمده اند  
روز عید عرفه خوانده دعا در عرفات  
شاد و مسرور همه سوی وطن آمده اند  
بار الها بکن این حج و زیارات قبول  
سعی مشکور که با حج بجا آمده اند  
شکر بسیار خدا را که به ایران عزیز  
حاجیان از حرم امن خدا آمده اند

### این چاووش نامه

#### همانند سفرنامه ای است

#### که مراحل سفر را توصیف می کند:

چون از وطن روانه سوی کربلا شدیم  
امیدوار بر کرم کبریا شدیم  
دیدیم بقعه شاه عبدالعظیم را  
در آستان شاه مقامش گدا شدیم  
کردیم پس زیارت معصومه را به قم  
آنجا دخیل خواهر شاه رضا شدیم  
گشتیم پس به جانب کرمانشهان روان  
آنجا به دست تذکره چی مبتلا شدیم  
اما هزار شکر که از هرچه بود و هست  
دادیم پول و از همگی شان رها شدیم  
در بقعه علی نقی، آنکه عسکری  
و آنگاه ما روانه سوی سامرا شدیم  
راندیم از شعف به سوی شهر کاظمین  
در مشهد مقدسشان جایه جا شدیم  
در آستان موسی و هم زاده اش پسر  
بنموده عرض حاجت و مشکل گشا شدیم  
زانجا به شور و ناله و افغان و درد و غم  
هم واحسین کنان به سوی کربلا شدیم  
گشتیم پس به جانب سقای کربلا  
در هروله ز مروه به سوی صفا شدیم  
دیدیم جمله خیمه بی صاحب حسین  
زانجا به خیمه حضرت زین العبا شدیم  
پس چند روز کرده زیارت به کربلا  
سوی نجف روانه به صد ماجرا شدیم

#### چاووش نامه در حین زیارت

ایوان نجف عجب صفایی دارد  
حیدر بنگر، چه بارگهی دارد  
ای کعبه به خود مناز از روی شرف  
جایت بنشین که هر که جایی دارد

#### نمونه هایی از چاووش نامه های

#### مربوط به بازگشت از کربلا:

دوستان از کربلای پر بلا برگشته ایم  
از حضور خامس آل عبا برگشته ایم  
در نجف اندر حضور مرتضی بودیم ما  
از حضور شهسوار لاقتی برگشته ایم  
قتلگاه شاه دین را ما زیارت کرده ایم  
از حضور آن شهید نینوا برگشته ایم  
در کنار علقمه، قبر علمدار حسین  
دیده ایم و با دو صد شور و نوا برگشته ایم  
حجله گاه قاسم نو کدخدا را دیده ایم  
اشک ریزان ما از آن بزم عزا برگشته ایم  
چون صفای ناله و افغان و شیون کرده ایم  
خون دل جاری کنان از دیده ها برگشته ایم  
ما سلام از روضه شیر خدا آورده ایم  
روی پر گرد و غبار از کربلا آورده ایم  
بس که رخ مالیده ایم بر مرقد شاه نجف

# «برگی از یک داستان عاشورایی»

## نوشته محمد رحمانیان

نمایشنامه «پل» را محمد رحمانیان نوشته و داستان یک پل ساز به همراه همسر و شاگردش است که به دستور امام حسین <sup>ع</sup> مأمور می شود تا پلی بسازد برای عبور امام <sup>ع</sup> از مکه به کربلا. او این پل را می سازد؛ اما نتیجه چیزی است، به جز آنچه او انتظار داشت. این نمایش در سال ۱۳۸۲ در تالار چهارسوی تئاتر شهر با بازی احمد آقالو، رضا پایک، علی عمرانی، مهتاب نصیرپور، بهرام ابراهیمی، خسرو احمدی، مجید جوزانی، میرطاهر مظلومی، شبنم مقدمی، مهدی ساکی و یحیی فروغی و با کارگردانی محمد رحمانیان و حبیب رضایی به روی صحنه رفت. دو بخش از نمایشنامه این اثر را که به عنوان یکی از بهترین تئاترهای مذهبی شناخته شده، در اینجا آورده ایم:

۱  
...

**پل ساز:** او خود می دانست!  
**منتقم:** چه می دانست؟  
**پل ساز:** اخبار شهادت خود و خاندانش و اسارت اهل بیتش!  
**منتقم:** می دانست و پا به کربلا گذاشت؟  
**پل ساز:** از پنج سالگی اش می گفت و تعویذی که بر گردن داشت؛ چون خطی و بوسه مصطفی بر حلقش و جبرئیل گریان گریان که می گفت: «روزی باشد که در اثر همان رشته بر گردنش خون آلود گردد!»  
عزاداران نوحه می خوانند. گروه گریختگان در بالای پل ظاهر می شوند.  
- ما شنیدیم!  
- ما به گوش خود شنیدیم!  
**منتقم:** چه را؟  
- شنیدیم چون دو گوش داریم، چرا ندارد!  
**منتقم:** نرسیدیم چرا شنیدی؟ ابله! نرسیدیم؛ چه را؟  
چه چیز را شنیدید؟  
- ها!... اینکه او در تمام راه، یحیی را یاد می کرد.  
**منتقم:** کدام یحیی؟  
- یحیی زکریا!  
**منتقم:** ها، آن امام نصاری!  
**پل ساز:** [تصحیح می کند] پیامبر بنی اسرائیل.  
**منتقم:** حالا هر چه! جمل حدیث می گویی؟ اما مسلمین را به رسول نبی اسرائیل چه کار؟  
**پل ساز:** می دانست چون او سرش از تن جدا و به طاغیان و باغیان پیشکش شود.  
**گریختگان:** [گریان] می دانست، آری می دانست!  
**منتقم:** خفه! شما بوزینگان حق گریستن ندارید!  
**گریختگان:** ما حسین را دوست می داشتیم...  
**منتقم:** دوست می داشتید، می ماندید. مثل آدم پا به پایش شهید می شدید بزمجگان! نه اینکه...  
**پل ساز:** چرا از حقیقت گریزانیم ما از دل گریختگان؟!...  
حسین را دوست می داشتیم؛ اما سرهای خود را بیشتر! و چشم هایمان را که می خواستند طلوع فردا را ببینند و دو گوشی که صدای پر مهر زنی را طلب می کردند و گریه و خنده کودکی را!

**منتقم:** بدبخت ها! گمان می برید بهشت کم جایی است؟ با چشمه سارها و حوران بهشتی و خوراک رنگ رنگ؟  
**پل ساز:** آن نقد گرفتیم و دست از این نسیه برداشتیم! ما را چه به هم نشینی با پیامبر و علی و فاطمه، کنار حوض کوثر؟  
**منتقم:** این سخنان از ترس برمی خیزد و بوی ریا می دهد!  
**پل ساز:** آری می ترسیدیم، با هفت بند وجود!  
**زن:** من می ترسم...  
**شاگرد:** و من نیز...  
بر سر و سینه می زنند.  
**گریختگان:** ما می ترسیم... می ترسیم... می ترسیم...  
**پل ساز:** تو نترسیدی؟ آن گاه که ۳۰ هزار دشمن پیش رویت به کمتر از مثله کردن رضایت ندادند؟ میمنه به دست عمر زبیدی و میسره در کف شمر جوشن پوش و حسین بود و دو سلاح؛ دعایی بر لب و شمشیری در کف؛ و صدای آن پسر بزچران که حسین را می گفت: «قبل از قیامت به آتش شتاب می کنی؟!» تو نترسیدی؟  
**منتقم:** من در سیاه چال طاموره بودم و...  
**پل ساز:** به خدا که ماندن در سیاه چال طاموره هزار بار آسان تر تا گریختن در آن شب دهشت. آن گاه که حسین پشت به ما کرد!  
**منتقم:** حسین، به شما پشت کرد؟  
- تا راه شرم بر ما ببندد...  
- و راه گریز را باز گذارد...  
سکوه های رونده جابه جا می شوند. سکوی خطیب نزدیک می شود و سکوی جلاد دور. خطیب بخشی از واقعه را در شب عاشورا روایت می کند. امام به روی پل می آید. گریختگان عقب می کشند. اهل بیت امام پشت سرش.  
**امام:** اینک بیعت از شما برمی دارم و هر که را به اختیار خود وامی گذارم.  
- [گویی با خود] اگر میرم خود به درک اسفل؛ تکلیف خان و مانم چه می شود؟  
- پسران و دامادها بر سر ماترک یکدیگر را می درند!  
**امام:** شب از راه رسیده، هر که می خواهد روی بیوشد و برود و خجل نباشد که تا گرگ و میش، هیچ

چهره را از دیگری توفیر نیست.  
**شاگرد:** من هنوز جوانم استاد! آرزوها در سر دارم که از هزارش ساختن پلی است به تنهایی و آب بندی که دیگر هیچ کس تشنه لب نمیرد!  
**زن:** از یاد برده ای آن همه استغاثه که به درگاه خدا کردیم تا فرزندی نصیبمان سازد؟ و آن راز و نیاز و نیاز و نماز تا سرانجام کودکی در درونم به جنبش درآمد؟ من به مرگ خود راضی ام... اما با این طفل چه کنیم که هنوز به دنیا نیامده، باید از دنیا رود؟  
**امام:** دست در دست هم گذارید و به هر سو که می خواهید بروید! مرا به این قوم واگذارید که جز من با کسی کارشان نیست.  
**پل ساز:** [به جمع آنها افزوده می شود] او ایستاده، تنها بر یک بندگی و تنهایی اش مرا به یاد تنهایی خدا می اندازد!... بد گفتم بد، که: الله صمد است و او در انتظار دستی که یاری اش کند...  
**امام:** آنکه دست و دلش با من نیست بگریزد و شب تیره را سپر سازد...  
**پل ساز:** آه که این از هزار تازیانه درآورتر! که دست من به فرمان تو پل ساخت و دلم در گروی مهر تو بود. آن گاه که بست آهن بر چوب می زدم و سنگ لاشه در شفته آهک!  
**امام:** [پشت می کند] بروید! تا از محنت، رهایی و از شدت، فرج یابید!  
**پل ساز:** و ما... گریختیم! [می گریزد. زن و شاگرد به دنبالش]  
**گریختگان:** و ما گریختیم... گریختیم... گریختیم...  
صدای خطیب که بخشی از واقعه را روایت می کند. سکوه های رونده جابه جا می شوند.  
**منتقم:** با تو چه باید کرد، جز یک آمد و رفت ساطور؟ که غرقه به خون شوی چون مرغ نیم بسمل؟ نخست راه به سوی مقتل می سازی و سپس خود از همان راه می گریزی! چگونه حسین و اهل بیت را رها کردی و پل بستستی تا از آبروی خویش بگذری؟  
**پل ساز:** دختری که ما را می نگرست... سکنینه بود به گمانم.  
صدای شیون عزاداران بلند می شود.  
**منتقم:** جلاد!

**پل‌ساز:** نگفتمت که باز گشتم؟

**منتقم:** باز گشتی؟

**پل‌ساز:** باز گشتم، تنها!

**منتقم:** کی؟

**پل‌ساز:** هنوز علی‌اصغر در دست‌های حسین بود و من از فراز پل شاهد بودم!

**منتقم:** اهل بیت کجا بودند؟ زینب و ام‌کلثوم؟...

سکینه و رقیه و شهربانو؟

**پل‌ساز:** پیش‌رویش! آنان می‌گفتند...

**زنان عزادار:** [روی پل] دل ندارد طاقت بار فراق، این دل است ای یار، سنگ خاره نیست.

**پل‌ساز:** و امام پاسخ می‌داد.

**مردان عزادار:** [روی پل] صبر کردن در فراق چون منی سخت دشوار است؛ اما چاره نیست.

زنان سوگواری می‌کنند.

**اسام:** زنهار که بعد از من بر دخترانم بانگ برنزنید و بی‌التفاتی مکنید که دل بیتیمان نازک باشد!

[صدای در گلویش می‌شکند] پس از واقعه من، موی برهنه مکنید و طپانچه بر چهره مزیند، سینه مخراشید و جامه چاک مسازید که این عادت اهل جاهلیت است...

**منتقم:** گریستن چه؟ منع نکردند؟

**پل‌ساز:** چگونه نهی کند این تنها تسلائی مصیبت‌دیدگان را؟ که گریه شفای آدمی نیست، وفای آدمی است!

**امام:** [طغلی را بر دست‌هایش بالا می‌برد] ای قوم! می‌گویید من گناه‌آلوده‌ام، آری! اما این طفل، باری، هیچ گناه ندارد. او را جرعه‌ای آب دهید که

از غایت تشنگی شیر در پستان مادرش نماند!

پرواز تیرها بر فراز پل. تیری بر تن طفل. صدای گریه عزاداران.

## ۲

...

زنی هراسان، افتان و خیزان از روی پل می‌گذرد.

**منتقم:** او کیست؟

**پل‌ساز:** دیده بودمش! زنی نه از اقلیم ما... پیش پای شویب زانو زده و طلب آب می‌کرد... برای خود یا طفلش، نفهمیدم! گفت: «ای سید و سرور...!»

روی پل، زنی که هراسان می‌گذشت، پیش پای امام زانو می‌زند. خطیب بخشی از وصیت امام به شهربانو را روایت می‌کند: سپس...

**شهربانو:** ای سید و سرور! زمانه ستمگر بر ما خواری می‌کند و علی‌اصغر از تشنگی زاری می‌کند. شیر در سینه‌ام خشک شده و آن طفل به هلاکت نزدیک...

**پل‌ساز:** تو بگو منتقم! کدام بهتر است؟ طفلی از گرسنگی هلاک شود یا به تیری جگرسوز شهید؟

صدای گریه عزاداران. سکوی جلاد و مرد.

منتقم به انتها می‌رود.

**امام:** در گریه تعجیل مکنید که فردا شما را بسیار باید گریست!

**شهربانو:** بی‌تو چگونه بمانم در این سرزمین غریب؟

**امام:** دیشب چشمم در خواب بود و دلم بیدار... سگانی را دیدم که بر من حمله کردند و در آن میان، سگی از همه خشمناک‌تر.

**شهربانو:** علی اوسط را چه کنم که بیمار است و دل‌فکار؟ پای در راه نهاده که در رکابت بجنگد!

**امام:** الله‌الله! او را بگو ای پسر! بازگرد که نسل من به تو باقی می‌ماند!

عورات به تو می‌گذارم و امانتی که از جد و پدرم مانده به تو می‌سپارم!

**شهربانو:** من در این ملک غریبم. غمخوار و غمگساری ندارم. خواهران و دخترانت اولاد حضرت رسالت‌اند. کسی را بر ایشان دستی نباشد

و طریقه حرمتشان نگاه دارند! من چه کنم؟ من چه کنم که دختر یزدجرد شهریارم و غیر تو کسی ندارم! مباد که دشمنان بعد تو قصد من کنند و حرمت حرم نگاه ندارند...!

**امام:** در آن ساعت که مرا از پشت مرکب دراندازند، ذوالجناح بی‌من نزد تو خواهد آمد؛ برنشین و عنان بدو سپار که اسب من، تو را از میان قوم بیرون برده، به جایی که خداوند خواهد برساند... اینک برخیز و سلاح مرا بیاور.

شهربانو آرام برمی‌خیزد، از پل می‌گذرد و می‌رود. امام ایستاده بر پل، به صدای عزاداران گوش می‌دهد که سینه‌زنان می‌گذرند.

**عزاداران:**

اینک آمد نوبت من الوداع

الوداع ای عترت من الوداع

زود دل‌های شما خواهد شدن

سوزناک از فرقت من الوداع

دم‌به‌دم خواهید چون ابر بهار

گریه کرد از حسرت من الوداع

اینک آمد نوبت من الوداع

اینک آمد نوبت من الوداع...

صدای طبل‌ها. امام در میان سینه‌زنان می‌گذرد. از سوی دیگر پل‌ساز می‌آید؛ غمگین، آشفته و پریشان. کبوتری از سوی مقابل می‌آید، با پرهای خونین و روی پل می‌نشیند.

**پل‌ساز:** من آن غبار سرخ را دیدم که از سم ضربه‌های ذوالجناح برخاست و آن کبوتر سپید، که بال در خون افشاند و آسمان که دامن از خون پر کرد و زمین که سخت بلرزید و ماهیان فرات که از آب بیرون آمده به خاک‌خواری تپیدند و دریاها که موج حسرت به اوج فلک رساندند و کوه‌ها که به پژواکی حزن‌آلود، این همه را پاسخ دادند...

پل‌ساز، کبوتر سرخ را در آغوش می‌گیرد.

شهربانو هراسان، افتان و خیزان می‌خواهد که از پل بگذرد.

**شهربانو:** [وحشت‌زده] یاری‌ام کن ای مرد!

**پل‌ساز:** [زیر لب] بی‌بی شهربانو...

**شهربانو:** یاری‌ام کن که سپاه ظلم از بی من می‌آید!

**پل‌ساز:** مرا نشناختید بانو؟ من مرد پل‌سازم، که زنی داشتم و شاگردی... به یاد آوردید؟

**شهربانو:** که کار این پل بدو هموار شد؟

**پل‌ساز:** آری آری خود اویم! که کمر ایدم حضرت امیر را بر علی‌اکبر تنگ کردم و مغفر فولادی را که گشاد بود اندازه!

**شهربانو:** [می‌نالند] چهار گیسوی تافته بافته‌اش...

**پل‌ساز:** و تخت روان علی اوسط را چنان ساختم بر پشت اسب که نه اسب خسته شود، نه سوار!

**شهربانو:** جوان بیمارم...

**پل‌ساز:** و گهواره علی‌اصغر را به حساب استقراء...

**شهربانو:** [می‌خروشد] پس کن مرد پل‌ساز! نمک از چه بر زخم می‌پاشی بی‌مروت؟ شوی و فرزند و یار همه رفته‌اند و تنها من مانده‌ام... یاری‌ام کن اگر یار حسینی!

**پل‌ساز:** نمی‌پرسی اینجا چه می‌کنم اگر دوستدار حسین بودم؟ چرا هم‌خوش نشدم در شبیخون؟

**شهربانو:** شاید به همان مصلحتی که علی اوسط زنده ماند یا من!

**پل‌ساز:** گنج و گنگ / مصلحت... الهی؟

**شهربانو:** آنچه مشیت گویند!

**پل‌ساز:** [رو به آسمان] پس تو نیز چون من اهل حسابی؟ پس چرا رنج‌هایم ضرب کردی و اندوه قسمت نکردی؟ این چه نسبتی بود در جمع ما که به تفریق کشید و تفرقه؟

**شهربانو:** راهی نشانه بده مرد پل‌ساز... که بگریزم از خرابات و خیل خونخواران!

**پل‌ساز:** پل که تمام شود، دو فرسخ آن سوتر، به راهی می‌رسی که سه شاخه باشد و هریک را گذرگاهی به قدر یک قفیز... یکی به شام می‌رود، دیگری به حجاز و آن یکی...

**شهربانو:** ... ایران! به ایران چگونه رسم؟ ملک ری؟

**پل‌ساز:** [گنج] ایران؟! ... آه ایران! [از او می‌گذرد] در روم که مشق هندسه می‌کردم، شاگردی بود ایرانی که پدر پل‌ساز بود... جدش پل زال را ساخته بود با قوسی سهمی شکل و پدر بزرگ پل زر را با قوسی بیضی... [می‌رود]

شهربانو دمی به رفته‌اش می‌نگرد؛ سپس از سوی مقابل می‌گریزد.

هم‌زمان انبوه اسیران در غل و زنجیر به همراه سربازان اموی تازیانه در دست از روی پل می‌گذرند.

صدای خطیب می‌آید که داستان اسارت اهل بی‌تی را می‌خواند. از انتهای صحنه، سکوی رونده جلاد و مرد منتقم و پل‌ساز نزدیک می‌شود. ■

# صحبت چلچله‌ها

پایان دنیا!

همه می‌پرسند:

چيست در زمزمهٔ مېهم آب؟

چيست در همهمهٔ دلکش برگ؟

چيست در بازی آن ابر سپید، روی این آبی آرام بلند

که ترا می‌برد این‌گونه به ژرفای خیال؟

چيست در خلوت خاموش کبوترها؟

چيست در کوشش بی‌حاصل موج؟

چيست در خندهٔ جام

که تو چندین ساعت، مات و مبهوت به آن می‌نگری؟

نه به ابر، نه به آب، نه به برگ

نه به این آبی آرام بلند

نه به این آتش سوزنده که لغزیده به جام

نه به این خلوت خاموش کبوترها

من به این جمله نمی‌اندیشم

من مناجات درختان را هنگام سحر

رقص عطر گل یخ را با باد

نفس پاک شقایق را در سینهٔ کوه

صحبت چلچله‌ها را با صبح

نبض پایندهٔ هستی را در گندم‌زار

گردش رنگ و طراوت را در گونهٔ گل

همه را می‌شنوم، می‌بینم

من به این جمله نمی‌اندیشم

به تو می‌اندیشم.

ای سرپا همه خوبی!

تک و تنها به تو می‌اندیشم.

همه وقت، همه جا

من به هر حال که باشم به تو می‌اندیشم.

تو بدان این راه، تنها تو بدان

تو بیا

تو بمان با من، تنها تو بمان

جای مهتاب به تاریکی شب‌ها تو بتاب

من فدای تو، به جای همه گل‌ها تو بخند

اینک این من که به پای تو در افتادم باز

ریسمانی کن از آن موی دراز

تو بگیر، تو ببند، تو بخواه

پاسخ چلچله‌ها را تو بگو

قصهٔ ابر هوا را تو بخوان

تو بمان با من، تنها تو بمان

در دل ساغر هستی تو بجوش

من همین یک نفس از جرعهٔ جانم باقی است

آخرین جرعهٔ این جام تهی را تو بنوش

فریدون مشیری



غافل ز خویش، در سفر لحظه‌ها، عزیز  
آری، شدی به بوی بلا، مبتلا عزیز  
در کوچ‌های غفلت دنیا! چرا عزیز؟  
خط می‌کشی به زندگی لحظه‌ها، عزیز  
کی می‌شوی ز غصهٔ بودن رها، عزیز؟!  
دنیا گرفته از تو تمام تو را، عزیز  
قلبت تَرَک‌تَرَک شده و بینوا، عزیز  
عاشق نمی‌شوی که بگیری شفا، عزیز  
دستی بکش تو بر سر قلبت، بیا عزیز  
یک شب تو دلشکسته بگو «زَئِنَا»، عزیز  
امشب بیا به خلوت سبز خدا، عزیز  
آماده شو برای شب ابتلا، عزیز  
عبرت بچین ز زلزلهٔ این صدا، عزیز  
از سیب سرخ توبه نخوردی چرا، عزیز؟!  
زل می‌زند کسی به نگاه شما، عزیز  
دنیا تمام گشته، قسم بر خدا، عزیز  
لطفاً بدون عذر و بهانه، بیا عزیز  
دیگر نمائند فرصت چون و چرا، عزیز  
شیطان و یا فرشته، کدامی شما، عزیز؟!

با این شتاب، می‌روی از خود کجا عزیز؟  
افتاده باز هم تب دنیا به جان تو  
می‌بینمت که بار دگر پرسه می‌زنی  
تقویم روزهای دلت، پر ز خالی است  
روز و شب مرور دو حرف است: آب و نان  
دنیا تمام وقت دلت را گرفته است  
آبی نمی‌دهی به دلت از زلال عشق  
خیلی بد است حال دلت در غیاب عشق  
ای بی‌خیال! حال دلت را بیا پُرس  
پیک شب تو دلشکسته بیا در حضور دوست  
أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ... آری، بگو «بلی»  
بوی تب «إِذَا وَقَعْتُ...» می‌وزد به خاک  
«مَا الْقَارِعَةُ...» نوای «إِذَا زُلْزِلَتْ...» شنو  
مویت سپید گشت و دلت از گنه، سیاه  
روزی بلند می‌شوی از خواب و ناگهان  
لطفاً شما...؟! منم، مَلِكُ المَوْتِ، پیک مرگ  
پروندهٔ تو بسته شد و فرصتت تمام  
اما... ولی... به روی زمین مانده کار من!  
فردا که می‌رود همهٔ پرده‌ها، کنار

رضا اسماعیلی

بیا بنما به عالم روی از گل بهتر خود را  
نثار قبر زهرا اشک چشمان تر خود را  
نشان شیعیان ده قبر زهرا مادر خود را  
که شب بنهاد زیر گل، گل نیلوفر خود را  
به زیر تازیانه عمهٔ غم‌پرور خود را  
که می‌نوشد به جای شیر خون حنجر خود را  
بگیرد در بغل با گریه نعلبند خود را  
ببیند زیر کعب و نیزهٔ اشک دختر خود را  
نهاده در بیابان لاله‌های پرپر خود را  
به قاتل می‌دهد انگشت با انگشت خود را  
که گم کردند در دشت بالا آباور خود را  
به پای جدّ مظلوم تو ریزد گوهر خود را

امید دل چرا در جیب غم بردی سر خود را  
چه شب‌هایی که همچون شمع سوزان تاسحر کردی  
بیا ای یوسف گمگشتهٔ مصر ولا مهدی  
بیا با هم بگیریم از برای غربت جدّت  
بیا و در کنار جسم خونین برادر بین  
بیا از جدّ خود بستان عموی شیرخوارت را  
بیا مگذار تا جدّت به پیش خندهٔ دشمن  
بیا مگذار جدّت از فراز نیزهٔ دشمن  
بیا بنگر چگونه عمهٔ مظلومهات زینب  
بیا بنگر چگونه جدّ مظلوم تو در مقتل  
بیا چشم تر و لب‌های خشک تشنگان را بین  
بیا لطفی به «میثم» کن که تا جانش بود در تن

غلامرضا سازگار (میثم)

دیگه فرصتی نمونده، چشای پر ابر و بارون  
دیگه مهمونی تمومه، دوباره فراق و هجرون

لحظه سخت وداعه، نفسا حیسه تو سینه  
کی تا سال دیگه زندهس؟ این شبا رو باز می‌بینه  
ای خدا چه زود تموم شد، لحظه‌های ناب و روشن  
شبای نور و مناجات، سحرای دل سپردن

دوباره ندبه و ناله، اشک و آه و بی‌قراری  
دوباره یه سال غریبی، حسرت و چشم‌انتظاری

نکنه آرام بگیر، گریه کن دل شکسته  
التماس کنه به چشماش، هر کی بارشو نیسته

رمضون تموم شد و من، موندم و دستای خالی  
دوباره قفس نشینی، دوباره بی پر و بالی

دوباره حسرت پرواز، دوباره پرای بسته  
دوباره بغض قدیمی، دوباره دل شکسته

ما که دلتنگ فراق لاله‌های بی‌نشونیم  
نکنه بره دوباره، قافله ما جا بمونیم

ما که مونده رو دلامون، زخم روزای اسارت  
اسارت تو بند دنیا، اسارت تو دست غفلت

کاشکی دنیامون عوض شه، کاشکی بیدار شیم از این خواب  
کاش اسیر شیم ولی این بار، اسیر نگاه ارباب

نکنه بیاد سراغم، دنیا و تعلقانتش!  
جا داره برامون ارباب، توی کشتی نجاتش؟

خدا دوست داره دلی رو که خاطرخواه حسینیه  
نیگا می‌کنه به اون که، پیرو راه حسینیه

دیگه امیدی ندارم، جز در خونه ارباب  
حسایم با اون که کرده، متو دیوونه ارباب

اگه رد کنه گداشو، اونی که نعم الامیره  
کیو دارم که بیاد و دست خالیمو بگیره

دست رد زنن به سینهم، از در خونه‌ت نمی‌رم  
تا برات کربلامو، از ابوقاضل بگیرم

یوسف رحیمی

کسی مسیر خدا را به من نشان بدهد  
درون پیله سردرگمی اسیرم، آه  
به دشت، خیره شدم تا مگر که قاصدکی  
و کاش رنگ غزل‌های ناسروده من  
هزار بیت به وصفش قصیده می‌خوانم  
من از حکایت آشفتنگی پریم اما  
همیشه منتظرم تا عزیز خوش‌خبری  
چه سرد مرده‌ام اینجا، کجاست دستی که

منبع:

<http://alimahdiyar.blogfa.com/page/munajat1.aspx>

از دین به جای حلم تفاخر گرفته‌ام  
در منجلا بکبر و حسد گیر کرده‌ام  
درد بدی است حال مناجات و سجده نیست  
افتاده‌ام ز چشم خدا خاک بر سرم  
ای ابر دیده محض رضای خدا بیار  
شرط سعادت ابدی حب فاطمه است

وحید قاسمی

آقا سلام! ماه مبارک تمام شد  
درهایی از ضیافت حق بسته شد؛ ولی  
سفره دوباره جمع شد و دیر آمدیم  
بین دعای آخر سفره دعا کنید  
آقا دعا کنید که شب‌های آخر است

رحمان نوازنی

با سنگ هر گناه پریم را شکسته‌ام  
نه راه پیش مانده برآیم نه راه پس  
من دانه‌دانه اشک خودم را فروختم  
دیگر مرا نشان خودم هم نمی‌دهند  
دنیا شکست‌خورده‌تر از من ندیده است  
آرام کن مرا و در آغوش خود بگیر  
راهم بده به باغ‌های شجرهای طیبه  
حالا ببین مرا که به غیر از گدا شدن

منبع:

<http://www.madaraman.blogfa.com/8706.aspx>

الغرض! فیض خاص گشت تمام  
سهم ما باز، فیض عام شده است  
دل ناباورم صدا می‌زد:

میهمانی مگر تمام شده است؟  
\*

گفته بودند آخر این ماه  
عاشقش سر به زیر خواهد شد  
گفته بودند با دلم هر شب  
توبه کن! توبه، دیر خواهد شد  
\*

رمضان‌های بی‌شمار رسید  
همه شب‌ها گذشت پی‌درپی  
با خودم گفتم ای دل بی‌درد  
فرصت توبه می‌رود، پس کی؟  
\*

فکر این باش سال دیگر هم  
رمضان می‌رسد ز راه اما  
تو مگر می‌شوی عوض؟ هرگز  
تو مگر توبه می‌کنی اصلاً!  
\*

تو فقط فکر آمدن، رفتن  
فکر در مسجد خدا بودن  
فکر با اشک خود غریبه‌شدن  
با همه شهر آشنا بودن  
\*

چیست دیگر بگو که قلب تو را  
به تأمل، به فکر وا دارد؟  
تو گمان می‌کنی به راه آبی؟  
مرگ باید تو را به راه آرد  
\*

ای دل، از حال خود مشو غافل  
چهره با اشک خود معطر کن  
فرصت گفت‌وگو کمی باقی است  
خیز و فریاد توبه‌ای سر کن

جواد محمد زمانی

آه ای خدا، خودم کمرم را شکسته‌ام  
پل‌های امن پشت سرم را شکسته‌ام  
نرخ طلائی گهرم را شکسته‌ام  
آیینه‌های دور و برم را شکسته‌ام  
حالا به سنگ خورده، سرم را شکسته‌ام  
حالا که بغض شعله‌ورم را شکسته‌ام  
من توبه کرده‌ام، تبرم را شکسته‌ام  
در پیشگاه تو هنرم را شکسته‌ام

◀◀ سریال‌های مناسبی تلویزیون در این چند سالی که مرسوم شده‌اند، همواره عرصه‌ای برای جلوه تلاش رسانه ملی در تبدیل شدن به رسانه‌ای دینی-تفریحی و جولانگاهی برای منتقدان حوزه فرهنگ بوده‌اند. در رسانه این شماره، پرونده سریال‌های ماه رمضان را گشوده‌ایم. در «جسارت سریال‌سازی برای ماه رمضان»، از نشست نقد و بررسی این سریال‌ها در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات گزارشی داده‌ایم. «پردازشی نو از دین عامه‌پسند»، حاصل گفت‌وگوی ما با دکتر داوود نعمتی اثارکی است. در «افطار: یک لقمه نان و سریال» بخشی از نظریات مردمی درباره ویژه‌برنامه‌ها و سریال‌های این ماه را منعکس کرده‌ایم. «مشاوران شادمان، ارمغان آور امید و آرامش به سریال‌ها باشند» نگاه روانشناسانه پروفیسور حسین باهر به این سریال‌هاست. در «همچون خاری در گلو»، سه صاحب‌نظر عرصه تلویزیون و سینما، سریال‌های حوزه تاریخ دین و مذهب در ایران را آسیب‌شناسی کرده‌اند. ■

## جسارت سریال‌سازی برای ماه رمضان

پژوهش پیش از تولید و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت در صدا و سیما در تولید سریال‌ها با حرکات سینوسی روبه‌رویییم؛ اما برخی سریال‌ها با موفقیت بسیاری روبه‌رو می‌شوند که خلایق‌های فردی کارگردان در موفقیت آن سهیم است. برنامه‌ریزی ارتباطی بر اساس اهداف را باید پایه‌گذاری کنیم. در این برنامه‌ریزی سؤالات ساده‌ای داریم؛ برای مثال مخاطب به کدام مواد اطلاعاتی نیاز دارد؟

### جراحت و توجه‌نکردن به زمان پخش

یکی از ایرادهای وارد به سریال جراحت، پخش آن پس از سخنان آیت‌الله مکارم شیرازی است. فیلمنامه انسجام درونی خوبی ندارد. با وجود زیبایی‌های این سریال، ضعف فیلمنامه و بی‌توجهی به مسئله‌شناسی انتقاداتی است که می‌توان به این سریال داشت؛ ضمن اینکه تکیه بر ۳۰ قسمتی و سه ماهه بودن یا ۱۵ قسمتی برای ایام نوروز ضروری نیست.

### تولید هم‌زمان با پخش آفت سریال‌های ایرانی

بخشی از این سریال‌ها در حال پخش و بخش دیگر در حال تولید است؛ در حالی که مهم‌ترین بخش، بحث نظارت است؛ اما با این شیوه سریال‌سازی، نظارت به کلی از بین می‌رود. «تعمت الله»، نویسنده جراحت در گفت‌وگویی گفته است: «من مخالف سرسخت الگوسازی هستم و فقط داستان روایت می‌کنم». در حالی که چه بخواهد و چه نخواهد الگوسازی می‌کند.

بعد از هر سریال باید امید و نشاط به مخاطب منتقل شود و شخصیت‌ها در طی داستان شکل بگیرد. در سیر قصه نیز باید تغییرات احتمالی شخصیت‌ها نشان داده شود. نمایش انسان‌های منفی بد نیست، بلکه باید نشان داده شود، با حضور در جامعه دینی آن انسان تغییر پیدا کرده یا خیر. نمایش همین نکته کافی است.

رعایت می‌کنند؛ به همین دلیل می‌توانند بهتر به خلق صحنه‌های دراماتیک و بیان تصویری بپردازند.

### انواع مخاطب تلویزیون

چند نوع رویکرد به مخاطب امکان دارد:

- مخاطب به عنوان بازار (ذائقه مخاطب در نظر گرفته می‌شود).
- مخاطب به عنوان طرف گفت‌وگو (نظر مخاطب در برنامه لحاظ می‌شود؛ مثلاً در برنامه نود این مخاطب دیده می‌شود. نوعی درک متقابل و مذاکره و مشکل‌گشایی وجود دارد).
- مخاطب به عنوان مشتری (در اینجا مشتریان را به عنوان استفاده‌کنندگان نهایی یک خدمت یا محصول در نظر می‌گیریم که علایق مشتری بر علایق کارفرما برتری دارد).
- مخاطب به عنوان ارتباط‌گر (در آن مخاطب هم‌زمان به عنوان گیرنده و فرستنده یا مخاطب فعال در نظر گرفته می‌شود).
- مخاطب به عنوان گیرنده (به عنوان موجودی منفعل در نظر گرفته می‌شود که این نظریه تا جنگ جهانی دوم، نظریه چیره بود).
- مخاطب به عنوان آفریننده (معنا نزد مخاطب است. وقتی پیامی ارسال می‌شود، باید تولید معنا کند. معناسازی توسط نظام نمادین که نزد مخاطب است، اتفاق می‌افتد).

موقعیت ماه مبارک رمضان و لحظات بعد از افطار، در برنامه‌ریزی برای سریال‌ها باید لحاظ شود. سه نوع مخاطب را از میان این شش گروه در صدا و سیما باید در نظر گرفت؛ مخاطب به عنوان ارتباط‌گر و نه مشتری، مخاطب فعال و مخاطب به عنوان آفریننده معنا که هدفش قدرت‌دادن به معناسازی است.

**پژوهش پیش از تولید سریال‌ها کجاست؟**  
هر ساله در بسیاری سریال‌های ما به دلیل نبود

گروه رسانه: نشست «نقد و بررسی سریال‌های ماه مبارک رمضان» در پژوهشگاه

فرهنگ، هنر و ارتباطات، پانزدهم شهریور ماه با حضور دکتر امیدعلی مسعودی و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی ملبوبی در حالی برگزار شد که سؤالات خبرنگاران نشان از انتقادات آنها به سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی کشور داشت. تقلید از محتوای سریال‌های خارجی، توجه‌نکردن به مبانی اعتقادی اسلامی و شعارزدگی و تکراری کاری از جمله انتقادات حاضران بود که پاسخ قانع‌کننده‌ای نیافت؛ در عوض سخنرانان نیز انتقادات دیگری را به سریال‌های مناسبی ماه رمضان وارد کردند. رو کردن به مسئله مرگ و خودکشی، تناسب‌نداشتن زمان پخش با محتوای عرضه‌شده، ضعف‌های تکنیکی، استفاده‌نکردن از مشاوران آگاه و متخصص در این سریال‌ها و نبود پژوهش پیش از تولید نمونه‌ای از این انتقادات است. در ادامه، گزارشی از این نشست را می‌خوانید:

### رقابت؛ حلقه مفقوده صدا و سیما

دکتر «امید علی مسعودی»

مدیرگروه تبلیغ و ارتباطات فرهنگی

دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه سوره:

وضعیت حاکم بر ایران، هم نسبت به کشورهای مسلمان و هم غیر مسلمان خاص است؛ اول اینکه در کشورمان رسانه خصوصی نداریم و با مشکل نبود رقابت روبه‌رویییم. دوم اینکه با وجود تأکید بر پژوهش، سازوکار مفیدی برای اینکه تهیه‌کننده‌ها پژوهش پیش از تولید داشته باشند -به‌ویژه در مورد سریال‌هایی که به مبانی دینی وارد می‌شوند- نداریم.

از مقایسه سریال‌های عربی و سریال‌های ایرانی نکته‌ای در رمی یابیم؛ در محتوای سریال‌های عربی تأکید بر سنت در جامعه اسلامی عربی بسیار است و محدودیت‌های شرعی‌ای را که ما داریم، کمتر



هر ساله در بسیاری سریال‌های ما به دلیل ضعف پژوهش پیش از تولید و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت در صدا و سیما در تولید سریال‌ها، با حرکات سینوسی روبه‌رویییم. برخی سریال‌ها که با موفقیت بسیاری روبه‌رو می‌شوند، به دلیل خلایق‌های فردی کارگردان است.



### جنگ نرم، معادلات جهانی را تغییر داده است

حجت‌الاسلام والمسلمین «محمد تقی ملبویی»  
استاد دانشگاه و پژوهشگر  
هنر اسلامی و فرهنگ بین‌الملل:

در چند دهه اخیر رقابت در عرصه‌های جهانی به سمت استفاده از قدرت نرم پیش رفته است. بحث فرهنگ، نقش کلیدی را در قدرت نرم بازی می‌کند. اگر در گذشته از جنگ سرد سخن می‌گفتیم، این دیالوگ اکنون در مورد قدرت فرهنگی و نقش فرهنگ در هدایت توده‌های مردمی صادق است.

کشور ما یکی از هدف‌های اساسی جنگ نرم در خاورمیانه است. در بحث قدرت نرم به دو غول رسانه توجه شد؛ یکی اینترنت که در دهه اخیر به سرعت رشد کرده و باعث شده که هر کس در منزل خود به یک رسانه تبدیل شود. دوم تلویزیون‌های ماهواره‌ای که در گام اول با فضا سازی سیاسی وارد شدند؛ سپس با بهره‌گیری از هنر و موسیقی‌هایی که از محدودیت‌های کشور ماست، نفوذ کردند.

### سریال‌ها، فصل جدید جنگ نرم

فصل جدیدی که در یکی دو سال اخیر و به‌ویژه در سال جدید با آن روبه‌رویم، بحث فیلم‌ها و سریال‌ها و برنامه‌های داستانی است که در دستور کار شبکه‌های تلویزیونی قرار گرفته است و هدف آنها دامن‌زدن به ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه ماست؛ مثلاً در «فارسی وان» کانون خانواده مورد هجوم قرار می‌گیرد؛ همچنین روابط بین زن و مرد و بزرگ‌تر و کوچک‌تر نیز هدف است.

دلیل اول گرایش ما به برنامه‌های ماه رمضان نزدیک شدن ما به سنت‌های عام اسلامی و تولید برنامه‌های شاد در ماه مبارک رمضان است؛ بدین منظور تبدیل شدن ماه رمضان به یک مناسب،

امری حرفه‌ای است. با توجه به بازه‌های زمانی‌ای که مردم دارند، می‌توانیم از طریق سریال‌ها با آنها ارتباط برقرار کنیم. ماه رمضان به لحاظ دارا بودن ساختاری دینی، ماه تزریق پیام دینی به جامعه است؛ به‌ویژه ایران که در حال گذار از جامعه سنتی به مدرن است و بخش‌های فرهنگ، رسانه و آموزشی-تجربی نقش‌های کلیدی دارند.

### تلویزیون‌های حرفه‌ای به زمان پخش تأکید دارند

در بحث مخاطب سریال‌ها بیشتر، مخاطب عمومی مد نظر قرار می‌گیرد؛ در حالی که به لحاظ سنی، اقشار مختلف و گروه‌بندی اجتماعی مخاطبان بسیاری به تماشای سریال‌ها می‌نشینند. نمونه این اشکال در سریال «نون و ریجون» مشاهده می‌شود. که ویژه جوانان است؛ اما آخر شب پخش می‌شود. تلویزیون‌های حرفه‌ای به زمان پخش تأکید دارند و بر اساس مخاطب نوجوان، جوان و... ساعت پخش را تعیین می‌کنند.

در بخش مخاطب‌شناسی سریال‌ها باید برنامه‌ریزی جدی پیش‌بینی شود. در دو نظرسنجی که دلایل گرایش مخاطب به سریال‌ها مورد توجه بود، موضوع سریال، داستان و فیلم‌نامه، نکات آموزنده، میزان تأثیرگذاری، بازی خوب بازیگران، ساختار معنوی، نزدیکی به مسائل اجتماعی و توجه به مسائل روز از اولویت‌های مخاطبان برای توجه به یک مجموعه بوده است.

از جمله نکات مورد انتقاد مخاطبان نیز بر بدآموزی سریال‌ها بوده که این در نتیجه بی‌دقتی در مشاوره‌های این مجموعه‌هاست. موضوعات تکراری، ضعف محتوا، ارائه تصویر سطحی از دین نیز از جمله نقدهای وارد شده به سریال‌های سال گذشته از زبان مردم است.

### نگاه منفی به مرگ و شخصیت‌پردازی معضل اساسی سریال‌ها

نگاه منفی به مرگ در سه سریال امسال دیده می‌شود؛ مرگ سرایدار خانه ونک در «جراحت»، مرگ حاج فتاح و خودکشی نوه او در «ملکوت» و قتل ملک مسعود در «در مسیر زاینده‌رود» که گره اصلی آن را تشکیل داده است، گواه این دیدگاه منفی است. مشکل دوم بحث شخصیت‌پردازی است. در سریال‌ها مشاور دینی داریم؛ اما از مشاور روانشناس استفاده نمی‌شود. در این سریال‌ها مرد ایرانی پرخاشگر و بی‌ظرفیت نشان داده شده که به اندک بهانه‌ای معنادار می‌شود. جوان ایرانی آسیب‌پذیر و منحرف معرفی شده و زن ایرانی نیز بی‌منطق است. شخصیت «لطیفه» در جراحت اندکی منطقی است؛ اما دیگر زنان از جمله «انسی» بی‌منطق برخورد می‌کنند؛ در حالی که در دیدگاه ایرانی-اسلامی به زن نگاهی ارزشی و هدایتگرانه وجود دارد؛ اما در جراحت او را انتقام‌گیر می‌بینیم.

### آخر داستان نانوخته است

پروانه معصومی بازیگر ملکوت از کامل نبودن فیلم‌نامه و مشخص نبودن انتهای آن تاکنون انتقاد کرده است؛ در حالی که باید این برنامه‌ریزی‌ها از یک سال قبل انجام شود. روایت در «نون و ریجون» نیز از هم پاشیده است و برای نجات آن از راوی استفاده شده است.

صرف نظر از ساختار محتوای آثار ماورایی غربی، در جذب مخاطب موفقیت بسیاری نصیب آنها می‌شود. در سریال‌های ما نیز در مقایسه با سریال‌های سال‌های گذشته همچون اغما، در زمینه جلوه‌های ویژه رشد دیده می‌شود و با وجود کاستی‌های سریال ملکوت، باید از این جسارت برای کار در مورد ماورا تقدیر کرد. ■



نگاه منفی به مرگ در سه سریال امسال دیده می‌شود.  
مرگ سرایدار خانه ونک در «جراحت»  
مرگ حاج فتاح و خودکشی نوه او در «ملکوت»  
و قتل ملک مسعود در «در مسیر زاینده‌رود»  
که گره اصلی آن را تشکیل داده است  
گواه این دیدگاه منفی است.

مهرماه ۱۳۸۹ / شماره ۶۹





سریال‌های ماه مبارک رمضان  
در گفت‌وگو با دکتر داوود نعمتی انارکی:

# پردازشی نو از دین عامه‌پسند

■ مطهره آخوندی ■

سریال‌های مناسبی و دینی، چه به لحاظ نحوه پرداخت و چه از نظر محتوا دغدغه‌خاطرهای فراوانی را برای تهیه‌کنندگان و صاحب‌نظران این حوزه به وجود آورده‌اند. از چند سال پیش که ساخت سریال‌های ماه رمضان و پخش هر شب آنها مرسوم شد، این ظرفیت جدید، برای متولیان عرصه فرهنگ و دین به شکل فرصتی برای بیان هنرمندانه مفاهیم دینی و ترویج باورهای مذهبی جلوه کرد. اگرچه تولید سریال مذهبی بعد از انقلاب اسلامی دغدغه مهمی برای سیاست‌گذاران فرهنگی کشور بوده، این سریال‌ها بیشتر بیان تاریخ دین و مذهب بوده‌اند تا نمایش تأثیر دینداری در زندگی روزمره معاصر؛ اما موج جدید سریال‌های ماه رمضان تلاشی درخور تقدیر در عرضه الگویی از زندگی دینمدارانه در جهان معاصر محسوب می‌شوند. با دکتر «داوود نعمتی انارکی»، عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشکده صدا و سیما گفت‌وگو کرده‌ایم تا به بررسی این روند سریال‌سازی بپردازیم.



خودارزیابی دست بزند. نوعی یادآوری وضعیت‌های خاص است.

کارکرد دیگر این سریال‌ها این است که در جمع‌های خانوادگی مورد بحث واقع می‌شوند و توجه و درگیری را به وجود می‌آورد و کارکرد نهایی آن پر کردن اوقات فراغت نه لزوماً تفریحی، بلکه با رویکرد دینی است.

**حلیا در سریال‌ها بعد تنذیر نسبت به تبشیر دین سرآمد است. آیا این یکی از آفت‌های سریال‌ها نیست؟**

به نظر من سریال‌ها هر دو بعد را در نظر گرفته‌اند و از یک طرف بشارت‌بخش و از سوی دیگر تنذیر و برحذر داشتن در آنها بیان می‌شود. گزاره‌هایی چون «باز بودن در رحمت الهی»، «توبه‌پذیر بودن» و «تأثیر عمل انسان بر خود وی» را از محتواهای ارائه‌شده می‌توان دریافت کرد.

مضمون به باور دینی مخاطب می‌توان اشاره کرد. در عامل مخاطب نیز میزان توجه و درگیری با سریال و میزان باورپذیری مخاطب مهم است.

اگر این عوامل در کنار هم باشند، تأثیر طولانی مدت‌تر است. برای تأثیرگذاری بلندمدت، راهکار پخش مستمر سریال‌ها با مضامین اخلاقی و دینی پیشنهاد می‌شود. این‌گونه نباشد که با پایان رمضان پخش چنین سریال‌هایی متوقف و جایگزینی غیر مرتبط ارائه شود که مخاطب به فراموشی بسپرد.

**حلیا پخش سریال مناسبی چه مزیتی دارد؟**  
سریال‌های مناسبی که مضامین دینی دارند، به مخاطب تلنگری می‌زنند که وی با رجوع به باورهای خود، مروری بر عملکرد و زندگی‌اش داشته باشد؛ برای نمونه سریالی مانند ملکوت که مفهوم مرگ را طرح می‌کند، کنش‌های را در مخاطب ایجاد می‌کند که به گذشته خود رجوع کند و با مرور به

**حلیا از دید شما سریال‌های مناسبی که در بازه زمانی یک‌ماهه هر شب پخش می‌شوند، آیا تأثیرشان هم کوتاه‌مدت نخواهند بود؟**  
رسانه‌ها محتوای خود را با اهدافی تولید و انتشار می‌دهند. در واقع اصل تأثیرگذاری بر مخاطب مهم است و هر رسانه در پی ایجاد تأثیرات بر مخاطب است. این تأثیرات می‌تواند به روی اعتقادات و باور مخاطب باشد. در واقع آنچه مخاطب باور دارد، رعایت کند یا به منظور تغییر و اصلاح باور پیش برود.

سریال‌های ماه مبارک رمضان تأثیرگذار خواهند بود؛ زیرا مخاطب در وضعیت خاص روحی و معنوی قرار دارد و محتوای سریال‌ها چون باورهای آنها گره خورده، به تقویت دینی باورها منجر می‌شود. این تأثیرات می‌تواند بلندمدت و کوتاه‌مدت باشد که بستگی به دو عامل سریال و مخاطب دارد. در عامل سریال به نوع محتوا، نحوه پرداخت و نزدیکی

یکی از کارکردهای رسانه این است که به بطن جامعه و آن چیزی که به عنوان «باور صحیح» وجود دارد، مراجعه کند، آن را دریافت، بررسی و پالایش کند و با پرداختی رسانه‌ای و نو به مخاطب برگرداند.

مهرماه ۱۳۸۹ / شماره ۶۹

سینا





### خاییا نمایش چهره دین در این سریال‌ها منفی است یا مثبت؟

اگر بخواهیم تأثیرپذیری مخاطب را افزایش دهیم، باید چهره واقعی دین را نمایش دهیم که با توجه به مؤلفه‌های دین - که منظور همان دین اسلام است - چهره منفی از دین نداریم. آموزه‌های اسلامی همه دارای شاخص‌های مثبت و ارزشمندی هستند. شاید در پرداخت مضامین در سریال‌ها دچار خطا شویم که به برداشت چهره منفی از دین منجر شود.

**خاییا «روز حسرت» عشق ممنوعه پوریا پورسرخ به فریده، «میوه ممنوعه» عشق حاج فتوحی به دختری جوان، «او یک فرشته بود» عشق حسن جوهرچی به فرشته، عشق اسماعیل به خانم سهرابی در سریال «جراحت»؛ هر سال با مفهوم خیانت و داشتن عشق یا همسر دوم در سریال‌ها روبه‌رویم. دلیل این درون‌مایه سریال‌ها به چه برمی‌گردد؟ آیا به صورت ضمنی به ترویج این مفهوم و درونی کردن آن و صحنه‌گذاشتن بر آن را منجر نمی‌شود؟**

درون‌مایه این سریال‌ها از واقعیت جامعه برگرفته شده است. عاشق شدن مرد متأهل به زنی دیگر در دنیای امروز به عنوان واقعیتی وجود دارد. شاید این ظن پیش بیاید که نمایش این مضامین تبلیغی برای خیانت به حریم خانواده باشد؛ اما اگر دقیق‌تر شویم، نتیجه همه سریال‌ها ندامت و پشیمانی است.

در میوه ممنوعه و جراحت، پشیمانی در طول سریال ساری و جاری است که هم در کاراکتر خیانت‌کار و هم همراهان وی، آن را می‌بینیم. اگر از این زاویه، نمایش چنین مضامینی دیده شود که صحنه‌گذاشتن بر پشیمانی و تقویت بنیان خانواده است، آسیب‌رسان نیست.

با رعایت تناسب به پرداختن و تقسیم حجم پرداختن به عشق و پشیمانی در طول سریال، می‌توان از آسیب برداشت اشتباه جلوگیری کرد.

**خاییا سریال «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» که نسخه ایرانی سریال ترکیه‌ای کلید اسرار است. ترویج دین عامه‌پسند که بازتاب مثل «از هر دست بدهی از همان دست پس می‌گیری» است. دین عوامانه چه کاردهایی دارد که سمت‌وسوی سریال به سمت ترویج دین عامه‌پسند است؟**

این گونه می‌گوییم، دین عامه‌پسند مجموعه باورهای اعتقادی، دینی و اخلاقی است که با باور عامه آمیخته شده باشد. یکی از کارکردهای رسانه این است که به بطن جامعه و آن چیزی که به عنوان «باور صحیح» وجود دارد، مراجعه کند، آن را دریافت، بررسی و پردازش کند و با پرداختی رسانه‌ای و نو به مخاطب برگرداند.

نیکی، شر، وسوسه و گناه در وجود انسان است که همواره به شکل‌های مختلف در زندگی بشری جاری است و اگر برای این مفاهیم تلقی حساسی قائل شویم، باید دقت شود که برگرفته از مفاهم و منابع دینی باشد.

پرداخت صدا و سیما به مفاهیم ماورایی به ارتقای سطح سلیقه عام کمک و مخاطب را درگیر خود می‌کند که به پرسشگری و مطالعه وی منجر می‌شود.

**خاییا چه سریالی را می‌توان سریال دینی نامید؟**

هر سریالی را که در آن بخشی به موضوع دین پرداخته است نمی‌توان دینی نامید، بلکه محتوا و مضمون اصلی باید از مؤلفه‌های دینی وامدار باشد. سریال دینی برگرفته از متن دین است.

**خاییا در رمضان امسال کدام سریال را قوی‌تر ارزیابی می‌کنید و کدام‌یک به بازاندیشی مجدد نیاز دارد؟**

ملکوت سریالی بود که به عالم برزخ پرداخت و توانست گره‌های خوبی را در سریال بیندازد و مخاطب را با خود درگیر کند.

جراحت نیز مضمون بدیی را که تاکنون تلویزیون به آن نپرداخته بود، طرح کرد که امیدوارم این سریال بتواند درآمدی بر ساخت چنین سریال‌هایی باشد که برگرفته از مسائل جامعه هستند.

دست‌اندرکاران تولید سریال باید تلاش کنند که بین محتوایی که ارائه می‌دهند، با آنچه درون جامعه می‌گذرد، فاصله نیندازند. ■

در واقع با بهره‌گیری از فرهنگ عامه، رسانه تلاش می‌کند، محتوای صحیح را که در این فرهنگ است به عامه برگرداند و تقویت کند؛ مثلاً سریال «مثل آباد» برگرفته از فرهنگ عامه و فولکلور جامعه بود.

برخی باورها نیز منبع دینی دارند؛ اما در طول زمان با خرافه و باورهای ناصحیحی آمیخته شده‌اند که رسانه آنها را اصلاح می‌کند و به جامعه بازمی‌گرداند.

**خاییا اغما و او یک فرشته بود، همراه با تجلی دادن شیطان به صورت فیزیکی بود. آیا این مادیت و جسمیت‌بخشیدن به شیطان در دین ما درست است؟**

وجود فرشته، شیطان و اجنه در گزاره‌های دینی ما به صراحت آمده است و حتی داریم که در زمان حضرت لوط، شیطان خود را به شکل جوانی زیبا به مردم نشان داد تا آنها را به عمل زشتی وادارد.

نمایش جلوه‌ای از ابلیس در یک کالبد انسانی، چگونی شیوه‌های ورود شیطان به زندگی انسان را نشان می‌دهد. ظهور شیطان در جسم انسان، نشان از تصرف و تسخیر یک جسم توسط شیطان است.

در فیلم‌های هالیوودی شیطان و فرشته با توجه به باور مسیحیت که در برخی موارد از باورهای مذهبی ما به دور است، نمایش داده شده است. ما نیز می‌توانیم به نمایش شیطان بر اساس آموزه‌های دینی خود بپردازیم؛ اما باید در نظر بگیریم این القا و تلقی جسمانی باعث آسیب فرهنگی دینی در جامعه نشود.

درون‌مایه این سریال‌ها از واقعیت جامعه برگرفته شده است. عاشق شدن مرد متأهل به زنی دیگر در دنیای امروز به عنوان واقعیتی وجود دارد. شاید این ظن پیش بیاید که نمایش این مضامین تبلیغی برای خیانت به حریم خانواده باشد؛ اما اگر دقیق‌تر شویم، نتیجه همه این کارها ندامت و پشیمانی است.



# افطار: یک لقمه نان و سربال

می‌کردم. الان فهمیدم که باید به شوهرم محبتم را نشان دهم.» مردی ۳۲ ساله معتقد است که موضوع جراحی متناسب با جامعه ماست؛ اما دیالوگ‌ها خیلی نخنما شده‌اند. وی نبود تناسب بین بازیگرهای مقابل هم را از مشکلات آن بیان می‌کند.

«ملکوت»، تکرار سوژه

سربال ملکوت که به موضوع برزخ پرداخته و روایتی میان مرگ و زندگی است، یگانه سربال ماه رمضان بوده که موضوع دینی دارد. پسر جوانی با فاجعه‌آمیز خواندن ملکوت می‌گوید: «جلوه‌های ویژه آن افتضاح است.» مرد میان‌سال معتقد است که سوژه ملکوت تکراری است. دانشجوی جوانی ضعف تکنیکی و تقلید صرف در انیمیشن آن را عنوان می‌کند؛ در حالی که برخی‌ها به دلیل پرداختن به موضوع برزخ آن را جذاب دیده‌اند.

«در مسیر زاینده‌رود» و «خشم اصفهانی‌ها

در مسیر زاینده‌رود توانسته است نظر مثبت مردم، همچنین صاحب‌نظران را درباره محتوا و نحوه پرداخت داستان جلب کند؛ اما این سربال پرحاشیه‌ترین سربال امسال بود.

اصفهانی‌ها از تهیه‌کننده و کارگردان این مجموعه اعلام نارضایتی کردند؛ زیرا به‌درستی به لهجه آنها پرداخته نشده بود؛ همچنین نحوه بازنمایی از یک خانواده اصفهانی ناقص و با ضعف همراه بوده است.

حضور فوتبالیست‌ها نیز در این سربال برای نوجوان‌ها جذاب بوده است.

«نون و ریخون» و مسائل جوانان

مجموعه نون و ریخون که مناسب مخاطب جوان برنامه‌ریزی شده بود، به عنوان فصل نهایی سربال‌ها، از شبکه استانی تهران پخش شد. در چند قسمت اول طنز مجموعه توانست مخاطب را همراه خود کند؛ اما در ادامه موفق نبود. ساعت پخش سربال هم دلیلی برای کمتر دیده شدن این مجموعه است. ■

شده است. شنیدن ادعیه و آگاهی از زمان اذان از کارکردهای اصلی رادیو و تلویزیون در زمان افطار و سحر است.

یکی از مناسب‌ترین برنامه‌ها که پس از اذان از شبکه سه سیما پخش می‌شود، حضور آیت‌الله مکارم شیرازی و بیان مسائل دینی به زبان ساده و روشن برای عموم است. ظاهر آراسته و سخنان شیوای ایشان مخاطب را جذب می‌کند؛ نه مانند سایر سخنرانی‌ها طولانی است که ملال‌آور شود و نه نیازمند آن است که مخاطب پای تلویزیون بنشیند.

## سربال‌های پنج‌گانه ماه رمضان

«شاید برای شما هم اتفاق بیفتد»

داستان‌های مستقل از هم که روایت این مثل معروف است: «هرچه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی» هر روز از شبکه استانی تهران پخش شد. در قسمت‌های ابتدایی این سربال، مخاطب با نسخه ایرانی سربال ترکیه‌ای «کلید اسرار» روبه‌رو بود؛ اما پس از چندی، موضوع حامی کودکی شدن در کمیته امداد امام خمینی (ره) و داستان‌هایی که برای زندگی این حامیان به برکت انجام‌دادن این عمل نیک رخ داده، درشت‌نمایی شد.

زخمه‌ها و «جراحی»‌ها

«جراحی» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور، به بیان مشکلات خانوادگی و از هم گسستن خانواده پرداخت. در ابتدا داستان بدون گره آغاز شد؛ اما با جلو رفتن و جسارت خرج‌دادن در بیان کردن بارداری پیش از ازدواج رسمی، مخاطبان را به دنبال خود کشاند.

خانمی ۴۰ ساله درباره جراحی می‌گفت: «انسی را چقدر بد نشان داده است. باور کنید همه مادرشوهرها این‌گونه نیستند.»

یکی دیگر از خانم‌ها که مکالمه ما را می‌شنود، رو می‌کند به سمت ما و می‌گوید: «اما آنجا که اسماعیل گفت: «وقتی امیرحافظ به دنیا آمد، من برای تو مردم.» تلنگری به من خورد که بیش از حد به پسرم محبت

**گروه رسانه:** ۸۸ اداره کل نعمات آیینی درباره رونمایی از اذان‌ها، دعای سحر و ربه‌های جدید مژده داد. حالا با وجود اذان‌های جدید با گردشی در شبکه‌ها، می‌شد دریافت که در یک روز اذان تکراری پخش نمی‌شود.

فرزاد جمشیدی مجری برنامه «ماه خدا» با رویه نوینی که بنا نهاده است، در میان برنامه از پیام‌ها و تماس‌های دریافتی سخن می‌گوید. «برای فاطمه، دختری پنج ساله که امروز روی تخت بیمارستان هست و قرار است عمل شود، دعا کنید.» «پدر بزرگوار خانواده‌ای در کماست و خانواده‌اش التماس دعا دارند.» یک مادر شهید می‌گوید: «خدا خیر بدهد جمشیدی را. این همه طلب دعا و خیر برای دیگران می‌کند.» اما گویی عروس این مادر مخالف است و می‌گوید: «اول سحر، دل آدم ریش می‌شود، وقتی مشکلات دیگران را می‌شنود.»

## سحرهای رمضان، رادیو یا تلویزیون؟

از خانمی کمابیش ۵۰ ساله می‌پرسم: «ویژه‌برنامه‌های سحر را از رادیو پی‌گیری می‌کنید یا تلویزیون؟» در پاسخ می‌گوید: «تلویزیون؛ با اینکه در نشیمن است، اما صدای آن را بلند می‌کنیم تا به آشپزخانه برسد.» تلویزیون، در برنامه‌های سحری رادیووار عمل می‌کند؛ اما این خانم حرف مرا رد می‌کند و می‌گوید: «درست است که فقط صدای آن را می‌شنویم؛ ولی با چهره کسانیکه دعای سحر می‌خوانند آشنا می‌شویم.»

از یکی دیگر می‌پرسم: «برنامه‌های سحر ماه رمضان را می‌بینی؟» جواب می‌دهد: «بله؛ اما هر روز گیج می‌شوم. من به یک دعای سحری عادت کرده بودم تا آنجا که می‌دانستم، وقتی به فراز خاصی از دعا رسید، چند دقیقه به اذان است؛ اما امسال باید مدام به تلویزیون و زیرنویس چشم بدوزم.»

## سفره افطارمان را کنار تلویزیون پهن می‌کنیم

مثل اینکه رسانه هم عضوی از خانواده شده است. در افطار و سحرها پای ثابت سفره‌هایمان

یکی از مناسب‌ترین برنامه‌ها که پس از اذان از شبکه سه سیما پخش می‌شود، بیان مسائل دینی به زبان ساده و روشن برای عموم با حضور آیت‌الله مکارم شیرازی است. ظاهر آراسته و سخنان شیوای ایشان مخاطب را جذب می‌کند.

# مشاوران شادمان ارمغان آور امید و آرامش به سریال‌ها باشند

■ مطهره آخوندی ■



خودکشی و مرگ، از هم گسیختگی خانوادگی، تزریق ترس از طریق نشان‌دادن صحنه‌های برزخ دست‌مایه سریال‌های امسال ماه مبارک رمضان از صداوسیماست. با «پروفیسور حسین باهر»، فوق دکتری رفتارشناسی، جرم‌شناسی و مشاور امور خانواده در این باره گفت‌وگو کرده‌ایم.

**خبایا** نظر شما درباره نقش سریال‌ها در تأثیرگذاری بر عامه مردم چیست؟ و آیا همان‌طور که در سریال «جراحت»، نمایش خودکشی اکرم و همچنین در سریال ملکوت خودکشی سامان را داشتیم و در هر سه سریال اصلی، مرگ طرح شده، باعث ترغیب مردم به خودکشی نمی‌شود؟

ابتدا مقدمه‌ای را بیان می‌کنم. اصولاً در وقوع اتفاق‌های گوناگون، عوامل متعددی دخیل است. برخی دلایل فیزیکی، متافیزیکی و برخی سوپرفیزیکی و اولترافیزیکی است. در رفتارشناسی و جرم‌شناسی عوامل چهارگانه‌ای دخیل هستند:

۱. وراثت (به ارث رسیدن ژن‌ها)  
۲. بارداری (آنچه مادر خورده یا حتی فکر کرده است. همان‌طور که داریم: «الأسعید من سعد فی بطن أمه و الشقی من شقی فی بطن أمه»؛ «سعادت و شقاوت در رحم مادر است.»)

۳. اکتسابات و محیط  
۴. برآیند امواج کیهکشان

ما در زمان و مکان، مفهوم سعد و نحس را داریم. کوفه را همیشه ملعون می‌دانیم و می‌دانیم که زمان بین الطلوعین و بین الغروبین دعا مستجاب می‌شود؛ یا اینکه می‌دانیم وقتی ماه کامل است، دریاها و آب‌ها به هیجان می‌آیند و جزر و مد رخ می‌دهد. انسان نیز موجودی است که ۶۵ درصد وجود آن را آب تشکیل داده و بالطبع تأثیر می‌پذیرد.

در ماه مبارک رمضان به دلیل عامل سوم یعنی محیط و اکتساب، محیط آرام‌تر است و در نتیجه جرایم کمتر به وقوع می‌پیوندد. ما با القانات، تلقینات، تجسم و تصویر همان‌گونه که می‌توانیم مثبت کار کنیم، منفی نیز می‌توان بود. سریال‌ها و بازیهای رایانه قطعاً در «تعاریف» و «نحوه تعریف کردن» از مسائل تأثیرگذار است. زمانی خواندن کتاب‌های صادق هدایت مانند «سه قطره خون» را عامل ایجاد افسردگی و خودکشی می‌دانستند و توصیه می‌کردند، به عنوان اولین کتاب‌ها نخوانند. در اشعار ما نیز آمده که «در جمع خودان ره ندهید همچو منی را/ افسرده‌دل افسرده



کند انجمنی را»، پس نشان‌دادن یأس و ناامیدی روا نیست؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «ان الله یغفر الذنوب جمیعاً» و ناامیدی نیز بزرگ‌ترین گناه است. نباید از دریچه رسانه عده‌ای را از حال و آینده ناامید کنیم؛ حتی یکی از دلایل تأخیر در ازدواج این است که دیگران که ازدواج کرده‌اند، به بیان تجارب منفی ازدواج می‌پردازند و شادی‌های ازدواج را بیان نمی‌کنند.

**خبایا** فکر می‌کنید این ضعف و تزریق ناامیدی از رسانه به جامعه از کجا ناشی می‌شود؟

متأسفانه در رسانه گوش شنوایی نیست که از مشاوران شادمانی مانند استاد الهی قمشه‌ای که مثبت‌اندیش هستند بهره بگیرند. اگر توجه کنید موضع بحث ایشان همیشه عشق است. رسانه یا از روی نادانی یا دانایی بالاست که به انتشار بدبختی‌ها می‌پردازد. در هر امری از متخصصان و مشاوران استفاده شود، نتیجه بهتری حاصل می‌شود.

**خبایا** در چندین سریال، به‌ویژه ماه رمضان شاهد درون‌مایه عشق مثلی و مفهوم خیانت بوده‌ایم. آیا این خیانت بازتابی از جامعه ما در رسانه است یا اینکه رسانه آن را به جامعه تحمیل می‌کند؟

هر دو؛ بیان عشق‌های مثلی و خیانت، هم بازتابی از جامعه است و هم نمایش آنها «عادی‌سازی» چنین روابطی را در پی خواهد داشت. قباحیت به وقاحت تبدیل شده است. عادی شدن، هم از سوی عمل برخی‌ها که چهره و الگو در جامعه هستند، رخ می‌دهد و هم در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف چه خارجی و داخلی جلوه می‌کند. ناخودآگاه به جامعه خود خیانت می‌کنیم. نباید برای جذب مخاطب و منافع مادی، منافع اجتماعی به خطر بیفتند.

**خبایا** ترس نیز یکی از درون‌مایه‌ها به‌ویژه برای نشان‌دادن برزخ در سریال‌هاست. نشان‌دادن ترس از چه روست؟

در قرآن کریم ۱۱۴ سوره داریم و ۱۱۴ بار «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» آمده است. هیچ‌گاه خداوند خود را بسم‌الله‌الجبّار معرفی نکرده است. برخی مکاتب ریشه شیطانی دارند و برخی مکاتب ریشه رحمانی. در مکاتب شیطانی این‌گونه است که مردم را باید ترسانند تا به شیطان باج دهند؛ اما در مکاتب رحمانی عبادت خداوند را ترویج می‌دهیم و اصل عبودیت و رحمانیت است. ترس نیز در همان مکاتب شیطانی ریشه دارد؛ در صورتی که خداوند رحمان است. ■

نشان‌دادن یأس و ناامیدی در سریال‌ها روا نیست؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «ان الله یغفر الذنوب جمیعاً». ناامیدی بزرگ‌ترین گناه است. نباید از دریچه رسانه عده‌ای را از حال و آینده ناامید کنیم.

تلویزیون و برنامه‌سازی داستانی در حوزه مذهب و تاریخ دین

## همچون خاری در گلو

■ فرزانه نزاقتی ■



«تلویزیون و برنامه‌سازی داستانی در حوزه مذهب و تاریخ دین» عنوان نشست بود که در پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات برگزار می‌شد. در این نشست که به دعوت گروه مطالعات ارتباطی و رسانه‌های جدید پژوهشکده مطالعات هنر و رسانه ایران صورت گرفته بود، سه صاحب‌نظر عرصه سینما و تلویزیون، دکتر علاءالدین رحیمی، دکتر اسماعیل بنی‌اردلان و دکتر مجید حسینی‌زاد سریال‌هایی را که به عنوان سریال دینی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، نقد کردند؛ همچون اغلب جلسات کارشناسانه دیگری که این روزها در زمینه فرهنگ و هنر این سرزمین برگزار می‌شود، این بار هم دین و شنیدن انتقادات جدی و اساسی، سرتکان دادن‌ها، اظهار تأسف کردن‌ها و هشدار دادن‌ها چندان دور از ذهن نبود. گذشته از اینکه سریال‌های دینی ما بیشتر سریال‌هایی درباره تاریخ دین و مذهب است، حرفه‌ای نبودن، تحمیل ایدئولوژی به تاریخ دین و روی آوردن به پاورقی‌نویسی و فیلم‌فارسی‌سازی فقط بخشی از این انتقادات بر حق این صاحب‌نظران بود. گزارشی از این جلسه را در زیر می‌خوانید:

متأسفانه اصلاً به آن توجه نمی‌شود. حرکت دوربین، بازی بازیگر و همه اشیاء مقابل دوربین باید ما را به گذشته ببرند و باور کنیم که در گذشته هستیم.

تأملات، درنگ‌ها، چرخش‌های دوربین و... باید با آن روح رمانتیسیم اثر هماهنگ باشند؛ اما ما در سریال‌های مذهبی معمولاً از کم‌بهرترین و بی‌هنرترین عوامل استفاده می‌کنیم.»

در ادامه اسماعیل بنی‌اردلان، استاد پژوهش هنر و صاحب‌نظر در حوزه برنامه‌سازی دینی به مسئله اقتصاد تلویزیون و سینما پرداخت و گفت: «در دنیای امروز هر فیلمسازی باید فکر کند که چقدر سرمایه‌گذاری می‌کند و چقدر برمی‌گردد؛ چون اقتصاد، رکن مهم کار است.

یگانه جایی که میلیاردها ریال پول خرج ساخت سریالی می‌شود که هیچ فروش نمی‌کند، ایران است؛ وگرنه در دنیا جدیدترین تکنولوژی‌ها و مجرب‌ترین کارشناسان در اختیار کسانی است که با توجه به وجه اقتصادی رسانه کار می‌کنند. اینها جزو دانش فیلمسازی است.»

### پاورقی به جای فیلمنامه

این استاد دانشگاه هنر با تصدیق سخن سخنران پیش از خود، اولین مسئله سریال‌های تاریخی مذهبی را ضعف در حوزه ادبیات و فیلمنامه دانست

به برنامه‌ریزی برای ساخت میرزا کوچک‌خان کرد -که البته متوقف شد- مستقیماً حاصل موفقیت سفیر بود؛ چون تا آن زمان کسی برای انجام دادن کار تاریخی جرئت نداشت.»

### جای خالی رمانتیسیم

#### در متون سریال‌های تاریخ دین

مدیرگروه مطالعات هنر و ادبیات پژوهشکده هنر و رسانه، نبود متن مناسب سریال‌های مذهبی را مهم‌ترین مشکل این نوع سریال‌ها عنوان کرد و گفت: «این سریال‌ها نویسنده‌ای می‌خواهد که اول آشنا به زبان فارسی و ادبیات عرب، دوم آشنا به متون کهن فارسی باشد و سوم استعداد بالای هنری داشته باشد؛ چون بدون داشتن تخیل قوی و ذهن هنری نمی‌توان یک متن زیبایی مناسب نوشت.»

او تأکید کرد: «مایه‌های رمانتیسیم باید در متون تاریخ مذهب رعایت شود؛ به‌ویژه در مورد داستان‌های مصایب ائمه <sup>ع</sup> که به قول بیهقی «پر آب چشم» است و اگر رمانتیسیم آن را درک نکنیم، راه به جایی نمی‌بریم.»

رحیمی سپس به اهمیت میزانسن در سریال‌های مذهبی تاریخی اشاره کرد و گفت: «در این سریال‌ها نمی‌توان از میزانسن‌های معمول استفاده کرد. میزانسن در این آثار سبک خاص خود را دارد که

ابتدای جلسه علاءالدین رحیمی، کارگردان مؤلف و مدرس دانشگاه با بیان تاریخچه‌ای از آثار نمایشی به‌ویژه تعزیه در ایران گفت: «ما از نخستین فرهنگ‌هایی هستیم که در حوزه مذهب آیین‌های نمایشی داشته‌ایم؛ به گونه‌ای که اروپایی‌ها تعزیه را به دیده حیرت نگاه می‌کردند و آن را نشانه نبوغ هنری ایرانی‌ها که در جای دیگر کمتر سابقه دارد، می‌دانستند.»

وی با بیان اینکه تعزیه روی برنامه‌سازی داستانی برای تلویزیون تأثیر گذاشته، گفت: «اولین برنامه داستانی دینی که قبل از انقلاب اسلامی ساخته شد، «طفلان مسلم» بود که در خوزستان فیلمبرداری شد. طفلان مسلم گرت‌برداری از تعزیه دو طفلان مسلم بود و با اینکه کاری ضعیف بود، در دل مردم جا باز کرد.

پس از انقلاب اسلامی با وجود اینکه راجع به برنامه‌سازی دینی تردیدهایی وجود داشت، فریبرز صالح، اولین فیلم دینی را با نام سفیر ساخت که درباره فرستادن قیس بن مسخر برادر مسلم بن عقیل به کوفه بود. این فیلم متنی ضعیف و زبانی پرطمطراق داشت و از لباس‌های تئاترهای لاله‌زاری و تعزیه در آن استفاده شده بود. پس از آن وقتی عباس وکیل در بخش هنری بنیاد مستضعفان شروع

اقتصاد یک رکن مهم کار است. یگانه جایی که میلیاردها ریال پول خرج ساخت سریالی می‌شود که هیچ فروش نمی‌کند، ایران است؛ وگرنه در دنیا جدیدترین تکنولوژی‌ها و مجرب‌ترین کارشناسان در اختیار کسانی است که با توجه به وجه اقتصادی رسانه کار می‌کنند.

مهرماه ۱۳۸۹ / شماره ۶۹

سینما

۸۴

و گفت: «سریال‌های تاریخی-مذهبی که منطق درام در آنها نیست، به پاورقی مجلات شباهت پیدا کرده‌اند. وقتی در حوزه رمان ضعیف هستیم، اثرش را در فیلمسازی مذهبی هم می‌بینیم. اگر ما ندانیم حقیقت رمان چیست و به پاورقی‌نویسی بها دهیم، سریال‌های مذهبی‌مان هم ضعیف از کار در می‌آید. طراحی لباس، ساخت دکور، زبان گفت‌وگوها و فیلم‌برداری هر کدام یک دانش است که اگر صاحب این دانش‌ها نباشیم، نمی‌توانیم سریال بسازیم. وقتی اوایل انقلاب، «سفیر» و «سربداران» ساخته شد، به بهبود آن امیدوار بودیم؛ اما اگر بعد از ۳۰ سال هنوز همان‌جا باشیم، می‌توان پرسید چرا؟»

بنی اردلان با انتقاد از سریال‌های تاریخی مذهبی گفت: «مردم از سریال امام علی <sup>ع</sup>، قطام و از سریال امام حسن <sup>ع</sup>، معاویه را به یاد دارند؛ چون در واقع اینها قهرمانان فیلم هستند. گویی فیلمسازان حتی دانش مذهبی لازم را هم ندارند.»

این استاد دانشگاه تأکید کرد: «رمان نو برای پاسخگویی به مسائل امروز بشر و مبتنی بر محسوس‌بودن و درگیرکردن همه حواس مخاطب است. نکته مهم رمان نو، دیدنی کردن مفاهیم است که ذهنیات معادل بیرونی و محسوس پیدا می‌کند. در سینما هم به دنبال همین هستیم. تبدیل حُسن و عظمت معنوی امام حسن <sup>ع</sup> به معادل عینی دانش می‌خواهد و باید تلاش کرد این دانش‌های لازم را برای تولید سریال خوب به دست آورد.»

**جذابیت سریال‌های تاریخی برای مخاطب**  
مجید حسینی‌زاد، استاد دانشگاه و مدیر گروه تأمین برنامه شیکه سه سیما، یکی از دلایل روی آوردن فیلمسازان به ساخت سریال‌های تاریخی را جذابیت آن برای مخاطب خواند و گفت: «در سراسر دنیا این نوع فیلم‌ها فروش دارد.»

وی با اشاره به لزوم توجه به تحلیل در مقابل توصیف گفت: «معنای متن در ذهن مخاطب است. اوست که با پیشینه تاریخی و فرهنگی‌اش فیلم را می‌بیند؛ اما وقتی فیلمساز مخاطب را فعال نمی‌بیند، آسیب‌هایی مانند قهرمان‌کردن قطام و معاویه ایجاد می‌شود.»

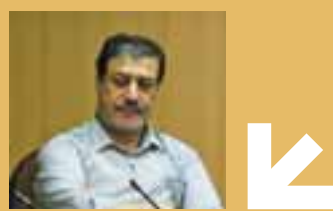
این مدرس دانشگاه دشواری زبان تصویر را در لزوم استفاده از نشانه‌های تصویری و نه قراردادی دانست و گفت: «زبان تصویر به‌شدت الکن است. هر چیزی داخل کادر و حتی چیزهایی که خارج کادر است، نشانه است. هر تصویر از بعضی نشانه‌ها مانند حرکت دوربین، نور و موسیقی تشکیل شده که یک نماد تلقیفی می‌سازند که در دین و تاریخ بسیار دقت می‌خواهد.»

وی تغییر مخاطب در سال‌های اخیر را یادآوری کرد و افزود: «در سریال‌های تاریخی-دینی ما به تغییر مخاطب توجه نمی‌شود. مخاطب امروز با اوپی که سال‌ها پیش تعزیه می‌دید، فرق می‌کند. همان‌طور که موسیقی سنتی به پاپ تبدیل شده است.»

### تحلیل ایدئولوژی به وقایع تاریخی

این مدرس سینما یکی دیگر از آسیب‌های این برنامه‌ها را ضعف پژوهش دانست و تشریح کرد: «تصویر، مجموعه‌ای از واقعیت و تخیل است. گاهی به دلیل ضعف پژوهش، تخیل طوری به کار مسلط می‌شود که واقعیت از بین می‌رود.»

آسیب جدی دیگر این است که ما داریم ایدئولوژی خود را به وقایع تاریخی تحمیل می‌کنیم. در یک سریال تاریخی، شیخ فضل‌الله نوری می‌گوید: «عده‌ای سکولار و غرب‌زده در توپخانه



اولین برنامه تلویزیونی در حوزه مذهب را من با کار روی عبیدالله بن عباس شروع کردم که در استودیو ۱۴ جام جم ضبط شد؛ بی‌درنگ بعد از آن این دست کارها ادامه پیدا کرد. آن زمان کارگردان‌ها کار مذهبی را کم‌مایه می‌دانستند و ترجیح می‌دادند کارهای اجتماعی بسازند. برنامه‌سازی در حوزه مذهب و تاریخ در تلویزیون در استودیوها و با ضبط سه دوربین آغاز شد و با رنگی شدن تصویر رونق گرفت.

فیلمنامه «همچون خاری در گلو» را برای شهادت علی بن ابیطالب <sup>ع</sup> در ۱۰ قسمت نوشتم که کار نشد. برای محرم که پیش رو بود برنامه می‌خواستند. آن وقت «روایت عشق» را کار کردم و با راهنمایی معصومه تقی‌پور تصمیم گرفتیم آن را در خراسان بسازیم. حدود ۴۰ روز در شهرهای مختلف خراسان با بازیگران محلی تئاتر و تعزیه کار کردیم و سرانجام در بیدخت گناباد کار کلید زده و انجام شد. بعد از روایت عشق، ترس از کار تاریخی مذهبی شکسته شد. بعد از آن داوود میرباقری امام علی <sup>ع</sup> را ساخت که برگرفته از دو منبع بود؛ یکی «همچون خاری در گلو» و یکی «فاجعه رمضان» جرجی زیدان.

جمع شده‌اند.» در حالی که این واژه‌ها اصلاً آن دوره به کار نمی‌رفت. ضعف پژوهش در همه این سریال‌ها دیده می‌شود. وقتی فیلمنامه قوی باشد، فیلم خوب درمی‌آید؛ مانند «روز واقعه» که چند نشانه جدید هم در آن تعریف شد؛ مانند اینکه در این روز خون از زیر سنگ در می‌آید.

در سریال‌های تاریخی-مذهبی به‌ویژه باید به زبان اشرف داشت تا گرفتار آسیب‌هایی مثل فیلم‌فارسی‌سازی نشویم؛ آن‌گونه که در «یوسف پیامبر» مخاطب فقط در ۱۰ قسمت نگران وصال یوسف و زلیخا بود.

ضعف پژوهش باعث می‌شود که در دام جذابیت‌های صوری کار بیفتیم. یک نکته مهم این است که نشانه‌ها فرهنگی هستند. موقع به‌کارگیری آنها باید مراقب باشیم که داریم با نشانه‌های تصویری مفهوم را نشان می‌دهیم.

قالب اثر هم اهمیت دارد. در نمایش تعزیه، انسان دچار نوعی رفتار جمعی می‌شود. بی‌اراده گریه می‌کند و شمر را لعنت می‌کند؛ اما اگر بخواهیم همین را با دوربین نشان دهیم، تقدس کار گرفته می‌شود و بیننده فقط می‌گوید، شمر از امام حسین <sup>ع</sup> بهتر بازی کرد!

برای جبران این کمبود باید از نشانه‌ها استفاده کرد. به قول رولان بارت وقتی بازآفرینی مکانیکی صورت می‌گیرد، هاله تقدس هنر از آن گرفته می‌شود.

### تقلید کورکورانه از سینمای دینی غرب

ما در سریال‌های دینی هنوز متوجه اختلاف متافیزیک در مسیحیت و دین خودمان نشده‌ایم. آنچه در مسیحیت وجود دارد؛ مثلاً زندگی انسان‌ها با ارواح را بازنمایی می‌کنیم؛ در حالی که برای ما ماده همان متافیزیک را متبادر می‌کند. موضوع بسیار مهم در همه آثاری مانند گمشده و اغما و... این است که شیطان آنها مسیحی است؛ مسلمان نیست.

برای ما شیعیانی که در کشوری زندگی می‌کنیم که یکی از قوی‌ترین سینماهای منطقه را دارد، مایه تأسف است که برای نشان‌دادن یکی از مهم‌ترین ایده‌هایمان که حضرت حجت بن الحسن <sup>ع</sup> است، به جز آفتابی که از زیر یک ابر پیداست یا آسیبی که به‌زور او را سر تپه می‌کشند، تاکنون نشانه‌ای نساخته‌ایم.

یکی از آسیب‌های برنامه‌های دینی ما این است که توصیف و تعریف دین در سینما داریم؛ اما نمایش دینی و سریال دینی نداریم. ناآشنایی به زبان و نداشتن هنر تبدیل واقعیت به نشانه‌های تصویری هم آسیب دیگری است. ساخت گسترده‌ای از اطلاعات و شناخت برای تولید فیلم دینی لازم است.

در سریال امام حسن <sup>ع</sup> کارگردان به جذابیت‌های سریال توجه کرده؛ اما به مخاطب‌شناسی نه. برای مخاطب ایرانی، زرنگ و عاقل‌بودن معاویه یک ارزش است؛ یا در سریال امام علی <sup>ع</sup> عمروعاص را چنان استراتژیست و سیاستمدار نشان می‌دهیم که برای مخاطب جذابیت پیدا می‌کند.

مشکل دیگر، توجه‌نکردن تحلیلی به تاریخ و دین و بسنده‌کردن به توصیف است. به طور کلی، برنامه‌های دینی ما یعنی داستان‌های صدر اسلام.

نام سریال امام علی <sup>ع</sup> را باید همان «همچون خاری در گلو» می‌گذاشتیم؛ چون می‌خواستیم برای مردم عصر حاضر بگوییم علی <sup>ع</sup> کیست. ■

موضوع بسیار مهم در آثاری مانند گمشده و اغما و... این است که شیطان آنها مسیحی است؛ مسلمان نیست. ما در سریال‌های دینی هنوز متوجه اختلاف متافیزیک در مسیحیت و دین خودمان نشده‌ایم.

# شما چرا...!

■ سیدمرتضی توکلی ■

من شوق دارم  
که اشکم بریزد  
و وقتی می‌ریزد  
بریزد به خاک گلدان حیاط خانه شما  
فرو برود لای ذرات عزیز خاکش  
و محو شود...  
\*  
من شوق دارم  
محو گل‌های حیاط خانه شما بشوم:  
جنب‌وجوش موجودات ریز باغچه‌تان  
-آه- ردیف گلدان‌های شمعدانی،  
و بوی گس آفتاب‌خورده‌شان  
صلاته ظهر  
وقتی شما قصد می‌کنید  
برای دست‌نماز به صحن خانه بیايید  
\*  
من شوق دارم  
ببینم قطره‌های آب احساس خوشبختی می‌کنند  
و همدیگر را بغل می‌کنند  
تا یکی شوند  
تا شما وقتی می‌خواهی مشتت را از آب پر کنی  
یک‌دفعه همه‌شان از خوشحالی جیغ بکشند  
من خندیدن قطره‌های آب را دوست دارم  
\*  
از حیاط‌تان می‌شود بدون اجازه انگور چید  
و دانه‌هایش را که از خوشه اتفاقی جدا می‌شوند  
از روی خاک برداشت  
بوسید و خورد  
\*

شوق دارم  
از ایوانتان  
برای کشتی‌های دریاها دست تکان بدهم  
و خیال کنم  
هزاران سال پیش...  
سکویی را در گوشه میدان اصلی شهر  
عصر روزی گذاخته از آفتاب  
پیرمرد خسته‌ای خواب است  
می‌شود پایش را با روغن دانه‌های آفتابگردان مالید  
و از تو هدیه گرفت  
\*  
اتاق‌های خانه خوب شما  
زمینشان روشن است  
پرده را که کنار می‌زنم  
تا خنکای پستوی اتاق را  
عبای نور می‌پوشاند  
و پرده را که می‌کشم  
می‌شود یکسر سکوت و سلام  
\*  
شما  
شما که این قدر خوبی  
شما که این قدر خوب‌تری، خوب‌ترینی  
شما که این قدر حیاط خانه‌تان پر از گیاهان همیشه پرشکوفه است  
حالا که ریشه همه گیاهان به نامتان است  
و می‌توانید روی فلس همه ماهی‌ها دست نوازش بکشید  
و ماه را شخصاً هر غروب در آسمان نقاشی می‌کنید  
چرا دستور نمی‌دهید حال احمد عزیزی خوب شود  
و برای زمین شعر بخواند؟



# راه باز است... سریع حرکت کنید

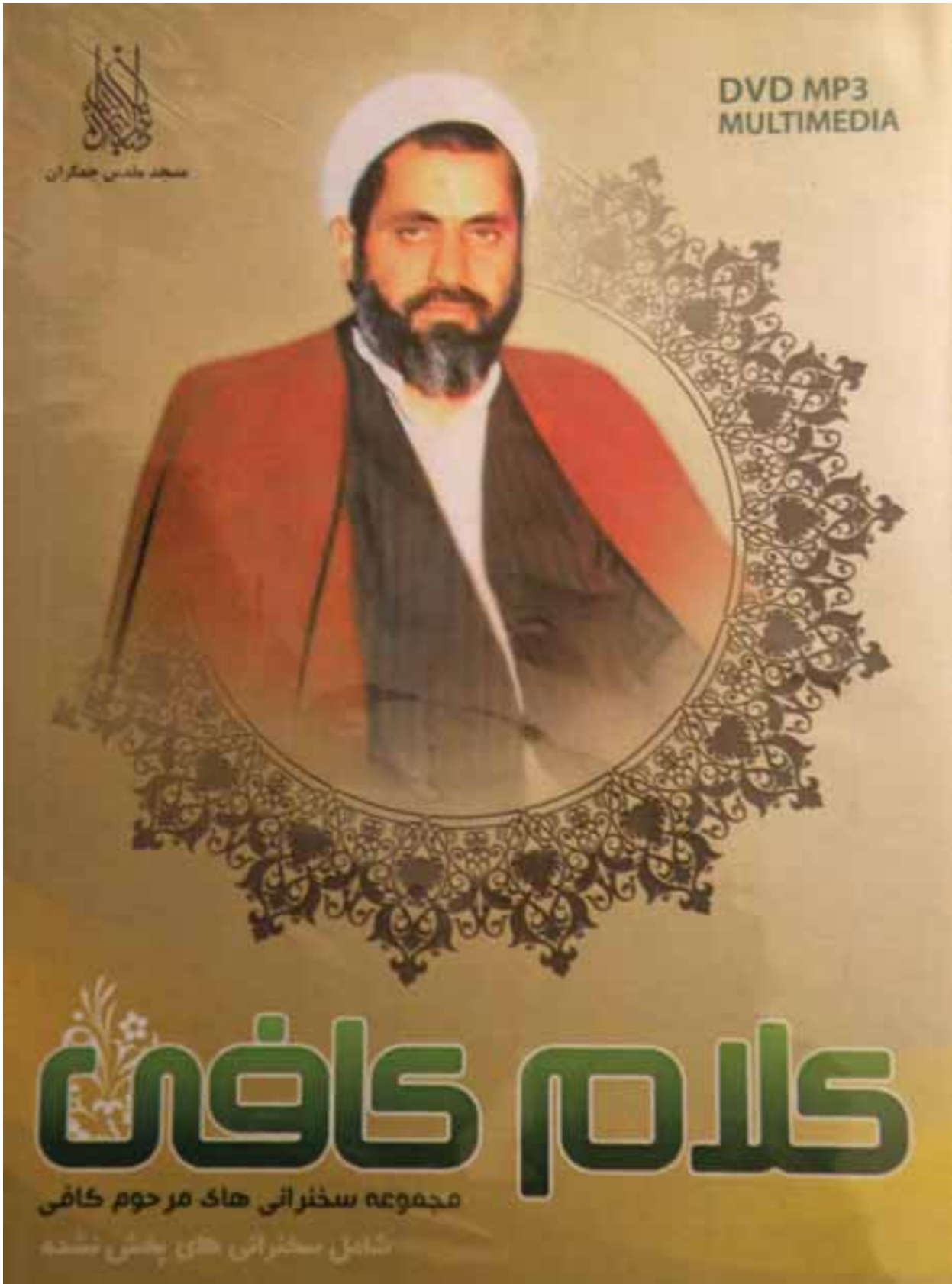
## برای مرد گمنام فارسی

زهرا نوری لطیف

خالی است.  
اما امام شوق چشم‌های شیبانش را می‌شناسد.  
آرام، جوری که تنها کنیز بشنود، می‌خواهد که  
سرپوش را بردارد.  
نفس کشیدن سخت‌ترین کار عالم می‌شود.  
کنیز روپوش را برمی‌دارد... از روی کودکی زیبا...  
پسری که به‌غایت باشکوه  
به جای چهره نادیده پسرک، کلمه‌ها را برای  
وصفش قاب می‌گیرد.  
امام به کودکی که چهره‌اش را نمی‌داند اشاره  
می‌کند.  
در دل به مرد التماس می‌کند که دقیق شود... که  
خطوط چهره کودک را به خاطر بسپارد.  
و به جای من و همه کسانی که ندیده‌اند نگاه  
کنند...  
امام می‌گوید: این است صاحب شما...  
راه برای مرد گمنام فارس باز است...  
منتظر می‌مانم تا مرد باز هم بگوید...  
اما ساکت است... حرف نمی‌زند...  
رسیده‌ام به سر سطر و مرد ساکت و آرام از کتاب  
شیخ بیرون می‌رود.  
بی‌هیچ قیل و قال... بی‌کوچک‌ترین ادعا و  
هیاوویی...  
راه برای کسانی که شبیه او هستند... باز است...  
باز باز!  
اصول کافی - کتاب الحجۃ ۸۵۵ (۶)  
الاشارة و النض الی صاحب الدار a

شور مرد را ببیند؛ شوقی که او را از فارس به سامرا  
کشانده.  
مرد سرش را پایین می‌اندازد، اشتیاقی که به خدمت  
شما داشته‌ام...  
امام به خدمت او را می‌پذیرند. کلمه‌های کتاب  
پشت پرده‌ای شفاف پنهان می‌شود. قند آب می‌شود  
ته دلم برای مرد گمنام فارسی...  
هم‌خانه امام شده است... بی‌آنکه بداند هم‌خانه دو  
امام شده است... امامی که بعدتر شیرینی دیدنش تنها  
سهم اندکی شد و حسرت دیدنش...  
می‌گذرند روزها و او هم‌خانه امام است هنوز...  
حسود شده‌ام... به کسی که حتی اسمش را هم  
نمی‌دانم بی‌اجازه وارد می‌شود... تعجب می‌کنم.  
چشم‌هایم را می‌بندم... به جای مرد اذن دخول  
می‌خوانم:  
اتاذن لی یا رسول الله  
اتاذن لی یا حجة الله / اتاذن لی یا...  
مرد منتظر اذن دخول من نمی‌شود. داخل  
می‌شود.  
امام هم انگار منتظر این ورود بی‌اجازه است هر چند  
که فریاد می‌زند: بایست و حرکت نکن!  
از آهنگ صدای امام، رمق از جاتم می‌رود...  
سست می‌شوم... می‌لرزم... کلینی اما از حال او هیچ  
نمی‌گوید.  
کنیزی وارد اتاق می‌شود، چیز سرپوشیده‌ای همراه  
دارد. از مقابل ما می‌گذرد.  
امام، مرد را صدا می‌زند... کنیز را هم... ته دلم

ما اسمش را نمی‌دانیم. فقط می‌دانیم که ایرانی  
است و اهل فارس... همین کافی است برای خواندن  
بقیه ماجرا... که مرد ایرانی است... زبان مرا می‌داند...  
لجه‌ام را می‌شناسد و شاید مهم‌تر از همه اینکه جنس  
دغدغه‌هایمان شبیه هم است... شاید هم یکی است.  
شیخ کلینی می‌نویسد: «مرد می‌رسد سامرا... می‌آید  
تا در خانه امام...» حسش نزدیک است به حالت آن  
روزهای کربلای من...  
کتاب را می‌بندم. حرف‌های کلینی ناتمام می‌ماند...  
سامرا با دیوارهای بلندش در من جان می‌گیرد...  
کاش می‌کارم... به امید آنکه سبز شود و برسانم  
دوباره به در خانه امام...  
امام، مرد را صدا می‌زند... شاید به اسم... اسم  
کوچک...  
تصورش هم لبریزم می‌کنند... لذت صلازندن کسی  
که برای دیدنش این همه راه آمده‌ای...  
صدایش می‌زند و مرد وارد می‌شود... زیر لب شکر  
می‌کند حتماً... بغض هم داشته باشد شاید...  
دلم می‌خواهد شوق بدود زیر پوستش... اما کلینی  
چیزی نمی‌گوید و دست مرا بازمی‌گذارد تا خیال  
بیافم... می‌دوم تا به مرد برسیم... به امام سلام می‌کنم.  
دوست دارم شکوه امام، مرد را دربر بگیرد... احاطه‌اش  
کند. سلام یادش برود اصلاً. اما شیخ یک سطر بالاتر  
گفته است که مرد سلام کرده است.  
امام که خط ناصیه مرد را می‌شناسد، باز می‌پرسد:  
«برای چه آمده‌ای؟»  
امام از بدیهیات می‌پرسد، شاید هم می‌خواهد



«کلام کافی»، مجموعه ۷۳ سخنرانی مرحوم کافی در قالب یک DVD است. از این مجموعه بعد از نماز عید فطر در مسجد مقدس جمکران رونمایی شد.



# مهر آمین



در خدمت ترویج نماز



دستگاه جلوگیری از شکایت نماز ساده و فله نمازدار



جای نیمه زمینی و دیواری



انواع مهر نماز در شکله و ابعاد مختلف



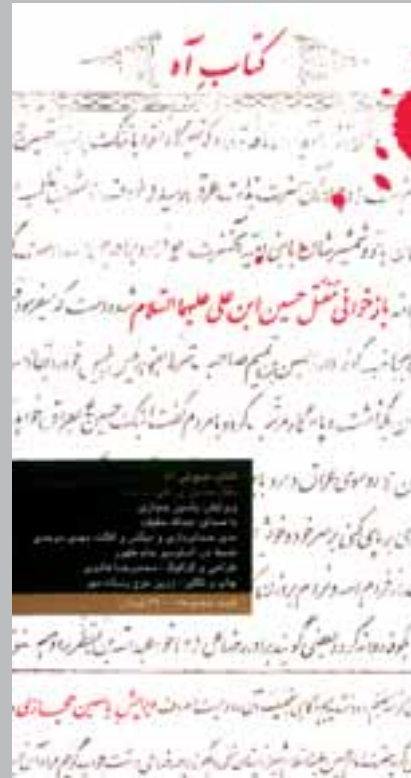
مهر نماز فله نمازدار



جامه‌ری مساجد و نماز خانه ها  
(در پنج اندازه مختلف)

تلفن: ۰۲۱-۵۵۶۲۷۲۸۲-۵۵۶۲۷۲۲۶-۰۲۱  
۰۲۱-۵۵۵۹۲۹۲-۵۵۳۰۹۲۰  
WWW.MOHREAMIN.COM

# کتاب صوتی آه



روایتی از مقتل امام حسین <sup>ع</sup> شامل وقایع پس از بیعت مردم با یزید ابن معاویه، خروج امام از مدینه و حرکتش به سوی عراق و وقایع کربلا تا بازگشتن خاندان حضرت حسین ابن علی <sup>ع</sup> - بی او - به مدینه.

مجموعه حاضر حاوی ۱۰ سی دی صوتی است از متن «کتاب آه»

کتاب آه حاصل بازخوانی و ویرایش مقتل «نفس المهموم» است. کتابی که غالب نقلهای صحیح مقاتل و کتب تاریخ را در خود گردآورده و جزء جزء حادثه قتل حسین بن علی <sup>ع</sup> را از شش ماه پیش تر تا چند ماه بعدترش ثبت کرده است. نفس المهموم را «محدث قمی» به زبان عربی تألیف و بیش از ۵۰ سال پیش، علامه ابوالحسن شعرانی به فارسی ترجمه کرد.

مؤسسه فرهنگی جام ظهور

نشانی: تهران - خیابان میرعماد - کوچه یازدهم - پلاک ۶ - طبقه ۲

تلفن: ۸۸۷۴۰۸۱۷

پست الکترونیک: E-mail: info@tahoor.com

نشانی اینترنتی: www.tahoor.com

# شرکت صباپویا

ارائه دهنده سیستم‌های صوتی حرفه‌ای



شرکت صباپویا در نظر دارد، به مناسبت پانزدهمین سالگرد تأسیس  
به ۱۵ نفر از خوانندگان مجله، به قید قرعه جوایزی اهدا نماید.

نمایشگاه و دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری، بعد از سی تیر، روبروی خیابان بابی ساندز، پلاک « ۵۰ » واحد ۷

تلفن: ۵۶۷۳۶۶۱۷ همراه: ۹۱۴۱۵۷۹۷۶۲

دفتر کارخانه: میدان خیابان ۲۲ بهمن، روبروی تقاطع خیابان شهید بهشتی، تلفن: ۹۴۹۰۷۷۲-۳۵۲

web site : <http://sabapooya.sme.ir> Email: [sabapooya@sme.ir](mailto:sabapooya@sme.ir)



صنایع الکترونیک افشار  
Afshar Electronic Industries

# سیستم های کنفرانس و صوتی هوراند

■ طراحی و نصب و راه اندازی سیستم های صوتی و تصویری  
و سایر تجهیزات سالن های کنفرانس و آمفی تئاتر  
■ تولید انواع آمپلی فایر - اکو - بلندگو  
میکروفن کنفرانس و لابراتوار زبان



SH-550 DC

SH-450 DC

SH-150DC  
( خاتم کاری )

CA1519-EIR مرکز کنترل و منبع تغذیه مدل

ساخت ایران - صنایع الکترونیک افشار ( هوراند ) **HORAND**

تلفن: ۰۳ - ۶۶۷۰۹۵۰۵ - ۶۶۷۰۹۲۳۱ (۰۲۱)

فکس: ۶۶۷۲۷۳۹۱ همراه: ۰۹۱۲۱۵۷۷۹۲۸

[www.horand.com](http://www.horand.com)

E - mail: [info@horandco.com](mailto:info@horandco.com)



هوراند بنا اعتماد و راهمبایی های شما بنا می داند

موسسه صوتی  
**بوی سیدب**

ارائه خدمات صوتی

Booye Sibe Audio Institute

EON

Audio Institute  
**Booye Sibe**  
[www.booyesib.com](http://www.booyesib.com)

تلفن: ۴۴۴۷۶۹۱۹ - ۲۱ + همراه: ۵۹۵۸۳۵۰ - ۹۱۲ + وب سایت: [www.booyesib.com](http://www.booyesib.com)  
آدرس: تهران - جنت آباد جنوبی - بالاتر از میدان چهارباغ - جنب بانک ملی - کوی پارک - پلاک ۴۵ - واحد اول



موتور برق گازسوز

# گرین پاور

دیگر نگران قطع برق در هیئت خود نباشید

با رایجه مجوز رسمی از تخفیف ویژه  
اماکن مذهبی بهره‌مند شوید



از گاز شهری و گاز مایع  
برق تولید نمایید



فقط موتور برق را به شیر گاز شهری یا کپسول گاز وصل نمایید

**G P I C O**

صنایع نیروگاهی پایا انرژی سبز  
واحد فروش: ۰۲۱-۶۶۹۱۳۳۱۲-۶۶۹۱۸۰۱۲  
[WWW.GREENPOWER.IR](http://WWW.GREENPOWER.IR)

### فرم نظر سنجی

نام: ... ..

نام خانوادگی: ... ..

۱. جنسیت: مرد  زن

۲. سن:

۳. گروه شغلی: دانشجو  کارمند  کارشناس  مدیر  پژوهشگر

۴. تحصیلات:

۵. سابقه و نحوه آشنایی شما با مجله چگونه است؟

۶. نحوه مطالعه مجله: به طور پیوسته  به طور اتفاقی

۷. شما انتخاب کدام زمینه تخصصی را به مجله پیشنهاد می کنید؟

(الف) عوام گرایی و خردورزی در دین به ویژه در مناسک عاشورایی

(ب) تبیین اهداف قیام عاشورا

(ج) پرداختن به مسائل و موضوعات مربوط به گروه های فعال در مناسک عاشورایی (هیئت ها، مداحان، منبری ها و...)

(د) هر سه مورد

(ه) موارد پیشنهادی دیگر: ... ..

.....

۸. به نظر شما خیمه میان نشریات دیگر چه جایگاهی می تواند داشته باشد؟

خوب  متوسط  ضعیف  نمی دانم

۹. در چه مواردی از مجله استفاده کرده اید؟

مطالعه عمومی  مطالعه تخصصی  پژوهش های علمی  پژوهش های موردی

۱۰. حجم مقالات را چگونه ارزیابی می کنید؟

بسیار زیاد  زیاد  کافی  کم

۱۱. تنوع عناوین و موضوع مقالات چگونه است؟

عالی  خوب  مناسب  کم

۱۲. سطح علمی مقالات مجله از نظر شما چگونه است؟

بسیار تخصصی  تخصصی  معمولی  غیر معمولی  بسیار پایین

۱۳. سطح کاربردی مقالات را چگونه ارزیابی می کنید؟

کاملاً مفید  مفید  در برخی موارد مفید  بی فایده  کاملاً بی فایده

۱۴. جای چه مطالبی را در خیمه خالی می بینید؟

.....

.....

۱۵. سبک نوشتاری و ویرایش مطالب چگونه است؟

بسیار خوب  خوب  متوسط  ضعیف

۱۶. خیمه را در پرداختن به مسائل و موضوعات روز تا چه حد موفق می دانید؟

بسیار موفق  موفق  متوسط  ضعیف

۱۷. تیترها و سوتیترهای انتخابی تا چه حد در تصمیم شما برای خواندن مطالب مؤثر هستند؟

بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم

۱۸. صفحه آرایی مجله را چگونه ارزیابی می کنید؟

بسیار خوب  خوب  متوسط  ضعیف

۱۹. طرح روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده است؟

بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم

۲۰. نظر شما در مورد قیمت مجله چیست؟ (هر شماره ۸۵۰ تومان)

بسیار گران  گران  متناسب  ارزان

۲۱. به نظر شما کدام فاصله زمانی برای انتشار، مناسب است؟

فصلنامه  ماهنامه  دو هفته نامه  هفته نامه

۲۲. مجله خیمه را چگونه تهیه می کنید؟

خرید از کیوسک  اشتراک  کتابخانه و اتاق های مطالعه  سازمان تبلیغات

۲۳. به نظر شما آیا ضرورتی برای انتشار نشریه ای با شرایط و ویژگی های مجله خیمه وجود دارد؟

بسیار ضروری است  ضروری است  موازی کاری است  نیازی نیست  شاید با تغییر شرایط انتشار، ضرورت آن احساس شود

۲۴. بهترین طرح جلد از نظر شما: شماره... . بهترین طرح صفحه از نظر شما: صفحه... . شماره... .

بهترین مقاله از نظر شما: صفحه... . شماره... . بهترین تیتر از نظر شما: صفحه... . شماره... .



## پست جواب قبول

نیازی به چسباندن تصویر نداره  
هزینه پست بر اساس قرا داد شماره ۳۷-۳۷۱۸۴ پرداخت  
شده است.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۴۱-۷۷۵۱۴۲۳

## فرم اشتراک

فرم اشتراک ماهیانه حیمه

ما به عاشقان سیدالشهدا اعتماد داریم



پست سفارشی



پست عادی

۶ شماره ۷۵۰۰۰ ریال

۶ شماره ۵۱۰۰۰ ریال

۱۲ شماره ۱۵۶۰۰۰ ریال

۱۲ شماره ۱۰۲۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیمیا (بانک ملی) **۰۱۰۱۲۸۹۰۰۰۴۰۰۱** به نام مرتضی وافی، قابل پرداخت در کلیه شعب سراسر کشور واریز نمایید. فرم اشتراک را دقیقاً تکمیل نموده، و به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۴۱-۷۷۵۱۴۲۳

مشخصات فرستنده: نام و نام خانوادگی: .....

استان: .....

شهرستان: .....

آدرس دقیق پستی: .....

.....

.....

تلفن: .....

کد / صندوق پستی: .....

شماره و تاریخ فیش واریزی: .....